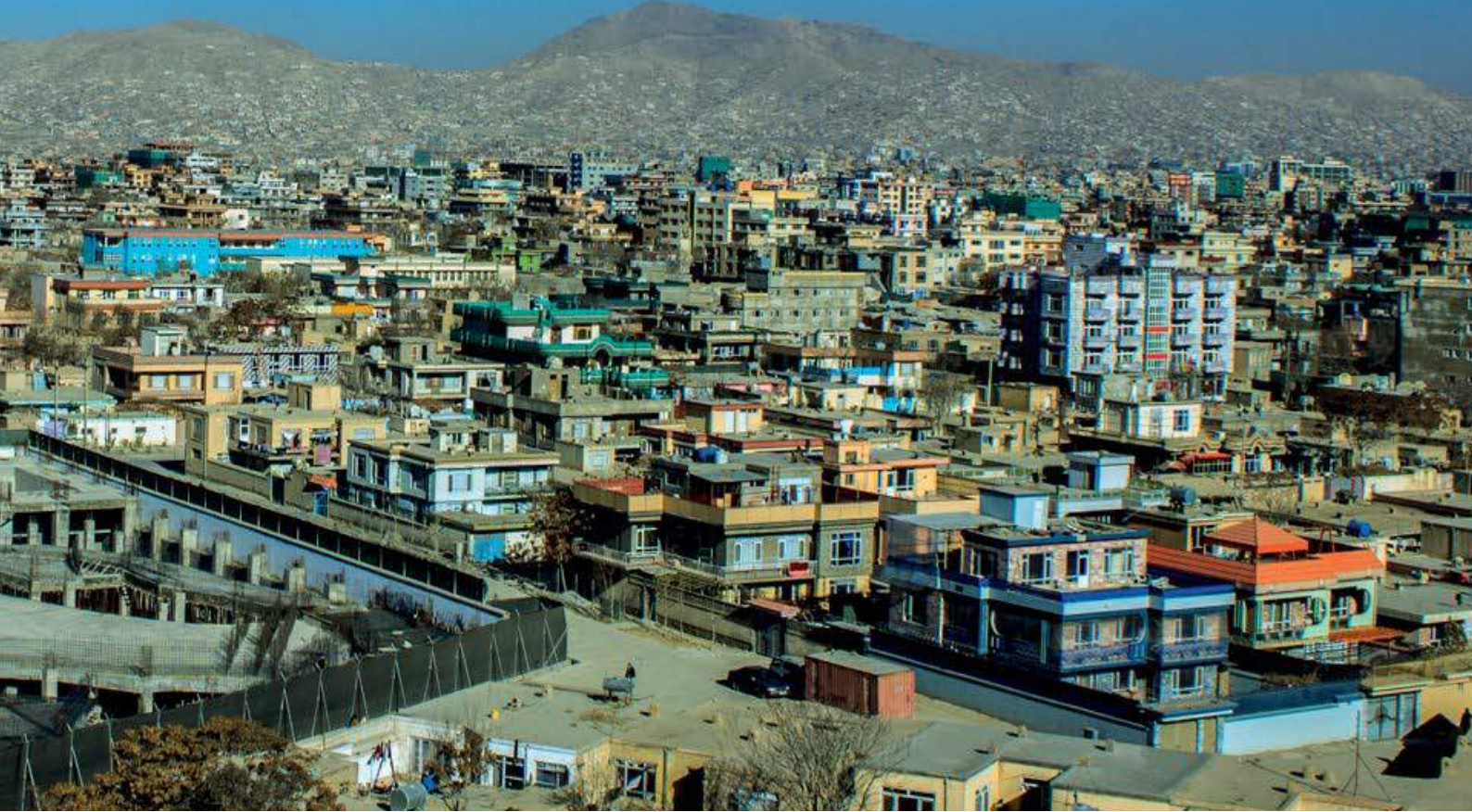


وضعیت شهرهای افغانستان

۲۰۱۵

بخش اول



Ministry of
Urban Development Affairs
Islamic Republic of Afghanistan

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
اداره مستقل از کابینان محلی



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د سیمه ییزو لګونو خپلواکه اداره

Government of Islamic Republic of Afghanistan
Independent Directorate of Local Governance



Kabul Municipality
Islamic Republic of Afghanistan



عکس روی صفحه: سید امان سادات

دیزاین و صفحه آرایی: سید امان سادات و محمد احسان سعادت، اسکان بشر ملل متحد-هیئات

رفع الزام: دیزاین، طرح، پیشکش معلومات و مواد نهفته درین گزارش به هیچ وجه دلالت بردیدگاه سکرتریت ملل متحد در قبال وضعیت حقوقی، قانونی هیچ کشوری، منطقه بی، شهری ویا مقامات حاکم در آنها ندارد، و نیز در تعیین حدود مرزها و سرحدات نقشی ندارد. نظریاتیکه درین گزارش به نشر رسیده است انعکاس دهنده دیدگاه دفتر اسکان بشر ملل متحد نیست. و نیز نظریات ملل متحد، دولت های عضو، دولت استرالیا و یا هم پروگرام کمکی استرالیا، را در قبال موضوعات فوق دربر نمیگیرد.

مأخذ و منابع درین گزارش شاید بدون اجازه به نشر رسیده باشند، اما این درحالیست که از منبع و موخذ مذکور یادآوری صورت گرفته است.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان ۲۰۱۵، وضعیت شهرهای افغانستان ۲۰۱۵. GoIRA کابل.

وضعیت شهرهای افغانستان

۲۰۱۵

بخش اول

پیشگفتار محترم وزیر

وزارت امور شهرسازی

شهرها دارای پتانسیل بسیار خوبی برای بهبود معیشت، بلند بردن رشد اقتصادی و فراهم سازی مسکن قابل تهیه و مصئون و خدمات مناسب میباشد. با ادامه روند شهرنشینی در شهرهای افغانستان که در چند دهه بعدی اتفاق خواهد افتاد، فرصت بزرگی را برای ترویج انکشاف شهری بوجود می آورد، که انکشاف مذکور پایدار، متعادل و سازمان دهنده رشد اقتصادی میباشد.

اولویت های دولت وحدت ملی افغانستان برای سکتور شهری بسیار واضح و آشکار می باشد. چهارچوب 'تحقق متکی بخود' را که در کنفرانس لندن در سال ۲۰۱۴ ارایه گردیده، صریحاً بیان میدارد که شهرها از جمله محرکین انکشاف اقتصادی می باشند. وزارت امور شهرسازی در حال تهیه پیش نویس برنامه اولویت ملی شهر را همراه با برنامه انکشاف جامع شهری رهبری مینماید. این هردو با هم یکجا اساس آینده پایدار شهری را فراهم می سازد.

اما، در افغانستان در قسمت ساحات شهری معلومات اساسی وجود ندارد، در این مورد یا معلومات کهنه بوده و یا این که معلومات مذکور شریک ساخته نشده است. بناءً، وزارت امور شهرسازی، در راستای هدایت فعالانه رشد شهرهای افغانستان و در استفاده از روند شهرنشینی بحیث محرک انکشاف به چالش مواجه شده است.

گزارش وضعیت شهرهای افغانستان ۲۰۱۴/۱۵ اطلاعات مفید و حیاتی را قبلاً فراهم نموده است. این گزارش اطمینان خواهد داد که نتایج آن مفید و عملی بوده، و انعکاس دهنده واقعیت های عینی در سراسر کشور میباشد.

اینجانب مخلصانه از همه همکاران برنامه، دولت استرالیا، دفتر اسکان بشر ملل متحد برای حمایت وزارت امور شهرسازی در تطبیق این برنامه اظهار تشکر مینمایم. بدون شک که این برنامه قبلاً فواید فوق العاده خویش را تثبیت نموده است. اطلاعات این برنامه و همچنان- ظرفیت افزایش یافته ما بخاطر نظارت و پلانگذاری بهتر شهری و پالیسی سازی- بصورت مداوم بخاطر بهبود زندگی مردم افغانستان، ادامه خواهد داشت.

جلالتمآب سعادت منصور نادری، وزیر امور شهرسازی



پیشگفتار محترم رییس عمومی

اداره مستقل ارگانهای محل

اداره مستقل ارگان های محلی افتخار دارد که در انکشاف و تطبیق این برنامه مشترک نقش پیشتازی را ایفا مینماید. وضعیت شهرهای افغانستان ۲۰۱۴/۱۵ روی یکی از الزامات اساسی اداره مستقل ارگان های محلی تمرکز مینماید: نظارت بر ۳۳ شاروالی ولایتی و بیش از ۱۵۰ شاروالی ولسوالی ها تحت رهبری ریاست عمومی امور شاروالی ها .

چالشهای که آینده شهری افغانستان از لحاظ پلانگذاری و مسکن شهری با آن مواجه میباشند، بهمان اندازه فراروی حکومتداری محلی نیز میباشند. برای بیش از یک ربع جمعیت افغانستان، شاروالی منحیث اولین مرجع تماس "تصویر روزمره دولت" در نگاه مردم میباشند.

این گزارش هم چالش های بزرگ و هم فرصت ها را در رابطه به حکومتداری شاروالی هویدا میسازد. چالشها شامل ظرفیت و منابع ناکافی، فساد، نابرابری جنسیتی و شفافیت و حسابدگی محدود میباشند. فرصت ها شامل تعهد برای بالا بردن سطح عواید محلی و توانایی برای رسیدن به فیصدی قابل چشم گیری نفوس با مصئونیت سرپناه و خدمات بهبود یافته میباشند.

اداره مستقل ارگانهای محلی بخاطر بهبود ظرفیت، شفافیت و حسابدگی اداره شاروالی متعهد باقی میماند. با ارائه یک تصویر مفصل ۳۴ شاروالی ولایات افغانستان این گزارش گام مثبتی به سوی گذاشتن تهدابی برای انتخابات شاروالی، بهبود شفافیت استخدام کارمندان در شاروالی و مسایل مالی و برنامه ریزی بهتر و هماهنگی عرضه خدمات شاروالی میباشند.

جلالتمآب محترم غلام جیلانی پوپل، رییس عمومی اداره مستقل ارگانهای محل



پیشگفتار محترم شاروال کابل

شاروالی کابل

شاروالی کابل مرجع بخش اعظمی از مجموع جمعیت مشترک شهری افغانستان است. در جریان دهه گذشته شاهد گسترش قابل ملاحظه ای بوده و در رشد اقتصاد ملی، ثبات و اعمار مجدد کشور سهم ارزنده ی داشته است.

مطالعات متعددی از شهر کابل در طول دهه گذشته انجام گرفته با این حال، هیچ یک از مطالعات انجام شده به پیمانانه تجزیه و تحلیل دقیق و جامع فعلی از وضعیت موجوده صورت نپذیرفته است. مزید بر آن، هیچ یک از مطالعات یا تحقیقات مذکور کابل را با شهرهای عمده دیگر در کشور مستقیماً مقایسه نکرده است، تا باشد که به اساس آن وجوه تشابه و تفاوت آنها از لحاظ ابعاد کلیدی مانند استفاده ارضی، دسترسی به خدمات و خصوصیت های اقامت و کثرت نفوس دانسته شود.

یافته ها و مجموعه داده های که از این پروگرام بدست آمده از ارزش زیادی برای شاروالی کابل برخوردار میباشد. استفاده ارضی و نقشه های خانه بخاطر پلانگذاری تفصیلی هر ناحیه (ناحیه شهری) در نظر گرفته شده است که این مسأله در رهنمایی سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی، بهبود جمع آوری عواید شاروالی (به ویژه صفایی/ مالییه ملکیت) کمک نموده و ارتباط امور بهسازی مبتنی-بر-شورا ها را به پیمانانه وسیع تر با سرمایه گذاری های بهسازی شهری تامین نمایند تا تأثیرات شانرا به حد اعظمی برسانند.

جای اندکی تاسف است که این فعالیت یک دهه پیش انجام نپذیرفته تا یک ارزیابی مبنایی قبلی را میداشتیم و بدینگونه قادر به پیگیری چگونگی تغییرات کابل در جریان ده سال گذشته میبودیم.

علی الرغم آن، با آموزش این درس، شاروالی کابل متعهد به تطبیق این فعالیت به شکل منظم (حد اقل طی هر ۵ سال) میباشد، تا اینکه تغییر شهری را در شهر نظارت کرده و تاثیر خویش را در بهبود دسترسی به زمین و مسکن مناسب، معیشت، و خدمات اساسی برای ساکنین کابل، آشکار سازد.

جلالتمآب عبدالاحد واحد، سرپرست شاروالی کابل



خلاصه موضوع

این گزارش اولین ارزیابی موثق و جامع مراکز شهر ۳۴ ولایت افغانستان میباشد. گزارش مذکور یک دست آورد مهم فعالیتهای یک ساله این برنامه میباشد. برنامه وضعیت شهرهای افغانستان سال ۲۰۱۴/۱۵ به کمک سه همکار: وزارت امور شهر سازی، اداره مستقل ارگان های محل و شاروالی محترم کابل، با کمک تخنیک موسسه محترم برنامه اسکان بشری ملل متحد (ملل متحد-هیبیتات) و به کمک مالی دولت آسترلیا، تهیه و تطبیق گردیده است.

این پروگرام روش تحلیل خلاقانه، قابل اعتماد و مقرون به صرفه را برای وضعیت شهرهای عمده افغانستان، تدوین نموده است. برنامه متذکره برای بدست آوردن معلومات کلیدی اسکان از تصاویر ماهواره ای نهایت شفاف استفاده نموده است. این معلومات با بررسی های ساحه و ورکشاپ های شهری با شرکای محلی برای دقت معلومات و ایجاد ظرفیت های بشری و نهادی بخاطر نظارت و استفاده از معلومات بهبود یافته شهری میباشد.

رویه همرفته، این گزارش نشان میدهد از آن جایی که "آجندای شهری" به پیمانیه وسیع آن در دهه گذشته به باد فراموشی گذاشته شده است، شهرهای افغانستان به صورت اتفاقی و عاری از برنامه، با دسترسی محدود به خدمات اساسی باکیفیت مقرون به صرفه، و با ابعاد محرومیت اجتماعی-اقتصادی قابل ملاحظه ی رشد کرده است. بخاطر رهنمایی های انکشاف شهری، پالیسی ها و مقررات کافی ملی بسنده نبوده، از یک طرف پلانهای محدود واقعینانه که برمبنای نقشه فضایی استوار باشد و از طرف دیگر اداره ضعیف شاروالی، باعث گردیده تا زمینه عرضه خدمات منصفانه و سهم گیری موثر انتقال اجتناب ناپذیر اسکان شهری که کشور به آن مواجه است، فراهم نشود.

این پروگرام و گزارش همراه آن در فرصت مناسبی بدست می آید. آجندای شهری توسط دولت وحدت ملی افغانستان منحنی محرک انکشاف اقتصادی و اجتماعی صریحا در اولویت قرار گرفته است. این موضوع نشان میدهد که اسکان شهری یک واقعیت اجتناب ناپذیری میباشد که میبایست مدت ها قبل تحقق می یافت.

شهر نیشینی یک مشکل نیست که باید حل شود، در صورتی که این کار به شکل درست آن انجام شود، ابزار موثر و محرک رفاه، ثبات سازی و دولت سازی میباشد. مبنای استفاده از شهر نیشینی مستلزم معلومات دقیق و به موقع میباشد که به اساس آن تصامیم پالیسی و پلانگذاری بنا می یابد. گزارش دست داشته در این راستا قدمی را به جلو میگذارد.

ما شهرها را بخاطر انکشاف منحنی محرکین اقتصادی در نظر خواهیم داشت. برای این که چنین کاری را انجام دهیم، به بهبود وضعیت زندگی و عرضه خدمات در مراکز شهر، نیاز داریم.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۱۴) تحقق اتکای خودی، کنفرانس لندن در مورد افغانستان

پیام های کلیدی

اسکان و مسکن گزینی شهری در افغانستان عمدتاً به شکل غیر رسمی و نامنظم بوده. شهرها بدون داشتن نقشه مکانی و جغرافیایی موثر و دسترسی محدود به زمین، به شکل سریع آن گسترش یافته است. نتیجه بدست آمده یک شهر غیرمنظم با جمعیت پراکنده کم تراکم، فضای اجتماعی نابرابر و دارای نواقص عمده زیربنایی میباشد.

با آن هم هنوز شهرهای افغانستان دارای منبع مهم انکشاف اجتماعی و اقتصادی میباشد. فعالیت اقتصادی شهری مانند ارایه خدمات که در حال حاضر ۵۰ فیصد تولید ناخالص داخلی، ۲۵ فیصد بخش زراعتی (پایین تراز ۵۰ فیصد سال ۲۰۰۲)، را تشکیل میدهد. جوامع شهری و شهروندان بخاطر رهبری رشد همجواری و مساعی ایجاد صلح محلی، از خود ظرفیت عمده ی را نشان داده اند.

البته که مبارزه علیه پیامدهای جانبی اسکان شهرایجاب تغییراتی را مینماید. پالیسی ملی اصلاح شده و چهار چوب قانونی و مقرراتی درکنار ظرفیت افزایش یافته و صلاحیت شاروالی ها بخاطر اجتناب از "عدم مداخله" رسمی رشد شهری برای یک دهه دیگر و ساز و برگ دادن شهرها منحنی محرکین انکشاف اقتصادی و اجتماعی، دراین راستا یک امر ضروری میباشد.

- شهرهای افغانستان در حقیقت گردانندگان چرخ انکشاف اجتماعی- اقتصادی، حکومت داری خوب و تامین صلح هستند، اما هنوز محدودیت های قابل توجهی در زمینه پالیسی موثر شهری و چارچوب قانونی، سرمایه گذاری های ناکافی و ناهماهنگ و بلاخره حکومت داری شهری و مدیریت ضعیف اراضی، در قبال آن وجود دارد.

افغانستان از لحاظ جغرافیوی نسبتاً دارای ساختار مکانی و جغرافیایی متوازن شهری میباشد اگرچه کابل تقریباً ۴۱ فیصد جمعیت شهری را بخود اختصاص داده است. کابل و چهار مرکز منطوقی هرات، مزارشریف، کندهار و جلال آباد ماوا ی ۶۹ فیصد جمعیت شهری را تشکیل داده اند.

مزید براین پنج شهرهای بزرگ، هشت شهر تجارتي و ترانزیتی مثل لشکرگاه، کندز، تالقان، پلخمری، شبرغان، زرنج، میمنه و غزنی نیز دارای جمعیت عمده بوده و مراکز مهم اقتصادی و ترانزیتی منطقه میباشد.

مراکز ولایتی و روستا های شهری نسبتاً داری جمعیت کوچکتر میباشد، با وجود آن هم جمعیت متذکره نظر به سابق در اکثر موارد در مراکز مذکور بیشتر میباشد.

مداخله ها باید متناسب با نوعیت (تایپولوژی) خاص شهرها صورت گیرد؛ باید در کابل، مراکز منطوقی، مراکز اقتصادی و ترانزیتی، مراکز ولایتی و روستا های شهری، مداخلاتی در نظر گرفته شود. بخاطر فراهم سازی زمینه رشد متوازن و منصفانه از لحاظ جغرافیایی و مکانی در دهه های پیشرو در "سیستم شهرها" باید یک ستراتیژی ملی جغرافیایی و مکانی بوجود آید تا به این ترتیب از فشار بالای شهر کابل کاسته شود.

- مراکز ۳۴ ولایت ماوا ی بیشتر از هشت میلیون افغان میباشد که تقریباً یک سوم حصه مجموع نفوس را تشکیل میدهد.
- در حالیکه کابل به شکل سرسام آور آن بزرگ میباشد، بر علاوه مراکز منطوقی و مراکز انتقالی و تجارتي ماوا ی جمعیت های عمده شهری را تشکیل میدهند.

حد اوسط ۲۷ فیصد ساحات آباد شهرها نمرات و زمین های خالی و سفید میباشد (زمین هاییکه به نمرات و چهار دیواری ها تقسیم شده اما تا هنوز اشغال نشده است) و این خود یک دهه غضب زمین، فروش زمین توسط شاروالی ها و خرید و فروش زمین توسط سکتور خصوصی را انعکاس میدهد. زمین های خالی متذکره برای اسکان ۴ میلیون جمعیت دیگر مساعد میباشد. با این حساب فضا برای توسعه شهر تا ۱۰ سال آینده هنوز وجود دارد.

زراعت سکتور مهم شهرهای افغانستان را تشکیل میدهد، به صورت اوسط ۳۴ فیصد مجموع زمین شاروالی را زمین زراعتی تشکیل میدهد.

فقدان پلان گذاری پیشرفته بخاطر رهنمایی شیوه های رشد شهری به این معنی است که شهرهای افغانستان فاقد نمونه های کافی مکانی و جغرافیایی و فضای دولتی میباشد، به گونه مثال، شبکه جاده صرفاً دربرگیرنده ۱۰ فیصد ساحه آباد شهری بوده و صرفاً ۱.۴ فیصد آنرا پارکها و میدان های سپورتی تشکیل میدهد.

درکنار چالش های اساسی شهری دیگر افغانستان، چالش زمین به شمول غضب زمین، استفاده ناکافی اراضی (زمین های خالی)، نا امنی در حق تصرف در ساحات غیر پلانی (۷۰ فیصد ساحات رهایشی)، دسترسی محدود به زمین دارای موقعیت خوب برای اعمار سرپناه با عواید سطح پایین و متوسط خانواده ها، زمین های ناکافی برای فعالیت اقتصادی و تمویل زمین های تحت انکشاف برای عرضه خدمات محلی، موضوع عمده ی را تشکیل میدهد.

برای رسیدگی به مشکلات زمین های متذکره در مورد پلانگذاری ستراتیژیک مکانی و جغرافیایی و اداره و مدیریت بهتر اراضی، تجهیز بهتر شهری و فضای دولتی و تشویق تهیه و تدارک زمین مقرون به صرفه برای استفاده های محلات رهایشی، صنعتی و تجارتي، داشتن یک برنامه ملی منحیث یک نیاز فوری به حساب می آید.

- شهرهای افغانستان دارای صورت استفاده منحصر به فرد و نمونه های خاص مکانی بوده که یک دهه رشد و توسعه نا منظم و خودسر بدون مداخله مراجع مربوطه را نشان میدهد.
- حالآنکه هنوز هم ظرفیت بالقوه و فضای شهری برای توسعه دادن به شهر دران وجود دارد، مثلاً با استفاده از زمین های سفید و خالی داخل شهر.

بخش اسکان شهری ۹۶۲،۴۶۷ واحد مسکونی است که عمدتاً مشتمل است بر خانه های نامنظم و دامنه تپه (بالترتیب ۵۴ فیصد و ۷ فیصد) و ۳۱ فیصد خانه های منظم میباشد. اپارتمان ها صرفاً ۴ فیصد بخش سرپناه ملی شهری را تشکیل داده است که اکثراً در شهر کابل و مراکز منطوقی قرار دارد.

شهرهای افغانستان به مقایسه نورم های بین المللی دارای سطح پایین تراکم جمعیت در محلات رهاپشی (حد اوسط ۱۹ واحد مسکونی در یک هکتار؛ در هر هکتار ۱۴۲ تن) میباشد. این رقم گزینه های ترانسپورت دولتی مفید را محدود ساخته و هزینه عرضه خدمات را به شکل گسترده آن بالا میبرد.

دسترسی به منابع آب آشامیدنی صحتی در شهرها نسبتاً بالا میباشد (۷۱ فیصد)، با آنهم هنوز کیفیت آب در این راستا از اهمیت زیاد برخوردار میباشد. تنها ۱۴ فیصد ساکنین شهری به شبکه پایپ آب وصل میباشند.

دسترسی به بهداشت بهتر در سطح پایین (۲۹ فیصد) میباشد، هیچ یک از شهرهای افغانستان سیستم فراگیر فاضلاب ندارد.

مدیریت نظیف (کثافات) یکی از واضح ترین کاستی های اداره شاروالی بوده و بزرگترین مصرف اداره متذکره را تشکیل میدهد.

از طریق پروژه تنظیم مبتنی بر جامعه که امنیت حق تصرف، زیربنا و خدمات مربوطه را بهبود میبخشد، بخاطر رشد بخش تهیه سرپناه به شکل غیرعادی، امکان بالقوه عظیمی وجود دارد.

برای پاسخگویی به تقاضای جدید تهیه سرپناه ترکیبی از گزینه های تهیه سرپناه لازم است (مثلاً زمین های بهره برداری شده، ساخت و ساز افزایشی تهیه مسکن) که این امر به کمک پالیسی واضح زمین / تهیه سرپناه ملی شهری و قابل دسترس گذاشتن زمین برای خانواده های دارای عاید متوسط و پایین، به شمول عودت کنندگان و اشخاص بیجا شده داخلی، ترغیب و تشویق میگردد.

اکثریت عظیم افغان های متوطن در شهر، در سطح پایین خدمات، سرپناه غیر پلانی با تضمین اندک امنیتی و دسترسی بسیار نادر به خدمات اساسی مانند آب و بهداشت، قرار دارند. این مسأله ناشی از وجود نداشتن بدیل های رسمی موفق و سطح پایین سرمایه گذاری در خدمات اساسی شهری، میباشد.

نظر به فقدان نظارت موثر فرایند اسکان شهری، دهه گذشته شاهد فقر و افزایش نابرابری در مناطق شهری بوده است. تقریباً یک سوم حصه جمعیت شهری در فقر زندگی مینماید (۲۹ فیصد، اضافه تراز دو میلیون افغان)، جمعیت مذکور از دسترسی به زمین های دارای موقعیت مناسب، تهیه مسکن و خدمات محروم اند.

نابرابری جنسی یکی از چالش های عمده در شهرها میباشد که زنان و دختران به موانع ساختاری شان در امر سهم گیری آنان در حیات اجتماعی و اقتصادی شهری، مواجه اند. بیسوادی انات شهری (۶۲ فیصد) بوده که دوچند بیسوادی مردان (۳۱ فیصد) میباشد، میزان سهم گیری نیروی کاری زنان در شهرها صرفاً ۱۳ فیصد بوده که کمتر از یک سوم حد متوسط ملی (۱۹ فیصد) میباشد.

شهرها خانه بی برای تعداد نا متجانس جوانان (سنین بین ۱۵ و ۲۴) میباشد که تقریباً ربعی از جمعیت شهری را (۲۳،۶ فیصد) را تشکیل میدهد که بصورت قابل ملاحظه آن بالاتر از سطح ساحات روستایی (۱۷،۸ فیصد) میباشد. در حال حاضر، شهرها قادر نیستند تا زمینه های اشتغال را متناسب به تقاضای موجود فراهم نمایند، که در نتیجه جوانان به این گونه از حق رای شان محروم میشوند.

از سال ۲۰۱۴، چالشهای فقر شهری بدتر شده است، این موضوع قسماً ناشی از پایین آمدن حضور نیروهای بین المللی در افغانستان بوده که مطابق آن اقتصاد افغانستان نیز گراف نزولی خود را میپیماید. خانواده های فقیر شهری، اشخاص بیجا شده داخلی، عودت کنندگان و خانواده هایی میباشند که سرپرستی آن را زنان به عهده دارند و کتگوری های مذکور به شکل مستمر آن از این تغییرات اقتصاد بزرگ متأثر گردیده اند.

تجربه نشان داده است که مالکیت اجتماعی یک عنصر ضروری مداخله برای کاهش فقر در شهر میباشد. شوراهای انکشاف محلی بخاطر سازماندهی، یافتن راه حل برای مجموع تغییرات اجتماعی و تغییرات زیربنایی و سهم گیری بخاطر مساعی ایجاد صلح، ظرفیت بزرگی را از خود نشان داده است. این انرژی نهفته نیاز دارد تا با مشارکت بیشتر چهارچوب اداره شاروالی سازو برگ بیشتر پیدا نماید و در همه شهرها به نسبت ثابت آن گسترش یافته است.

شهرهای افغانستان به چالشهای قابل ملاحظه ی به شمول فقر، نابرابری، محرومیت اجتماعی، بیکاری جوانان و نابرابری جنسیتی روبرو میباشند که این همه ناشی از اداره ضعیف و تمرکز ناکافی بالای شکل دهی و فرایند فقر شهری میباشد.

چالش کلیدی که افغانستان به آن مواجه است، چگونگی مدیریت و رهبری این تغییر سریع و روند اجتناب ناپذیر شهری میباشد تا زمینه اطمینان از حفاظت محیط، فرصت های کافی اشتغال و معیشت متناسب به تقاضا، عرضه خدمات منصفانه، دسترسی به زمین و تهیه سرپناه و انکشاف متوازن روستایی - شهری تأمین شده باشد.

در شهرها ظرفیت و فضای کافی وجود دارد که رشد جمعیت را تا دهه بعدی که پیشرو است، در خود جا بدهد. به گونه مثال، پنج شهر بزرگ میتواند ۳.۶ میلیون جمعیت دیگر را بدون لازم داشتن به اراضی و زمین های دیگر، در خود جای دهد، فقط با استفاده از زمین های سفید و خالی که در داخل شهر وجود دارند.

یک چهارچوب واضح ملی (مثلاً پالیسی اسکان شهری ملی) برای ترغیب انکشاف متوازن و تمویل افزایش یافته بین المللی، ملی و شاروالی مستلزم ستراتیژی فضایی انکشاف شهری، به ویژه زیربنا و خدمات شهری، میباشد.

برای انکشاف برنامه ها و آشنایی با دینامیک بهتر مناطق شهر، نیاز است تا ارتباطات شهری و روستایی را تنظیم کرده و رشد منظم شهرها را تشویق شود که این امر مزایای اقتصادی را افزایش داده و تأثیرات منفی محیطی را کاهش میدهد.

برای پرورش چنین شهرهای شامل، مصون و شگوف، نیاز به ساختار های اداری قوی و حکومت داری شهری میباشد. و همچنان یک دقت واضح بالای ساحات فقیرنشین و جهت دهی آن بسوی انکشاف هر چه بیشتر.

آینده افغانستان با زندگی شهری گره خورده، انتظار میرود تا طی ۱۵ سال آینده جمعیت شهرهای افغانستان دوچند گردد و در سال ۲۰۶۰ این جمعیت به ۵۰ فیصد زندگی شهری تبدیل شود. اسکان شهری میتواند منبع انکشاف باشد، که نه تنها به سادگی مشکلی است که باید حل و فصل شود. تبدیل اجتناب ناپذیر اسکان شهری فرصت ها و چالشهایی داده شده در شکل فعلی و ساختار شهرهای عمده، آرایه مینماید.

کلمات اختصاری

وزارت فواید عامه	MoPW	عناصر ضد دولت	AGEs
وزارت انکشاف امور شهری	MUDA	اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان	AISA
پلان عملیاتی ملی برای زنان افغانستان	NAPWA	ستراتیژی انکشاف ملی افغان	ANDS
شورا های نواحی	NCs	اداره مسؤول زمین های افغان	ARAZI
پلان ملی مدیریت مبارزه بحوث	NDMP	اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان	AREU
مصوبه پالیسی ملی محیطی	NEPA	شرکت تدارک آب و تخلیه فاضلاب مناطق شهری افغانستان	AUWSS
موسسات غیر حکومتی	NGO	شورای انکشافی محل	CDC
سروی ملی غذایی	NNS	ریاست احصاییه مرکزی	CSO
پروگرام اولویت ملی	NPP	اداره انکشاف بین المللی	DFID
ارزیابی خطر و قابلیت آسیب پذیری ملی	NRVA	اتحادیه اروپا	EU
برنامه همبستگی ملی	NSP	اجلاس گذر	GA
اصلاحات اداره دولتی	PAR	خشونت مبتنی بر جنسیت	GBV
افراد تنگدست	PIN	ریاست عمومی امور شارولای	GDMA
برنامه شاروالی های منطقوی افغان ها برای مردمان شهری	RAMP-UP	محصول خالص داخلی	GDP
حکومت داری ملی	SNG	سیستم معلومات جغرافیایی	GIS
برنامه وضعیت شهرهای افغانی	SoAC	دولت جمهوری اسلامی افغانستان	GoIRA
برنامه حمایتی منجمنت شهری	UMSP	هکتار	Ha
ماموریت کمکی ملل متحد در افغانستان	UNAMA	کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی	IARCSC
اداره امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد	UNDESA	ریاست مستقل ارگانهای محلی	IDLG
برنامه انکشافی ملل متحد	UNDP	بیجا شده گان داخلی	IDP
برنامه محیطی ملل متحد	UNEP	اداره کار بین المللی	ILO
اداره تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد	UNESCO	صندوق وجهی بین المللی	IMF
برنامه اسکان بشری ملل متحد	UN-Habitat	مناطق رهایشی غیر پلانی کابل	KIS
کمشنر عالی ملل متحد برای پناهندگان	UNHCR	شاروالی/شهرداری کابل	KM
صندوق وجهی اطفال ملل متحد	UNICEF	طرح های موقعیت اراضی	LAS
دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و جرایم	UNODC	قانون منجمنت اراضی	LML
زنجیره های ارزش	VCs	هیئت مشورتی شاروالی	MAB
بانک جهانی	WB	وزارت زراعت، آبیاری و مالداری	MAIL
		وزارت معارف	MOE

اصطلاحات

اصطلاح	توضیح
ناحیه	منطقه ی در شهر میباشد که توسط شاروالی مرزبندی شده.
وکیل گذر	وکیل گذر مانند از ملک قریه در بخش های روستایی میباشد. این شخص توسط اهالی انتخاب شده و از طرف آنان به شاروالی معرفی میشود. بدین ملحوظ وکیل گذر بخشی از ساختار اداری شاروالی میباشد.
شاروالی	شاروالی / شهرداری
شاروالی ولسوالی	شاروالی منطقه روستایی
اشخاص بیجا شده داخلی	اشخاصی که بنا به منازعات نظامی و غیر مترقبه، تخطی های سیستماتیک از حقوق بشری و یا آفات طبیعی یا ناشی از اعمال انسان با جبر و فشار سریعاً از منطقه خویش بیجا شده و در منطقه دیگر مرز و قلمرو کشور خودشان حیات به سر میبرند.
کوچی	کوچی ها / اشخاص بادیه نشین میباشند.
گذر	ساختار یک سازمان بر اساس منطقه محله در سطح فرعی نواحی
تشکیل	تشکیل عبارت از کارمندان خدمات ملکی میباشد.
صفایی	مالیه سالانه ملکیت میباشد که توسط مالکین مربوطه (رهائشی، تجارتي، نهادی وغیره) پرداخت میشود که در مقابل آن شاروالی شهر را از انبار کثافات پاک مینماید. (صفایی به معنی پاک کاری و بهداشت میباشد)
زکات	کمک سخاوتمندانه، یک از پنج بنای اسلام

سپاسگزاری

این گزارش تحت رهبری دولت افغانستان تهیه و ترتیب گردیده است. گزارش فعلی حدود بیشتر از ۱۲ ماه همکاری مثبت و جدی در بالاترین حد آن بین نهادها و افراد ذیل میباشد، که از آنها در این عرصه ابراز سپاس مینماییم:

اعضای کمیته مشورتی پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان

وزارت محترم امور شهرسازی، اداره مستقل ارگانهای محل/ ریاست عمومی امور شاروالی، شاروالی/ شهرداری کابل، موسسه تدارک آب و تخلیه فاضلاب شهری افغان، اداره اراضی افغانستان، وزارت محترم مالیه، وزارت محترم اقتصاد، اداره احصائیه مرکزی، اداره تحقیق و ارزیابی افغانستان، اداره هماهنگی کمک ها برای افغانستان و توسعه (اکبر)، بخش زنان- ملل متحد، برنامه محیط ملل متحد، دفتر صندوق جمعیت ملل متحد در افغانستان، کمشنری عالی سازمان ملل متحد در امور مهاجرین، بانک جهانی.

شاروال ها و شاروالی های هرات، مزار شریف، کندز، جلال آباد، کندهار، لشکرگاه، میمنه، شیرخان، چاریکار، میدان شهر، مهترلام، بامیان، نیلی، فیض آباد، بازارک، محمود راقی، پلخمری، ایبک، گردیز، خوست، پل علم، اسد آباد، تالقان و فراه در ورکشاپ های شهری.

کمیته مشورتی می خواهد تا از **دولت آسترالیا**، به ویژه از سفارت شان در کابل بخاطر حمایت سخاوتمندانه شان از طریق پروگرام مورد نظر، منجمله پاول لهن، اما لیهی، نایجل بروس، سلی-ان ونسنت، بن کایبرت، سکات کهلر، بن پاور و جوانا لارون، اظهار امتنان نماید.

بررسی کنندگان بین المللی: سوسن بیک، ترزا پوپیل ویل، کیون کوکانک، حیلین اوپسل، گللیت کیبیدی، دنش مهتا، دیرج اجی سوری، هنریکالنگن، دنوون ستوری و مارکوکامیا

تیم برنامه ملل متحد- هیبتات

سوپروایزرها: یوشینوبو فوکوسوا، سرینی واسا پوپوری و پیتر دالگلش

مدیر پروگرام: متیو فرینچ

نویسندگان: محمد فرید و متیو فرینچ (فصل ۱ و ۲)، هرف نکولی و مارکوکامیا (فصل ۳)، جان ترکسترا (فصل ۴)، جولی گرین والت (فصل ۵) و انگاکورتی (قصه های کوتاه)

سیستم معلومات جغرافیایی: غزال جاهد، عاطفه حسینی، مینه هاشمی، هما سمین، احمد شعیب عزیزی، محمود جامع، لطف الله یوسفی، محمد موسم، مسعود حمزه.

همکاران: واترو کاواساکی، حلینا اوهلسن، مارکس طودهوپ، جو هوپر، راف تتس، فبین پروکا، محمد مرزایی، نجیب امیری، حبیب رحیمی، صالح یاری، نورالله فراجد، عیسی رحمن، عبدالباقی پوپیل، فروزان عبدالله، عظیمه رویا، غوس امیریان، حاجی محمد حمیدی، مایکل وارن، هیروشی تاکابایاشی، سالم کریم زاده، سید سعدالله وهاب، حکیم حفیظی، سید نادرشاه زغم، نعمت الله رحیمی، سید عبدالعزیز مبارز، محمد میرویس سیفی، دوست محمد خرمی، سیف الرحمن حارث، ویس صافی.



فهرست مطالب

iii	پیشگفتار محترم وزیر
v	پیشگفتار رئیس عمومی
vi	پیشگفتار شاروال کابل
vii	خلاصه موضوع
viii	پیام های کلیدی
ix	کلمات اختصاری
x	اصلاحات
xi	سیاسگزاری
xiii	فهرست
xv	معرفی
xvi	تبصره در مورد میتودولوژی
۰۱	فصل ۱: یک گذشته پر سر و صدا، یک آینده شهری
۰۲	پیام های کلیدی
۰۳	۱.۱ افغانستان: تصویری از تنوع و پیچیدگی
۰۴	۱.۲ ساختار ملی فضایی شهری ملی
۰۹	۱.۳ دموگرافیک: نفوس رو به رشد شهر نشین و جوان
۱۵	۱.۴ جستجو برای خانه آبی در شهر: عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی و خارجی
۱۸	۱.۵ تقسیم شهری: فقر، نابرابری جنسیتی و محرومیت اجتماعی
۲۱	۱.۶ مصونیت و ناامنی شهری
۲۳	۱.۷ اقدامات بعدی
۲۵	فصل ۲: حکومتداری شهری برای شهرهای جامع (فراگیر)
۲۶	پیام های کلیدی
۲۷	۲.۱ ساختار نهادی و عاملین (بازیگران)
۲۹	۲.۲ چهارچوب ملی انکشاف شهری
۳۰	۲.۳ چهارچوب پالیسی، حقوقی و نظم
۳۲	۲.۴ حکومت داری شهری محلی
۳۶	۲.۵ ظرفیت شاروالی
۴۱	۲.۶ امور مالی شاروالی
۵۰	۲.۶ اقدامات بعدی

۵۳	فصل ۳: شهرها منحیث عامل متحرک انکشاف اقتصادی: اقتصاد شهری
۵۴	پیام های کلیدی
۵۵	۱. ۳.۱ زمینه های اقتصاد کلان
۶۱	۲. ۳.۲ اقتصاد شهری
۶۹	۳. ۳.۳ اقدامات بعدی
۷۳	فصل ۴: خانه ایی در شهر، زمین و اسکان
۷۴	پیام های کلیدی
۷۵	۱. ۴.۱ استفاده از زمین
۸۱	۲. ۴.۲ پلانگذاری ساحه شهری و انکشاف غیر رسمی ساحه شهری
۸۵	۳. ۴.۳ خانه سازی: یک خانه برای هر افغان
۸۸	۴. ۴.۴ خانه ها و تراکم
۹۱	۵. ۴.۵ عرضه و تقاضا
۹۳	۶. ۴.۶ اقدامات بعدی
۹۵	فصل ۵: شهرها برای زندگی: محیط شهری
۹۶	پیام های کلیدی
۹۷	۱. ۵.۱ آب، بهداشت، انرژی و ترانسپورتیشن (حمل و نقل)
۱۰۵	۲. ۵.۲ چشم انداز و نمای کلی محیط شهری
۱۱۲	۳. ۵.۳ آفات طبیعی و تغییرات اقلیم
۱۱۵	۴. ۵.۴ مناطق شهر: شهرها و ایکوسیستم ها
۱۱۷	۵. ۵.۵ اقدامات بعدی
۱۱۹	ضمیمه ۱: میتودولوژی (طرز العمل)
۱۲۷	ضمیمه ۲: ضمیمه آماری
۱۳۲	منابع و مأخذ

معرفی

پس منظر

تطبيق آنرا رهنمائی مینمایند. این کمیته الزاماً منحیث پیام آور چندین سهمدار شهری مشاهداتی افغانی وظیفه انجام میدهد که سرانجام معلومات و نظارت شهری را به عهده میگیرد.

ساختار گزارش

گزارش پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان مربوط سال های ۲۰۱۴/۲۰۱۵ مشتمل بر دو جلد میباشد. جلد اول یافته های کلیدی را در پنج فصل از چند نگاه آرایه میدارد که دربرگیرنده امار وابسته به نفوس و ساختار مکانی و جغرافیایی، حکومت داری، اقتصاد، زمین و تهیه سرپناه و محیط میباشد. فصل ها ترکیبی از معلومات ثانوی (مثلاً ادبیات، دولت و پایگاه های معلومات موجوده درین زمینه) و معلومات اولی (مثلاً پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان، سیستم معلومات جغرافیوی و تحلیل و تجزیه سروی ساحه) میباشد.

جلد دوم معلومات اولیه را در فرامت ستایل اطلس بزرگتر با ترکیبی از نقشه ها، گرافها و جداول معلومات برای هر شهر، آرایه میدارد.

پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان میتودولوژی پیشاهنگی را تدوین نموده که معلومات را از تصاویر ماهواره ای ساحات شهری به روز شده و دارای کیفیت بالا (> ۵۰ سانتی متر) اقتباس مینماید. از تحلیل و تجزیه تصویر، دو دسته معلومات بدست می آید: (۱) تعداد خانه ها (دامنه تپه، خانه های پلانی و غیر پلانی، استفاده مختلط اپارتمان ها و کمپ های بیجا شده گان داخلی) (۲) استفاده اراضی (رهایشی، تجارتی، نهادی، صنعتی، زراعتی و زمین ها و نمرات خالی وغیره) وسعت تحلیل و تجزیه تصویر ماهواره ای محدود است به مرزهای جدید شاروالی که توسط وزارت محترم امور شهری، اداره مستقل ارگانهای محلی / CSO، GDMA و AGCHO منظور گردیده است. باید اذعان داشت که بعضی از شهرها مرزهای منظور شده به روز شده شاروالی ندارند، بنابراین در چنین مواردی ساحات اعمار شده شهری مورد استفاده قرار گرفته است.

اسکان شهری تند و سریع برای افغانستان هم یک فرصت و هم یک چالش است. قسمی که شهرها رشد مینمایند، امر حیاتی است تا پالیسی سازان رهبران شهر دسترسی به معلومات معتبر و به موقع داشته باشند تا زمینه تصمیم گیری به اساس ارقام، معلومات و شواهد مساعد شده باشد.

با فقدان معلومات مفصل مربوط آمار نفوس، اقتصاد، فرهنگ، دینامیک های فزبکی و محیطی شهرهای افغانستان و ظرفیتی بخاطر جمع آوری و استفاده چنین معلومات، بسیاری پلانگذاران و تصمیم گیرندگان در فضای ناپایدار، تخصیص منابع به مسایل کنونی مبرم نسبت به سرمایه گذاری به تغییر متوالی در درازمدت، به فعالیت خویش ادامه داده اند. هزینه های این معلومات گسترده و نقیصه ظرفیت هردو سهم گین، غیر قابل سنجش و اجتناب ناپذیر میباشد، به طور مثال در این عرصه میتوان از شکل توسعه محلات استقرار غیر پلانی، غضب زمین، کاهش زمین های زراعتی، ژرف ساختن مشکلات اجتماعی، ارتقای سطح نابرابری شهری و بی امنیتی زیاد تر، یاد آوری کرد.

اهداف و مقاصد پروگرام

هدف پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان سال ۲۰۱۴/۱۵ افزایش دانش و معلومات در مورد اسکان شهری در افغانستان و ظرفیت بهتر بشری و نهادی برای جمع آوری معلومات شهری و نظارت و استفاده دانش و معلومات متذکره میباشد. هدف نهایی پروگرام در نظر گرفتن پالیسی ها، ستراتیژی ها و پلانهای شهری به اساس ارقام میباشد که باعث بهبود شرایط زندگی و رفاه شهروندان در شهرهای افغانستان و سهم گیری در ثبات و رشد اقتصاد میشود.

تطبيق

پروگرام متذکره تحت رهبری وزارت امور شهرسازی، اداره مستقل ارگانهای محلی و شاروالی کابل، به کمک تخنیکي که توسط موسسه دفتر ملل متحد- هیبتات، تطبيق گردیده است. کمیته مشورتی شامل بر سهمداران کلیدی: وزارت امور شهرسازی، اداره مستقل ارگانهای محلی، احصاییه مرکزی، شاروالی کابل، وزارت مالیه، وزارت اقتصاد، DCDA، AUVSSC، NEPA و نهاد های خواهر ملل متحد (مثلاً UNFPA، UN-WOMEN، UNEP) و جامعه مدنی (مثلاً AWN، AREU، AKN) و کارشناسان پیشتاز، پیش میروند که به شکل منظم با یکدیگر ملاقات کرده و طرح همه جانبه پروگرام و

تبصره در مورد میتودولوژی

این بخش یک دید کلی از روند کاری پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان را برای تسهیل و واضح ساختن پروگرام مذکور و ساحه کاری آن ارائه میدارد. ضمیمه ۱ طرزالعمل یا روند کاری پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان را با جزئیات بیشتر آن پیشکش میکند.

مناطق مسکونی

ساحات زراعتی و محلات آبی مانند شکل ساحات رهایشی عمرانی (محوطه های خانه ها و اپارتمان بلاک ها)، محلات صنعتی (مثلاً انبارهای طولانی و مخازن حلقوی) و ساحات تجارتي (داخل شهر، جاده های اساسی)، به صورت واضح قابل دید میباشد که همه آنها از تصویر دارای کیفیت بالای ستلایت قابل تشخیص میباشد. تشخیص صنوف فرعی در تصویر (مثلاً تفصیلات استفاده زمین نهادی (مکاتب، شفاخانه های و کلینیک ها)) کمتر واضح میباشد. این محلات از توضیح تصویر به شکل صریح آن مشخص نمیشود، بنابراین، این جاها مستلزم چک و بررسی ساحه میباشد.

بررسی ساحه و ورکشاپ های شهر

طبیعتاً بعضی ساحاتی وجود دارد که در آن صورت استفاده دقیق زمین در تصویر ستلایت به شکل جامع و فراگیر نمیباشد. تیم سیستم معلومات جغرافیوی ساحات مذکور را "ناشناخته" نشانی کرده است. همچنان توضیح تصویر مذکور فقط وضاحت موضوع میباشد که با بازدید از ساحه مورد نظر باید چک شود. بنابراین، بعد از اینکه تسوید تنظیم معلومات از توضیح تصاویر ستلایت بدست می آید، بخاطر بهبود صحت معلومات، بررسی "ساحات شناخته شده و سازو برگ دادن معلومات گسترده محلی که در شهرها وجود دارد، ورکشاپ های مشارکتی شهر و سروی های ساحوی، رویدست گرفته میشود. این ورکشاپها از ۲۰۱۴ Nov تا ۲۰۱۵ June برگزار گردیدند.

ورکشاپ های مشارکتی شهر در ۲۴ شهر برگزار گردیده است که شامل ۹۱ فیصد مجموعی ساحات زمین شهرها میباشد، که در این گزارش ارایه شده است. ورکشاپ شهر این حقیقت را انعکاس میدهد که ساکنین محلی خود محیط شان را میشناسند، بنابراین، معلومات مهم در مورد سطح شرایط شهر به عهده ساکنین شهر و نهاد های ثانوی ملی میباشد، اما، لازم است تا معلومات متذکره به شکل سیستماتیک آن جمع آوری، تحلیل و تجزیه، ذخیره و شریک ساخته شود. ورکشاپ های شهری پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان که مدت آن یک روز میباشد، تحت رهبری اداره مستقل ارگان های محلی IDLG/ GDMA و شاروالی های مربوطه دایر گردیده و شامل ۴۰ تا ۱۰۰ اشتراک کنندگان محلی به شمول شاروال ها و اعضای هیئت مشورتی شاروالی، کارمندان ریاست شاروالی، مدیران نواحی، شعبات مربوطه، وکلای گذر، رهبران شورای انکشافی محلی و جامعه مدنی میباشد. قسمیکه خاکه یی از نقشه های استفاده زمین

بخاطر بازنگری هرتصویر ستلایت و دیجیتلی کردن هر خانه از سیستم معلومات جغرافیوی کار گرفته میشود، بنابراین موجودی خانه ها برای هر شاروالی به این شیوه صورت میگردد. شکل بارز تهیه خانه ها در افغانستان خانه های مجزا از هم میباشد که هر کدام برای خود احاطه داشته و دارای دیوارهای بلند بوده و مشاهده آن از تصویر ستلایت بسیار ساده میباشد، اما ساحات خانه های رهایشی خارج نقشه و غیر پلانی این کار را تا اندازه ی مشکل ساخته است. باید تاکید کرد که هدف پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان احصایه گیری نفوس مردم نیست. هدف اصلی شمارش خانه ها و اپارتمان ها، داشتن معلومات اسکان مربوط نقشه مکانی و جغرافیایی (مثلاً تراکم ساحات رهایشی و انواع خانه های رهایشی) میباشد تا بدین نوع اداره و منجمنت شاروالی (مثلاً در نقشه برداری مالیه، پلان گذاری مفصل شهری ورشد مسکن، تقاضای خدمات وغیره) را به اساس شرایط کنونی زمین ها، کمک نموده باشیم. با آن هم، شمارش خانه ها ما را قادر میسازد تا جمعیت تخمینی مردم را به اساس حد اوسط اندازه خانواده ها، محاسبه نماییم. حد اوسط تعداد خانواده ها در هر مجتمع مسکونی میتواند از روی لست بندی CSO در مورد خانواده تعیین شود، در حالی که حد اوسط اندازه خانواده با استفاده از ارقام (۲۰۱۱/۱۲) NRVA (هر خانواده ۷٫۵ نفر)، سروی های نمایندگی دیگر (مثلاً تحقیقات فقر در شهر مربوط ۲۰۱۴، حدود اوسط متغییر در هر پنج شهر بزرگ) و پایگاه معلومات سطح خانواده شهری مربوط ملل متحد- هبیتات، بیشتر از یک میلیون نفر) بیشتر از ۱۰۰،۰۰۰ واحد مسکونی (میباشد تا محاسبه مورد نظر از سروی های اساسی ی که طی سال های گذشته در پروگرام سازی مربوط جامعه اخذ شده است، انجام شود.

استفاده زمین

استفاده کنونی زمین های شهرها از تصاویر ستلایت، با استفاده سیستم معلومات جغرافیایی به دو مورد ذیل صورت دیجیتلی گرفته شده است (۱) ساحات اعمار شده و (۲) ساحات اعمار نشده با کلاس اصلی و کلاس فرعی استفاده زمین برای هربخش مطابق نورم های بین المللی، توضیح و دسته بندی شده است. علی الرغم زمان گیری زیاد و لزوم "چشم آموزش دیده" عیناً مانند شمارش خانه، توضیح استفاده زمین نسبتاً صریح و مستقیم میباشد.



طبقه بندی استفاده از زمین و شمارش خانه



نقطه گذاری تصاویر ماهواره ای



تأیید درست و شمارش آپارتمان ها



ورکشاپ شهری، شهر چاریکار

ناشناخته نشانی شده (۳) شمارش آپارتمان ها (تصویر ستلایت بلاک ها را نشان میدهد، اما نشان نمیدهد تعداد آپارتمان چند باب است، این موضوع را مشخص نمیسازد که در هر ساحه به چه تعداد آپارتمان وجود دارد و این چیز است که باید معلوم شود).

ناحیه ارایه گردیده و اشتراک کنندگان به شکل سیستماتیک آن در گروه ها آنرا مطالعه کرده و در جاهایی که لازم باشد آن را تجدید کرده و در آن تغییر ایجاد مینمایند. به تعقیب ورکشاپ های شهر، تیم های مربوطه سروری ساحه دربرگیرنده معلومات دست اول میباشد (۱) بررسی مشترک صحت صورت استفاده زمین و تعداد خانه ها. (۲) شناسایی ساحاتی که قبلا در سیستم معلومات جغرافیایی

نکرده است، یا قسمی آماده نشده است که تعریف مشخص از شهر و روستا در آن واضح شده باشد، و (۳) معلومات مشخص درباره هر شهر بسیار محدود است که این امر مقایسه شهرها را درین زمینه دشوار ساخته است.

این چالشها نشانه یی از مدیریت ضعیف شهری در افغانستان است که چنین تقسیم بندی شده است: (۱) نبود هماهنگی میان ادارات دولتی، تمویل کنندگان، موسسات تطبیق کننده و دیگر مسوولین (دیدخل، ۲) ضعف و کندی در شریک سازی معلومات و ارقام (خاصتا معلومات اولیه) و جزئیات از طرز العمل استفاده شده، (۳) بی اعتمادی عمیق و عدم احساس مسوولیت میان مسوولین دیدخل، شامل رقابت (مستقیم یا غیر مستقیم) در استفاده معلومات برای بکار انداختن منابع، و ترس از کشف شدن ضعف در طرز العمل و کیفیت معلومات که این خود یک خطر برای اداره بیست که آنرا نشر کرده است، میشود. و (۴) حساسیت اجتماعی-سیاسی در رابطه به معلومات مثلا (ارقام درباره نفوس، نژاد، عواید و مخارج شاروالی).

بسیاری از کشورها در قسمت جمع آوری ارقام، تحلیل، چاپ و نشر معلومات شهری به مشکلات مواجه می باشند بخصوص در افغانستان این مشکل جدی تر است. آخرین سرشماری در سال ۱۳۷۹ برگزار شد و حتا تکمیل نشد. مجموع معلومات دقیق رقمی در باره شاخص شهری در بررسی خطرات و آسیب پذیری ملی (NRVA) توسط اداره احصاییه مرکزی به نشر رسید. سروی آسیب پذیری ملی یک دستاورد خوب است. این سروی چهار مرتبه از سال ۲۰۰۳ (۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲) صورت گرفته و تمرکز بیشتران بالای معلومات خانوار که به سطح ملی آنرا عرضه میکند، میباشد. ادارات دولتی دیگر نیز معلومات مختلف شهری دارند. در سال ۲۰۰۸ وزارت امور شهر سازی به تعداد هشت نشریه قابل توجه از شهرهای عمده به نشر رسانید. اداره ارگانهای محلی (IDLG) دارای یک داتابیس " ارزیابی شاروالی ها " میباشد که در سال ۲۰۱۳ بوجود آمده است.

با ارزیابی همه جانبه معلومات و ارقام شهری این امر واضح است که: (۱) یک روند بررسی سیستماتیک در امور شهری وجود ندارد، (۲) اکثر معلومات و گزارشات تناسب میان شهر و روستا را تفکیک

ورکشاپ شهری در نیلی، ولایت دایکندی



در ۱۹۵۰، تنها ۱ نفر از ۲۰ نفر افغان در شهرها زندگی می کردند.
در ۲۰۱۴، ۱ نفر از ۴ نفر در شهرها زندگی می کنند.
در ۲۰۶۰، ۱ نفر از ۲ نفر در شهرها زندگی خواهد کرد.

یک گذشته پرسر و صدا یک آینده شهری

پیام های کلیدی

- هرچند عمده‌تأ افغانستان یک جامعه روستایی می باشد و تنها ۲۴٪ نفوس این کشور در شهرها زندگی می نمایند، اما این رقم به سرعت در حال تغییر می باشد. حدود ۸ میلیون تن در شهرهای افغانستان زندگی می نمایند با این حال، **توقع می رود که نفوس شهرنشین افغانستان طی ۱۵ سال آینده به دوچند و تا سال ۲۰۶۰ نیمی از کل جمعیت شهرنشین شود.**
- **افغانستان یک ساختار نسبتاً متوازن فضای شهری را دارد،** اگرچه این وضعیت در کابل بیشتر برجستگی دارد. براساس یافته های SoAC، مراکز ۳۴ ولایت می تواند در ۵ تیپولوژی شهر دسته بندی شود. "شهر مرکزی" یک مرکز مالی و سیاسی بوده و بزرگترین شهر در سطح کشور شمرده می شود. چهار مرکز فعالیت های ساحوی با بیشتر از ۳۰۰,۰۰۰ نفوس، شامل هرات (در ساحه غربی)، کندهار (ساحه جنوبی)، مزار شریف (ساحه شمالی)؛ و جلال آباد (ساحه شرقی) می شود. ۸ "مراکز فعالیت تجاری و ترانزیتی" که شامل ان کندز، لشکرگاه، تالقان، پلخمری، شبرغان، زرنج، میمنه و غزنی می شود. مراکز ولایات شهرهای کوچک تر بوده و به صورت عمده ولسوالی های اطراف خود را حمایت می نماید، این مراکز شامل خوست، چاریکار، فیض آباد، ترینکوت، گردیز، قلعه نو، ایبک، اسدآباد، فراه، سرپل، قلات، بامیان، مهترلام، فیروزکوه (چغچران) می شود. بالاخره، به تعداد ۷ شهر در افغانستان وجود دارد که مانند محلات شهری با تعداد نفوس کم و عمدتاً دارای اقتصاد زراعتی می باشند، این محلات شهری عبارت اند از: محمود راقی، بازارک، پل علم، نیلی، شرن، میدان شهر و پارون.
- **کشف شهری طی دهه گذشته توسط عودت کنندگان، بیجاشدگان داخلی و مهاجرین اقتصادی از روستا به شهر تقویت گردید؛** مهاجرین اقتصادی به دنبال خدمات، مصنویت و امنیت بهتر و همچنان فرصت های شغلی و معیشتی از روستاها به شهرها مهاجرت نمودند. از سال ۲۰۰۲ به اینسو، بیشتر از ۵.۸ میلیون مهاجرین عودت کننده به افغانستان بازگشتند که تقریباً نیمی از آنها در شهرها مستقر شدند.
- **افغانستان جوانترین نفوس را در سطح جهان دارا می باشد.** بیشتر از سه ربع (۷۹٪) نفوس افغانستان تحت سن ۳۵ سال می باشد؛ از آن جمله حدود نصف (۴۷٪) این رقم کمتر از ۱۵ سال عمر دارد؛ و حدود یک سوم (۲۲٪) آنها بین ۱۵ تا ۳۵ سال عمر دارند. شهرها به صورت نا متناسب خانه جوانان بین (۱۵ تا ۲۴ سال) می باشد که حدود یک ربع نفوس شهری (۲۳.۶٪) را تشکیل می دهند، این رقم قابل ملاحظه بیشتر از تعداد جوانان در مناطق روستایی (۱۷.۸٪) می باشد.
- **فقر و بی عدالتی از مشکلات جدی در شهرهای افغانستان می باشد.** حدود یک سوم نفوس شهری تحت خط فقر رسمی زندگی می نمایند. علاوه بر آن شهرها یک مجموعه نیروهای محرکه بی را ارایه می نماید که خانواده های شهری فقیر را عمدتاً آسیب پذیر میسازد، دارای میکانیسم ضعیف در امر کنار آمدن با مشکلات و گرفتار میزان بلند عدم مصنویت غذایی (۲۴٪) و دارای سرمایه اجتماعی و شبکه های حمایتی کمتر نسبت به خانواده های روستایی نشان می دهد.
- **نابرابری جنس در یک چالش عمده در شهرها می باشد؛** زنان و دختران به موانع عمده ساختاری در زمینه مشارکت اجتماعی و اقتصادی کامل شان در زندگی شهری روبرو می شوند. مشارکت نیروی کار زنان در شهرها تنها ۱۳٪ بوده و یک سوم کمتر از متوسط رقم ملی نیروی کار (۱۹٪) می باشد در حالیکه داشتن دسترسی به مسکن، زمین و املاک یک اصل بسیار مهم در اقتصاد شهری میباشد و تخمین زده میشود که کمتر از ۱٪ زمین های شهری در ملکیت زنان قرار دارد.
- **روند انتقال انکار نشدنی و برگشت ناپذیر شهرنشینی در افغانستان هم چالش ها و هم فرصت ها را فراهم آورده است.** فراهم سازی دسترسی به زمین، مسکن کافی و خدمات برای ۱۶ میلیون نفوس دیگر، از چالش های کلان شمرده می شود، با وجود اینکه فرصت های برای استفاده از روند شهرنشینی به عنوان محرک توسعه اقتصادی، تامین صلح و کاهش فقر نیز وجود دارد.

۱.۱

افغانستان: تصویری از تنوع و پیچیدگی

حرارت در فیروزکوه شهر چغچران (ولایت غور) می تواند در زمستان تا -۴۵ درجه سانتی‌گرید سقوط نماید، در حالیکه درجه حرارت در شهر زرنج (ولایت نیمروز) در تابستان می تواند به بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد برسد.

کشورهای همسایه افغانستان شامل پاکستان، ایران، تاجکستان، ترکمنستان، ازبکستان و چین می شود. بیشترین مرز مشترک افغانستان (۲,۶۷۰ کیلومتر) با پاکستان می باشد، پس از آن مرز مشترک این کشور با تاجکستان به (۱,۳۵۷ کیلومتر) می رسد، مرز مشترک افغانستان با ایران به (۹۲۱ کیلومتر) و با ترکمنستان (۸۰۴ کیلومتر)، با ازبکستان (۱۴۴ کیلومتر) می باشد. کوتاه ترین مرز مشترک افغانستان با چین می باشد که تنها به ۹۱ کیلومتر می رسد.

افغانستان دارای بسیاری از گروه های قومی، که عمده ترین آنها عبارتند از پشتون، تاجیک ها، هزاره ها، ازبکها، ترکمن ها و بلوچ میباشد.^۴ در مجموع ۱۴ گروه قومی در افغانستان شناخته شده است. در میان تمام گروه های قومی، هزاره ها یکی از فقیرترین و به حاشیه رانده شده ترین گروه در کشور به شمار می روند. حدود ۸۰٪ تمام نفوس کشور را مسلمانان سنی تشکیل می دهند در حالیکه تعداد مسلمانهای شیعه در این کشور به ۱۹٪ می رسد.^۵ مانند گروه های تباری متعدد افغانستان زبانهای متعدد دارد، که در این میان زبان پشتو، دری، ازبیک، پشه یی و بلوچی زبانهای عمده را تشکیل می دهد. پشتو و دری دو زبان رسمی کشور می باشند.

افغانستان بر سر چهارراه میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا واقع شده و برای کشورها اهمیت مسیر استراتژیک تجارت دارد. از سال ۱۹۷۹ به اینسو، پس از تجاوز شوروی، افغانستان در جنگ بود. تنها پس از دوره سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ یک دوره صلح نسبی را تجربه نمود. میلیارد ها دلار کمک ها و همکاری های خارجی از آن زمان به بعد به منظور حمایت از پروژه بازسازی (یک مجموعه ۱۱۹ ب میلیارد دلار امریکایی از سال ۲۰۰۲ به بعد) سرازیر شد- بزرگترین تلاش بازسازی پس از جنگ در تاریخ، حتی بیشتر از پلان مارشال برای اروپا پس از جنگ جهانی دوم بوده است.^۲

افغانستان یک کشور کوهستانی و محاط به خشکه است که حدود ۶۵۲۲۳۰ کیلومتر مربع مساحت را دربر می گیرد. افغانستان از لحاظ جغرافیایی به سه منطقه عمده تقسیم شده است:^۳ مناطق بلند کوهستان های مرکزی، زمین های هموار جنوبی و دشت های شمالی. کوه های هندوکش از شمال شرق به جنوب غرب این کشور ادامه یافته است که این سلسله جبال، کشور را به ساحات ذیل از شمال شرق به جنوب غرب تقسیم می نماید. مناطق کوهستان های بلند مرکزی که دو سوم ساحات زمین های کشور را در بر می گیرد و بخشی از هیمالیا محسوب می شود؛ دشت های جنوب غربی که یک چهارم قسمت این سرزمین را تشکیل می دهد و دشت های شمالی که حدودا بیشترین زمین های حاصلخیز افغانستان را تشکیل می دهد.

اقلیم افغانستان کاملاً متغیر می باشد. در زمستان سرد با برف های سنگین و تابستان های گرم و خشک کاملاً متغیر میباشد. به گونه مثال، درجه

شهر کندهار، ولایت کندهار



۱.۲

ساختار فضایی شهری ملی

شهرهای عمده افغانستان شامل شهرهای کابل (پایتخت و بزرگترین شهر)، هرات، کندهار، مزارشريف و جلال آباد می شود. این شهرهای بیرون کابل در نزدیکی مرزهای کشورهای همسایه واقع شده اند. به گونه مثال کندهار و جلال آباد با پاکستان در نقاط مرزی چمن و تورخم نزدیک می باشند؛ هرات در نزدیکی مرز با ایران و ترکمنستان واقع شده است و مزار شریف در نزدیکی مرزهای تاجکستان و ازبکستان واقع شده است.

هر ولایت یک مرکز ولایتی دارد که از لحاظ مساحت و نفوس بزرگترین شهر را در ولایت تشکیل میدهد. (شکل ۱.۱ و جدول ۱.۲) هر ولسوالی یک ولایت یک شاروالی ولسوالی دارد. که همچنان به عنوان یک ساحه شهری محسوب می شوند اگرچه بسیار کوچک بوده و بیشتر شباهت به روستاهای بزرگ دارند.

بر اساس یافته ها و تحلیل های برنامه وضعیت شهرهای افغانستان (SoAC) مراکز ولایت افغانستان را به پنج کتگوری متفاوت تقسیم شود، مساحت زمین، واحد مسکونی یا نفوس، روابط با ولایت و منطقه، فعالیت و خصوصیات شهر. در جدول ۱.۲ هر ۳۴ مراکز ولایت را بر اساس این پنج کتگوری تقسیم بندی شده اند.

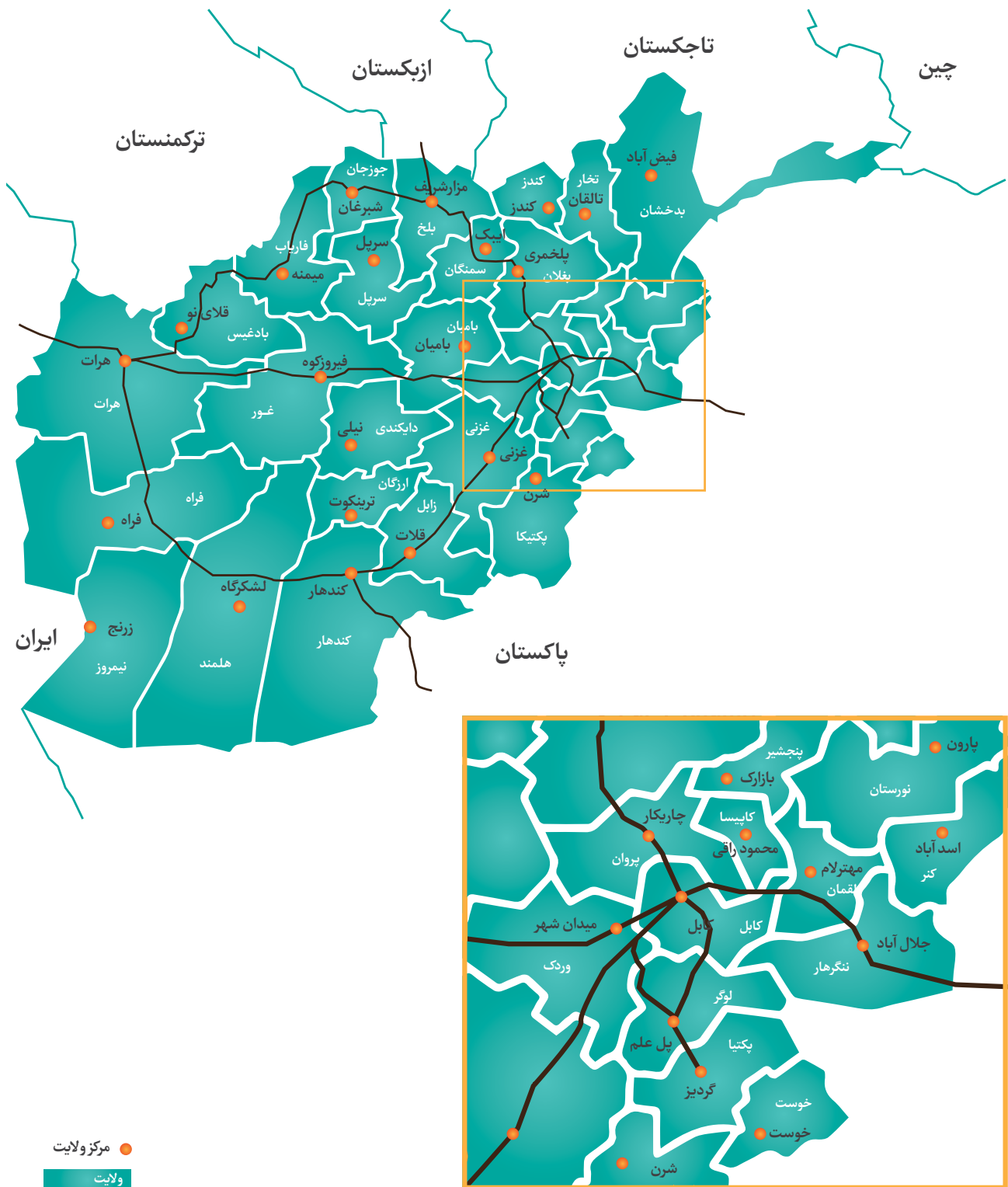
افغانستان از لحاظ اداری به ۳۴ ولایت تقسیم گردیده است (شکل ۱.۱). هر ولایت از سوی والی و شورای ولایتی اداره می گردد. در مجموع این ولایات مشتمل ۳۷۴ ولسوالی و بیشتر از ۱۲۰ شاروالی می باشد. افغانستان از طریق جاده ها به اکثر کشورهای همسایه خودش وصل شده است (شکل ۱.۱). به گونه مثال، این کشور در تورخم و سپین بولدک (چمن) با پاکستان؛ در اسلام قلعه با ایران؛ در تورغندی با ترکمنستان؛ و در حیرتان با ازبکستان، وصل گردیده است. محلات نامبرده شده نقاط عمده تجارتي و ترانزیتی شناخته می شود (جدول ۱.۱). مسیرها به کشورهای همسایه یک نقش بسیار حیاتی را در اقتصاد افغانستان بازی می نماید. به گونه مثال، مجموع تجارت میان افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۱۳ به ارزش ۲.۳ میلیارد دالر بالغ می گردید.^۲ اکثر این تجارت از طریق این راهها عمدتاً از طریق تورخم و چمن صورت می گرفت.

اکثر مراکز ولایتی در افغانستان توسط جاده حلقوی که از اکثریت ولایات عبور می نماید با هم وصل شده اند. به گونه مثال جاده حلقوی ولایت کابل را به پروان، ولایات بغلان و بلخ را به ولایات شمال وصل می سازد. به همینگونه در جنوب، جاده حلقوی ولایت کابل را به کندهار از طریق غزنی، وردگ و زابل وصل می نماید.

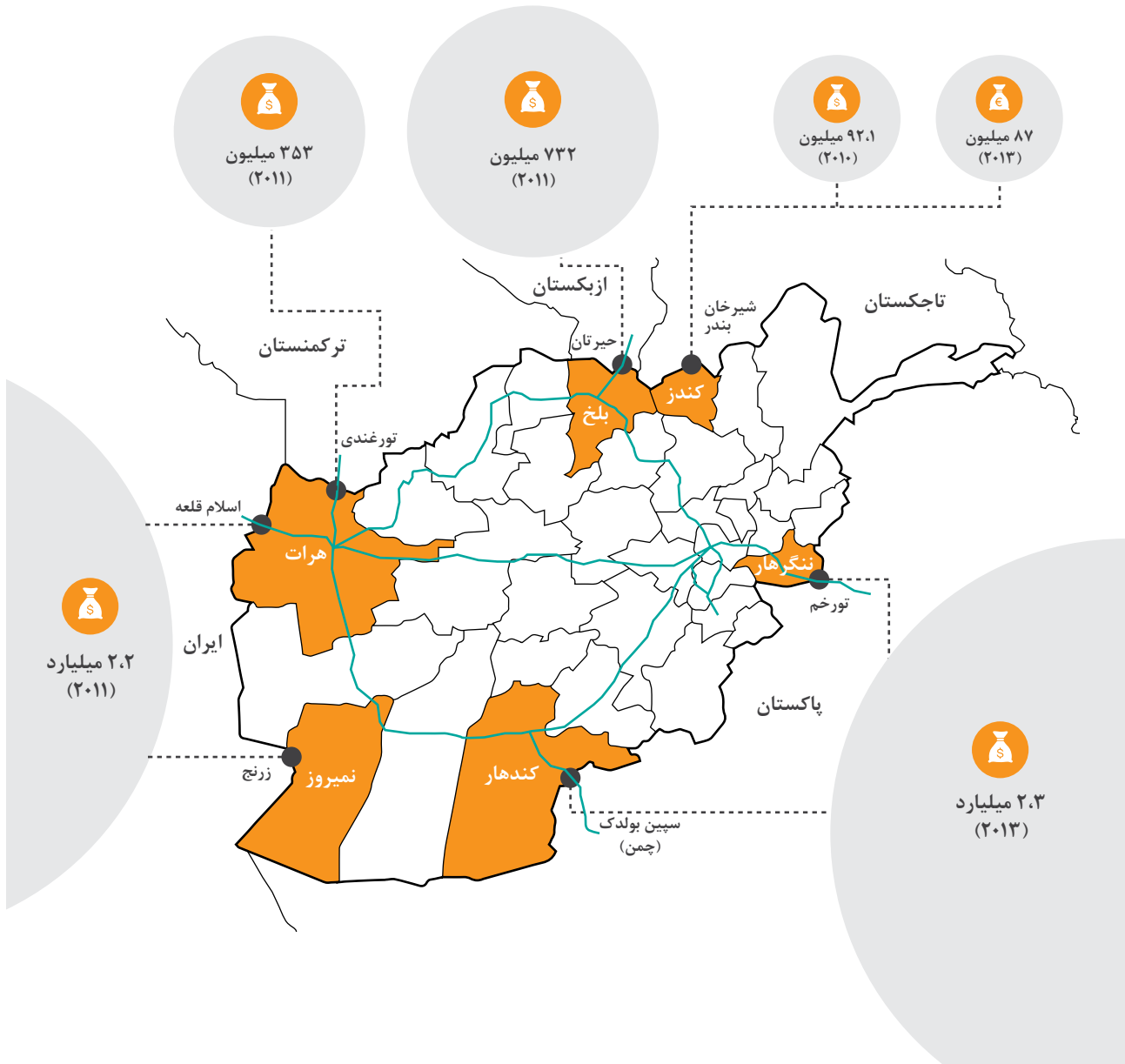
اطفال در حال بازی در ناحیه اول، شهر کابل



شکل ۱.۱: ولایت های ۳۴ گانه افغانستان، شهرهای مرکزی ولایات و کشورهای همسایه



شکل ۱.۲: نقشه افغانستان که مراکز ۳۴ ولایت را بر اساس اندازه شهر، نوع / فعالیت نشان می دهد



منبع: UNESCAP (۲۰۱۵) EUROSTAT (۲۰۱۳) اداره احصائیه پاکستان (۲۰۱۴) اداره احصائیه تحت اثر رئیس جمهور تاجکستان (۲۰۱۰) احمدیان (۲۰۱۳) اتحادیه مشترک تجارتي افغانستان و پاکستان (۲۰۱۳)

جدول ۱.۱: محلات عمده تجارتي و عبوري مرزی

ولایت افغانستان	کشور همسایه	محل ترانزیت	ارقام تجارتي به دالر امريکايي
ننگرهار	پاکستان	تورخم	۲.۳ ميليارد (۲۰۱۳)
کندهار	پاکستان	سپين بولدک (چمن)	۲.۳ ميليارد (۲۰۱۳)
هرات	ايران	اسلام قلعه	۲.۲ ميليارد (۲۰۱۱)
نيمروز	ايران	زرنج	۲.۲ ميليارد (۲۰۱۱)
هرات	ترکمنستان	تورغندی	۳۵۳ ميليون (۲۰۱۱)
بلخ	ازبکستان	حیرتان	۷۳۲ ميليون (۲۰۱۱)
کندهار	تاجکستان	شیرخان بندر	۹۲.۱ ميليون دالر امريکايي (۲۰۱۱) ۷۸ ميليون يورو (۲۰۱۳)

منبع: UNESCAP (۲۰۱۵) EUROSTAT (۲۰۱۳) اداره احصائیه پاکستان (۲۰۱۴) اداره احصائیه تحت اثر رئیس جمهور تاجکستان (۲۰۱۰) احمدیان (۲۰۱۳) اتحادیه مشترک تجارتي افغانستان و پاکستان (۲۰۱۳)

جدول ۱.۲: توپولوژی شهرهای مرکز ولایت افغانستان

نوع شهر	خصوصیات	شهرها	ساحه ارضی (کیلومتر مربع)	تعداد واحدهای مسکونی
شهر پایتخت	سیاسی، اداری، آموزشی و مرکز مالی کشور میباشد؛ حد اقل نفوس آن شش برابر نفوس بزرگترین شهرهای دیگر می باشد (مراکز فعالیت ساحوی) و تحت فشار شدیدی انکشاف شهری به دلیل مهاجرت های داخلی و توسعه شهری.	کابل	۱۰۴۹ کیلومتر	۳۹۶۰۹۵
مرکز فعالیت ساحوی	شهرهای تاریخی که عمدتاً در ساحات شمالی، غربی و جنوبی کشور قرار دارند؛ این شهرها از طریق تجارت و خرده فرهنگ با کشورهای همسایه متصل می باشند. این شهرها توسط زمین های زراعتی وسیع احاطه شده اند. این شهرها دارای اقتصاد نسبتاً نیرومند متنوع به شمول عمرانات نیرومند، تولید و سکاتور های خدماتی می باشند. نفوس این شهرها تحت فشار شدیدی روند شهر نشینی قرار دارند.	کندهار	۱۸۲ کیلومتر	۸۹۰۷۹۰
		هرات	۸۳ کیلومتر	۷۷۰۶۱۵
		مزار شریف	۲۷۳ کیلومتر	۶۱۰۹۰۲
		جلال آباد	۱۲۲ کیلومتر	۳۹۰۵۸۶
مرکز فعالیت تجارتي و ترانزیتی	شهرهای کوچکتر مراکز ولایات که به صورت استراتژیک در مسیر جاده حلقوی و یا سرحدات قرار داشته و محل های ترانزیت تجارتي شمردنی می شوند، عمدتاً این شهرها بین ولسوالی ها و مراکز فعالیت زون و یا شهر پایتخت می باشند. نسبت به شهرهای مشابه منطقوی خود دارای نفوس کمتر می باشند و تحت فشار کمتر روند شهر نشینی قرار دارند.	لشکرگاه	۳۸۴ کیلومتر	۳۰۰۷۰۹
		کندز	۱۱۲ کیلومتر	۲۹۰۸۷۷
		تالقان	۱۰۷ کیلومتر	۲۸۰۶۹۱
		پلخمري	۱۸۱ کیلومتر	۲۴۰۵۸۶
		شبرغان	۷۳ کیلومتر	۱۹۰۵۱۱
		زرنج	۴۸ کیلومتر	۱۷۰۸۷۸
		میمنه	۳۵ کیلومتر	۱۶۰۵۶۰
		غزنی	۵۷ کیلومتر	۱۵۰۹۳۱
مرکز ولایتی	شهرهای که به دلیل موقعیت جغرافیایی که دارند عمدتاً برای ساحات ولایتی ماحول شان مورد استفاده قرار می گیرند. این شهرها همچنان محل توزیع فعالیت ها و مراکز مهم تجارتي مخصوصاً در سکاتور زراعت شمردنی می شوند. فشار شهر نشینی بر این شهرها کمتر می باشد	خوست	۷۱ کیلومتر	۱۱۰۷۸۷
		چاریکار	۳۰ کیلومتر	۱۰۰۶۷۱
		فیض آباد	۱۵۹ کیلومتر	۱۰۰۶۰۵
		ترینکوت	۴۱ کیلومتر	۷۰۹۵۶
		گردیز	۶۲ کیلومتر	۷۰۸۴۹
		قلعه نو	۲۸ کیلومتر	۷۰۱۲۵
		ایبک	۳۲ کیلومتر	۶۰۹۸۳
		اسد آباد	۹۲ کیلومتر	۶۰۳۵۰
		سرپل	۳۰ کیلومتر	۵۰۶۷۵
		قلات	۴۸ کیلومتر	۵۰۴۶۲
		فراه	۲۹ کیلومتر	۵۰۲۹۹
		بامیان	۳۵ کیلومتر	۴۰۴۳۵
		مهنترلام	۱۴ کیلومتر	۳۰۶۶۱
		فیروزکوه	۲۶ کیلومتر	۳۰۴۷۴
ساحات شهری	شهرهای کوچک که به لحاظ تعداد نفوس اندکی بیشتر از روستاها می باشند و به لحاظ نوعیت این شهرها مانند (روستاها پریشان) می باشند؛ فشار روند شهر نشینی در این شهرها کمتری باشد.	محمود راقی	۴۰ کیلومتر	۵۰۶۱۰
		بازارک	۹۱ کیلومتر	۲۰۷۴۷
		پل علم	۳۸ کیلومتر	۲۰۵۴۶
		نیلی	۹۴ کیلومتر	۱۰۹۹۴
		شرن	۵۹ کیلومتر	۱۰۷۳۹
		میدان شهر	۲۳ کیلومتر	۱۰۵۸۵
پارون	۴ کیلومتر	۱۸۳		

شکل ۱.۳: نقشه افغانستان که مراکز ۳۴ ولایت را بر اساس اندازه شهر، نوع / فعالیت نشان می دهد



۱.۳

دموگرافیک: نفوس رو به رشد شهر نشین و جوان

افغانستان عمدتاً یک جامعه روستایی است که تنها حدود ۲۴٪ نفوس آن در شهرها زندگی می‌نماید.^۸ هر چند این رقم به سرعت در حال تغییر می‌باشد. در سال ۱۹۵۰ از هر ۲۰ نفر تنها یک نفر آن در شهرها زندگی می‌نمود. در سال ۲۰۱۴ از هر ۴ تن یک نفر در شهرها زندگی می‌نماید و تا سال ۲۰۶۰، از هر ۲ نفر یک تن آن در زندگی خواهند کرد؛ به این ترتیب در ۵۰٪ نفوس تا آن زمان در شهرها سکونت خواهند کرد.

هرچند معلومات دقیق و قابل اعتماد در مورد شهرنشینی در حال حاضر موجود نمی‌باشد، تخمین‌ها نشان می‌دهد که شهرهای افغانستان به سرعت در حال رشد می‌باشند و رقم این رشد در سال به ۴٪ می‌رسد که یکی از بلندترین سطوح شهری شدن در جهان شمرده می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که طی ۳۵ سال آینده، نفوس شهرهای کشور سه چند شده و به ۲۴ میلیون خواهد رسید (شکل ۱.۴).^۹ هر چند تخمین زده می‌شود که روند طبیعی رشد نفوس آهسته آهسته طی ۳۵ سال آینده کاهش خواهد یافت، نفوس شهرنشین افغانستان به صورت اوسط تا سال ۲۰۵۰، به اندازه ۳.۱۴٪ رشد خواهد نمود که یکی از سریع‌ترین رشد نفوس در جهان شمرده خواهد شد.^{۱۰} (بصورت دقیق که برابر است به هر سال ۳۲،۰۰۰ خانواده‌ها در شهرافزوده خواهد شد.

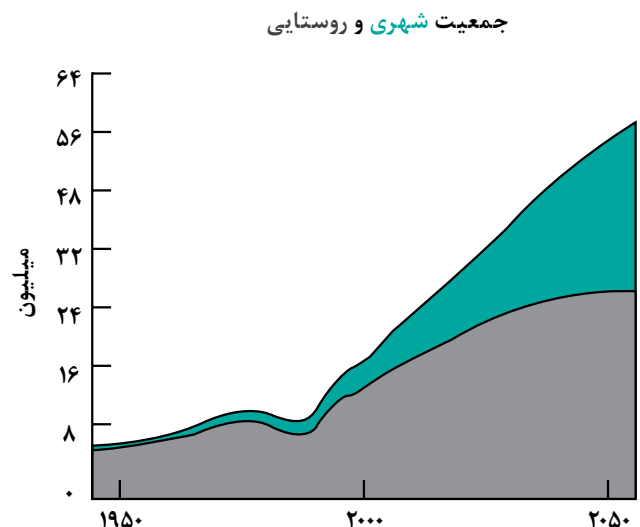
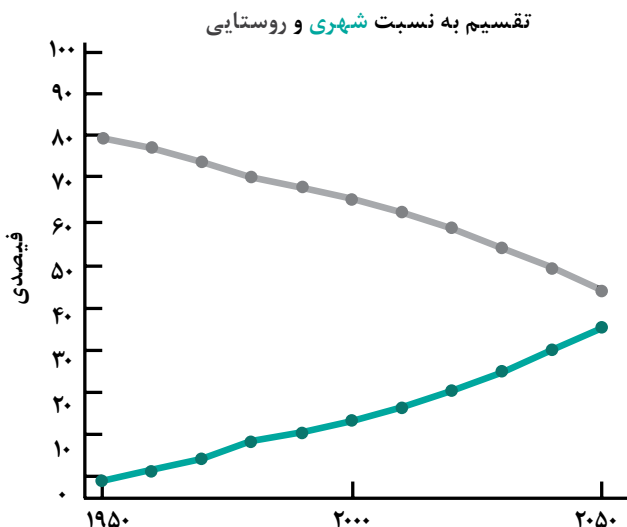
از سال ۲۰۰۱ به اینسو، نفوس شهرنشین افغانستان به صورت تخمینی از ۲۰٪ به ۲۴٪ افزایش یافته است. با این رقم یک افزایش عمده از ۴.۶ میلیون در سال ۲۰۰۲ به ۷.۱ میلیون در سال ۲۰۱۲ در نفوس شهرنشین افغانستان ایجاد گردیده

است^{۱۱} کابل مرکز رشد سریع نفوس بوده تخمین‌های که نشان می‌دهد این شهر حدود ۱۰٪ در هر سال در جریان یک دهه گذشته رشد نموده است، (چوکات ۱.۴ را مشاهده نمایید).

شکل ۱.۶ گرایش شهرنشینی را در مقایسه با کشور های همسایه نشان می‌دهد. که افغانستان مانند سایر کشور های همجوارش به رشد روند شهرنشینی طی دهه های آینده ادامه خواهد داد. این شکل نشان می‌دهد که ایران و چین به عنوان دو قدرت اقتصادی منطقی شاهد یک جریان رشد عمده شهرنشینی طی دهه های قبلی بوده و در حال حاضر بین ۶۰ تا ۷۰٪ نفوس شهر نشین دارند (شکل ۱.۶). در سال ۲۰۱۴، افغانستان با (۲۴.۵٪) کمترین میزان شهرنشینی را در میان کشور های منطقه داشته باشد، اندکی کمتر از تاجکستان با (۲۶.۷٪). شکل ۱.۵ نشان می‌دهد که افغانستان با یک گرایش مشابه به جوامع شهری، بسیار از حد اوسط مناطق جهانی عقب مانده است- و به پیگیری این روند ادامه خواهد داد.

جدول ۱.۳ یک مرور مقایسوی آمارهای نفوس را در ۳۴ مرکز ولایت را ارایه می‌نماید. اختلاف میان اداره احصائیه مرکزی، شاروالی و SoAC ۲۰۱۵-۲۰۱۴ به صورت گسترده می‌تواند به تفاوت محدوده های جغرافیای که به منظور تعریف «سرحدات شهری» مورد استفاده قرار گرفته، نسبت داده شود. اساساً، اداره احصائیه مرکزی در محاسبات خود یک ساحه کوچکتر را برای شهرها مورد استفاده قرار میدهند تا مرز های جدید شاروالی که به تازگی تجدید شده است. (به گونه مثال اداره احصائیه مرکزی برای کابل تنها ۱۶ ناحیه را

شکل ۱.۴: پیش‌بینی های انکشاف شهری و روستایی



منبع: بخش اقتصادی و امور اجتماعی ملل متحد (۲۰۱۴)

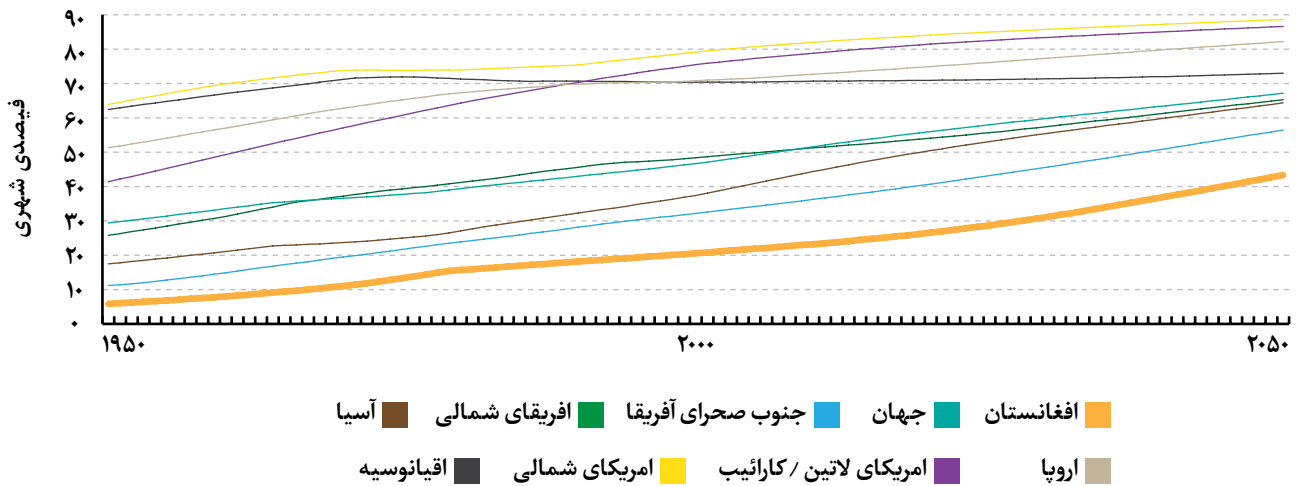
نفوس شهرهای بزرگ مانند لشکرگاه به ۲۳۰,۳۱۸ و کندز به ۲۲۴,۰۷۸؛ پلخمری: ۱۸۴,۳۹۵ نفر به عنوان بزرگترین شهرها حساب می شوند. شهرهای مراکز فعالیت ولایتی به لحاظ تعداد نفوس کوچکتر می باشند، به گونه مثال خوست از آن جمله دارای: ۸۸,۴۰۳ نفوس و چاریکار دارای ۸۰,۳۳۳ نفوس، بامیان ۳۳,۲۶۳ نفر نفوس و فراه دارای ۳۹,۷۴۳ نفر نفوس می باشد. شهرهای روستایی یا قریه های شهری از جمله کوچکترین شهرها محسوب میشوند. به گونه مثال نیلی: ۱۴,۹۵۵ نفر؛ پل علم: ۱۹,۰۹۵؛ و پارون ۱,۳۷۳ نفر نفوس دارند

مورد استفاده قرار می دهد، نه ۲۲ ناحیه را) همچنان احتمال دارد که ارقام و محاسبات شاروالی بیشتر حساب شده اند و براساس کدام سروی انجام شده در ساحتی نمی باشد. با این وجود در تمام موارد تخمین های SoAC بین ها ارقام اداره احصائیه مرکزی (که همیشه کمتر) و ارقام شاروالی که (همیشه بیشتر می باشند) قرار دارد.

یافته های SoAC نشان می دهد که شهرکابل، با داشتن نفوس بین ۲۹۷,۰۷۱۳ و ۳,۵۶۴,۸۵۵ نفر به مراتب از شهرهای دیگر بزرگ می باشد (چوکات ۱.۱ و جدول ۱.۳). براساس ضریب پایین تخمینی (۷.۵) نفوس تمام شهرهای مراکز فعالیت ساحوی هر یک بیشتر از ۳۰۰,۰۰۰ نفر می باشد که از آن جمله هرات: ۶۷۳,۴۲۵؛ مزارشریف: ۵۸۲,۱۱۳؛ و کندهار: ۴۶۴,۲۶۵ نفر و جلال آباد ۲۹۶,۸۹۵ نفر نفوس دارند (جدول ۱.۳). همه این ۵ شهرهای بزرگ تقریباً با داشتن ۶۹٪ از جمله تمام نفوس شهری ۳۴ مراکز ولایت را تشکیل میدهد.

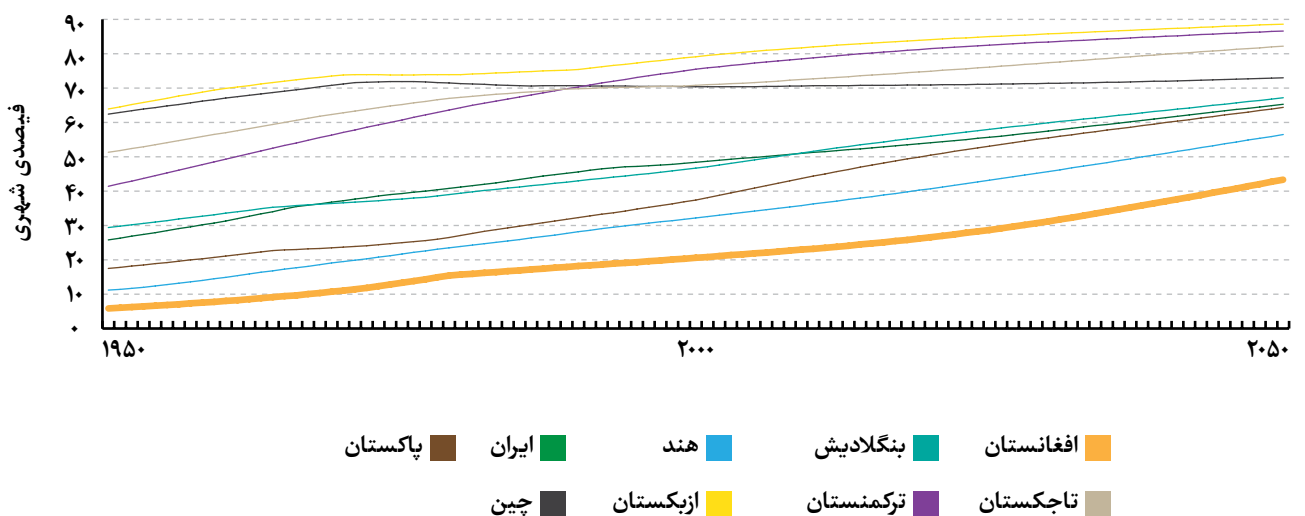
مراکز فعالیت تجاری و ترانزیتی بین ۱۱۹,۰۰۰ و ۲۳۱,۰۰۰ نفوس دارند. از آنجمله

شکل ۱.۵: گرایش شهرنشینی افغانستان در مقایسه با مناطق جهانی، ۱۹۵۰-۲۰۵۰



منبع: بخش اقتصادی و امور اجتماعی ملل متحد (۲۰۱۴)

شکل ۱.۶: گرایش شهرنشینی افغانستان در مقایسه با کشورهای همسایه، ۱۹۵۰-۲۰۵۰



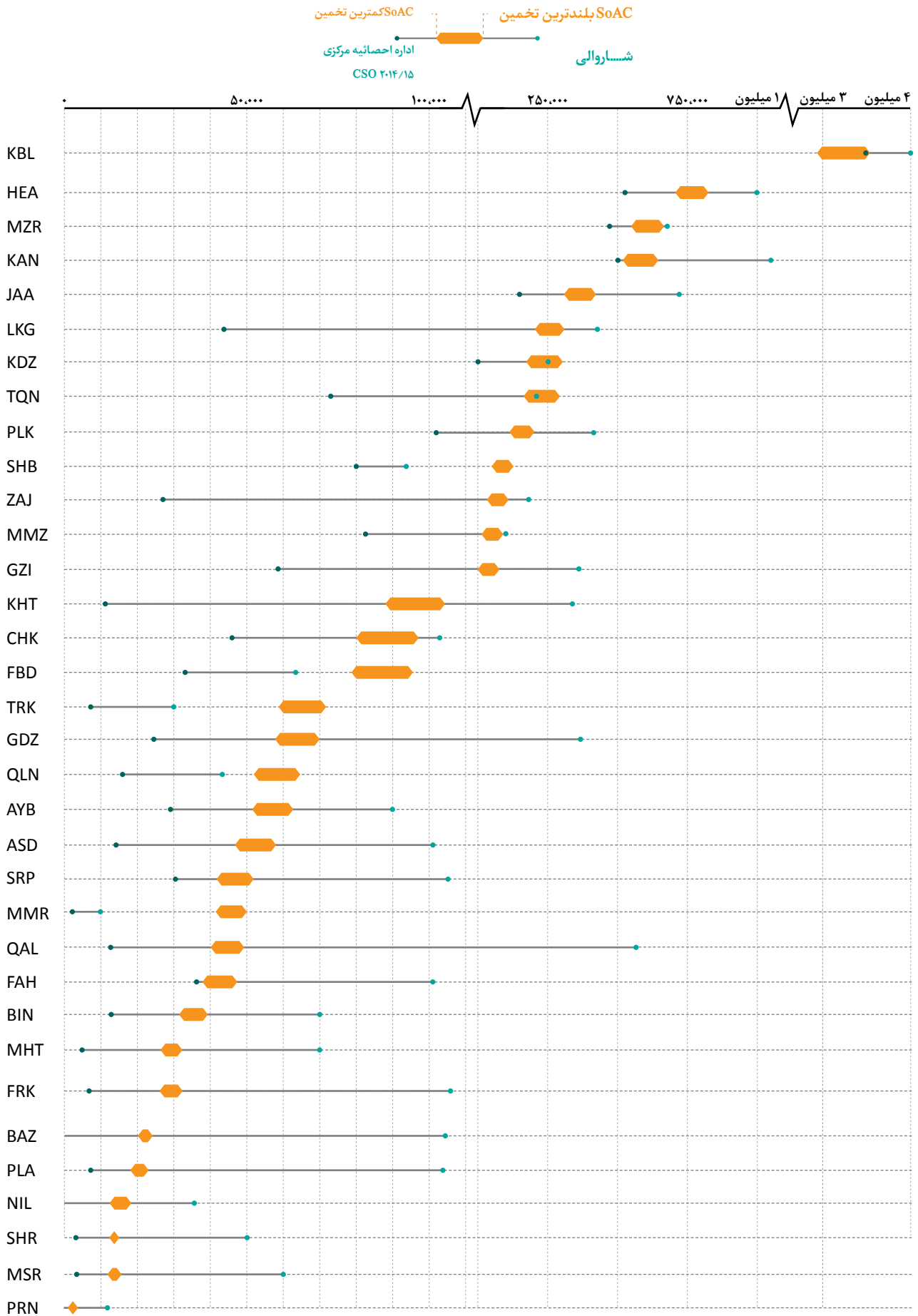
منبع: بخش اقتصادی و امور اجتماعی ملل متحد (۲۰۱۴)

جدول ۱.۳: مراکز ولایتی با میزان تقریبی نفوس شهر نشین

نفوس تخمینی		شاروالی	اداره احصائیه مرکزی (۱۵-۲۰۱۴)	نفوس ولایت (اداره احصائیه مرکزی)	ولایت	مرکز ولایت
SOAC نفوس تخمینی						
۹ تن در هر واحد مسکونی	۷,۵ تن در هر واحد مسکونی					
۳,۵۶۴,۸۵۵	۲,۹۷۰,۷۱۳	۴,۰۰۰,۰۰۰	۳,۵۴۳,۷۰۰	۴,۲۲۷,۲۰۰	کابل	کابل
۸۰۸,۱۱۰	۶۷۳,۴۲۵	۱,۰۰۰,۰۰۰	۴۶۳,۳۰۰	۱,۸۵۲,۸۰۰	هرات	هرات
۶۹۳,۰۰۰	۵۷۷,۵۰۰	۷۰۰,۰۰۰	۳۹۰,۹۰۰	۱,۲۹۸,۳۰۰	بلخ	مزارشريف
۵۵۷,۱۱۸	۴۶۴,۲۶۵	۱,۲۰۰,۰۰۰	۴۲۲,۲۰۰	۱,۲۰۱,۰۰۰	کندهار	کندهار
۳۵۶,۲۷۴	۲۹۶,۱۹۵	۷۰۰,۰۰۰	۲۱۹,۳۰۰	۱,۴۸۹,۸۰۰	ننگرهار	جلال آباد
۲۷۶,۳۸۱	۲۳۰,۳۱۸	۳۰۰,۰۰۰	۴۳,۶۰۰	۹۰۹,۴۰۰	هلمند	لشکرگاه
۲۶۸,۱۹۳	۲۲۴,۰۷۸	۲۵۰,۰۰۰	۱۵۲,۸۰۰	۹۹۱,۰۰۰	کنز	کنز
۲۵۸,۲۱۹	۲۱۵,۱۸۳	۲۲۰,۰۰۰	۷۱,۸۰۰	۹۶۶,۶۰۰	تخار	تالقان
۲۲۱,۲۷۴	۱۸۴,۳۹۵	۴۰۰,۰۰۰	۱۰۵,۹۰۰	۸۹۴,۹۰۰	بغلان	پلخمری
۱۷۵,۵۹۹	۱۴۶,۳۳۳	۹۴,۳۳۳	۸۰,۱۰۰	۵۳۰,۷۰۰	جوزجان	شبرغان
۱۶۰,۹۰۲	۱۳۴,۰۸۵	۲۰۰,۰۰۰	۲۶,۰۰۰	۱۶۲,۱۰۰	نیمروز	زرنج
۱۴۹,۰۴۰	۱۲۴,۲۰۰	۱۵۲,۶۰۰	۸۲,۲۰۰	۹۸۱,۲۰۰	فاریاب	میمنه
۱۴۳,۳۷۹	۱۱۹,۴۸۳	۲۸۰,۰۰۰	۵۹,۱۰۰	۱,۲۰۸,۶۰۰	غزنی	غزنی
۱۰۶,۰۸۳	۸۸,۴۰۳	۲۶۰,۲۱۴	۱۱,۵۰۰	۵۶۵,۲۰۰	خوست	خوست
۹۶,۰۲۹	۸۰,۰۳۳	۱۰۶,۰۰۰	۵۶,۴۰۰	۶۵۳,۴۰۰	پروان	چاریکار
۹۵,۴۴۵	۷۹,۵۳۸	۶۳,۰۰۰	۳۳,۰۰۰	۹۳۵,۳۰۰	بدخشان	فیض آباد
۷۱,۶۰۴	۵۹,۶۷۰	۲۰,۰۰۰	۶,۷۰۰	۳۸۰,۵۰۰	ارزگان	ترینکوت
۷۰,۶۴۱	۵۸,۸۶۸	۲۸۵,۰۰۰	۲۴,۳۰۰	۴۲۷,۷۰۰	پکتیا	گردیز
۶۴,۱۲۵	۵۳,۴۳۸	۴۲,۰۰۰	۱۴,۵۰۰	۴۸۷,۸۰۰	بادغیس	قلعه نو
۶۲,۸۴۷	۵۲,۲۷۳	۹۰,۰۰۰	۲۹,۰۰۰	۳۸۱,۴۰۰	سمنگان	ایبک
۵۷,۱۵۰	۴۷,۶۲۵	۱۰۷,۰۰۰	۱۳,۷۰۰	۴۴۳,۳۰۰	کنر	اسد آباد
۵۱,۰۷۵	۴۲,۵۶۳	۱۱۵,۰۰۰	۳۰,۱۰۰	۵۵۰,۲۰۰	سرپل	سرپل
۵۰,۴۹۰	۴۲,۰۷۵	۱۰۰,۰۰۰	۱,۵۰۰	۴۳۳,۹۰۰	کاپیسا	محمود رافی
۴۹,۱۵۸	۴۰,۹۶۵	۵۳۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۹۹,۱۰۰	زابل	قلات
۴۷,۶۹۱	۳۹,۷۴۳	۱۰۹,۰۰۰	۳۶,۶۰۰	۴۹۸,۹۰۰	فراه	فراه
۳۹,۹۱۵	۳۳,۲۶۳	۷۰,۰۰۰	۱۲,۶۰۰	۴۳۹,۹۰۰	بامیان	بامیان
۳۲,۹۴۹	۲۷,۴۵۸	۷۰,۰۰۰	۵,۰۰۰	۴۳۸,۳۰۰	لغمان	مهترلام
۳۱,۲۶۶	۲۶,۰۵۵	۱۳۲,۰۰۰	۶,۹۰۰	۶۷۹,۰۰۰	غور	فیروزکوه (چغچران)
۲۴,۷۲۳	۲۰,۶۰۳	۱۳۰,۰۰۰	-	۱۵۱,۰۰۰	پنجشیر	بازارک
۲۲,۹۱۴	۱۹,۰۹۵	۱۱۰,۰۰۰	۵,۵۰۰	۳۸۵,۶۰۰	لوگر	پل علم
۱۷,۹۴۶	۱۴,۹۵۵	۳۵,۰۰۰	-	۴۱۷,۵۰۰	دایکندی	نلی
۱۵,۶۵۱	۱۳,۰۴۳	۵۰,۰۰۰	۲,۸۰۰	۵۴۳,۰۰۰	پکتیکا	شرن
۱۴,۲۶۵	۱۱,۸۸۸	۶۰,۶۵۸	۳,۰۰۰	۵۸۶,۶۰۰	وردک	میدان شهر
۱,۶۴۷	۱,۳۷۳	۱۲,۰۰۰	-	۱۴۵,۶۰۰	نورستان	پارون

منبع: اداره احصائیه مرکزی (۱۵/۲۰۱۴) تیم سیستم معلومات جغرافیایی، برنامه وضعیت شهرهای افغانستان: پوپل (۲۰۱۴)

شکل ۱.۷: مراکز ولایتی با میزان تقریبی نفوس شهر نشین



افزایش نفوس جوانان

دارند بیشتر از این ناحیه متاثر می شوند. ویژگی های اصلی مسابقهٔ سیقت جوانان بازار کار شهری را عدم تطابق مهارت ها و مشکلات کیفیت کار در سکتورهای رسمی کوچک و یا سکتورهای غیررسمی تشکیل می دهد.^{۱۲} با روش های تبدیل محدود، کودکان و جوانان شهری عمدتاً پسرها سرنوشت شان به تگدی، فروش مواد و کار کودکان زیر سن (مانند کار در کوره های خشت پزی کارگاه های قالین بافی) کشانیده می شود. مشکل تنها رشد نموده؛ تعداد نفوس فعال به لحاظ اقتصادی حدود ۴۰۰،۰۰۰ در سال افزایش می یابد.

به این سبب است که شهرهای افغانستان معمولاً محیط خصمانه برای جوانان و مخصوصاً زنان و دختران جوان شمرده می شود و اینکه انرژی و اشتیاق آنها مورد آزمایش قرار می گیرد. پسرها و مردان جوان با امید بسیار محدود نسبت به آینده در حاشیه های جوامع شهری زندگی می نمایند و در معرض خطر جذب از سوی عناصر ضد دولتی، افراط گرایان و عناصر جنایت کار قرار دارند البته به شمول کسانی که در تجارت سودمند مواد مخدر کار می نمایند. این امر دست آوردهای تحصیلی را با خطر مواجه نموده و سرمایه گزاری گستردهٔ جامعه بین المللی را طی دهه گذشته به تحلیل می برد. افزون بر آن، جوانان افغانستان به صورت فزاینده یی به دنبال یافتن یک راه عبور غیر قانونی به دیگر کشورهای دیگر می باشند و در معرض خطر گیر افتادن در دام قاچاقچیان بین المللی و سوء استفاده شدن و بهره کشی و تبعید از کشورهای میزبان نیز قرار دارند.^{۱۸} دختران جوان به صورت ویژه در معرض خطر و بردگی جنسی قرار دارند.

افغانستان جوانترین نفوس را در سطح جهان دارا می باشد. بیشتر از سه ربع (۷۹٪) نفوس افغانستان تحت سن ۳۵ سال می باشد؛^{۱۳} از آنجمله حدود نصف این رقم کمتر از ۱۵ سال عمر دارد که تعداد آنها به (۴۷٪) بالغ می گردد؛ و حدود یک سوم (۳۲٪) آنها بین ۱۵ تا ۳۵ سال عمر دارند. پالیسی ملی برای جوانان در سال ۲۰۱۴ منظور شده که با اساس آن سن جوانان از ۱۸-۳۵ شرحه شده است.

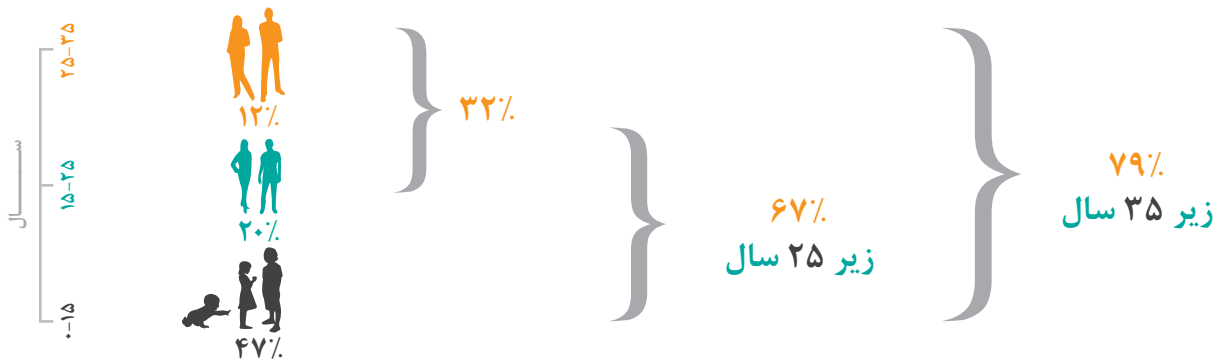
هزاران جوان سالانه به شهرها جذب می گردد. به خصوص این امر برای جوانان بین سنین ۱۵ تا ۲۴ صدق می نماید که حدود یک ربع نفوس شهری (۲۳،۶٪) را تشکیل می دهند، این رقم قابل ملاحظه بیشتر از تعداد جوانان در مناطق روستایی (۱۷،۸٪) میباشد. این ساختارهای سنین متفاوت تا حد زیادی به مهاجرت دانشجویان و نوجوانان برای فرصت های تحصیلی و جستجوی کار در بازار کار می باشد.^{۱۴}

این افزایش نفوس جوانان یک فرصت بی سابقه را ایجاد می نماید. جوانان شهری از منابع بشری عمدتاً پویا برای کمک به توسعهٔ افغانستان، اهداف صلح، امنیت و سعادت برای همگان نمایندگی می نمایند.^{۱۵}

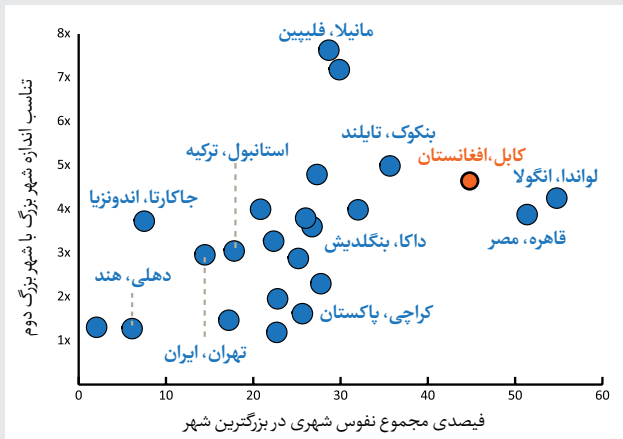
جوانان شهری با چالش های زیادی روبرو هستند، که شامل: (۱) محرومیت تقریباً کامل از مشارکت در حکومتداری شهری، مدیریت و تصمیم گیری که می تواند زمینه را برای مذاکره در مورد حقوق با تلاش های دولت سازی مساعد نماید؛ (۲) کمبود مهارت های قابل انتقال برای مشارکت موثر در بازار کار؛ (۳) محدودیت در خدمات مخصوص جوانان و سازگاری آنها با محیط که برای فراهم سازی زمینه های سرگرمی و فرصت های انکشاف شخصی و کاهش نا امیددی که زمینه را برای افراطی گری و بنیادگرایی مساعد می سازد، دارای اهمیت اساسی می باشد (۴) امنیت و مصئونیت ضعیف شهری مخصوصاً برای زنان و دختران جوان؛ (۵) مشکلات اجتماعی- روانی به شمول گسست میان رسوم، فرهنگ و دین بزرگان شان و پیام های مدرن جامعه شهری با شیوع رسانه ها که در جوامع شهری صورت تهاجمی به خود گرفته است.

مهمتر از همه، فرصت های اشتغال و تحصیلی در ساده ترین تعبیر ناکافی می باشد تا نیاز های بلند بیکاری و کار اطفال زیر سن را در شهرهای افغانستان کاهش دهد. به نظر می آید که با توجه به کندی ایجاد شده در فعالیت های اقتصادی و خروج نیروهای بین المللی این امر طی دو سال اخیر بدتر شده است.^{۱۶} زنان و مردان جوان که معمولاً وظایف موقت و مشروط

شکل ۱۰.۸: افزایش نفوس جوانان در افغانستان



فیصدی مجموع نفوس



منبع: اداره احصائیه مرکزی (۲۰۱۴)

کابل یک نمونه واضح و طاقت فرسا از شهرهای بزرگ جهان میباشد. چنانکه نام گذاشته شده پیشنهاد می نماید "شهر بزرگ و پیشگام" شهری را گویند که شهر برتر بوده و متناسب به آن در تعداد نفوس نسبت به بزرگترین شهر و یا شهرهای بزرگتر دیگر کشور بزرگتر می باشد. این شهر بزرگ کابل می باشد. تخمین زده می شود که این شهر هفت برابر بزرگتر از شهرهای بزرگ دیگر مانند هرات، مزارشریف، و کندهار میباشد. وضعیت شهر بزرگ کابل نمی تواند دست کم گرفته شود. به لحاظ نسبت تقدم و فیصدی مجموع نفوس شهرنشین حتما نسبت به شهرهای شناخته شده در سطح جهان مانند داکه در بنگله دیش، بنکاک در تایلند، منیلا در فیلیپین و قاهره در مصر کوچکتر می باشد. برعلاوه اکثر این کشورها یک نسبت سلسله مراتبی شهرنشینی دارند، یک سیستم شهرها به گونه مثال هندوستان یک شبکه مشابه شهرهای بزرگ دارد، مانند دهلی، بمبئی، کلکته، حیدرآباد که با شهرهای کوچک و بزرگ مرتبط می باشند. این امر، به روند انکشاف متوازن و انکشاف کمک نموده و فشار را بر شهرهای بزرگ به منظور رسیدگی به خدمات تدارکاتی، مسکن و غیره برای یک چنین تعداد مردم، کاهش می دهد.

در تلاش برای پلان گزاری پیش از انکشاف، در ۲۰۰۹ شهر کابل جدید به منظور اسکان تعداد ۳ میلیون نفر پلان گزاری گردید. این شهر در اراضی شمال کابل در ساحه ده سبز و باریکاب، بر سر راه بگرام و چاریکار قرار دارد. این پلان تاکنون به سبب یک تعداد دلایل به شمول موجودیت آب محدود، مشکلات تملک و غصب زمین، درگیری با ساکنان موجود روستا، و کمبود منابع مالی کافی برای سرمایه گزاری بالای یک چنین پروژه وسیع، تطبیق نشده است.



ماستر پلان کابل جدید

۱.۴

جستجو برای خانه ای در شهر: عودت کنندگان، بیجا شدگان داخلی و مهاجرت

حال حاضر زندگی می نمایند (۳۵.۹٪ از ولسوالی دیگر؛ ۱۷.۵٪ از ولایت دیگر و ۴.۳٪ از کشور دیگر آمده اند.^{۳۳}) شواهد نشان می دهد که امنیت عامل عمده و مهم مهاجرت به شهرها میباشد برعلاوه آن بسیاری از افغان ها به دنبال فرصت های شغلی و معیشتی و دسترسی به خدمات نیز هستند.

از ماه دسامبر سال ۲۰۱۴، بیشتر از ۸۰۵,۰۰۰ افغان به صورت بیجاشده داخلی در سراسر افغانستان باقی مانده است.^{۳۴} در حالیکه پیگیری حرکت های بیجاشدگان داخلی دشوار می باشد، مخصوصا در صورتیکه روند بیجاشدگی زیاد شده باشد، شواهد نشان می دهد که اکثر افغانهای بیجاشده در داخل و حواشی مراکز شهری افغانستان زندگی می نمایند.^{۳۵} شهرها محل جذب بیجاشدگان داخلی می باشند زیرا آنها در آنجا از خشونت ها در امان میباشند و در شهرها فرصت های شغلی و دسترسی به خدمات بیشتر وجود دارد.

بیجاشدگان داخلی شهر نشین مخصوصا در سال نخست پس از بیجاشدگی شدید آسیب پذیر می باشند. این بیجا شدگان عمدتاً با کمبود اسناد روبرو اند که دسترسی آنها را به عدالت و دسترسی کودکان شان را به تحصیل محدود می سازد. بیجاشدگان داخلی شهرنشین دسترسی محدود به آب و دیگر خدمات ابتدایی دارند و در شرایط مسکن نیمه معیاری با کمبود حریم خانوادگی زندگی می نمایند، آنها یا اسباب

از سال ۲۰۰۲ به اینسو، بیشتر از ۵.۸ میلیون مهاجر عودت کننده به افغانستان برگشت نموده است.^{۳۶} در میان عودت کنندگان ۳.۸ میلیون از پاکستان برگشت نموده اند در حالیکه ۱.۶ میلیون از کشور ایران به وطن برگشته اند. تنها در سال ۲۰۰۲ ۱.۸ میلیون عودت کننده به افغانستان برگشته بود.^{۳۷} شهرهای بزرگ تعداد قابل توجهی بیجا شدگان داخلی، عودت کنندگان و مهاجرین اقتصادی را به خود جذب نموده است. در حالیکه معلومات دقیق در این زمینه وجود ندارد به نظر می آید که اکثر عودت کنندگان به کشور در محلات شهری ساکن شده اند.

تخمین زده می شود که ۴۹٪ خانواده های که گزارش شده از بیجاشدگی برگشته اند نیز در ساحات شهری ساکن شده اند که در مقایسه با تقسیمات ملی خانواده ها- ۲۴٪ شهری و ۷۶٪ روستایی- این رقم دو برابر می باشد. این ارقام مفکوره ی ر تقویت می نماید که گویا شهرک ها و شهرهای عمدتاً کابل به صورت غیر متناسب خانواده های که تاریخچه بیجاشدگی دارند را جذب می نماید.^{۳۸}

علاوه بر آن، دهه گذشته شاهد یک رقم قابل ملاحظه مهاجرت از روستا به شهر بوده که مردم به دلیل نا امنی محلات زندگی خود را در روستا ترک نموده و به دنبال فرصت های شغلی و تحصیلی به شهرها آمده اند.^{۳۹} بیشتر از یک سوم نفوس شهرنشین بیرون از شهر تولد شده اند که آنها در

جدول ۱.۴: تعداد برگشت های سالانه (تعداد افراد) به افغانستان از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ توسط کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان

سال	پاکستان	ایران	دیگر	مجموع
۲۰۰۲	۱,۵۶۵,۰۶۶	۲۵۹,۷۹۲	۹,۶۷۹	۱,۸۳۴,۵۳۷
۲۰۰۳	۳۳۲,۱۸۲	۱۴۲,۲۸۰	۱,۱۷۵	۴۷۵,۶۳۸
۲۰۰۴	۳۸۳,۳۲۱	۳۷۷,۱۵۱	۶۵۰	۷۶۱,۱۲۲
۲۰۰۵	۴۴۹,۳۹۱	۶۳,۵۵۹	۱,۱۴۰	۵۱۴,۰۹۰
۲۰۰۶	۱۳۳,۳۳۸	۵,۲۶۴	۱,۲۰۲	۱۳۹,۸۰۴
۲۰۰۷	۳۵۷,۶۳۵	۷۰,۵۴	۷۲۱	۳۶۵,۴۱۰
۲۰۰۸	۲۷۴,۲۰۰	۳,۶۵۶	۶۲۸	۲۷۸,۴۸۴
۲۰۰۹	۴۸,۳۲۰	۶۰,۲۸	۲۰۴	۵۴,۵۵۲
۲۰۱۰	۱۰۴,۳۳۱	۸,۴۸۷	۱۵۰	۱۱۲,۹۶۸
۲۰۱۱	۴۸,۹۹۸	۱۸,۸۵۱	۱۱۳	۶۷,۹۶۲
۲۰۱۲	۷۹,۴۴۵	۱۵,۰۳۵	۸۶	۹۴,۵۵۶
۲۰۱۳	۳۰,۳۸۸	۸,۲۴۷	۱۳۱	۳۸,۷۶۶
۲۰۱۴	۹,۹۱۸	۳,۷۳۴	۱۹۳	۱۳,۸۴۵
مجموع	۳,۸۱۶,۵۲۴	۹۱۹,۱۳۸	۱۶,۰۷۳۳	۴,۷۵۱,۷۳۵

باشد. راه حل متداوم و قابل ترجیح برای این مردم، بسیج متداوم محلی در مناطق شهری می باشد. در جایکه این هدف به دست آمد، نتایج مثبت به دست خواهد آمد. به گونه مثال شواهد فزاینده از کابل نشان می دهد که اکثریت عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی که می توانند در محلات خوب ادغام شوند متمایل اند که شرایط معیشتی و دسترسی به خدمات را به صورت متساوی با مردم محل را پس از سه سال دریافت نمایند.

مهاجرت از شهر به شهر نیز یکی از گونه های مهاجرت در افغانستان شمرده می شود (شکل ۱۰۹). برای مهاجرین داخلی از سال ۲۰۰۴ به اینسو، شبکه تحركات میان محلات شهری مهمتر از تحركات میان ساحات شهری و روستایی می باشد.^{۲۸} ۴۱۴,۰۰۰ تن از یک محل شهری به محل شهری دیگر منتقل شده اند که در مقایسه با ۳۴۶,۰۰۰ تن که از روستا به شهر از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۱ آمده اند بیشتر می باشند. شواهد داستان گونه نشان می دهد که نمونه های مهاجرت از شهر به شهر شامل موارد آتی می شود: (۱) مهاجرت از یک محل به محل دیگر، از قریه های روستایی به مراکز ولسوالی، بعد به مرکز ولایت و بعد به مرکز کابل؛ و (۲) انتقال به شهرهای بزرگ به خاطر کار و دسترسی به زمین، مسکن و خدمات.

برای کسانی که در خارج از کشور به دنیا آمده اند اما به افغانستان مهاجرت نموده اند، (مهاجران عمری): ۲۲٪ حالا در ساحات شهری زندگی می نمایند و ۶۰٪ در مناطق روستایی (بقیه آنها به صورت کوچی) می باشند. برای شهروندان غیر کوچی ترجیح داده می شود که در شهرک های داخل شهر جایجا شوند. این ترجیح، برای مهاجرانیکه از ایران برگشت می نمایند (۵۵.۶٪) نسبت به مهاجران برگشت نموده از پاکستان (۲۵.۵٪) قوی تر می باشد.^{۲۹}

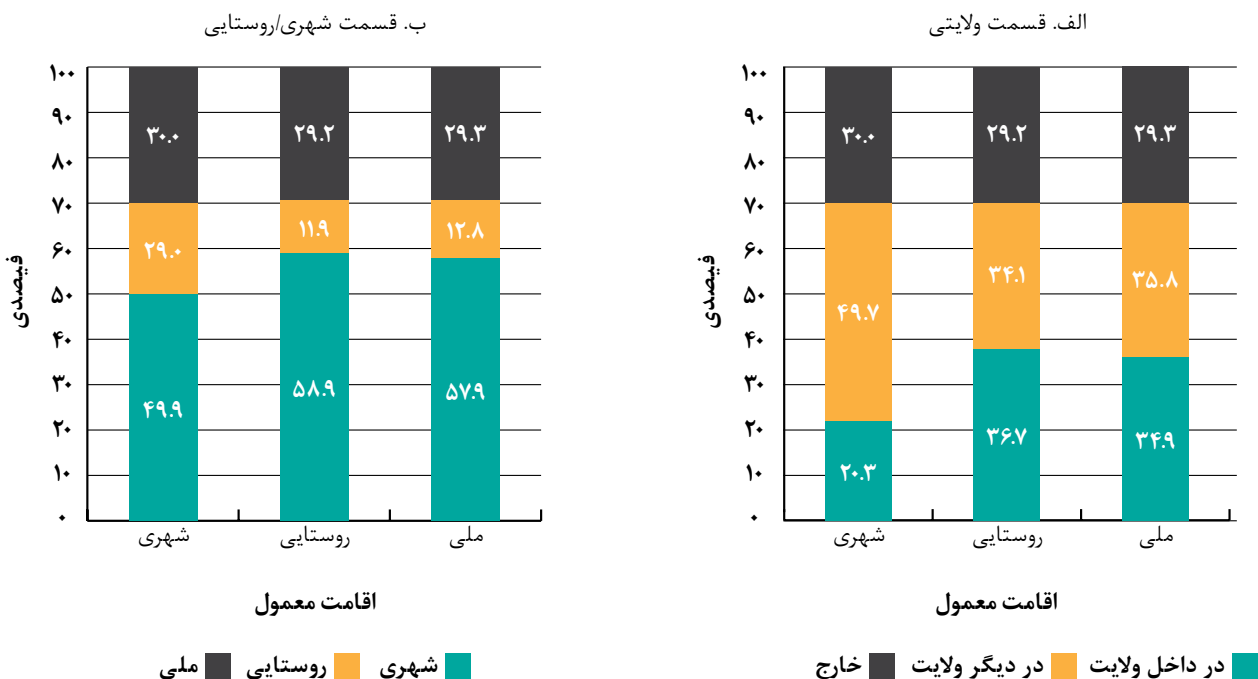
تغییرات ساحات شهری در مهاجرت های فصلی (مسکن گزین شدن موقتی برای حد اقل یک ماه، اما کمتر از یک سال) (شکل ۱۰۹). ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ها نشان می دهد که حدود ۶۰٪ مهاجرت

معیشت ندارند و یا از اسباب معیشت اندک برخوردارند و به یک محدوده کامل محافظت از چالش های نا امنی، بی توجهی و به حاشیه رانده شدن به منظور افزایش خطر خشونت های مبتنی برجنسیت، بهره گیری از کودکان و میکانیسم های کنار آمدن منفی روبرو اند و این نگرانی ها مخصوصا در میان زنان و کودکان بیشتر می باشد.^{۲۶} برعلاوه، بیجاشدگان داخلی شهرنشین، دسترسی محدود به زمین، مسکن و امنیت مالکیت دارند؛ در میان آنها میزان بلند بی سواد و کمترین میزان اشتغال با معاش وجود دارد. آنها به صورت واضح از مهارت های خود در مقایسه با دیگر ساکنان شهر، حتا نسبت به افراد بی بضاعت در شهر، مستفید شده نمی توانند.

در بسیاری حالات عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی که در شهرها و یا حواشی شهرها و شهرک ها جایجا شده اند به صورت غیر قابل انکار سرنوشت شان به محلات پرجمعیت، پرمخاطره و تنظیمات مسکن دارای خدمات پایین کشانیده می شود. در موارد دیگر عودت کنندگان در محلات بخصوص تحت طرح های تخصیص اراضی از سوی دولت به عنوان بخشی از فرمان شماره ۱۰۴، زندگی می نمایند اما این راه حل معمولا راه حل دائمی برای آنها فراهم نمی نماید زیرا این محلات فقیرنشین از فرصت های شغلی و معیشتی بسیار دور می باشد و دسترسی به خدمات اساسی به شمول آب آشامیدنی، تاسیسات، فرصت های تحصیلی و مراقبت های صحتی محدود می باشد و این امر وضعیتی را پیش می آورد که برای زنان و دختران بدتر می باشد.

آنچه به صورت واضح از تحقیقات و درس های آموخته شده طی بیشتر از ۱۰ سال تجربه به دست آمده است نشان می دهد که اکثر زنان، مردان و جوان افغانستان که از روستاها برگرنده شده اند نمی خواهند که به محلات روستایی اصلی خود برگردند. یک خانواده نمونه از پنج شهر عمده دیده شده است که نمی خواهد شهر را ترک نماید^{۲۷} - این یک گرایش عام دموگرافیک و اجتماعی - اقتصادی در اکثر کشورهای روبه انکشاف می

شکل ۱۰۹: نفوس ۱۴ سال با در نظر داشت مهاجرت های فصلی توسط اسکان معمولی و تراکم



منبع: ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری ها (۲۰۱۳)

تن به صورت فصلی، اکثراً به خاطر تغییر فرصت های شغلی مهاجرت می نمایند. غالباً نیروی کار مهاجران فصلی را مردان تشکیل می دهند که فیصدی آنها به (۹۴٪) می رسد.

های روستایی فصلی به محلات شهری (۵۸.۹٪) صورت می گیرد (شکل ۱.۹). از جمله مهاجرت های فصلی شهری، حدود نصف آنها به مرکز شهر دیگر صورت می گیرد (۴۹.۹٪). از جمله مهاجرت های فصلی شهری، نصف مهاجرت ها به ولایت دیگر صورت می گیرد. به صورت قابل توجهی ۳۰٪ باشندگان شهری و روستایی در فصل های مناسب به بیرون از کشور (عمدتاً به ایران و پاکستان) سفر می نمایند.^{۳۰} به سخن دقیق تر حدود ۵۳۰،۰۰۰

جلال آباد، ولایت ننگرهار



۱.۵

تقسیمات شهری: فقر، نابرابری جنسیتی و محرومیت اجتماعی

فقر

شهرنشینان افغانستان تحت خط فقر زندگی می نمایند. به طور واقعی دو میلیون تن در مراکز شهرها تحت خط فقر زندگی می نمایند.^{۳۱}

به استثنای بلخ، ما می بینیم که ولایات دارای سطح شهرنشینی بیشتر نسبت به مناطق روستایی تر، سطح پایین افرادی را دارند که تحت خط فقر زندگی می نمایند، به استثنای ولایات اطراف که از جریان گسترده کمک ها، گاهی به دلیل نیازمندی ها نسبت به اولویت های استراتژیکی و نظامی بهره می گیرند (مانند ولایت هلمند).^{۳۲} ناتوانی به منظور کاهش خلا میان سطح فقر در ساحات شهری و روستایی طی پنج سال گذشته نشان می دهد که انکشاف اقتصاد افغانستان به همانگونه که توقع برده می شد فراگیر نبوده است. باید به خاطر داشته باشیم که فراتر از فقر مطلق شاخص سرشماری، خانواده های فقیر شهرنشین افغانستان نسبت به مردمیکه در روستاها زندگی می نمایند به لحاظ مصئونیت غذایی کمتر عکس العمل نشان می دهند، چون آنها فقط گهگاهی برای فراهم آوری رژیم غذایی خود چیزی تولید می نمایند. برعلاوه، مسکن، غذا، تیل و ترانسپورت مصارف و هزینه های بزرگتر در شهرها محسوب می شوند.

فقر، آسیب پذیری و محرومیت اجتماعی خصوصیات جوامع روستایی می باشد و این موارد در زندگی کسانی که در شهرها سکونت می نمایند وجود ندارد. به هیچ صورت این فرض درستی نیست. در عقب چهار دیوار خانه ها، داخل خانه های بنا شده در دامنه تپه ها و در زیر خیمه ها شما به سادگی چهره فقر مخفی شده در شهرهای افغانستان را دیده می توانید. این افغانهای شهرنشین از حقوق انسانی خود برای سرپناه کافی انکار می نمایند و اینها کسانی اند که از خدمات اجتماعی محروم اند و تحت ترس متداوم اخراج شدن زیست می نمایند. شبکه های مصئونیت اجتماعی، دسترسی به زمین و مواد زندگی روستایی در شهرهای که اقتصاد نقدی غالب می باشد و فشار شدید بازار موجودیت دسترسی به خدمات را شکل می دهد، وجود ندارد.

افغانستان یک کشور فقیر با تنها ۵۴۲۴ عاید سرانه می باشد.^{۳۱} ۳۶٪ مجموع نفوس افغانستان تحت خط ملی فقر زندگی می نمایند. به سخن روشنتر، ۱۱،۵ میلیون نفوس افغانستان تحت خط فقر زندگی می نمایند. ۲۸٪ مجموع نفوس روستاهای افغانستان و ۲۹٪ مجموع نفوس

جلسه شورای انکشافی زنان (CDC)



نابرابری جنسیتی

می توانند به جامعه کمک نمایند. شواهد داستان گونه نشان می دهد نشان می دهد که اکثر زنان و دختران افغان که با خانواده خود به شهرها مهاجرت نموده اند در شهرها آزادی کمتری دارند زیرا که وارد شبکه های اجتماعی که فرصت های به لحاظ اجتماعی قابل پذیرش برای ترک گفتن خانه های شان و تقبل فعالیت های مستقل جداگانه از دیگر اقارب مردان شان را فراهم نماید، نیستند.

مصئونیت و امنیت ضعیف شهری: به شمول مزاحمت، سوء استفاده و مسیرهای نا مصئون برای دختران جهت رسیدن به مکتب، یک نقش قاطع را در تصامیم والدین در مورد اینکه آیا فرزندان شان را به مکتب بفرستند یا خیر ایفا می نماید.

دسترسی محدود به خدمات عامه: معمولاً زنان و دختران مسوولیت فعالیت ها و کارهای خانگی را به عهده دارند و آنان اغلب به شدت تحت ضربات خدمات ابتدایی ضعیف مانند آب، نظافت، برق، صحت و مخصوصاً مصئونیت محدود و متناسب با توان اقتصادی آنها قرار می گیرند؛

حقوق داشتن زمین، مسکن و دارایی: تخمین زده شده است که کمتر از ۱٪ زمین های شهری در ملکیت زنان قرار دارد با وجودیکه دسترسی زنان به مسکن، زمین و دارایی یکی از عناصر اساسی تقویت اقتصادی شمرده می شود. داشتن این حق مشارکت آنها را در روند تصمیم گیری خانواده افزایش داده و وساحه انتخاب آنها را وسیع تر می سازد، برای زنان فرصت می دهد که به صورت درست با مصارف و بحران های اقتصادی برخورد نمایند و برای آنها امنیت و محافظت فراهم می نماید که اگرگاهی آنها دسترسی خود را به عواید مردان نواز دلیل بیوه شدن و یا طلاق، از دست بدهند، برایشان امنیت لازم فراهم می نماید.

اقلیت های قومی

کوچی های گله دار، یکی از جوامع اقلیت تباری است که از جنگ های سالهای پسین بسیار متاثر شده اند. با این وجود کوچی ها نیز شهر نشین شده اند. تخمین می شود که ۴۰٪ آنها روش زندگی گله داری را به یک زندگی سکونت دایمی تبدیل نموده اند - اکثر این کوچی ها در ساحات نیمه شهری حواشی شهرهای بزرگ سکونت گزین شده اند.^{۳۶} این روش انتقال به و وضعیت شهرنشینی توأم با از دست دادن مواشی و فرصت های مرتع داری بوده است اما همچنان موجودیت صورت بدیل عواید غیر شبنانی از اقتصاد شهری نیز برای آنها از دست رفته به حساب می آید.

وضعیت شهرکابل غالباً زمینه یی برای شهرنشینی کوچی ها مساعد نموده است. شهر کابل جدید (ده سبز) قبلاً تنها یک خانه فصلی مهاجرین فصلی بود اما حالا تعداد زیادی کوچی ها در آنجا مسکن گزین

شهرهای افغانستان می تواند محیط تقویت کننده جوانان، زنان تحصیل یافته، مخصوصاً کسانی که از کشورهای پاکستان و ایران برگشته اند یا از پناهندگی سایر کشورها برگشته اند باشد و یا محیط مساعد برای کسانی که سبب فراغت تحصیلات عالی داشته باشند و یا کسانی که دارای مهارت های قابل انتقال باشند شمرده شود که همه طیف های یاد شده می توانند در سکتور های عامه و خصوصی مشارکت نمایند. اگرچه این زنان به صورت قابل ملاحظه یی در اقلیت قرار دارند. اکثریت زنان در شهرها عمدتاً بی خبر باقی می مانند و به محدودیت های ساختاری زیادی به شمول موارد آتی در زمینه نابرابری جنسیتی در بستر های شهری روبرو می شوند:

- خانواده های که از سوی زنان، به دلیل بیوه بودن و یا اینکه شوهران این خانواده ها ناتوان و یا معیوب می باشند، سرپرستی می شوند، با چالش های زیادی مواجه می شوند. خانواده های که در شهر از سوی زنان سرپرستی می شوند مخصوصاً به خاطر سطح بلند فقر، نسبت بلند وابستگی، عاید اندک، سطح بلند بی زمین بودن، شبکه های اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی محدود و سطح بلند آسیب پذیری در معرض سوء استفاده و بهره کشی قرار دارند.^{۳۷}

مصئونیت و امنیت ضعیف شهری به شمول مزاحمت، سوء استفاده و مسیرهای نا مصئون برای دختران جهت رسیدن به مکتب، یک نقش قاطع را در تصامیم والدین در مورد اینکه آیا فرزندان شان را به مکتب بفرستند یا خیر ایفا می نماید.^{۳۸}

مشارکت نیروی کار زنان در شهرها تنها ۱۳٪ می باشد، یک سوم کمتر از اوسط ملی کار (۱۹٪)، این امر مخالفت با دیدگاه معروف را برجسته می سازد، محیط شهری مخصوصاً برای یک سطح بلندتر مشارکت زنان در بازار کار مساعد می باشد. زنان شهری با کیفیت عمدتاً پایین و وظایفی دارای عواید کم مانند کمک به امور مسکن (نظافت کاری) و فعالیت های مبتنی بر امور مسکن (مانند دوختن، خیاطی، گلدوزی) مسکن کار می نمایند؛ کاری که معاش کمتر داشته و به طور ذاتی نامنظم می باشد.^{۳۹}

معلومات در مورد اکثر شهرهای بزرگ نشان می دهد که تنها یک پنجم اوسط درآمد مردان [۵۰ افغانی ۰۹۰ دالر امریکایی در مقابل ۲۵۰ افغانی در روز که معادل ۴۳ دالر می شود]. بر اساس معلومات اداره احصائیه مرکزی "موانع فرهنگی به حد زیادی پا گرفتن قدرت اقتصادی زنان را در جامعه افغانستان منع می نماید."^{۴۰}

موانع فرهنگی و اجتماعی هنوز در شهرها وجود دارد، که مصئونیت نسبی که روستا یا جوامع روستایی شاید ارایه نماید را محدود می نماید. خانه ساحه کار زنان می باشد و محیطی است که زنان

چرکات ۱.۲

نابرابری جنسیتی در شهرهای افغانستان

زنان در بخش غیر رسمی شهری ۷۵٪ کمتر نسبت به مردان عاید دارند.



۶۲٪ از جمعیت زنان شهری بیسواد هستند، دو برابر میزان بیسوادی مردان شهری ۳۱٪



فقط ۱۳٪ از زنان شهری کار میکنند، یک سوم پایین تر از متوسط روستایی و ملی.



کمتر از ۱٪ از زمین های شهری و املاک توسط زنان



عوااید آنها نصف عوااید همسایگان فقیر و شهر نشین بوده و عمدتاً از تگدی به دست می آید. اوسط سطح مشارکت کاری زنان جوگی به ۶۰٪ می رسد که به محرومیت اجتماعی آنها کمک می نماید. عدم مصئونیت غذایی آنها به ۷۰٪ می رسد که در مقایسه با افراد غیر جوگی این میزان به ۲۵٪ می رسد؛ و این اقلیت ها به دلیل نداشتن اسناد در معرض خطر نداشتن ملیت می باشند چون اکثریت ۸۰٪ آنها اسناد ندارد که مانع اساسی در شمولیت اجتماعی آنها و دسترسی به خدمات و تحصیل شمرده می شود.

توضیحات فوق در مورد کوچی ها، جوگی ها، گریب و چوری فروش های شهر نشین است که یک مورد تبعیض قومی و به حاشیه رانده شدن می باشد. این توضیحات در مقابل فرضیه های قبلی که است که مدعی بود یک حرکت به سمت زندگی شهر نشینی، تماس با نهاد های دولتی، دسترسی به خدمات عامه، فرصت های اشتغال شهری و زندگی بهینه را تقویت نموده؛ چالش های مربوط امنیت و خشونت ها را کاهش می دهد، اما به نظر می آید خلاف آن فرضیه در حق این گروه ها صدق می نماید.

شده اند و در جوار کوره های خشت پزی و در سکتور عمرانی شهر کابل کار می نمایند بر اساس تمام شاخص های اجتماعی و اقتصادی، کوچی ها در پایین ترین مرتبه حتا پایین تر از فقرای شهر نشین، قرار می گیرند. ۵۳٪ مردم در سطح ملی، در فقر زندگی می نمایند، که این رقم خیلی بیشتر از اوسط ۲۶٪ می باشد. کوچی ها همچنان دچار برجسپ های اجتماعی می شوند و به صورت فزاینده یی در تنش های درون جامعه و نزاع ها (عمدتاً بر سر استفاده از زمین و دسترسی به آب) می باشند که به صورت فزاینده یی به دلیل توسعه شهری به وقوع می پیوندد. کوچی ها در معرض فشارهای بازار زمین شهری و پروژه های جدید انکشاف مسکن قرار دارند که فشار فزاینده را بر خانواده های کوچی و جوامع ایجاد می نماید.

با وجود آنکه کوچی ها به خوبی شناخته شده می باشند، اقلیت های دیگری نیز که اکثراً در میان فقرای شهر نشین غیر قابل مشاهده می باشند، به شمول جوگی، گریب و چوری فروش وجود دارند. مانند کوچی، اما تعداد آنها بین ۱۵۰۰-۳۰۰۰ خانواده می باشند، این اقلیت های تباری که قبلاً سابقه گله داری دارند به صورت فزاینده یی در حومه های شهر های بزرگ، به خصوص در شهر های شمال افغانستان مسکن گزین شده اند.

جوکات ۱.۳

تمرکز بر فقرای شهری در کابل و مرکز شهر های منطوقی

مشکل عمده اقتصادی که مردمان فقیر در شهرها به ان مواجه است قیمت بلند مواد خوراکی و کمبود فرصت های شغلی.

مقایسه به حالت فعلی اقتصادی مقایسه در (۲۰۱۴) به یک سال گذشته (۲۰۱۳) ارزیابی فقر شهری وخیم تر شده: ۵۱٪ ±۰.۴٪ ساکنان فقیر شهری جلال آباد (۷۵±۰.۴٪) مردمان هرات وضعیت خود را وخیم قلمداد کردند

نمونه گیری که به سطح خانوار در سال ۲۰۱۴ انجام شده توجه بیشتر ان بالای افراد فقیر شهر بوده که نشاندهنده ان است که ۷۸٪ فامیل ها در شهر های کابل، هرات، کندهار، جلال اباد و مزارشریف زیر خط فقر سقوط کردند که عاید ماهوار هر فرد ان ۱۷۱۰ افغانی و یا معادل ۳۰ دالر امریکای میباشد. فقر زدایی در شهر بصورت عموم فرارگیر بوده ولی به تفاوت کم در سراسر شهرها وجود دارد، در حدود یک بر پنج خانواده های کابلی (۲۲٪ ±۰.۴٪) بالای خط فقر، هرات، کندهار و مزارشریف در حدود ۱۵٪ و جلال آباد بسیار کم ۳٪ ± زندگی دارند.

نسبت بالای خانواده های فقیر طور مستقیم به اندازه خانواده های شهری که بسیار بالا است ارتباط دارد مخصوصاً در کندهار و جلال آباد، نشان دهنده متوسط افراد خانواده ها ۹.۵ و ۹.۶ میباشد، در حالیکه سه شهر دیگر قسماً پایینتر از حد اوسط ملی ۷.۱ نفر میباشد.

۱۳٪ خانواده های فقیر شهر هیچ فرد نان آور ندارند و ۶۵٪ تنها یک نفر را دارند. این افراد نان آور در کارهای ساختمان سازی، دست فروشی و درایوی مصروف میباشند. این فیصدی افراد نان آور در طول سال به شکل متناوب ۴۵٪ در مزار شریف ۶۷٪ در جلال آباد، در حالیکه حدود ۳۰ فیصد نان آوران تنها بصورت نامنظم کار دارند. مزارشریف با داشتن ۴۵٪ نان آوران در به شکل نامنظم زندگی دارند.

مالکیت دام داران در بین فقرای شهری کم است تنها ۱۳٪ (±۰.۱٪) هر چند از هر پنج یک نفر آن د کندهار و جلال آباد مواشی دارند.



منبع: (۲۰۱۴) Samuel Hall گزارش فقر زدایی شهری، برای PIN/DRC

۱.۶

مصئونیت و نا امنی شهری

به صورت کلی در سال ۲۰۱۴، ۱۰۵۴۸ مورد تلفات ملکی در کشور ثبت شده بود که یک افزایش ۲۲ درصدی را نسبت به سال ۲۰۱۳ نشان می داد و بلندترین رقم تلفات ملکی از سال ۲۰۰۹ به اینسو- که روند ثبت تلفات ملکی آغاز شده بود- شمرده می شود. در سال ۲۰۱۴ در ۵ شهر عمده (کابل، مزاریف، هرات، کندهار و جلال آباد) تلفات ملکی به ۱۰۰۶ (شامل ۸۸۹ مرد و ۱۱۷ زن) در پی جنگ می رسید که افزایش ۲۰٪ را نسبت به سال ۲۰۱۳ نشان می داد. در میان این رویداد های محلات شهری، حدود یک ربع (۲۴٪) منتج به مرگ و ۷۶٪ منتج به زخمی شدن گردیده بود.

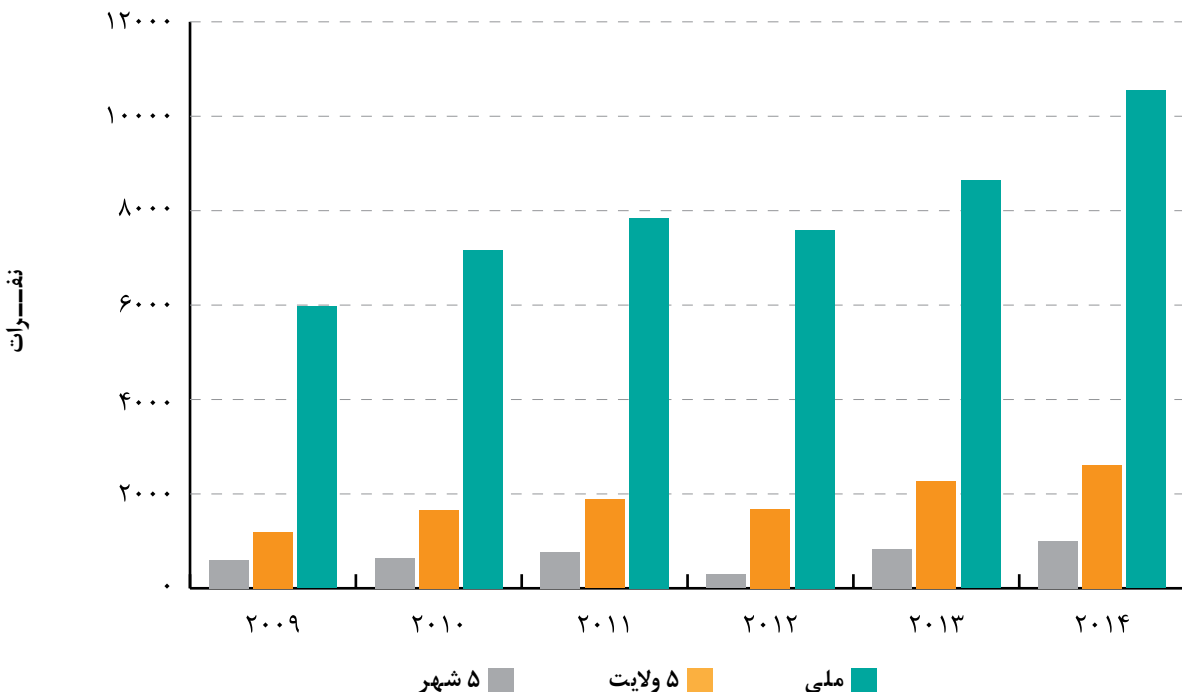
تلفات ملکی در ۵ شهر عمده تنها ۹،۵٪ مجموع تلفات ملکی در سطح ملی در سال ۲۰۱۴ حساب می شود (شکل ۱.۱۰). با توجه به اینکه در این پنج شهر بزرگ حدود ۲۰٪ مجموع نفوس افغانستان زندگی می نماید، این رقم (۹،۵٪ مجموع) نسبتاً کم است که پیشنهاد می نماید که این شهرها به لحاظ تلفات فردی نسبت به دیگر ساحات مصئونتر می باشد.

این معلومات نشان میدهد که تلفات بلند ملکی را در ولایت های کابل، کندهار و جلال آباد نشان می دهد. در سال ۲۰۱۴ بیشتر از نصف تلفات ملکی در محیط شهری ولایت کابل (۵۱٪)، بوده و پس از آن در ولایت جلال

امنیت به عنوان یکی از چالش های عمده افغانستان باقی مانده است. هرساله هزاران افغان به سبب خشونت های جاری کشته و یا زخمی می شوند. در سال ۲۰۱۴، ۴۵٪ نفوس افغانستان نا امنی را یکی از مشکلات بزرگ افغانستان می دانند.^{۴۲} ۱۳٪ نفوس از فعالیت شورشیان، ۴۱٪ از نا امنی مربوط به نزاع بر سر زمین، ۲۱٪ از حملات فزینی مربوط به غیر شورشیان و ۲۰٪ از دزدی ها و سرقت ها متاثر می شوند.^{۴۳}

در حالیکه شهرهای افغانستان به نظر می آید به صورت عموم نسبت به ساحات روستایی مصئون تر باشند اما پویایی و چالش ها متفاوت می باشد. شهرهای افغانستان به صورت متداوم محل نمایش غیر عادی حملات از سوی عناصر ضد دولتی بوده و این حملات عمدتاً به صورت حملات مغلق و انتحاری در مقابل دفاتر و مقامات دولتی و کاروانها و سفارت خانه های خارجی اجرا می گردد. این حملات تاثیر عمده بی بالای شهروندان محلات شهری، به لحاظ روان شناختی و به لحاظ تلفات به جا می گذارد. از سال ۲۰۰۹ به اینسو ماموریت کمک های ملل متحد در افغانستان (یوناما) به صورت سیستماتیک تلفات ملکی را در سراسر کشور ثبت می نماید. تلفات ملکی (مرگ و زخمی شد در نتیجه خشونت ها) یکی از روش های کلیدی اندازه گیری عدم مصئونیت و نا امنی می باشد.^{۴۴}

شکل ۱.۱۰: تلفات ملکی ۲۰۰۹-۲۰۱۴، در سطح ملی و برای پنج شهر و ولایت انتخاب شده



وایستگان مرد را در مقایسه با زنانیکه در روستاها زندگی می نمایند نشان می دهد. در حالیکه فیصدی تلفات ملکی زنان نسبتاً پایین می باشد اما تأثیر از دست دادن شوهر و پدردر جنگ به تنهایی نمی تواند دست کم گرفته شود؛ "اضطراب و دلتنگی زنان و اطفال حین از دست دادن شوهر یا پدر در جنگ عمدتاً تنها آغاز تاتر و دشواری ها می باشد. نتایج دراز مدت اجتماعی و اقتصادی تخریب کننده خواهد بود".^{۴۵}

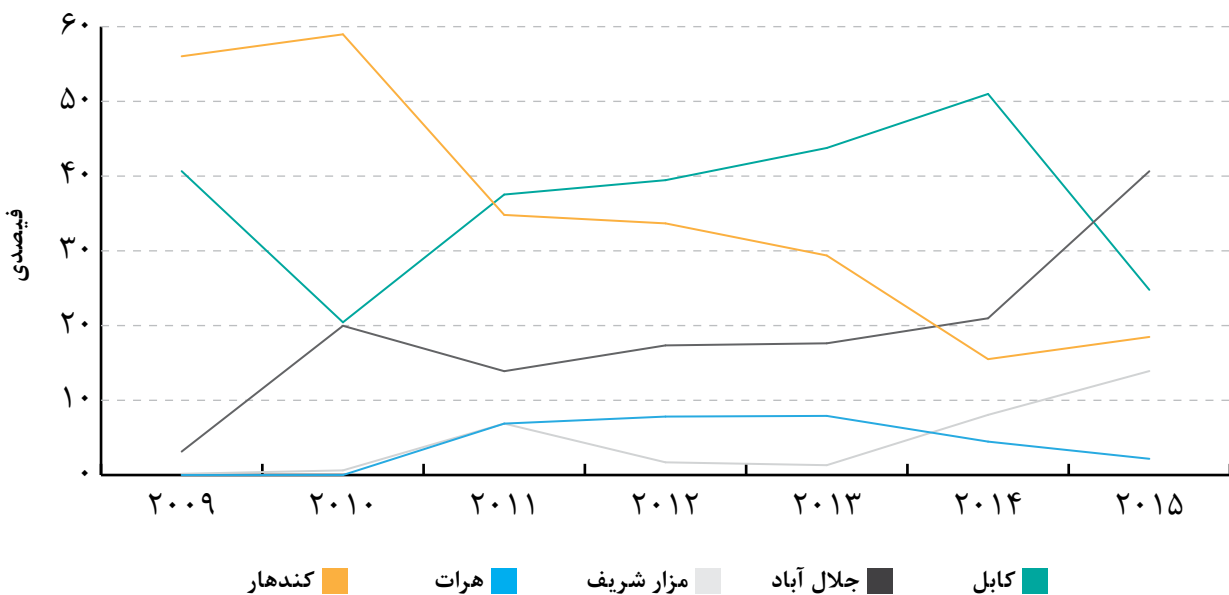
مصنوعیت و امنیت در شهر، تنها در مورد حیات و مرگ نیست، بلکه در مورد استعمال، فراگیری و دسترسی به فضاها و خدمات عمومی و زیربناها می باشد. چنانکه در فوق تذکر یافت، نا امنی در شهر و مصنوعیت کمتر مخصوصاً برای زنان و دختران حاد و شدید می باشد. طی سالهای گذشته وضعیت و جرایم جنایی در برابر زنان به سطوح قابل ثبت رسیده است.^{۴۶} ۸۷٪ زنان حد اقل از یک سوء استفاده نوع فیزیکی، جنسی یا روانی با بیشتر از نصف تجارب انواع عمومی سوء استفاده ها و خشونت متاثر می شوند.^{۴۷} مصنوعیت زنان توسط واقعیت که کمتر از ۱٪ نیروهای پولیس ملی افغانستان زن هستند- کمک می شود.^{۴۸}

آباد این رقم (۲۱٪) و در کندهار ۱۶٪ می باشد (شکل ۱.۱۰). چهار ماه نخست سال ۲۰۱۵ (از ماه جنوری تا ماه اپریل) شاهد یک افزایش متناسب در ولایت های جلال آباد و مزار شریف بوده است.

وقایع از سال ۲۰۰۹-۲۰۱۵ نشان می دهد: هرات و مزار شریف به صورت ثابت تعداد تلفات کمتر نسبت به دیگر شهرها داشته اند (شکل ۱.۱۱). این مورد، شواهد داستانی را حمایت می نماید که این دوشهر و حوزه های آنها (شمال و غرب) نسبت به حوزه های جنوبی و شرقی مصنوعون تراند. بین سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ سهم تلفات ملکی در شهر کندهار به صورت قابل توجهی کاهش یافته است در حالیکه جلال آباد طی مدت یاد شده به صورت واضح یک سیر صعودی را پیموده است.

ابعاد تلفات ملکی به لحاظ تفکیک جنسیتی کاملاً تکان دهنده می باشد. در سال ۲۰۱۴، در این ۵ شهر و ولایت عمده، ۸۸٪ تلفات ملکی را مردان ، و ۱۲٪ دیگر آنان را زنان تشکیل می دادند. به این ترتیب سال ۲۰۱۴ را عین سال ۲۰۱۳ و یکی از مرگبارترین سال برای زنان شهری از سال ۲۰۰۹ به اینسو شمرده اند. در سال ۲۰۱۴ یک فیصدی بلندتر تلفات ملکی در میان زنان ساکن شهرها نسبت به اوسط عمومی بوده است (۱۲٪ در پنج شهر در مقابل ۹٪ در سطح ملی) این رقم یک شانس بیشتر مرگ یا زخمی شدن

شکل ۱.۱۱: فیصدی سهم تلفات ملکی شهر نشین طی سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۵ (ماه جون تا ماه اپریل) در پنج شهر عمده



منبع: یوناما، بخش حقوق بشر؛ یوناما (۲۰۱۵)



۱.۷

اقدامات بعدی

- رشد آگاهی، ایجاد اتفاق و انسجام نظر در مورد شهرنشینی در افغانستان به منظور دست یافتن به آجدای شهرنشینی. گفتمان را از شهرنشینی به عنوان یک مشکل^{۴۱} به جهت مخالف آن و ارزش قایل شدن به توانایی هایی که می تواند به درستی رهبری نموده و می تواند برای افغانستان کمک نماید که بعضی از چالش های عمده خود را به شمول فقر ریشه دوانیده در متن جامعه، نبود کیفیت، تخریب محیط زیست و شکنندگی و وضعیت و جنگ را حل نماید. شواهد نشان می دهد که انکشاف اقتصادی، انکشاف سریع اجتماعی و برابری جنسیتی بدون شهرنشینی به دست نمی آید. انتقال از یک درجه پایین اجتماعی به درجه و وضعیتی دارای عاید متوسط همیشه با انتقال از یک وضع روستایی به یک وضع دارای اقتصاد شهری، توأم می باشد.
- در سطح ملی، یک پالیسی و استراتژی ملی شهری به منظور کمک به رهنمایی روند انتقال شهرنشینی طی سه دهه آینده تدوین گردیده و انکشاف متوازن به لحاظ جغرافیایی رشد یابد. استراتژی فضایی باید به هدف کاهش فشار مهاجرت داخلی بالای کابل (که در حال حاضر یک شهر پیشاهنگ می باشد) از طریق افزایش شهرهای مرکز فعالیت ساحوی و تحت کنترل در آوردن شهرها و منابعی که دهلیز بهبود اقتصاد شهری و تقویت روند کارایی، ایجاد گردد.
- حمایت از انکشاف پالیسی اجتماعی ملی، توجه خاص به مشخصات شهرها و نفوس آسیب پذیر؛
- پلان گذاری در زمینه رشد جهت کاهش وقایع غیر رسمی و پراکنده. این امر دسترسی به زمین های قابل پرداخت و مسکن، موقعیت های خوب، مخصوصا برای اکثریت نفوسیکه توان خریداری از سکتور خصوصی را ندارند.
- بهبود معلومات و نظارت بهتر برای پالیسی و برنامه ریزی های شهرنشینی. فقدان اطلاعات کلید متدوام که موانع قابل توجهی را برای برنامه ریزی شهری و تعیین خط مشی ثابت نماید، ایجاد یک رهبری واحد ارگانهای نظارتی شهر ذیدخل که بتواند رشد شهرنشینی را مدیریت و راه های مفید بیرون رفت را جستجو نماید .
- شناخت و ترویج انکشاف شهر برای آمدن تسهیلات اجتماعی و اقتصادی زنان و دختران آسیب پذیر، مهاجران، عودت کنندگان و گروه بیجاشدگان داخلی که بخش بزرگی از نفوس شهری کشور را تشکیل می دهد. این شامل توسعه و اجرای یک برنامه کاهش فقر شهری ملی که میتواند زیر ساخت مفید ها و خدمات قابل توجهی برای خانواده های آسیب پذیر رسیدگی کرده بتواند.

1. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, Kabul, p.21
2. Ministry of Finance. (2014). Development Cooperation Report 2011 - 2013, Government of Islamic Republic of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
3. CIA World Factbook. (2014). <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/af.html>.
4. State of the World's Minorities and Indigenous People. (2014). Minorities Rights Group International, pp- 115.
5. State of the World's Minorities and Indigenous People. (2014). Minorities Rights Group International, pp- 115.
6. Popal, A. B. (2014). Municipalities in Afghanistan, Independent Directorate of Local Governance: Kabul, Afghanistan.
7. Pakistan Afghanistan Joint Chamber of Commerce. (2013). Pak-Afghan trade: Trends and Issues, perceptions of business community.
8. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2014). World Urbanization Prospects: The 2014 Revision, CD-ROM Edition; World Bank 2014, World Development Indicators.
9. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2014). World Urbanization Prospects: The 2014 Revision
10. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2014). World Urbanization Prospects: The 2014 Revision
11. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2014). World Urbanization Prospects: The 2014 Revision
12. Popal, A. B. (2014). Municipalities in Afghanistan, Independent Directorate of Local Governance (IDLG).
13. Central Statistics Organization. (2014). Estimated Settled Population by Civil Division, Urban, Rural and Sex-2014-15
14. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey: Kabul, Afghanistan.
15. UN-Habitat. (2012). The State of Urban Youth 2012/13: Youth and the Prosperity of Cities. UN-Habitat: Nairobi, Kenya.
16. Samuel Hall. (2014): 60% of households in five big cities reported a deterioration in their economic situation over the last 6 months, particularly in Herat and Mazar-e-Sharif.
17. International Labour Organization. (2012). Afghanistan: Time to move to sustainable jobs, Study on the state of employment in Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
18. UNHCR and AREU. (2014). Why do children undertake the unaccompanied journey: Kabul, Afghanistan.
19. UNHCR. (2014). Global Reports 2001 – 2013; Available at: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/search?page=49e486eb6&coi=AFG&scid=49aea93a73&keywords=operations>
20. UNHCR. (2014). Global Reports 2001 – 2013; Available at: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/search?page=49e486eb6&coi=AFG&scid=49aea93a73&keywords=operations>
21. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, pp-27: Kabul, Afghanistan.
22. Popal, A. B. (2014). Municipalities in Afghanistan, Independent Directorate of Local Governance (IDLG).
23. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, pp-17: Kabul, Afghanistan.
24. UNHCR. (2014). Volrep and border monitoring IDP Monthly Update, December 2014.
25. IDPs (Internally Displaced Persons) are persons or groups of persons who have been forced or obliged to flee or leave their homes or places of habitual residence, in particular, as a result of, or in order to, avoid the effects of armed conflict, situation of generalized violence, violations of human rights or natural or human made disasters, and who have not crossed an internationally recognized state border. (Refer: Section 3.1, Afghanistan National IDP Policy, November 2013).
26. NRC. (2015). Listening to women and girls displaced to urban Afghanistan. NRC and TLO, Jan 2015.
27. Samuel Hall. (2014). "A Study of Poverty, Food Security and Resilience in Afghan Cities." For DRC and PIN.
28. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, pp-23: Kabul, Afghanistan.
29. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, pp-18: Kabul, Afghanistan.
30. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, pp-26: Kabul, Afghanistan.
31. World Bank. (2014). World Development Indicators.
32. World Bank. (2014). World Development Indicators.
33. <http://aiddata.org/blog/military-strategy-or-poverty-reduction-investigating-the-provincial-allocation-of-aid-to-afghanistan>
34. UN-Habitat. (2015). Inclusive Cities. Discussion paper #8. UN-Habitat: Kabul
35. UN-Habitat. (2015). Inclusive Cities. Discussion paper #8. UN-Habitat: Kabul
36. Central Statistics Organization. (2014). Afghanistan Living Conditions Survey (ALCS), pp-6: Kabul Afghanistan.
37. UN-Habitat. (2015). Inclusive Cities. Discussion paper #8. UN-Habitat: Kabul
38. UN-Habitat. (2014). Women and Housing: Towards Inclusive Cities. UN-Habitat: Nairobi.
39. Foschini, F. (2013). The social wandering of the Afghan Kuchis. Afghanistan Analysts' Network. p 12.
40. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey: Kabul, Afghanistan.
41. Samuel Hall. (2011). Jogi, and Chori Frosh communities: a story of marginalisation. For UNICEF.
42. Integrity Watch Afghanistan. (2014). National Corruption Survey. Afghan Perceptions and Experiences Of Corruption: Kabul, Afghanistan.
43. Asia Foundation. (2013). Afghanistan in 2013: A Survey of the Afghan People, Asia Foundation: Kabul, Afghanistan.
44. Note: UNAMA's data is disaggregated for the large cities where the city boundaries are clear (Kabul, Herat, Mazar, Kandahar, and Jalalabad) which account for an estimated 75% total urban population. Thus, the data presented in this report refers only to these five cities/provinces (not all 33 provincial capitals). The database uses the old municipal boundaries for these cities, which are smaller than the new ones used in the SoAC report. Thus, the figures presented in this section are likely to under count 'urban' civilian casualties
45. United Nations. (2015). Afghanistan Quarterly; Volume 5, Issue 1; Spring 2015; p. 3.
46. Aljazeera. (2014). Violent crimes against Afghan women hit record high, says rights chief. Accessed on: 22/10/2014. <http://america.aljazeera.com/articles/2014/1/5/violent-crime-againstafghanwomenhitsrecordlevels.htm>
47. Oxfam. (2013). Women and the Afghan police, 173 Oxfam working paper.
48. Oxfam. (2013). Women and the Afghan police, 173 Oxfam working paper.
49. United Nations. (2014). Urbanisation and Sustainable Development: Towards a New United Nations Urban Agenda. CEB high-level panel on Programmes. CEB/2014/HLCP-28/CRP.5

تجربه و ظرفیت والا مردان، زنان و جوانان افغان
در کمک به دولت سازی و توسعه شهری از طریق
شورای های انکشاف شهری و شورای های گذر
انجام شده است.



حکومتداری شهری برای شهرهای جامع (فراگیر)

پیام های کلیدی

- خلاهای جدی میان پالیسی شهری و چهارچوب منظم قانونی وجود دارد. هیچ پالیسی ملی شهری و یا پالیسی ملی برای اسکان و مسکن وجود ندارد (که این امر در اکثر کشورها معمول می باشد). مسوده پالیسی برای انکشاف و بهبود اسکان غیرقانونی با دقت بیشتر ترتیب گردیده و این مسوده بیشتر از دو سال بدون تصویب مانده است. عجلتاً یک پالیسی منظم و قوری ضرورت است که تابتواند این روند شهری شدن را به شکل موثر مدیریت کند و آنرا منجیث یک مسوده در دسترس داشته باشند.
- **مسوولیت ها و روابط مبهم میان دولت مرکزی، شاروالی ها، ریاست های مربوطه و فراهم کنندگان خدمات شاروالی** بالنوبه سهم خود را در پلان گذاری و مدیریت ضعیف انکشاف شهری، فعالیت های مکرر، کمبود پلان های هماهنگ شده و سرمایه گذاری ها در سطح شهر، ایفا نموده و ساحه رشد و انکشاف را بمراتب محدود میسازد.
- **ظرفیت بشری و اداری محدود شاروالی ها** به منظور ارایه خدمات و جهت دهی انکشاف شهری، منجر به تضعیف روابط میان دولت و جامعه می گردد. نیروی بشری مثل نیروی دولتی و ساختاری پایین است. تعداد اندکی شاروالی ها به تعداد ۱۰٪ و یا بیشتر کارمندان زن دارند و اکثر زنان به صورت معمول در پست های پایین استخدام شده اند.
- شاروالی ها یگانه نهاد های دولتی محلی اند که می توانند **عواید و منابع خودی را رشد داده و مصرف نمایند**. بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳، مراکز ۳۴ ولایت به طور اوسط ۹۵ میلیون دالر را در هر سال جمع آوری نمودند. ۵ شهر بزرگی که بیشترین میزان این پول را فراهم نموده بودند عبارت اند از: ۵۵٪ از شاروالی کابل و ۲۶٪ از مراکز فعالیت تجاری حوزه یی مزار شریف، کندهار و جلال آباد.
- **سرحدات فعلی شاروالی ها**، یک تعداد مشکلات عمده یی را در قبال دارد: (۱) آنها از سوی اکثر جوانب دیدخل کاملاً شناخته شده نیستند؛ (۲) آنها با یکدیگر کاملاً سازگار نمی باشند (بعضی آنها بسیار بزرگ بوده، بعضی آنها بسیار کوچک می باشند؛ (۳) گاهی آنها با حدودات ولسوالی ها تقاطع می نمایند؛ و (۴) (۵) سرحدات مذکور از طرف تمام جوانب دیدخل مورد استفاده قرار نمیگیرد که این خود باعث بوجود آمدن معلومات و ارقام ناپایدار و ناسازگار میشود و ارزیابی بالقوه میان روستا و شهر را به محدودیت مواجه میکند.
- **بعضی پیشرفت ها در راستای تقویت و انکشاف مدیریت شهری صورت گرفته است**. به گونه مثال، ایجاد شورای مشورتی شاروالی ها در بیشتر از ۳۰ شهر به عنوان شوراهای موقت شاروالی و "مراکز خدمات شهروندان" که منجیث پل ارتباط میان شهروندان و شاروالی فعالیت مینمایند.
- تجارب نشان داده است که تعداد زیادی از مردان، زنان و جوانان افغانستان، روند دولت سازی و انکشاف شهری را مخصوصاً از طریق شوراهای انکشاف اجتماعی و شوراهای گذر حمایت می نمایند. این روش مشارکتی باید رسمی ساخته شود و توسعه یابد که این امر نیازمند یک چهارچوب بهبود یافته قانونی و رسمی برای مشارکت مردم می باشد.
- ظرفیت های قابل توجهی شاروالی ها به منظور تقویت مشروعیت دولت، رشد عواید محلی و رهنمود انکشاف فراگیر شهری به وجود می آید. توانای شاروالی ها به منظور رشد و مصرف منابع عواید خصوصی شان، هدف مهمی برای تقویت مکلفیت شاروالی ها و کمک به خود کفایی در دهه های بعدی شمرده می شود.

۲.۱

ساختار نهادی و عاملین (بازیگران)

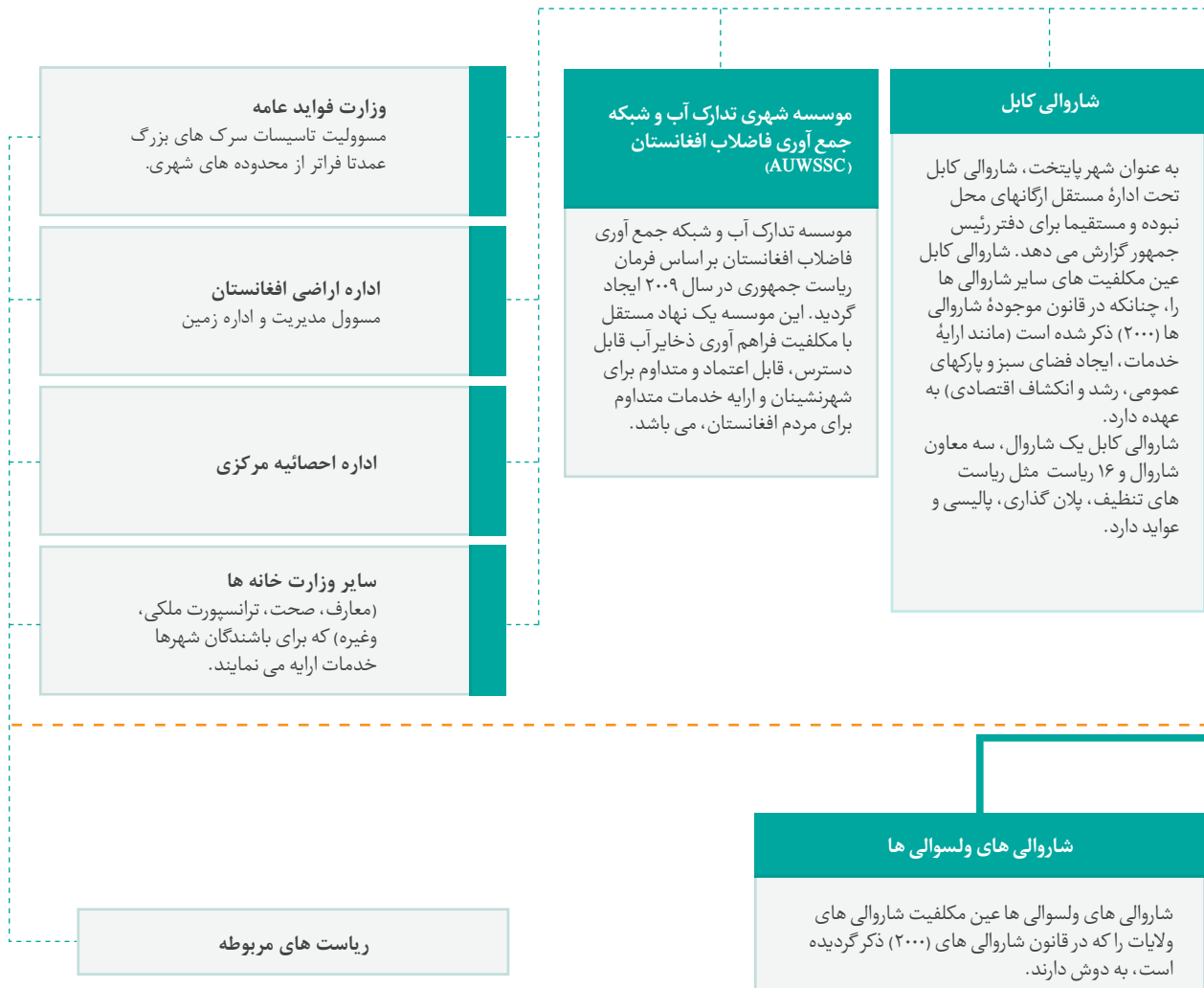
شکل ۲.۱: بررسی اجمالی از نهادهای شهری کلیدی و حکم



های مشترک و تشریح شده (مانند به عهده گرفتن آمایش سرزمین)؛ عدم ارتباط میان حکومت داری مرکزی و شاروالی (مانند انکشاف و تطبیق ماستر پلانهای شهری)؛ و حکومت داری رسمی و غیر رسمی (به گونه ی که والی های ولایات کنترل غیر رسمی بالای شاروالی ها دارند هرچند به لحاظ اداری این ها دو اداره جداگانه می باشند).

سکتور شهری در افغانستان توسط یک تعداد وزارت ها و نهاد ها در سطح ملی و ولایتی، عمدتاً وزارت انکشاف شهری، ریاست احیا و انکشاف دهات، شهرداری کابل (مستقیماً برای رییس جمهور گزارش می دهد) در سطح ملی، در شاروالی ها و ریاست های مربوطه در سطح ولایتی، اداره می گردد (به شکل ۲.۱ مراجعه نمایید).

یک تعداد مضیقها برای مدیریت موثر سکتور شهری به شمول مکلفیت



شورای مشورتی شاروالی

این شورای مشورتی در ۳۰ ولایت منحیث شورا های موقت شاروالی ایجاد شده است که وظایف عمده آن شامل
۱: کفالت و نمایندگی از شهروندان و شامل ساختن آنها در شاروالی، ۲: حمایت کردن از میکانیزم ها برای رساندن
شکایات شهروندان، ۳: نظارت بر طرز العمل ارایه خدمات شاروالی ها، ۴: نظارت از بودیجه، پلان های انکشافی و
قرارداد ها، ۵: نظارت از مالیات و مطالبات شاروالی ها، ۶: ارزیابی دقیق از حساسدهی شاروالی ها.

۲.۲

چهارچوب ملی انکشاف شهری

انکشاف شاروالی را از طریق ارتقای پلانهای بهبود عواید در شهرهای افغانستان در اولویت قرار می دهد. ایجاد صلاحیت ها و منابع مالی در یک چوکات بزرگ منطقه شهری (مادر شهری) زمینه را برای پلان گذاری هماهنگ شده، انکشاف و مدیریت مسلکی شده مساعد می سازد.^۱

تلاش در جهت درک شهرنشینی به عنوان منبع انکشاف بسیار عمده و مهم می باشد، زیرا به صورت عمومی آجنندای شهری یک خصوصیت عمده انکشاف افغانستان طی دهه گذشته نبوده است.

جدول ۲.۱ مروری بر چهارچوب های عمده انکشاف که روند انکشاف شهری را بازبینی می نماید.

یک تغییر در افغانستان، جائیکه روند شهرنشینی به صورت فزاینده یی در آن نه به عنوان مشکلی که باید حل شود اما بیشتر به عنوان یک انگیزه انکشاف اجتماعی محسوب می گردد- ایجاد شده است. گواه و شاهد درک این مسأله می توان تغییر در دیدگاه و تعهد دولت برای اصلاحات را شمرد آن گونه که در صفحه درک خود انکشافی که به سال ۲۰۱۴ در کنفرانس لندن در مورد افغانستان ارایه گردید- نشان داده شده است:

ساختن شهرها منحصیث عامل اقتصادی برای انکشاف، به منظور انجام چنین کاری ما نیاز داریم که شرایط زندگی و ارایه خدمات را در مراکز شهرها انکشاف دهیم. روند شهرنشینی از طریق کاهش اختلاف میان ساحات شهری و روستایی باید مدیریت شود و از همین طریق مهاجرت از روستاها به شهر باید کنترل گردد. حکومت پلان دارد شاروال ها را بر اساس شایستگی و یک پروسه مشوره گیری عمومی انتصاب نماید. حکومت

جدول ۲.۱: چهارچوب های عمده انکشاف

چهارچوب	مشخصات شهری
استراتژی انکشاف ملی افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۳)	استراتژی انکشاف ملی افغانستان دارای سه رکن می باشد: (۱) امنیت: دستیابی به ثبات در سطح ملی، تقویت روند تنفیذ قانون و تقویت امنیت فردی هر افغان؛ (۲) حکومت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر: تقویت حقوق بشر، حاکمیت قانون، ارایه خدمات عامه و پاسخگویی حکومت؛ (۳) انکشاف اقتصادی و اجتماعی: کاهش فقر و حصول اطمینان از انکشاف متداوم. اهداف استراتژیک استراتژی انکشاف ملی افغانستان برای انکشاف شهری "تقویت روند مدیریت ساحات شهری از طریق تفویض صلاحیت و مسوولیت شاروالی ها در زمینه بهبود تاسیسات و خدمات شهری، فراهم سازی زندگی مصوون، صحتی و سود بخش برای باشندگان محیط های شهری و انکشاف شهرها و فراهم سازی زمینه های رفاهی در شهرها" (صفحه ۱۰).
برنامه اولویت های ملی ۴: حاکمیت محلی (ماه می سال ۲۰۱۲)	جزء ۳: اداره شاروالی برنامه اولویت های ملی در مورد حاکمیت محلی به صورت مستقیم اهداف حاکمیت شاروالی و اداره مناطق شهری را نشان می دهد. این امر خاطر نشان می سازد که "اداره شاروالی نیاز به توجه ویژه دارد نه تنها به خاطر خصوصیات شاروالی ها به عنوان یک نهاد محلی بلکه همچنان به خاطر اهمیت فزاینده این نهاد ها در بستر افغانستان، مخصوصا مشکلات مربوط به افزایش سریع نفوس شهری، نیاز به مدیریت بهبود یافته شهری و جهت رسیدگی به انکشاف تقسیم بندی های شهری و روستایی"
برنامه اولویت های ملی برای مدیریت شهری و برنامه حمایتی (به صورت رسمی امضا نشده است)	برنامه حمایتی و مدیریت شهری دارای سه جزو می باشد: ۱. ایجاد تاسیسات برای "مدیریت موثر محلات شهری"؛ که به نارسایی های عمومی در پالیسی، پلان گذاری، هماهنگی، معلومات و ظرفیت های رسمی رسیدگی شود. ۲. سرمایه گذاری بالای تاسیسات شهری؛ که "بالای تقویت مواد در ساحات شهری سراسر کشور تمرکز می نماید". و ۳. برنامه انکشاف پایتخت افغانستان که "رسیدگی به چالش های مخصوص رشد امنیت، رفاه و انکشاف اقتصادی شهر کابل را به عهده می گیرد.
پلان ملی کاری برای زنان افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۸)	پلان ملی کاری برای زنان افغانستان یک دیدگاه "کشور صلح آمیز و مترقی که در آن زنان و مردان از امنیت، حقوق و فرصت های مساوی در تما عرصه های زندگی مستفید شوند"- را ارایه می نماید (صفحه ۷). رکن ۱: امنیت "از استراتژی دولت برای ایجاد یک محیط مصوون برای زنان در عرصه های عمومی و خصوصی نمایندگی می نماید" (صفحه ۲۳). همچنان هدف "افزایش فرصت ها و میکانیزم ها برای رهبری زنان و مشارکت شان در جوامع" نیز مهم می باشد. (صفحه ۶۳).
"تعامل جدید" برای رسیدگی در دولت های آسیب پذیر (۲۰۱۱)	تعامل جدید برای رسیدگی در دولت های آسیب پذیر از سوی سیستم های تشخیص خودی دولت های ناپایدار و همکاران یک جانبه و چند جانبه کمک کنندگان در سال ۲۰۱۱ به امضا رسید. این تعامل پنج هدف دولت سازی و تامین صلح که به یکدیگر لازم و ملزوم می باشند را اولویت بندی می نماید: (۱) سیاست های مشروع، (۲) امنیت، (۳) عدالت، (۴) بنیاد های اقتصادی، و (۵) عواید و خدمات. افغانستان یکی از هفت کشور رهبری کننده تعامل جدید می باشد و از سوی کشور های دنمارک، هلند و بریتانیا به عنوان کشور های کمک کننده حمایت می شود.

چهارچوب پالیسی، حقوقی و نظم

پالیسی شامل حق مشخص برای داشتن مسکن مناسب و دسترسی به زمین به عنوان یکی از حقوق اساسی بیجا شدگان داخلی، میباشد. این پالیسی خاطر نشان می سازد که "یکی از مهمترین نیازمندی های افراد بیجا شده داخلی داشتن مسکن کافی بوده و یکی از بزرگترین مشکلاتی که بیجا شدگان داخلی در افغانستان به آن مواجه می شوند نبود دسترسی به مسکن و زمین و نداشتن امنیت اجاره داری می باشد."^{۵۵}

پالیسی ملی جوانان در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۴ تدوین و منظور گردید. حاکی از آن است که بیشتر از ۶۰٪ نفوس افغانستان تحت سن ۲۵ قرار دارد، این پالیسی متشکل از چهار رکن می باشد: استخدام جوانان؛ صحت جوانان و نوجوانان؛ تحصیل، تعلیمات تخنیکی و مسلکی، و مشارکت جوانان. یک استراتژی ملی برای جوانان در حال حاضر به منظور تطبیق پالیسی در حال آماده شدن قرار دارد.

قانون فعلی شاروالی (۲۰۰۰) که تاریخش به دوره امارت اسلامی افغانستان (دوره طالبان) بر می گردد و این قانون شاروالی ها را به حیث نهادهای حقوقی و قانونی عامه معرفی می نماید. اگرچه، این امر برخلاف قانون اساسی و پالیسی حکومت محلی قرار دارد. یک قانون شاروالی که از سیستم غیر متمرکز حکومت داری مرتبط با پالیسی حکومت محلی دفاع نماید تسوید گردیده و منتظر تایید و منظوری کابینه می باشد. هدف قانون جدید تقویت حکومت داری شهری و تنظیم بهتر امور شاروالی ها می باشد؛ این قانون شرایط ایجاد شاروالی ها و فعالیت شاروالی ها را تعریف می نماید. این قانون شاروال منتخب را منحیث رییس اجرایی شاروالی معرفی می نماید و شورای شاروالی بر اساس این قانون متشکل از نمایندگان منتخب مردم به عنوان عالیترین سطح تصمیم گیری می باشد. این قانون قدرت شاروالی ها را به منظور تولید، حفظ و مصرف منابع عایداتی اش حمایت کرده و نگهدارنده.

قانون اداره اراضی سال ۲۰۰۸ عرصه های ذیل را تحت پوشش قرار می دهد: قباله؛ تنظیم زمین با توجه به ملکیت؛ برگشتاندن دوباره زمین های شناسایی شده به مالکان اصلی آنها؛ توزیع زمین؛ تبدیل و تغییر زمین؛ اجاره داری زمین؛ مراتع؛ مجازات مدنی و جنایی، به شمول غصب زمین و دیگر احکام متفرقه. این قانون، اداره تمام اراضی و موضوعات مرتبط با مالکیت را به وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واگذار می نماید که به صورت متعاقب در سال ۲۰۱۰ به اداره اراضی منتقل شده بود.^۷ در سال ۲۰۱۳ اداره اراضی مستقل شد. یک قانون تعدیل شده در سال ۲۰۱۳ به شورای ملی ارایه گردید که تا هنوز تصمیمی از سوی شورای ملی در این مورد اتخاذ نشده است.

افغانستان پالیسی ملی شهری ندارد. به عوض یک پالیسی ملی در این زمینه، سکتور شهری توسط یک تعداد پالیسی ها در سطوح مختلف رهبری می شود که آنها تمایل حکومت را در بخش انکشاف و مدیریت شهری نشان میدهند.

قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ تصویب و توشیح گردیده و این قانون افغانستان را یک کشور اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تقسیم معرفی می نماید. این قانون بیان می دارد که شاروالی ها باید به منظور اداره امور شهرها ایجاد شوند.^۲ شاروالی های، شاروالی ها باید از طریق انتخابات مستقیم، سری، عمومی و آزاد انتخاب شوند.^۳ از آن زمان تا کنون، هیچ انتخابات شاروالی برگزار نشده است و در عوض شاروال ها از سوی اداره مستقل ارگانهای محلی و تایید رئیس جمهور انتصاب شده اند.

پالیسی حکومت داری محلی (۲۰۱۰) یک چهارچوب قانونی برای تقویت روند مشارکت عامه در حاکمیت شاروالی را فراهم می نماید: "شاروالی ساختار ها و میکانیزم های مشارکت گسترده عامه در امور شاروالی را تهیه خواهد نمود". برای مشارکت عامه تحت یک چهارچوب، شوراها و اجتماعات محلی نماینده های خود را تعیین خواهند نمود، که اعتبار آنها تحت قوانین و مقررات مناسب و نهادهای شایسته دولتی حفظ خواهد شد" (صفحه ۳۳). در مطابقت با قوانین حقوق بشر، "زنان و مردان به حیث عاملین کلیدی در انکشاف ادارات شان به جای دریافت کنندگان منفعل خدمات و کالا، شناخته می شوند. مشارکت هم به عنوان توانایی و یک هدف شمرده می شود" (صفحه ۴۸).

پالیسی رشد اسکان غیر رسمی طی شش سال گذشته زیرکار بود و از سوی وزارت شهر سازی در همکاری با ریاست مستقل ارگانهای محلی و ریاست عمومی امور شاروالی ها رهبری می گردید. نوشتن و تایید تخنیکی پالیسی در سال ۲۰۱۳ تکمیل گردید اما به دلایل مختلفی این پالیسی تا کنون به کابینه به منظور تایید رسمی ارایه نشده است. این پالیسی قصد بهبود بخشیدن به وضعیت ساحات غیر رسمی را در شهر های عمده که به لحاظ تخنیکی امکان عملی کردن آن وجود داشته باشد از طریق هماهنگ سازی رشد زیر بنا، تنظیم پلان گذاری شهری و تقویت مصنوینت حق اجاره داری، بیان می نماید.

پالیسی ملی اراضی از سوی وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تسوید و در سال ۲۰۰۷ منظور گردید. مقاصد این پالیسی عبارت اند از: فراهم آوری زمینه دسترسی هر افغان به زمین، رشد و فراهم سازی یک سیستم اجاره داری مطمئن زمین، تشویق استفاده مطلوب از منابع اراضی، ایجاد یک سیستم فعال اداره زمین و حصول اطمینان از اینکه بازار زمین بهره ور، عادلانه بوده و از محیط سالم و با ثبات برای رشد و تقویت مولدیت و کاهش فقر برخوردار می باشد.^۴

پالیسی ملی بیجا شدگان داخلی، به تاریخ ۲۵ ماه نوامبر سال ۲۰۱۳ منظور گردید و این پالیسی یک چهارچوب را برای پایان دادن به روند بیجا شدگی و دست یافتن به یک روش ادغام آنان به محلات شهری و راه حل های پایدار و ماندگار برای بیجا شدگان داخلی، بیان می نماید. این



۲.۴

حکومتداری شهری محلی

شاروالی های ولایتی

شاروالی ها در خط مقدم اکثریت مشکلات افغانستان قرار دارند. در ساحات شهری، ملی، ولایتی و تقاطع چالش های ولسوالی مانند جستجو برای امنیت بهتر بیجا شدگان داخلی، رکود اقتصادی و رشد بیکاری، غصب زمین؛ رشد عدم مصئونیت غذایی، حملات متواتر و غیر عادی از سوی مخالفان دولت؛ رشد سطوح اعتیاد به مواد مخدر مخصوصا در میان جوانان و رشد بی عدالتی و محرومیت اجتماعی.

چهارچوب های ملی رهنمایی شاروالی های افغانستان یک چشم انداز را برای حاکمیت محلی کوچکتتر، کارا و با نتیجه شاروالی ها فراهم می نماید که زمینه را برای آغاز به کار شوراهای شاروالی و شاروال های منتخب از طریق یک انتخابات دموکراتیک، حساسه برای مردم، مساعد می نماید؛ طوریکه این شوراهای و شاروال ها ارایه کننده خدمات برای مولکین و رهبری کننده روند انکشاف و اداره مناسب باشند.

قانون اساسی سال ۲۰۰۴ افغانستان در ماده ۱۴۱ خود در مورد شاروالی ها این گونه بحث می نماید: "شاروالی ها به منظور اداره امور شهر، تاسیس می شوند." شاروال و اعضای شورای شاروالی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می شوند. "پالیسی حکومت محلی (۲۰۱۰) شاروالی ها را به تقبل مسوولیت خدمات عامه مکلف می سازد به گونه یی که این خدمات به بهترین صورت پلان، تهیه و در سطح محلی ارایه گردد؛ و این خدمات همچنان زمینه را برای مشارکت عامه از طریق "تامین ارتباط میان سطوح بالا- پایین و برعکس" و رشد و مصرف عواید خود این نهاد برای ارایه خدمات مساعد بسازد.

ریاست عمومی امور شاروالی تحت **اداره مستقل ارگانهای محل**، مسوولیت تمام شاروالی ها را در افغانستان به عهده دارد. (۳۳) شاروالی ولایتی و بیشتر از ۱۲۰ شاروالی سطح ولسوالی (مراکز شهری ولسوالی های دور افتاده^۹ کابل، به حیث شهر پایتخت ملی از این جمع متمایز بوده و به صورت مستقیم به رئیس جمهور گزارش خواهد داد.^{۱۰} هرکدام این ۳۳ **شاروالی های ولایتی** یک شاروال دارد که به صورت مستقیم از سوی اداره مستقل ارگانهای محل نصب و تعیین می شوند و توسط رئیس جمهور منظور می شوند. شاروالی ها اقدام مصارفی از دولت مرکز دریافت نمی نمایند و باید عواید شخصی خود را رشد بدهند.

هر شاروالی به **نواحی (ناحیه های شهری)** تقسیم شده است که از سوی مدیران ناحیه رهبری می شوند و این مدیران ناحیه از سوی شاروال تعیین شده اند. در اصل هر ناحیه یک دفتر دارد که در همان ساحه جغرافیای موقعیت داشته و شامل بخش های مختلف می گردد (مانند بخش عواید، بخش انجینییری و غیره)، با این وجود بعضی از ناحیه ها به صورت عملی ساختمان دفتر نداشته و به صورت مشترک از دفاتر شاروالی استفاده می نمایند. نواحی به صورت عموم نخستین محل تماس میان شهروندان و شاروالی می باشند. آنها مسوولیت اداره وظایف مختلف را به شمول جمع آوری مالیات صفایی؛ صدور مجوز ساختمانها و حمایت از روند نفوس شماری ادارات محلی ثبت احوال نفوس.

شورای مشورتی شاروالی در بیشتر از ۳۰ شاروالی ولایتی به منظور فعالیت به حیث شوراهای موقت شاروالی ایجاد شده است. شوراهای مشورتی شاروالی می تواند مشوره داده و پیشنهادهاتی را برای شاروال و اداره شاروالی پیشکش نماید. آنها صلاحیت تصمیم گیری نداشته و نمی توانند کدام پلان، فعالیت و یا بودجه شاروالی را رد نمایند.^{۱۱}

فعالیت ها و مسوولیت های شورای مشورتی شاروالی شامل موارد آتی می شود: (۱) نمایندگی از شهروندان و تعامل با آنها؛ (۲) حمایت از سیستم نظارت از شکایات شهروندان؛ (۳) نظارت از ارایه خدمات شاروالی؛ (۴) بازنگری حق الزحمه ها و مصارف؛ (۵) نظارت از حساسه های اداره شاروالی.^{۱۲}

تعداد شوراهای مشوره دهی شاروالی تعداد ناحیه ها را در هر شهر را نشان می دهد. اعضای منتخب از گروه های نمایندگان موجود (مانند شوراهای انکشافی شهری، گذرها و شورای نواحی و یا موارد انتخاب شده در سطح مساجد، از هر مسجد جامع، تکیه خانه و یا دیگر مراکز مذهبی. برعلاوه، یک عضو منتخب از هر کدام گروه های ذیل: زنان، جوانان، جامعه مدنی، رسانه ها، شهدا و افراد دارای معلولیت، علمای دینی و یک نماینده از سکتور خصوصی (تاجران و صنعت گران). ۱۰٪ کرسی های شورای مشورتی شاروالی برای زنان تخصیص داده شده است در حالیکه هدف دراز مدت ۲۵٪ می باشد.

افزایش تعامل میان مردم و شاروالی در شورای مشورتی شاروالی مزار شریف

دفاتر کافی برای تمام کارمندان این شورا به شمول یک اتاق نشست ها، آشپزخانه، تشناب برای زنان و مردان و یک سالون بزرگ برای نشست های بزرگ می باشد.

شورای مشورتی شاروالی دارای ۵ کمیته فرعی فعال می باشد؛ کمیته حکومت داری و مشارکت عامه، کمیته رشد عواید و انکشاف، کمیته فضای سبز و تنظیم، کمیته انکشاف اقتصادی و زیربناها و کمیته شکایات. هرکدام این کمیته ها یک تقسیم اوقات منظم داشته و با بخش های مربوطه شاروالی به منظور حل مشکلات عادی کار می نمایند. تمام کمیته ها مسوول گزارش فعالیت های خود به جلسه رسمی شورای مشوره دهی امور شاروالی ها، می باشند.

شورای مشورتی شاروالی مزارشریف به تاریخ ششم ماه می سال ۲۰۱۳ تاسیس شد. این شورا دارای ۲۸ عضو، ۲۰ نماینده از ۱۰ ولسوالی مزارشریف و ۸ نماینده از گروه های آماری مختلف به شمول جوانان، جامعه مدنی، زنان و شهدا و افراد دارای معلولیت، می باشد.

شورای مشورتی شاروالی مزارشریف از طریق یک پروسه انتخابات تحت رهبری ریاست امور شاروالی ها/ اداره مستقل ارگانهای محل به حمایت موسسه اسکان بشر ملل متحد، پروگرام انکشافی ملل متحد و نمایندگان RAMP-UP در شمال انتخاب شده بود. پس از انتخابات عمومی یک مرد به حیث رئیس، یک زن به حیث معاون و یک منشی تشخیص و تعیین گردید. شورای مشورتی شاروالی از ساختمان دفتر خود به حیث محل کار استفاده می نماید. این ساختمان دارای تعداد



اعضای شورای مشورتی شاروالی بیرون از ساختمان شاروالی



نشست عمومی شورای مشورتی شاروالی



رئیس شورای شاروالی و معاونش در افتتاح یکی از تاسیسات شاروالی مزار شریف، پروژه کانال با معاون شاروال و رئیس بخش زیربناها



معاون شورای شاروالی مزارشریف، مسوول نظارت از پیشرفت کار ساختمانی پروژه فرعی شورای انکشافی محلی در پروژه

جوامع شهری: شوراهای گذر و شوراهای انکشاف اجتماعی

دارد، تحت پوشش قرار می دهد. پروسه شکل گیری شوراهای انکشافی مرتبط با شاروالی شامل موارد آتی می گردد: (۱) بسیج اجتماعی از طریق یک سلسله جمع آمدهای کوچک و بزرگ؛ (۲) انتخاب شوراهای رای دهی آزاد برای تمام باشندگان ساحات همجوار (به شمول رای دهی برای یک کرسی، منشی و مالی)؛ (۳) روند ثبت رسمی با شاروالی؛ (۴) پلان گذاری عملی به منظور شناسایی نیازها و اولویت های محلی؛ (۵) طرح، مرور و منظوری پروژه فرعی توسط شورای مشورتی شاروالی؛ و (۶) تطبیق پروژه از سوی قراردادهای اجتماعی.^{۱۴}

در اکثر حالات، شوراهای انکشاف اجتماعی جداگانه مردان و زنان (به عین سرحدات جغرافیایی برای هرکدام) وجود دارد. شوراهای انکشافی اجتماعی مردان و زنان پلان های عملی خود را با یکدیگر شریک نموده و بالای پروژه های فرعی موافقت می نمایند. بعضی از شوراهای مختلط زنان و مردان در کابل ایجاد شده است. همچنان قابل تذکر است که بعضی شهرها شوراهای انکشاف اجتماعی فعال تحت پروگرام همبستگی ملی قرار دارند که به دلیل توسعه یافتن سرحدات شاروالی در ساحه شاروالی گنجانیده شده است.

هر ناحیه به شوراهای گذر تقسیم شده است که از سوی یک وکیل گذر کوچکتر از یک ملک در ساحات روستایی و معمولا یک سالمند همان ساحه می باشد اداره می گردد. وکیل گذر از سوی باشندگان محل شناسایی گردیده و به شاروالی معرفی می شود و به این ترتیب بخشی از ساختار صلاحیت و اقتدار شاروالی مدنظر گرفته می شود، هرچند آنان هیچ معاشی دریافت نمی کنند. گذر ها به لحاظ وسعت شان از هم متفاوت می باشد، اما معمولا شامل ۱۰۰۰-۱۲۵۰ خانواده دور و بر خود را شامل می شوند. برنامه های جدید ساختار گذر ها را از طریق حمایت از ایجاد شوراهای مختلط گذر به لحاظ جنس بر اساس انتخابات ساحوی رسمیت بخشیده و با شوراهای انکشاف اجتماعی مرتبط ساخته است.^{۱۳}

هر شورای گذر می تواند به شوراهای انکشاف اجتماعی تقسیم شود (شکل ۲.۲). روش شوراهای انکشاف اجتماعی شهری بسیار مشابه به شورای انکشاف اجتماعی روستاها می باشد که تحت برنامه همبستگی ملی قرار داشت. یک شورای انکشاف اجتماعی شهری به صورت متوسط حدود ۲۰۰-۲۵۰ خانواده ی را که در دور و برش در یک ساحه مشخص قرار

شکل ۲.۲: یک چوکات فضایی برای تعامل مردم



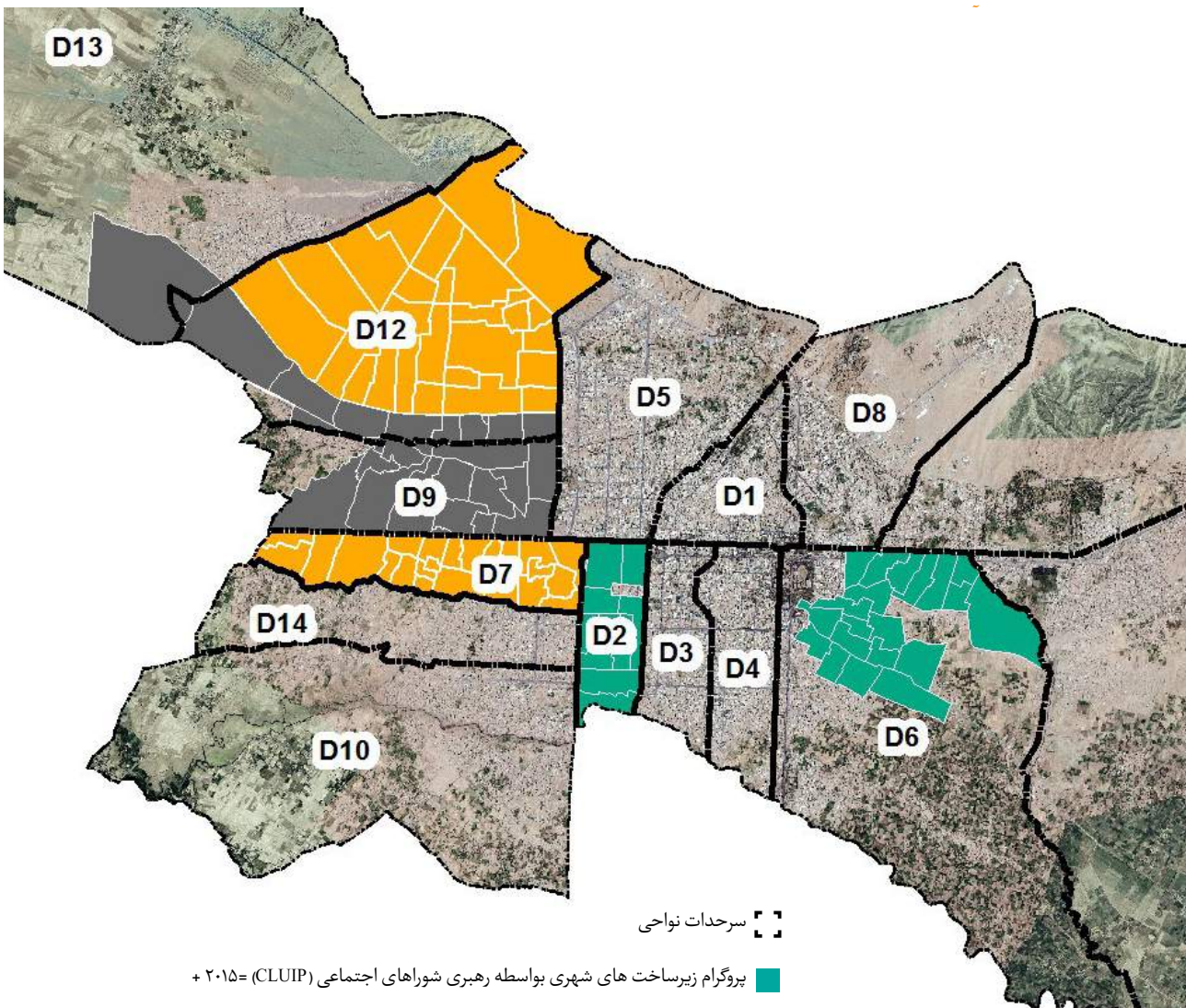
جدول ۲.۲: پوشش شورای انکشاف اجتماعی در مراکز ولایتی مورد نظر

شاروالی	تعداد شوراهای انکشاف اجتماعی	فیصدی ساکنان تحت پوشش این شوراهای انکشاف اجتماعی
کابل	۲۴۷	٪۱۴
کندهار	۱۳۹	٪۳۵
مزارشریف	۱۲۸	٪۴۲
هرات	۱۰۵	٪۳۴
جلال آباد	۸۷	٪۴۳

نوت: * در جلال آباد، ۹۲٪ از خانه در محدوده شهرهای قدیمی (مناطق ۱-۵) توسط شورا های انکشافی قریه پوشیده شده است. نوت: شورا های انکشافی قریه نیز در فراه، لشکرگاه، چاریکارو بامیان وجود دارد، اما معلومات قابل اعتماد نیست تا به آن بالا.

منبع: دیتابیس مرکز اسکان ملل متحد (هیبتا) و پروگرام وضعیت شهر های افغانستان - DIGITALGLOBE © تمام حقوق محفوظ است.

شکل ۲.۳: نقشه شهر هرات نشان دهنده شوراهای انکشافی قریه های موجود



منبع: دیتابیس مرکز اسکان ملل متحد (هیبتا) و پروگرام وضعیت شهر های افغانستان - DIGITALGLOBE © تمام حقوق محفوظ است.

۲.۵

ظرفیت شاروالی

خدمات و زیربنای شاروالی

ظرفیت فعالیت های آنها وجود دارد. چنانکه توقع می رود، شاروالی های بزرگتر نسبت به شاروالی های کوچکتر مجهزتر اند، با این وجود شاروالی های بزرگتر همچنان دارای یک نفوس بزرگتر و ساحه اراضی وسیعتر برای انجام خدمات بوده و محدودیت بیشتری را بر زیربنای فعالیت محدود و خدمات شاروالی دارند.

بر علاوه، ارقام کمی کیفیت باهم برابر تاسیسات و خدمات را نشان نمی

جدول ۲.۳ یک مرور کوتاه از تسهیلات و شرایط فعالیت ۳۴ شاروالی، بر اساس ارزیابی شاروالی ها از سوی اداره مستقل ارگانهای محل/ ریاست عمومی امور شاروالی ها را در سال (۲۰۱۳) نشان می دهد. به صورت عمومی، معلومات نشان می دهد که شاروالی ها شدیداً برای انجام مکلفیت های خود دچار کمبود تجهیزات اند و اینکه تفاوت های عمده یی در

جدول ۲.۳: زیربنای فعالیت و خدمات شاروالی

پوشش	تسهیلات/ خدمات	
از مجموع ۳۴ شاروالی ۳۱ شاروالی ساختمانهای مخصوص خود را دارند. چهار مورد دیگر شامل نیلی، محمود راقی و پارون نمی شود.	ساختمان شاروالی	دفاتر شاروالی
به استثنای شرن، تمام شاروالی ها در دفاتر خود برق دارند. ۱۱ شاروالی تنها از جنراتور استفاده می نمایند؛ ۱۰ شاروالی از برق شهری استفاده می کنند و ۱۲ شاروالی هم از جنراتور و هم از برق شهری استفاده می نمایند.	برق	
گزارش شده است که ۱۴ شاروالی به اینترنت دسترسی دارند.	خط اینترنت	
از جمع ۳۴ شاروالی، در ۳۳ اداره آن از کمپیوترها استفاده می شود؛ به صورت مجموعی بیشتر از ۳۰۰ کمپیوتر در حال حاضر مورد استفاده قرار دارد.	استفاده از کمپیوترها	
۱۰ شاروالی محل ادای نماز ندارد؛ ۱۴ شاروالی تنها محل ادای نماز برای مردان دارد، در ۸ شاروالی محل ادای نماز مشخص نشده است. تنها دو شاروالی محل ادای نماز هم برای زنان و هم برای مردان دارد.	محل ادای نماز	
تنها ۳۵٪ شاروالی ها برای زنان و مردان تشناب دارد که (۱۲ اداره از مجموع ۳۴ اداره می شود). ۱۷ اداره شاروالی تشناب برای مردان دارند و یک اداره تشناب ندارد و در چهار اداره دیگر این تسهیلات مشخص نشده است.	تشناب ها	
۲۶ اداره شاروالی گزارش می دهد که شهر آنها به نواحی تقسیم بندی شده است. تنها ۳۵٪ از مجموع این ادارات نواحی فعال دارند که (۵۳ اداره از ۱۵۵ اداره) می شود.	ساختمان ها در ناحیه	دفاتر ناحیه
۴۷٪ دفاتر نواحی هیچگاه تجهیز نشده است؛ ۳۰٪ آنها تا اندازه یی تجهیز شده و ۲۳٪ به صورت کامل تجهیز شده است.	تجهیزات	
۱۵ اداره شاروالی یک بخش خدمات مشتریان دارند که شهروندان می توانند با شاروالی تعامل نمایند.	بخش یا مرکز خدمات مشتریان	تسهیلات دسترسی عامه
۲۵ اداره شاروالی یک اتاق برای مراجعه کنندگان دارد؛ هفت اداره شاروالی اتاق شاروالی ندارد و دو اداره چنین تسهیلاتی را مشخص ننموده اند.	اتاق مراجعه کنندگان در ساختمان شاروالی	
تنها دو اداره شاروالی تشناب برای مراجعه کنندگان زن دارند.	تشناب برای زنان مراجعه کننده	
۲۰ اداره شاروالی گزارش نموده اند که یک شماره تلفن برای تعامل با شهروندان داده اند (مانند پرسشها و شکایت ها).	شماره تلفن شهروندان	
۲۴ اداره شاروالی یک تخته اطلاعات عمومی دارند که معلومات مربوط به شاروالی را در آن نشان می دهند.	تخته های اعلانات	
۹ اداره شاروالی یک وبسایت دارند.	وبسایت	
۱۷ اداره شاروالی گزارش شده است که یک خبرنامه و یا مجله نشر می نمایند.	مجله و یا خبرنامه	

شاروالی ها شامل رفورم تشکیل ملی (رفورم اداره عامه) که از سوی ریاست مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی انجام شده است شده اند. هدف رفورم اداره عامه ایجاد خدمات ملکی کوچکتر، کاراتر و مفیدتری باشد. این پروسه در آغاز سال ۲۰۱۳ شروع شده است و بالای تنظیم یک سیستم شایسته سالار که اجراءات کارمندان را طی هر دو سال ارزیابی نماید تمرکز نموده است و کارمندان خدمات ملکی را در معرض تعیین رقابتی و آزمایش ها قرار می دهد. اگرچه پیشرفت های در این زمینه ایجاد شده است، خدمات ملکی به دلیل ظرفیت پایین، معاش ضعیف، فساد و قوم گرایی دچار مشکلات می باشد.^{۱۹}

فساد در افغانستان واگیر شده است؛ و با این ترتیب افغانستان در درجه ۱۷۲ از ۱۷۵ کشور در جدول دریافت شفافیت بین المللی در سال ۲۰۱۴ قرار گرفته است. این چالش مخصوصا در شهرهای افغانستان حاد و شدید می باشد. شاروالی ها با یک درجه بلند خود مختاری در مورد مسأله زمین در چهارچوب کاری خود، امکانات شاروالی و منابع مالی خود (با توانایی ایجاد عواید و مصرف آن) مخصوصا در برابر فساد آسیب پذیر شناخته می شوند، خصوصا بخش های دخیل در امر فروش/ غصب زمین های دولتی/ شاروالی بیشتر در معرض وقوع فساد قرار دارند.

نبود یک سیستم حسابداری از پایین به بالا و مشارکت محدود شهروندان در حکمیت شاروالی ها به وضعیت اداره شاروالی کمکی ننموده است. میزان انکشاف و طبقه بندی زمین ها در ساحاتیکه زمین ها به تازگی بر اساس طرح نو خط اندازی شده است در تحلیل های SoAC GIS با موجودیت شهرهای که به صورت اوسط بین ۱۵ تا ۴۵٪ زمین های خالی قابل توزیع دارد کاملا مشهود می باشد. فساد مشروعیت ساختاری را کاهش داده و روابط میان دولت و جامعه را تضعیف می نماید؛ نبود اراده در میان مردم برای پرداختن مالیات یک مانع بزرگ برای رشد عواید محلی می باشد مگر اینکه منابع مالی شاروالی به صورت شفاف و مسوولانه برای ارائه خدمات به مصرف برسد.

سرحدات شاروالی

از سال ۲۰۱۳ به بعد موانع شاروالی جدید برای ۲۲ اداره شاروالی از مجموع ۳۳ شاروالی ولایتی تحت ریاست عمومی امور شاروالی ها تعریف شد.^{۲۰} قبل از این زمان سرحدات مشخص شهرها واضح نبود و این سرحدات به صورت رسمی تعیین نگردیده است.

سرحدات شاروالی جهت اهداف ذیل مهم می باشد (۱) حصول اطمینان از اینکه تمام ساحات ساخته شده در حال حاضر و یا در آینده تحت اختیار قانونی یک نهاد دولتی (شهرداری) انجام می شود؛ (۲) رشد انکشاف به صورت پلان شده و با نظم که خدمات در آن به صورت موثر فراهم گردد و اداره اراضی محلی به درستی انجام شود، انکشاف زیربنای فیزیکی و اجتماعی، محافظت از ساحات حساس به لحاظ محیط زیست، جلوگیری از انکشاف شهری در محلات نامناسب و پرداخت مالیات زمین و ملکیت ها؛ و (۳) جهت حمایت از انتخابات شاروالی ها طوریکه در قانون اساسی تذکر یافته است. شکل ۲.۵ مورد جلال آباد را نشان می دهد که اکثر ساحات اعمار شده در حال حاضر فراتر از سرحدات موجود شاروالی بوده و نیاز به توسعه سرحدات قدیم را نشان می دهد.

دهد. به گونه مثال، تعداد شاروالی ها در پیوند با ارتباطات به برق و خدمات اینترنت بلند می باشد، اما این مسأله کیفیت غیر قابل اعتماد و غیر مشروع این خدمات را که عمدتا بالای فعالیت های شاروالی تاثیر می گذارد به حساب نمی آورد.

این ارزیابی چالش های عمده را در زمینه ایجاد محیط های شاروالی فراگیر و پاسخگو برای جندر برجسته می سازد. به گونه مثال، تنها ۲۵٪ شاروالی ها تشناب دستشویی برای کارمندان زن دارند؛ تنها دو شاروالی تشناب های دستشویی را برای بازدید کنندگان زن اختصاص داده اند؛ و تنها دو شاروالی اتاق های برای نماز خواندن زنان دارند. این کمبود تسهیلات لازم برای زنان یک محدودیت ساختاری عمده برای تقویت کارمندان زن در شاروالی و فرصت های تعامل شاروالی با شهروندان زن شمرده می شود.^{۱۵}

ظرفیت منابع بشری

به صورت اوسط در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، مجموعا ۳،۴۶۰ کارمند خدمات ملکی در تشکیل شاروالی ها در مرکز ۳۴ ولایت وجود داشت. حدود نصف این کارمندان در کابل (۱،۶۱۴؛ ۴۶٪ رقم مجموعی) و دیگر شهرهای بزرگ مانند هرات (۲۲۳)؛ جلال آباد (۲۱۵)؛ مزار شریف (۱۷۳)؛ و کندهار (۱۷۲) بودند. همچنان تخمین شده که ۱۰،۸۰۸ کارمند برای شاروالی ها به صورت قراردادی کار می نمایند که اکثر آنها در جمع آوری زباله های جامد و پاک کردن جاده ها مصروف اند (۶،۳۹۱ تن در کابل و ۴،۴۱۷ تن در ۲۳ مرکز ولایات دیگر).^{۱۶}

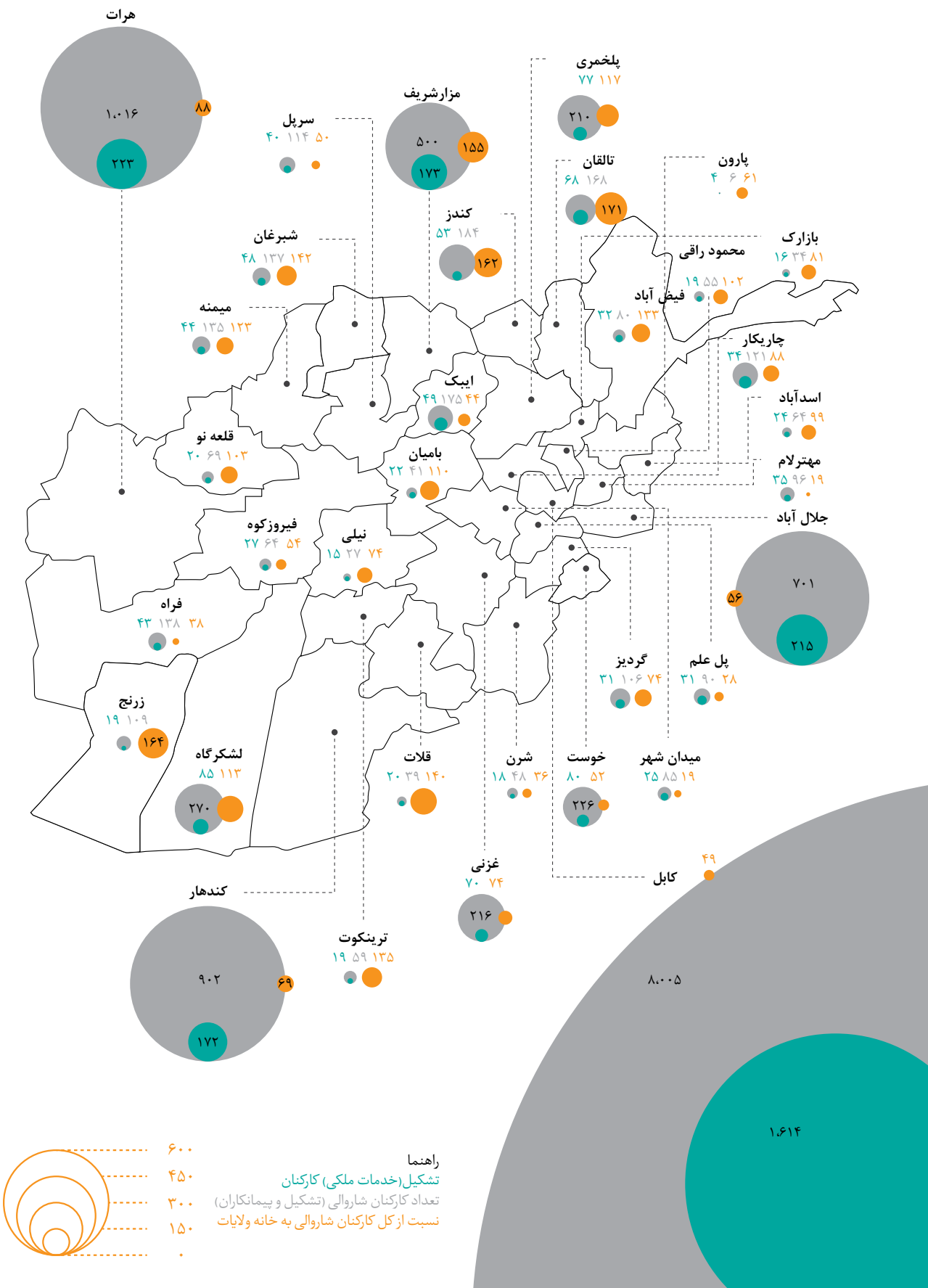
هرات و کندهار با داشتن ارقام ۷۹۳ و ۷۳۰، تعداد بسیار زیادی از کارمندان قراردادی را نسبت به دیگر مراکز فعالیت های ساحوی، در مقایسه با تنها ۴۸۶ تن در جلال آباد و ۳۲۷ تن در مزار شریف؛ دارا می باشند. دیگر شهرها، تعداد کمتر اما نسبتا مقدار مشابه تشکیل کارمندان قراردادی را دارند.

در مورد سطح مهارت های کارمندان موجود در تشکیل شاروالی، پایگاه های معلومات ریاست عمومی امور شاروالی ها نشان می دهد که به صورت اوسط ۳۰٪ تا ۶۰٪ تا ۶۰٪ تحصیل کرده اند؛ ۱۱٪ از صنف ۹ فارغ شده اند و ۵۰٪ تا ۱۲٪ سند لیسانس دارند و ۱٪ تا ۱۰٪ دوره ماستری تحصیل نموده اند.

شکل ۲.۴ تجزیه استخدام کارمندان هر شاروالی را بر اساس اوسط سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ (۲۰۱۳-۲۰۱۴) نشان می دهد. این شکل تفاوت های عمده را در نسبت کارمندان شاروالی به تعداد ساکنان هر شهر نشان می دهد. پایین ترین نسبت در شهر میدان شهر می باشد که در شهر متذکره تنها یک کارمند شاروالی برای هر ۱۹ خانه وجود دارد؛ بلند ترین میزان این کارمندان در شهر تالقان است که در برابر هر ۱۷۱ خانه یک کارمند شاروالی وجود دارد. تفاوت ممکن است در نتیجه این حقیقت وجود داشته باشد که اصلاح تشکیل همگام با انکشاف شهری و موانع جدید تنظیم نشده است (مانند موانع تنظیم شده برای شامل شدن خانواده های بیشتر در حالیکه تشکیل به عین صورت باقی مانده است).

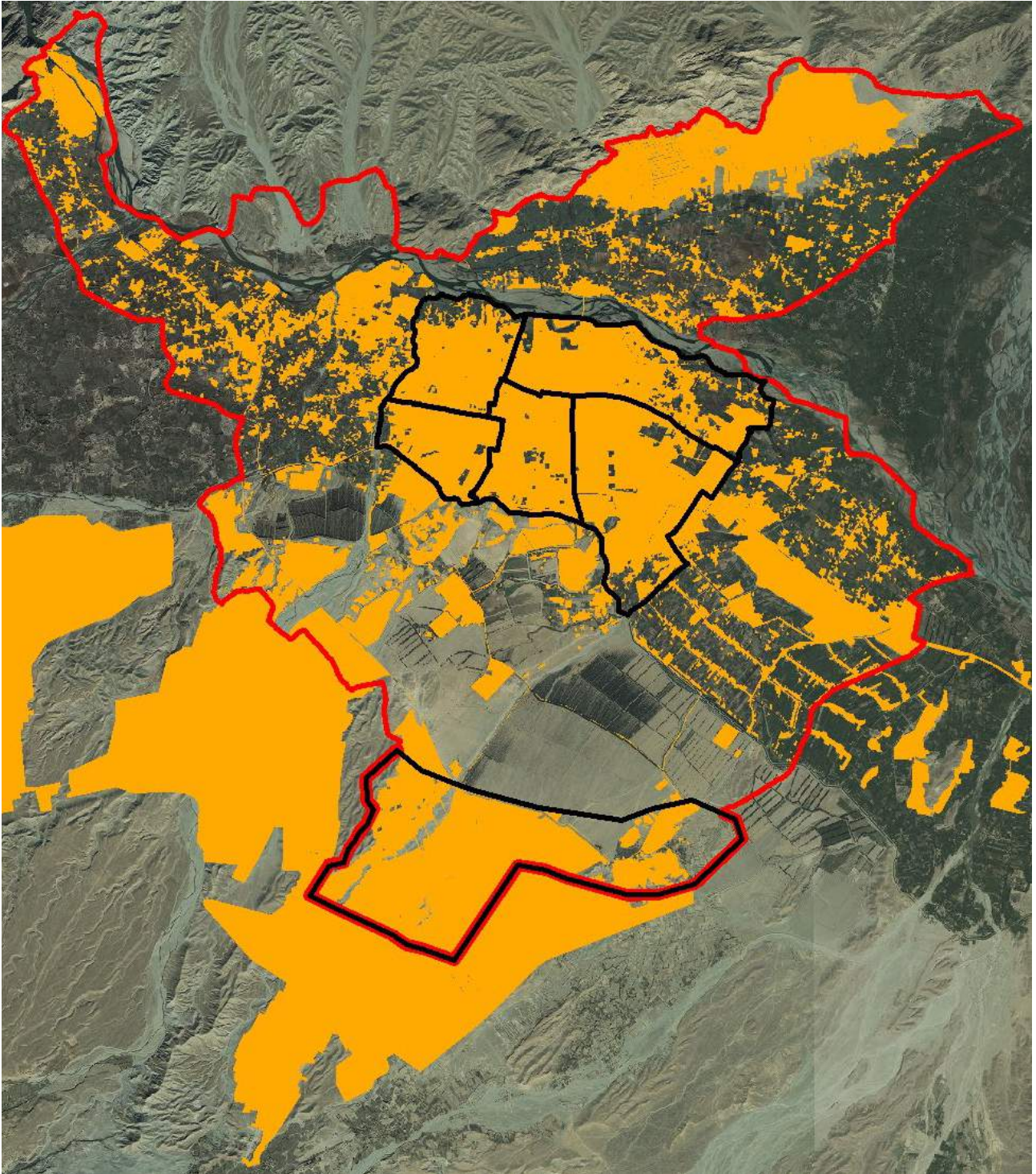
در میان اکثر چالش ها که شاروالی های افغانستان با آنها مواجه شده است، پیدا کردن و حفظ کارمندان شایسته یکی از مشکلات جدی بوده است. شاروالی ها به کمبود معاش های تشویقی برای جلب کارمندان شایسته، مخصوصا به دلیل مقدار حق الزحمه پایین نسبت به کمپنی های شخصی و یا نهاد های بین المللی، روبرومی باشند. در نتیجه چالش های حفظ کارمندان ۱۸٪ پست های تشکیل خالی مانده است.^{۱۷} سیستم های موازی با معاش نهاد های خارجی برای متخصصین و مشاورین، روند نهاد سازی و انکشاف ظرفیت ها را در شاروالی ها کاهش داده اند؛ و در اکثر حالات مواردی از جانشین سازی با متخصصین خارجی فعالیت های عمده شاروالی ها را به جای ظرفیت سازی کارمندان داخل تشکیل، انجام می دهند. تنها پنج اداره شاروالی بیشتر از ۱۰٪ کارمندان زن را استخدام نموده اند که این پست ها معمولا پست های پایین می باشد و نهاد های متذکره عبارت انداز: فیض آباد، مزار شریف، شبرغان، میمنه و چاریکار.^{۱۸}

شکل ۲۰۴: کارمندان شاروالی در ۳۴ مراکز ولایات (به طور متوسط ۲۰۱۳/۲۰۱۴)



منبع: منبع معلومات ریاست عمومی شاروالی ها و شاروالی کابل، منبع معلومات برنامه وضعیت شهرهای افغانستان و تیم سیستم معلومات جغرافیایی

شکل ۲.۵: نقشه سرحدات شهری شهر جلال آباد قدیمی و جدید



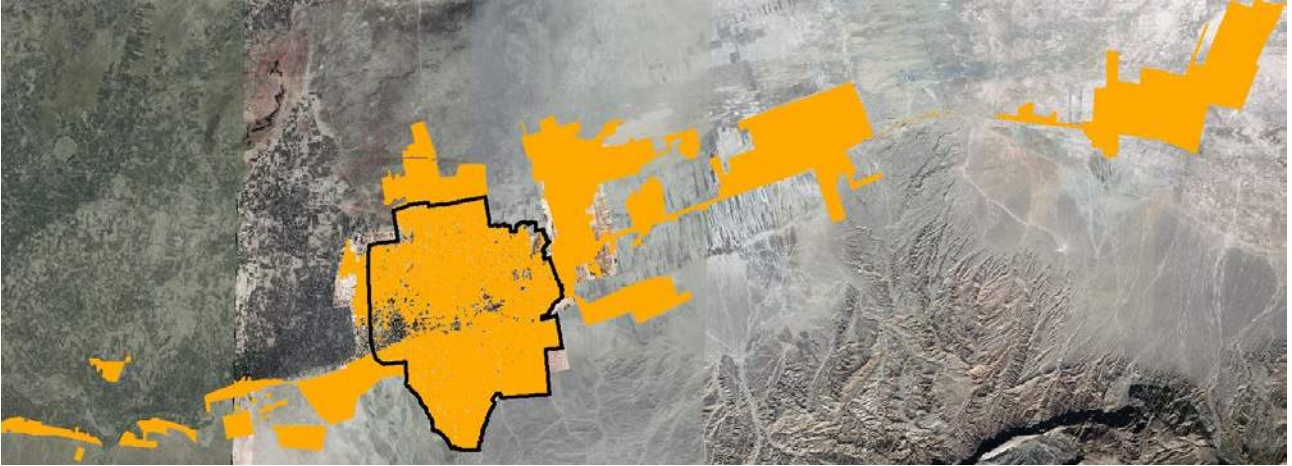
سرحدات قدیمی □ سرحدات فعلی □ منطقه ساخته شده ■

منبع: تیم سیستم معلوماتی جغرافیا پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان و اداره مستقل ارگان های محلی - DIGITALGLOBE © تمام حقوق محفوظ است.

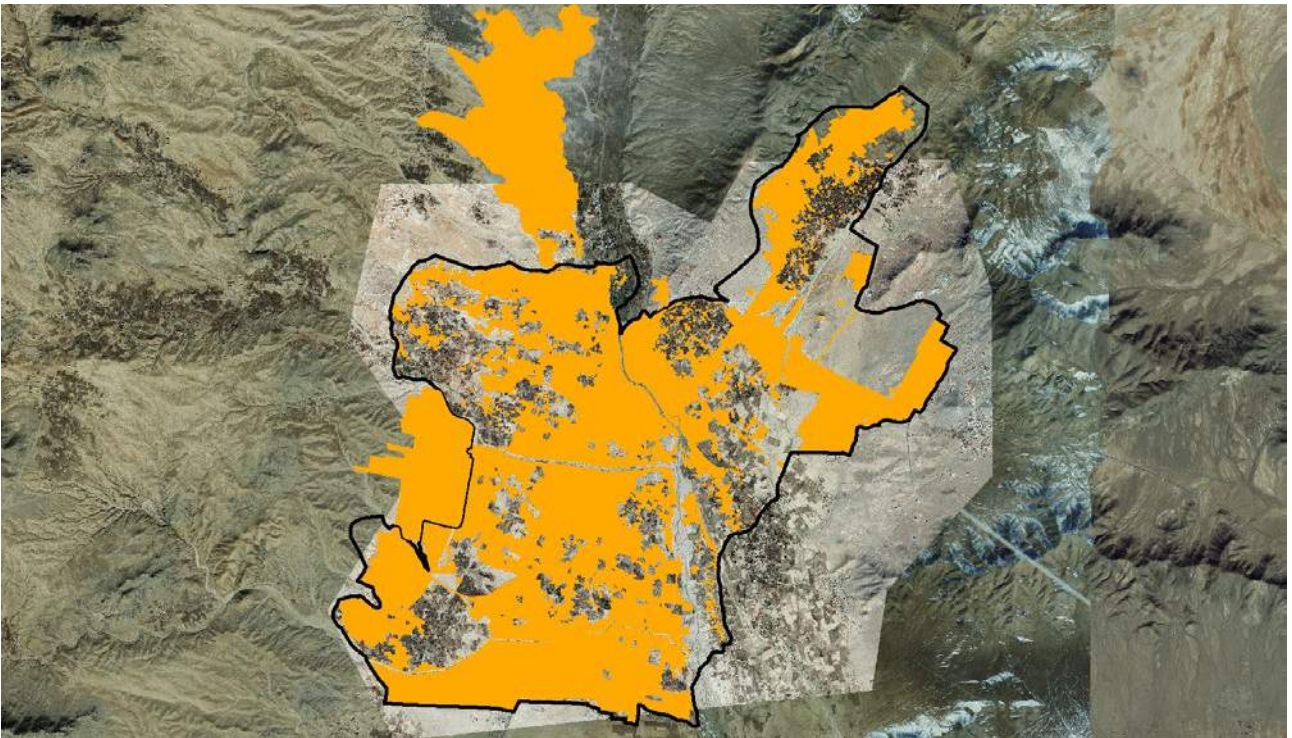
شکل ۲.۶: نمونه هایی از سرحدات شهری و منطقه ساخته شده



لشکرگاه و کندز نمونه هایی از مناطق شهری موجود در سرحدات بزرگ (همه مناطق ساخته شده در داخل سرحدات شهری واقع شده است) می باشد.



مزار شریف (در بالا) و غزنی (در زیر) نمونه هایی از سرحدات شهری است که بیش از حد کوچک است چرا که مناطق شهری ساخته شده مورد تطبیق نیستند. (مناطق ساخته تا در داخل و خارج از سرحدات شاروالی).



منبع: تیم سیستم معلوماتی جغرافیای پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان و اداره مستقل ارگان های محلی - DIGITALGLOBE © تمام حقوق محفوظ است.

۲.۶

امور مالی شاروالی

در زمان بررسی عواید ۳۳ مرکز ولایت (مثلاً کابل در این جمع شمردن نمی شود)، حدود ۳ ربع (۷۲٪) تمام عواید سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳ توسط تنها ۸ شهر رشد یافته است: چهار مرکز فعالیت های حوزوی (که ۵۶٪ مجموع عواید)، و چهار شهر دیگر: لشکرگاه (۶٪)؛ فراه (۴٪)؛ خوست (۳٪) و غزنی (۳٪) (شکل ۲.۷). که در سال ۲۰۱۱ در شاروالی کابل ۲.۹ میلیارد افغانی جمع آوری شده است و از تمام ۳۳ شهر دیگر ۳ میلیارد افغانی جمع آوری شده است. در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۲ عواید شاروالی کابل بیشتر از مجموع عواید ۳۳ شهرهای دیگر بود: ۲۹٪ بیشتر در سال ۲۰۱۲ و ۴۲٪ بیشتر در سال ۲۰۱۳. این تفاوت هر چند دستاورد های پایین را در زمینه جمع آوری عواید ۳۳ شاروالی ولایتی در جریان این سالها در مقایسه با سال ۲۰۱۱ نسبت به نوسان در سطوح جمع آوری عواید شاروالی کابل که نسبتاً ثابت مانده است، نشان می دهد.

بیشتر از ۵۰ منبع عایداتی محلی وجود دارد که شاروالی ها اجازه جمع آوری آنرا دارند. این منابع عایداتی از حق الزحمه ها، جریمه ها و مجازات، تا

همانگونه که شاروالی های افغانستان از عواید، قرضه ها و یاکمک های داخل بودجه دولت مرکزی استفاده نمی نمایند، عواید و منابع خودی شاروالی^{۱۱} بسیار ضروری میباشد تا به اساس آن خدمات ارایه گردیده و فعالیت های متداوم آن صورت بگیرد. (شاروالی کابل به دلیل دریافت منابع مالی از دولت مرکزی یک استثنا می باشد). ازینرو یک بازنگری امور مالی شاروالی ها می تواند ظرفیت شاروالی ها را به منظور جمع آوری عواید و مصرف این عواید در فعالیت های مربوطه شان و ارایه خدمات محلی روشن بسازد.^{۱۲}

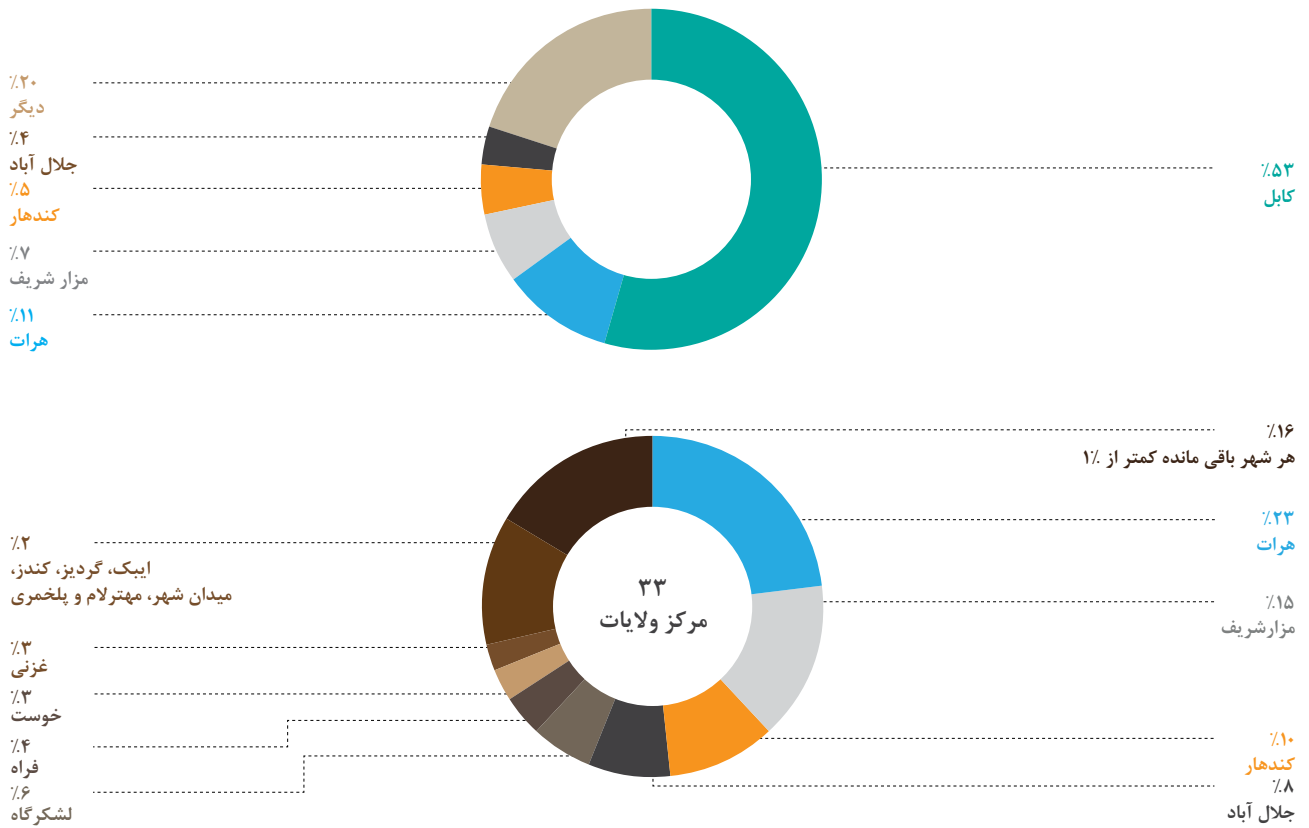
عواید شاروالی

بیشتر از نصف (۵۳٪) مجموع عواید شاروالی در ۳۴ مرکز ولایات در جریان سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ توسط شهر کابل جمع آوری شده است (شکل ۲.۷). چهار مرکز فعالیت های ساحوی مزارشریف، هرات، کندهار و جلال آباد یک ربع مجموع عواید (۲۷٪) را تشکیل می دهند؛ به شمول ۱۱٪ در هرات، ۷٪ در مزارشریف، ۵٪ در کندهار و ۴٪ در جلال آباد.

سیستم های مالی شاروالی هنوز هم در بسیاری از شاروالی ها کتابچه ای هستند.

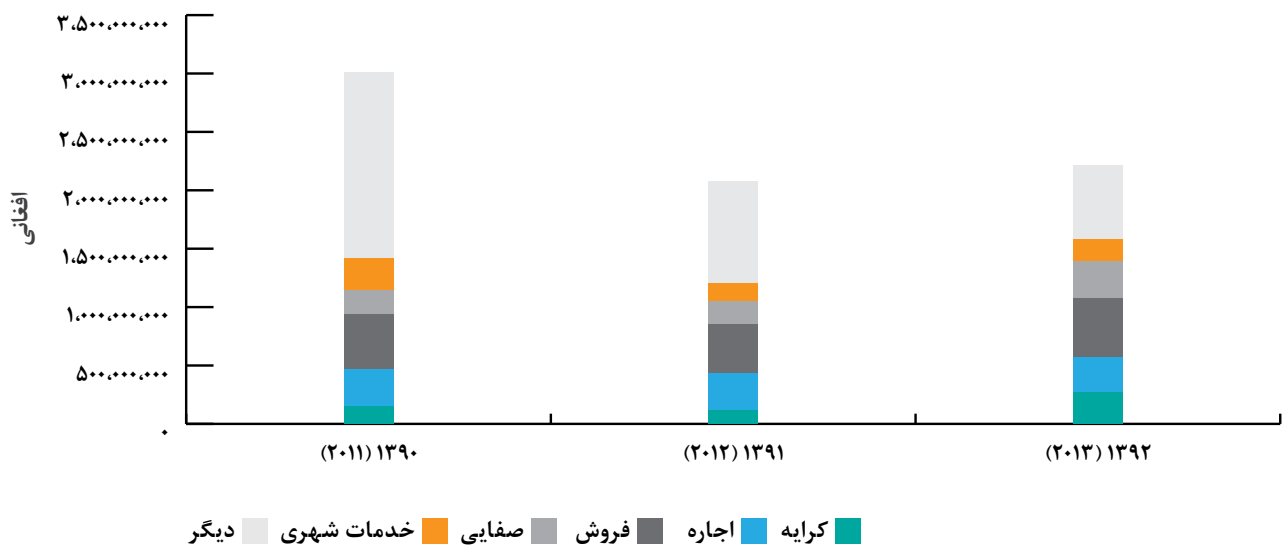


شکل ۲.۷: سهم مجموع عواید شاروالی، ۲۰۱۱-۲۰۱۳



منبع: ریاست عمومی امور شاروالی ها و شاروالی کابل

شکل ۲.۸: اجزای سازنده عواید از سال ۲۰۱۱-۲۰۱۳ در ۳۳ مرکز ولایتی (کابل مستثنی شده است). معلومات در مورد دیگر موارد موجود نیست



منبع: ریاست عمومی شاروالی ها و شاروالی کابل

دست می آید مخفی می دارد. به گونه مثال، گزارش شده است که بامیان یک نسبت متوازن عواید دارد که از بخش های آبی ساخته شده است (۳۵٪ کرایه و اجاره، ۲۷٪ فروش و ۴٪ صفایی، ۳۳٪ دیگر عواید) در حالیکه لشکرگاه یک رقم قابل توجهی ۶۳٪ را از عاید فروش زمین به دست می آورد و ۱۱٪ را از صفایی، ۶٪ را از کرایه و ۲۰٪ را از دیگر منابع به دست می آورد.

تفاوت ترکیب عایدات نمی تواند تنها منسوب به اندازه شهر، نفوس، موقعیت، امکانات شاروالی شناخته شود بلکه در این زمینه اختلاف عاملین محلی مانند موارد آبی نیز اثرگذار باشند (۱) ظرفیت محلی (مانند جمع آوری عواید، حسابداری و غیره) و (۲) اراده داشتن به گزارش دقیق عواید از طریق کانال های رسمی (مانند بعضی شهرها به نظر می رسد که عواید را کم گزارش می دهند مخصوصاً فروش زمین و ملکیت ها را. به گونه مثال هیچ مورد فروش رسمی زمین در شهرهای بزرگی مانند مزارشریف، جلال آباد، غزنی، میمنه، پلخمری، قلعه نو و تالقان گزارش نشده است.

هرچند اندازه شهرها و جمع آوری عواید واقعی به صورت قابل توجهی تفاوت می نماید، منطقی به نظر می رسد که یک رابطه میان نفوس شهر و عاید وجود داشته باشد: به لحاظ تیوریک در یک شهر بزرگ و پر نفوس، فرصت های بیشتری برای جمع آوری عواید وجود دارد، برای ارائه خدمات نیز تقاضای بلندی وجود خواهد داشت و ازینرو به عواید نیاز احساس می شود. شکل ۲۱۰، گراف عاید را در برابر SoAC ۲۰۱۴/۱۵ تعداد ساکنین شهر به منظور شناسایی اوسط جمع آوری عاید بر اساس هر شهروند به عنوان یک شاخص اجراءات جمع آوری عاید، نشان می دهد.

این معلومات نشان می دهد که اوسط جمع آوری عاید بر اساس خانوار ۵۳۶۶ افغانی معادل ۹۶ دالرامریکایی (برقرار هر سال برای ۳۴ شهر می باشد.

دوشهر میدان شهر و فراه بلندترین عاید بر اساس شهروندان را بالترتیب

مصرف خدمات و اجاره، کرایه و فروش زمین های و ملکیت های شاروالی همه را در بر می گیرد.^{۲۳}

فروش زمین ها و ملکیت های شاروالی بزرگترین منبع عایداتی می باشد که به یک اوسط ۲۲٪ عایدات سالانه در کابل و ۱۹٪ در ۳۳ شهر (جدول ۲۰۴) طی دوره سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳ کمک نموده است. اجاره دهی و کرایه ملکیت های شاروالی مشترکاً حدود ۲۰٪ عواید را تشکیل می دهد (۱۳٪ اجاره و ۷٪ کرایه). به صورت اوسط در شهرهای غیر از کابل، این ارقام (۳٪ و ۶٪ با رعایت ترتیب میباشند). صفایی و مالیه خدمات شهری دو منبع عمده عواید مالیات می باشد که به ترتیب ۱۷٪ و ۱۴٪ را در کابل تشکیل می دهد. و به ترتیب ۱۰٪ و ۹٪ عواید را در دیگر شهرها تشکیل می دهد.

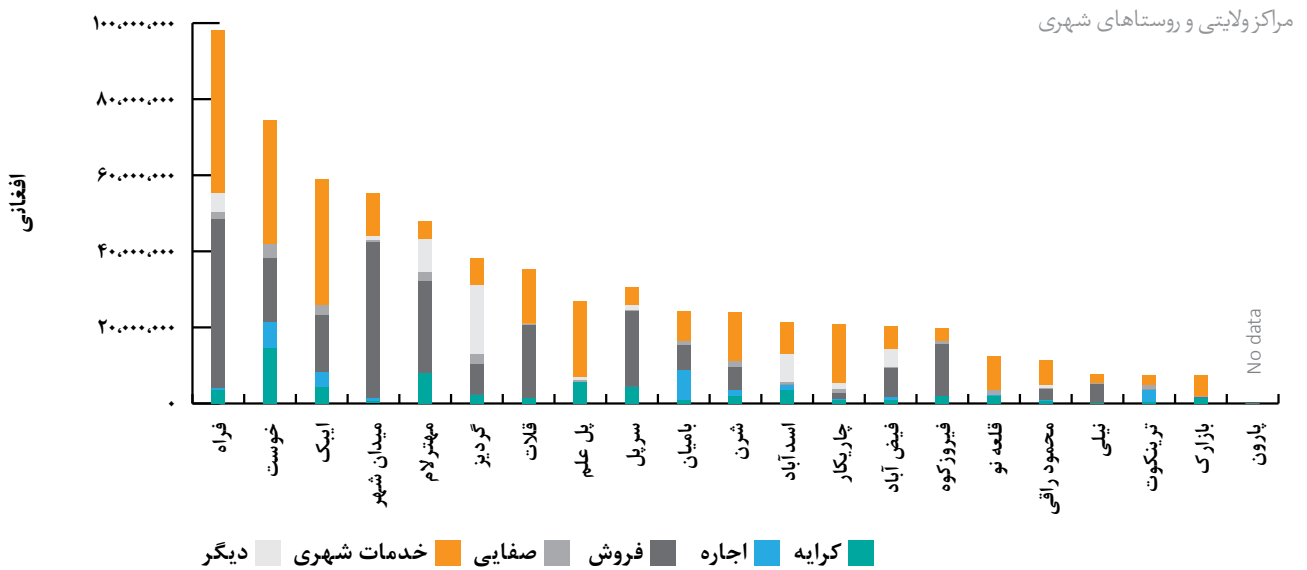
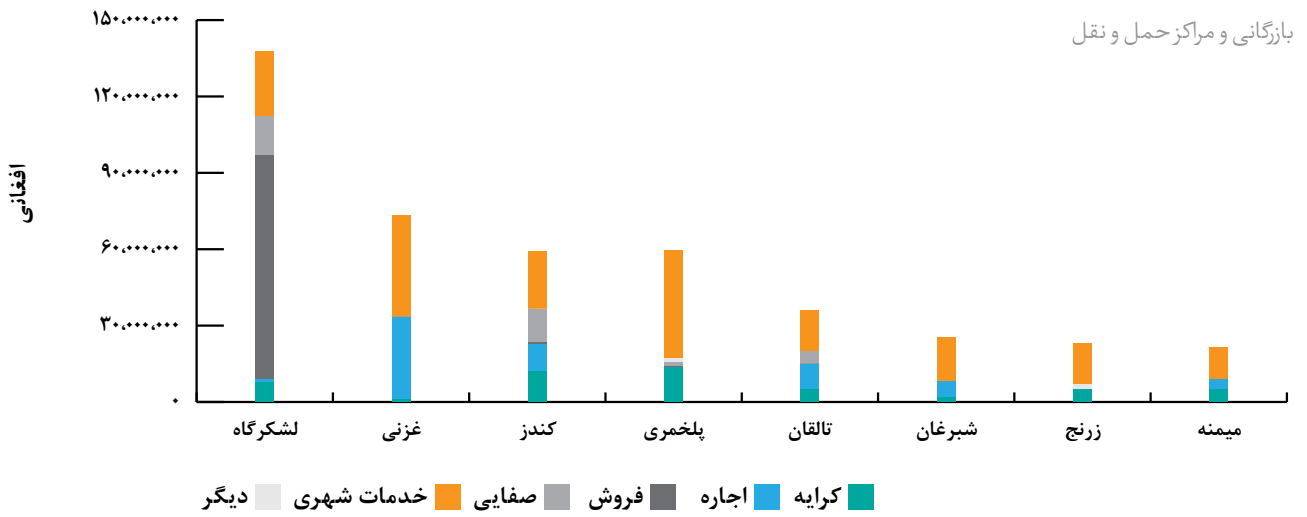
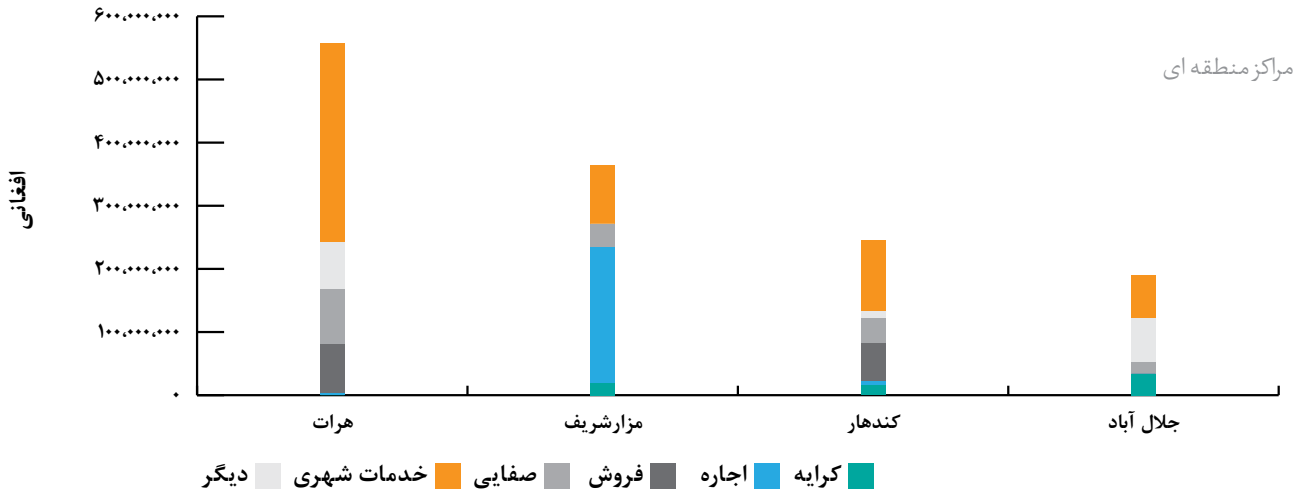
سهم این پنج منابع عایداتی طی یک دوره سه ساله از ۴۷٪ به ۷۱٪ مجموع عواید در شهرهای بیرون از کابل افزایش یافته است. سه منبع عایداتی سهم عواید مجموعی را در سهم عواید عمومی شان در جریان این دوره افزایش داده است. نخست، مالیات صفایی که از ۷٪ مجموع عواید در سال ۲۰۱۱ تا ۱۰٪ در سال ۲۰۱۲ و ۱۴٪ در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. این افزایش می تواند منسوب به کمک های تکنیکی عمده بین المللی در ثبت ملکیت ها و مالیات صفایی در جریان این سالها باشد که به افزایش مالیه مبتنی بر صفایی و بهبود سطح جمع آوری مالیات منجر شد. دوم فروش زمین و ملکیت ها: که از ۱۵٪ مجموع عواید در سال ۲۰۱۱ به ۲۳٪ در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است، اگرچه چنانکه در ذیل تشریح شده است، این منبع عایداتی با توجه به عدم ثبات و مستعد فساد بودن مشکل زا می باشد. سوم، عاید کرایه بیشتر از دوچند شده و از ۵٪ مجموع عواید در سال ۲۰۱۱ به ۱۲٪ در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

با این حال ارقام فوق اهمیت تفاوت میان شهرها که می تواند در شکل ۲۰۹ دیده شود را یکجا با معلوماتی که از ارزش مجموعی اوسط عاید هر شهر به

جدول ۲۰۴: منابع عایداتی مهم شاروالی، اوسط سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳

منبع	تفصیل	اوسط فیصدی مجموع عواید ۲۰۱۱-۲۰۱۳	
		۳۳ شهر	شاروالی کابل
فروش زمین و ملکیت ها	فروش زمین و ملکیت (مسکونی، تجاری، صنعتی و سازمانی)	۱۹٪	۲۲٪
اجاره ملکیت ها	یک توافق کتبی میان اجاره کننده و مالک که برای اجاره کننده حق تصرف محل را برای یک دوره زمانی توافق شده برای یک قیمت مقطوع (که همه پول در آغاز قرارداد پرداخته شود)	۱۳٪	۳٪
کرایه ملکیت ها	یک پرداخت ماهانه و منظم برای مالک زمین برای استفاده از زمین.	۷٪	۶٪
مالیه صفایی	لزوما یک مالیه و موازین قابل پرداخت توسط تمام مالکان زمین (مسکونی، تجاری، سازمانی و غیره) برای تحت پوشش قراردادن صفایی شهر و جمع آوری زباله های جامد؛ صفایی به معنای پاکي و نظافت؛ که امور مربوط به آن از سوی تنظیم کنندگان صفایی تعیین می گردد.	۱۰٪	۱۷٪
مالیه شاروالی و خدمات شهری	یک مالیه بر اجناسی که به شهرها داخل می شود، این اجناس می تواند از تجارت میان ولایت ها باشد که در نقاط ورودی شهرها جمع آوری گردد؛ و روش جمع آوری این مالیه از سوی تنظیم کنندگان خدمات شهری تنظیم می گردد.	۹٪	۱۴٪
جواز تجارت	جواز صادر شده از سوی شاروالی برای تمام تجارت ها (بزرگ و کوچک) که در شهر فعالیت می نمایند، این جوازها از سوی شورای جواز تجارت تنظیم خواهد شد.	۱٪	۲٪

شکل ۲.۹: اوسط عواید سالانه به افغانی و ترکیب اجزای عواید در سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳



منبع: منبع معلومات (دیتابیس) مالی ریاست شازوالی ها

گزارش شده است که میدان شهر بالای خانوار ۳۵۷۸۹ افغانی معادل ۵۹۶ دالر مصرف می نماید، احتمالاً به این دلیل که عواید عمده این شهر از فروش زمین و اماک طوریکه در فوق بحث شد به دست می آید و تعداد خانوار این شهر کمتر می باشد. (تعداد خانوار این شهر

فروش زمین و اماک یک ویژگی عمده دیگر عواید شاروالی برای اکثر ۳۴ شهر می باشد. چنانکه در فصل چهارم میباید، این مسأله برای شاروالی ها معمول بوده است که زمین های داخل و یا بیرون شهر را به بخش های کوچکتر تقسیم نموده سپس به فروش برسانند. مبتنی بر ارقام دقیق، گزارش شده که در ۳۳ شاروالی مرکز ولایتی ۱،۳ میلیارد افغانی معادل ۲۳ میلیون دالر از فروش زمین و ملکیت بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ به دست آمده است؛ در کابل از این رهگذر حدود ۱،۷ میلیارد افغانی معادل ۳۲ میلیون دالر به دست آمده است. چنانکه در فوق تذکر یافت احتمال دارد که شمار واقعی به مراتب بیشتر از رقم گزارش شده باشد؛ در تمام شهر ها اکثر زمین فروشی ها بدور از ثبت آمار رسمی و مقامات مالی شاروالی ها انجام می شود.

چنانکه شکل ۲.۱۱ نشان می دهد، فروش زمین و ملکیت ها از خصوصیات عمده در شهرهای بزرگ لشکرگاه، هرات و کندهار می باشد.^{۲۵} بیشترین رقم فروش زمین در لشکرگاه صورت گرفته است: بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳، میزان فروش گزارش شده حدود ۶۳٪ عواید سالانه شاروالی را تشکیل داده است که اوسط آن برابر به ۸۸ میلیون افغانی معادل ۱۰۵ میلیون دالر در سال می شود. در میدان شهر فروش زمین و ملکیت ها حدود ۷۳٪ مجموع عواید را که برابر به ۴۰ میلیون افغانی معادل ۷،۱۶۰۰ دالر امریکایی در سال می شود، تشکیل داده است.

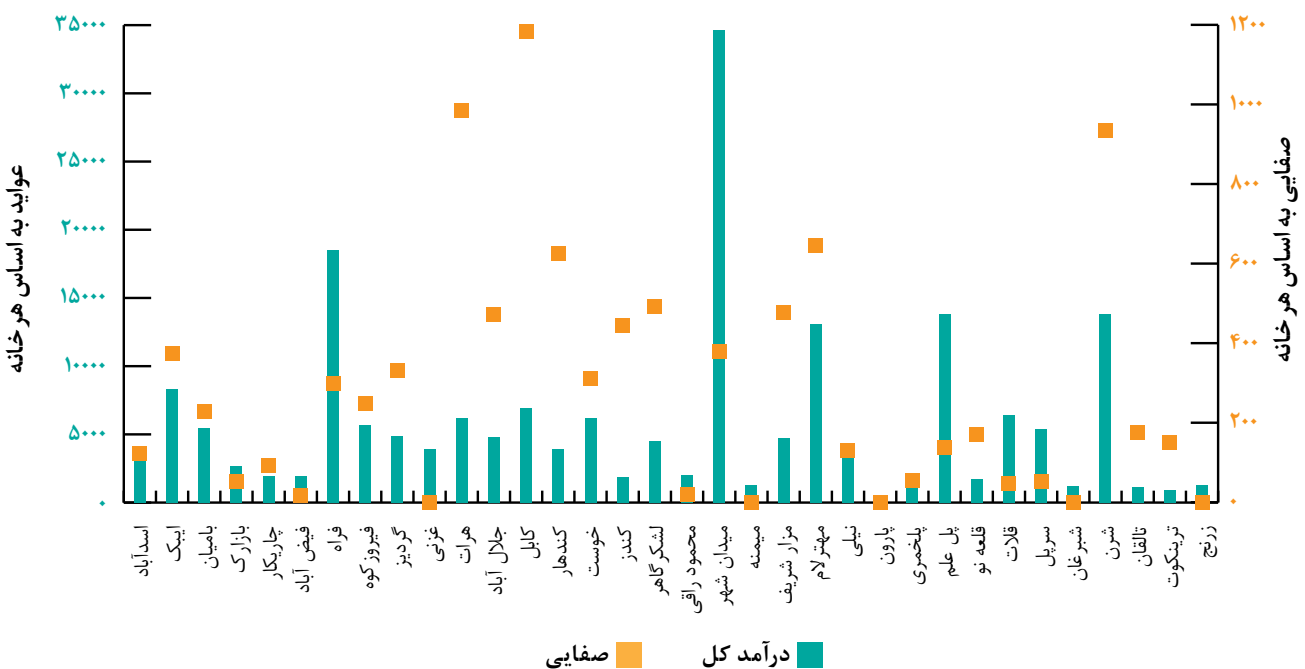
با ۳۴،۶۶۱ افغانی معادل ۶۰۸ دالر امریکایی و ۱،۸۵۰۰ افغانی معادل ۳۲۵ دالر امریکایی، دارا می باشد. این رقم می تواند به صورت عمده به دلیل سطح بلند فروش زمین های شاروالی و ملکیت ها می باشد که یک رقم کلان ۷۳٪ مجموع عواید میدان شهر و مناطق مربوط آنرا تشکیل می دهد اما این رقم ۴۳٪ در ولایت فراه هنوز بسیار برجسته می باشد.

شکل ۲.۱۰ همچنان عاید صفایی به تعداد هر خانوار (واحد مسکونی) را نشان می دهد. صفایی نسبتاً یک منبع ثابت عاید محلی می باشد، طوریکه در فوق تشریح گردید، طی سالهای گذشته به صورت متداوم رشد نموده است و ظرفیت رشد بیشتر آن نیز متصور است. اگرچه صفایی تنها مالیه شهرنشینی نیست (همچنان صفایی برای ملکیت های تجارتی، سازمانی و تولیدی نیز قابل پرداخت می باشد)، آزمایش سطح جمع آوری صفایی در شهر های مختلف یافته های قابل تذکر زیادی را برجسته می سازد:

یافته های عمده عبارت اند از:

- در مورد عواید، تفاوت قابل توجهی میان شهرها وجود دارد، و به نظرمی رسد که این مسأله هیچ ربط به اندازه شهرها، فعالیت و غیره ندارد؛
- کابل به صورت اوسط ۶۶۸۸ افغانی بالای هر خانوار مصرف می نماید که معادل (۱۱۷ دالر امریکایی) می شود؛
- برای مراکز فعالیت های تجاری منطقوی، هرات (۶۱۱۱ افغانی؛ معادل ۱۰۷ دالر) مصرف می نماید که مصارف هرات نسبت به کندهار (که ۵۲۲۷ افغانی؛ معادل ۹۱ دالر) و مزارشریف (۵۵۲۴ افغانی؛ ۹۶ دالر) و جلال آباد (۴۸۱۴ افغانی؛ معادل ۸۴ دالر)، بیشتر می باشد؛

شکل ۲.۱۰: عاید مجموعی و صفایی بر اساس هر شهروند، اوسط سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳ به افغانی



منبع: منبع معلومات مالی ریاست شاروالی ها: شاروالی کابل: تحلیل سیستم معلومات جغرافیایی برنامه وضعیت شهر های افغانستان

عادی و انکشافی به صورت عام وجود ندارد، یک تقسیم بندی مساوی پیشنهاد می شود، چون به صورت روزمره خدمات اجرا می گردد (به گونه مثال که زباله های جامد روزمره جمع آوری می گردد، که یک مصرف عادی می باشد) و زیربناهای دراز مدت شهرها و محیط بهبود می یابد (مانند عمرانات، حفظ و مراقبت جاده ها، فضاهای عمومی و غیره که خود مصرف انکشافی شمرده می شود).

کابل از این رهگذر متفاوت می باشد زیرا که ۸۰٪ مصارف این شهر مصارف عادی می باشد و تنها ۲۰٪ برای مصارف انکشافی واگذاشته شده است. به صورت اوسط بین سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳، شاروالی کابل ۲٫۶ میلیارد افغانی را که معادل ۴۶ میلیون دالر می شود در هر سال بالای مصارف عادی در هر سال مصرف می نماید و تنها ۶۵۸ میلیون افغانی را که معادل ۱۱ میلیون دالر می شود در مصارف انکشافی به مصرف رسانیده است. شاید قسما این مسأله به خاطر حمایت های بیرون از بودجه یی باشد که شهر از کمک کنندگان بین المللی برای پروژه های انکشاف زیربناها دریافت می نماید، بناء از فشار وارده بر بودجه انکشافی که از منابع شهر به دست می آید کاسته می شود.

برای مصارف عادی ۳۳ شهر مراکز ولایات، معاشات و تخصیصات بطور اوسط ۴۳٪ و کالاها و خدمات ۵۷٪ را شامل می شود. به صورت کل، این به این معنا است که معاشات و تخصیصات تنها ۱۲٪ مصارف عمومی شاروالی

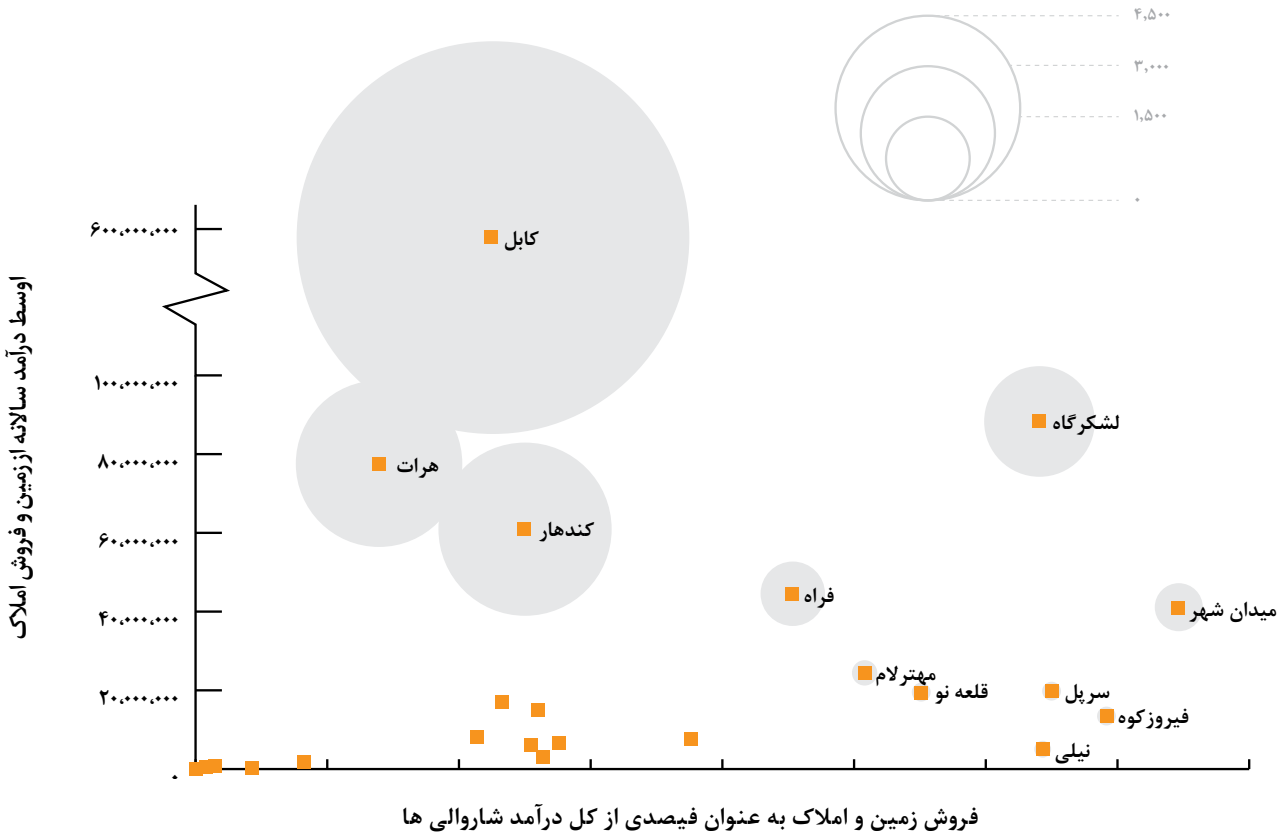
اعتماد بر فروش زمین و املاک به منظور ازدیاد عاید در این دوره افزایش یافته است. به صورت اوسط، فروشات ۱۵٪ مجموع عواید سال ۲۰۱۱ را تشکیل داده است، که این رقم حدود یک ربع (۲۳٪) در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. این پدیده نگران کننده است، نه تنها به این سبب که زمین و املاک شاروالی یک منبع محدود می باشد و فروش آن یک منبع عایداتی پایدار نیست بلکه به این دلیل که در فروش این زمین ها و املاک خطر فساد بلند موجود است و می تواند فرصت های انکشافی را در آینده شاروالی به شدت محدود بسازد و در آینده شاروالی به کمبود زمین برای تطبیق پلان ها و پروژه های توسعه خود روبرو خواهد شد.

مصارف و مخارج شاروالی

مصارف شاروالی در افغانستان به صورت عموم در دو بخش دسته بندی شده است: "عادی" (مصارف عملیاتی) و "انکشافی" (مصارف برخاسته از پروژه های انکشافی بزرگ). مصارف معمولی به بخش های فرعی معاشات، تخصیصات و کالاها/خدمات دسته بندی می گردد.

برای ۳۳ شاروالی مراکز ولایات، اوسط تقسیم بندی میان مصارف معمولی و انکشافی این است که مصارف عادی ۲۸٪ و مصارف انکشافی به ۷۲٪ می رسد. تفاوت عمده یی میان ۳۳ شاروالی؛ از مزار شریف با تنها ۱۳٪ مصارف عادی و ۸۷٪ مصرف انکشافی تا تالقان، با ۶۱٪ معمولی و تنها ۳۹٪ مصارف انکشافی وجود دارد (شکل ۲۰۱۲). چون یک خط مشخص میان مصارف

شکل ۲۰۱۱: عاید فروش زمین و املاک بر اساس فیصدی مجموع عواید شاروالی و عاید فروشات (افغانی)، اوسط سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳، مجموع ساحه زمین و زمین های خالی



منبع: منبع معلومات مالی ریاست شاروالی ها؛ شاروالی کابل؛ سیستم معلومات جغرافیایی برنامه وضعیت شهر های افغانستان

نماید اما به عوض آن، یک هدف مطلوب برای جمع آوری عواید را ایجاد می نمایند.

اجرای بودجه یک چالش عمده دیگر برای شاروالی های افغانستان شمرده می شود. تعداد بسیار محدود شاروالی ها بودجه مصارف سالانه خود را بر اساس یک پلان اجرا می نمایند. احتمالاً این مسأله به دلیل این واقعیت است که بودجه سازی برای مصارف، مانند بودجه عواید یک طرح بلندپروازانه است و همیشه بر اساس درک درست از واقعیت های محلی نمی باشد. حتی در صورتیکه اینگونه باشد، تفاوت های عمده بی میان شهرها به لحاظ میزان مصرف عواید واقعی وجود دارد. اگرچه، اکثر شهرها عمدتاً یا دارای مصرف بالا می باشند و مصرف کمتر می نمایند. به گونه مثال قلات و بامیان تنها ۲۶٪ و ۵۶٪ عواید جمع آوری شده خود را مصرف می نمایند. همانگونه که در مورد عواید گفته شد، سطح مصرف به نظر نمی آید که به اندازه شهر و یا نوع شهر بستگی داشت باشد بلکه به احتمال زیاد به شرایط و ظرفیت های محلی بستگی دارد.

را تشکیل می دهد.

به لحاظ عواید، بررسی مصارف مبتنی بر هر خانوار (واحد مسکونی) یک ترکیب با اختلاف جزئی را در تمام شهرها ایجاد می نماید. شهرهای بسیار کوچک مانند میدان شهر، مهترلام، شرن و پل علم مصارف مبتنی بر تعداد خانوار شان بیشتر از شهرهای بزرگ مانند هرات، مزارشریف و کابل می باشد.

دیگر یافته قابل توجه عبارت از: (۱) در سراسر شهرها تنوع قابل ملاحظه عایدات وجود دارد و کدام ارتباط به اندازه شهر و یا عملکرد آن وجود ندارد بطور مثال (۲) کابل بطور اوسط (۱۱۷ دالر) ۶,۶۸۶ افغانی بالای هر خانه مصرف میکند (۳) مراکز منقطوی، هرات (۱۰۷) ۶,۱۱۱ افغانی، کندهار (۹۱ دالر) ۴,۲۲۷ افغانی، مزار شریف (۹۶ دالر) ۵,۵۲۴ افغانی، جلال آباد (۸۴ دالر) ۴,۸۱۴ افغانی و (۵) گزارش از میدان شهر نشان میدهد که آنها (۵۹۶ دالر) ۳۵,۷۸۹ افغانی بالای هر خانه مصرف میکنند. به احتمال زیاد فروش زمین و ملکیت ها درآمد قابل ملاحظه داشته همانطوریکه در بالا تذکر داده شد یک تعداد کمی از خانه ها (تنها ۱۵۸۵).

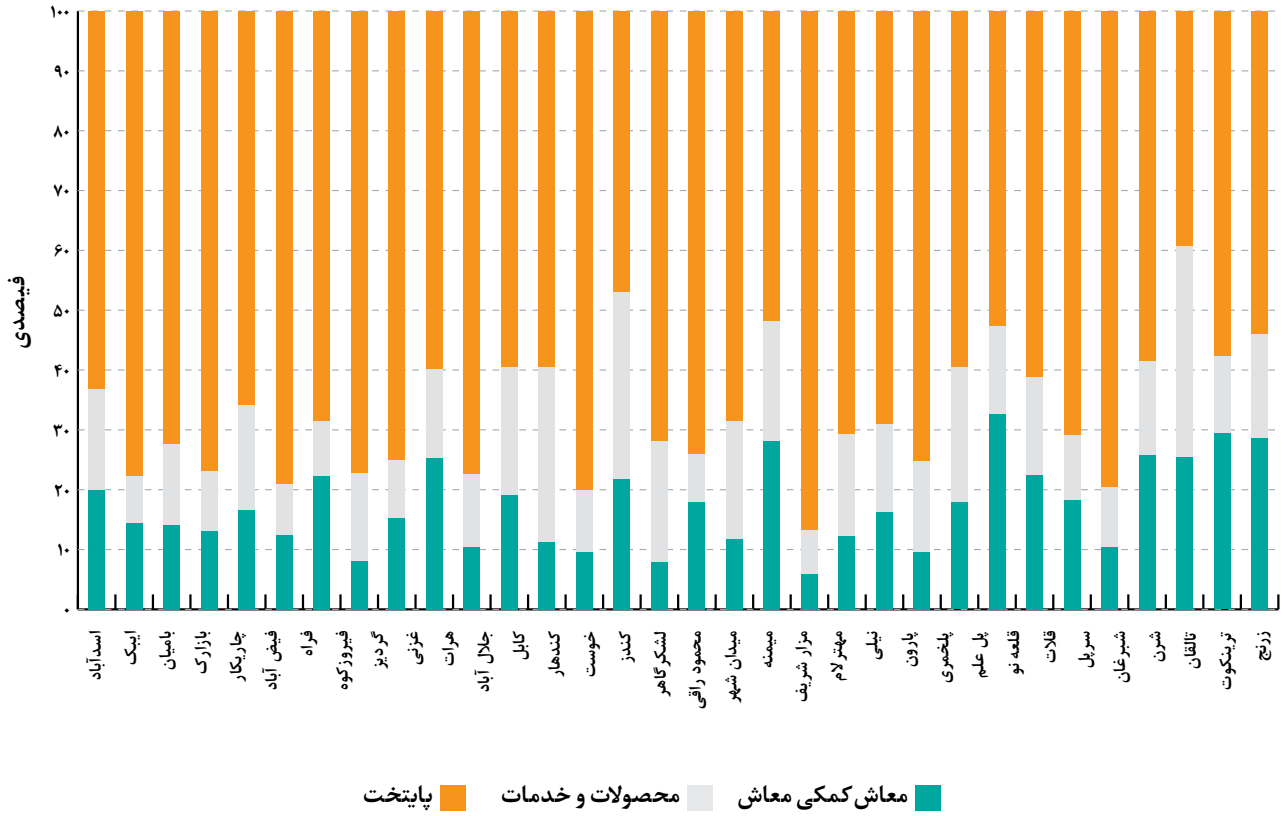
تهیه بودجه برای شاروالی

حین بازرسی امور مالی شاروالی، یک موضوع تکرارشونده سبب اختلاف در اجراءات در تمام شهرها و بی نظمی در جمع آوری عواید و مصارف می گردد. اختلافات تاحدی مشهود است که تهیه بودجه به عنوان یک چالش عمده در افغانستان باقی مانده و یکی از مشکلاتی می باشد که شاروالی ها ظرفیت های مختلفی برای رسیدگی به این مشکل دارند. شاروالی ها لازم است که بودجه سالانه تهیه نمایند که باید به وزارت مالیه به منظور تاییدی از سوی ریاست عمومی امور شاروالی ها فرستاده شود. اگرچه همان گونه که در ذیل بیان شده است اکثر شاروالی ها روند تهیه بودجه و گزارش دهی مربوط به آنرا جای اینکه وسیله تقویت حکومت داری و ارایه خدمات بشناسند به عنوان یک نیازمندی بروکراتیک منفی می شناسند.

طرح عواید، که یک شاروالی تخمین می نماید که این اداره طی یک مدت مشخص یک اندازه مشخص عایدات را جمع می نماید. برای ۳۳ شهر غیر از کابل، تنها ۵۳٪ عاید طرح شده در جریان سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳ به صورت واقعی جمع آوری شده است. شکل ۲۰۱۳ خلای میان عواید واقعی و عواید پیشبینی شده را برای شاروالی ۳۴ ولایت نشان می دهد. تنها ۵ شهر بیشتر از مقدار پیشبینی شده عواید جمع آوری نموده اند که عبارت اند از: (اسدآباد، بامیان، پل علم، تالقان و کابل). در بقیه ۲۹ شهر دیگر، خلای میان عواید می تواند گاهی به دلیل یکجا شدن امور آتی ایجاد گردد: (۱) پیشبینی های بلند پروازانه در اهداف عواید، (۲) میکانیزم های ضعیف جمع آوری عواید به شمول کمبود کارمندان شایسته، انگیزه محدود و حسابدهی برای برآورده ساختن اهداف، (۳) سیستم ضعیف نظارت و مدیریت به منظور پیشرفت نظارت در جریان یک سال مالی و روی دست گرفتن اقدامات اصلاحی در صورت لزوم؛ و (۵) منبع محدود در سطح محلی به منظور تقویت پرداخت های مانند مالیات، جریمه ها، مجازات و مصارف خدمات.

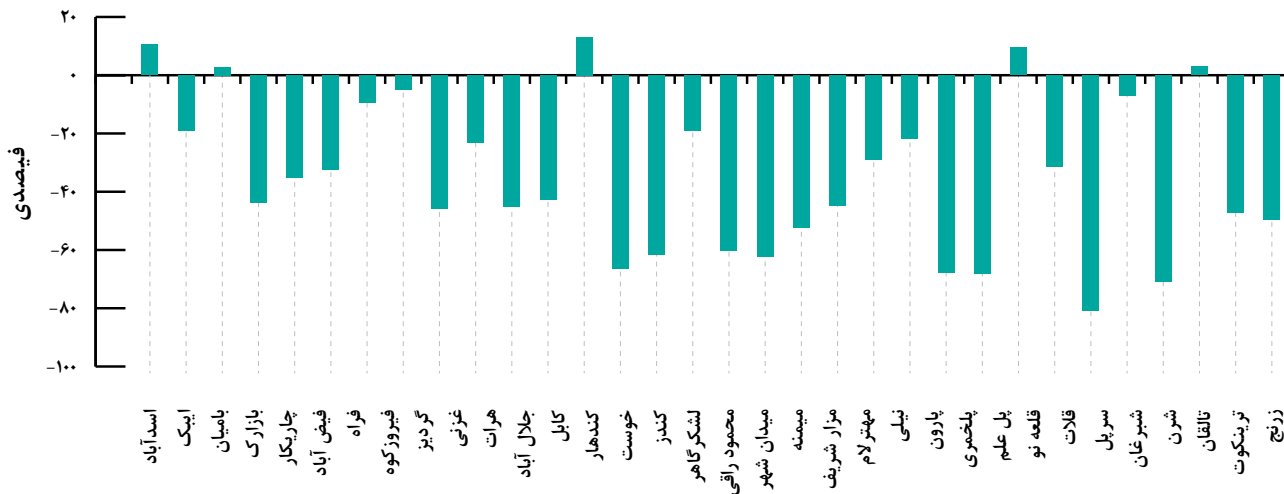
پیشبینی عواید بر اساس هر خانوار نشاندهنده ارزش های کاملاً متفاوت می باشد. از آنجاییکه تعیین کننده های زیادی عواید نسبت به تنها خصوصیات مسکونی و نفوس شهر وجود دارد، بعضی درجه های تفاوت قابل درک می باشد. اگرچه، چهار شهر به صورت نمایشی باقی می ماند: میدان شهر، پل خمی، شرنه و فراه؛ پیشبینی عواید در تمام این شهرها بر اساس خانوار بسیار بلند می باشد. به نظر می آید که تفاوت موجود، شواهد قصه گونه ی که در تهیه بودجه بر اساس یک ارزیابی عقلانی از موارد مبتنی بر مالیه انجام نشده است را به علاوه شرایط مربوطه حمایت

شکل ۲۰۱۲: ترکیب مصارف شاروالی، اوسط سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳



نوت: مصارف عادی شاروالی کابل پایین نیامده است بلکه به بخش های کوچک تقسیم بندی شده است.
منبع: پایگاه معلوماتی بخش مالی شاروالی، شاروالی کابل؛

شکل ۲۰۱۳: خلا میان عواید پیشبینی شده و واقعی، اوسط سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۳



منبع: منبع معلومات مالی ریاست شاروالی ها، شاروالی کابل

شاروالی مخصوصا در ولایات با والی ها و شوراهاى مقتدر اداره نماید، آسیب پذیر می باشد. پنجم، مشکل اصلی اینجاست که شاروال و شورا های شهری مقامات منتخب نیستند و اجرات حسابده وجود ندارد، با این وجود فرصت و ظرفیت زیادی جهت بلند بردن سطح عواید از طریق منابع پایدار عایداتی مثل مالیات صفایی شهر، هنوز وجود دارد.

به صورت خلاصه، چهار چالش عمده در محیط پلان گزاری مالی و بودجه سازی وجود دارد:

۱. سیستم های نظارت بر بودجه ضعیف اند، مخصوصا در شاروالی های کوچکتر، با بودجه های غیر منظم شاروالی که در جریان سال مالی به عنوان وسیله پیگیری روند ارائه خدمات و اجرات شاروالی، مورد استفاده قرار می گیرد.
۲. به جای اینکه مصارف مرتبط با طرح عواید بوده باشد، شاروالی ها مصارف خود را به عواید واقعی منطبق می سازند و کدام مورد اضافه و یا کاهش را به سالهای بعدی انتقال می دهند.
۳. شاروالی ها گزینه های اندکی غیر از این روش تعدیل را مورد استفاده قرار می دهند، چون آنها به صورت عمده با توجه به کمبود حمایت های تخنیکی و مالی با معنا و به موقع از سطوح مقامات مرکزی برای تقویت بودجه سازی شاروالی و پروسه اجرای بودجه به خود متکی می باشند.
۴. وضعیت موجود متاسفانه برای عده ای فرصت مطلوب است، کسانی که حسابدهی، شفافیت و نظارت محدود را ترجیح میدهند که با این وجود روند مداخلات دولت مرکزی در امور شاروالی های محلی کاهش می یابد و به این ترتیب زمینه را برای فعالیت های قابل پرسش مساعد میسازد. (مانند غصب زمین، فروش زمین وغیره).

شاروالی ها گرفتار یک دور نمای نادرست/فاسد هستند. شهروندان اعتماد بسیار اندکی بالای اجرات مالی شاروالی دارند که به سطح پایین جمع آوری عایدات کمک می نماید، مخصوصا برای منابع متداوم عایداتی مقطوع مانند مالیة صفایی. با این وجود بدون عواید کافی، شاروالی ها نمی توانند خدمات را به صورت موثر ارائه نمایند و یک قاعده وسیع تر را برای عواید متداوم محلی ایجاد نمایند که در مقابل می توانند روند ارائه خدمات را بهبود ببخشند و از همین طریق اعتماد شهروندان را جلب نمایند.

به خاطر اینکه شاروالی ها کدام همکاری یا کمک مالی و یا کدام مورد همکاری در زمینه بودجه انکشافی از دولت مرکزی دریافت نمی نمایند، شاروالی ها گاهی به صورت عملی انکشاف منابع مالی غیر مقطوع و غیر متداوم مانند فروش زمین و املاک را در اولویت قرارداده اند. چنین اقداماتی بسیار مستعد فساد بوده و فروش امکانات مشخص توانای یک شهر را به منظور استفاده از داشته های زمین و ملکیت خود به غرض رهنمایی و رشد شهر، کاهش می دهد.

اجرات ضعیف شاروالی ها ریشه در کمبود ناشی از مشکلات ساختاری دارد که نیاز به رسیدگی جدی دارد. نخست، کمبود ظرفیت مدیریت مالی در سطوح شاروالی (مدیریت بشری و ساختاری). اگرچه ظرفیت به تنهایی مشکل اصلی نیست چون شاروالی ها از خود یک اندازه ظرفیت برای رشد عواید از طریق مجراهای فوق الذکر را از خود به نمایش گذاشته اند. مشکل دوم از این سبب کمبود اراده سیاسی برای بهبود پروسه تهیه بودجه برای شاروالی، افزایش روند جمع آوری عواید، مدیریت شفاف زمین ها و املاک شاروالی (فروش، اجاره و کرایه) و مصرف عواید به صورت شفاف و مناسب (در میان تمام افراد ساکن شهر و حسابدهی) می باشد. سوم، یک نظارت ناکافی و همکاری تخنیکی از سطح مرکزی بر شاروالی ها و میکانیزم های نا موجود برای شریک سازی داخل شهر و تبادل تجارب، ارزیابی اجرات و شریک سازی حساب های مالی در حال حاضر موجود می باشد. چهارم سیستم های ناپایدار شدیداً در پی تغییرات سیاسی و تحولات غیر رسمی قدرت که می تواند یک حاکمیت را بالای فعالیت های مالی

۲.۷

اقدامات بعدی

- تقویت پالیسی، چهارچوب های حقوقی و تنظیمی تا پیشرفت بسوی دیدگاه مورد نظر قانون اساسی تحقق یابد که شاروالی ها تقویت شوند و به عنوان منابع ارایه کننده خدمات به صورت خود کفا عمل نمایند، مشروعیت سازی نموده و ظرفیت ایجاد نمایند و سهم خود را در تقویت روابط میان دولت و جامعه ایفا نمایند. به روش کاری که در آن به بخشی از مشکلات از طریق اقدامات انتزاعی رسیدگی صورت می گیرد پایان داده شود و یک قانون جدید و قدرتمندی برای شاروالی تهیه گردد که شاروالی ها را برای برآورده ساختن چالش های شهرنشینی به اندازه کافی اقتدار لازم بدهد؛
- رسیدگی به مضیقه های ساختاری جهت کاهش مکلفیت های متراکم شده و هماهنگی فعالیت ها در ساحات شهری به شمول ریاست های مربوطه و پروژه های کمک کنندگان که گاهی به ندرت به صورت جزء جزء و بدون دخالت معنا دار شاروالی و منطبق با پلانهای شاروالی تطبیق شده است.
- درک و اهمیت دادن به توانایی های بزرگ شهروندان در زمینه همکاری با انکشاف شهری. تقویت مشارکت شهروندان و تعامل آنها از طریق میکانیزم های سیستماتیک مشارکت به شمول استفاده از میکانیزم های موجوده مانند شورای مشورتی شاروالی و شورا های انکشاف شهری؛ و گذاشتن اساس برای انتخابات شاروالی از طریق تجدید و نهایی سازی تمام اصول و مقررات شاروالی؛
- رسیدگی به سرحدات گنگ و نامشخص شاروالی که مدیریت موثر شهری و حاکمیت را محدود می سازد. دور ساختن سرحدات متقاطع (که روی هم دیگر قرار گرفته اند)، تامین و رعایت سازگاری در در انتخاب روش های مناسب ترسیم سرحدات تا پلان های توسعه و انکشافی آینده را در خود جای داده بتواند و مطمئن شدن از اینکه از این سرحدات هر دو حکومت مرکزی و محلی در جریان قرار گرفته اند.
- تداوم کار در راستای بلند بردن ظرفیت بخش های پلانگذاری و اداری شاروالی ها " اما با تمرکز بیشتر بالای ظرفیت های ملی تشکیل، تطبیق رفورم اداره عامه در شاروالی ها، مبارزه علیه فساد، و روی دست گرفتن یک سیستم "آموختن از تجارب عملی" روش های پلان گذاری، مشارکت و ارایه خدمات به عوض جانشین سازی از پروژه های که توسط کمک کنندگان به پیش برده شده است؛
- برای تقویت سیستم مالی شاروالی، در کوتاه مدت، ارزیابی های مالی شاروالی را روی دست گیرید تا یک خط اساسی روشن تر برای ارزیابی و تقویت حسابداری و شفافیت امور مالی شاروالی با هدف افزایش عاید سازی، بودجه سازی بهتر و مصارف شفاف و قابل حسابداری و گزارش دهی به دست آید. تبادل دیدارها و شریک سازی حساب ها را به منظور تقویت آموزش های داخل شهر و همکاری برای تقویت ظرفیت ها؛ مد نظر بگیرید.
- دولت مرکزی را در دراز مدت طوری در نظر بگیرید که وجوه مالی را در اختیار شاروالی ها قرار می دهد. عواید محلی احتمالاً برای شاروالی ها به منظور انجام مکلفیت های شان ناکافی باشد. همکاری های مالی را به گونه یی مد نظر بگیرید که مرتبط با برنامه های ملی بوده و ظرفیت ها و شفافیت را در سطح ملی به منظور اینکه همکاری های ملی منطبق بوده و با ظرفیت های محلی همخوانی داشته باشد، افزایش دهد و دیگر اینکه آنها مالکیت و حسابداری منابع را رشد خواهند داد تا عواید منابع خودشان را در کنار تخصیص های مالی دولتی رشد دهند. این امر به حسابداری دوجانبه کمک خواهد نمود و برای منطبق شدن با یک برنامه ملی زمینه را مساعد می سازد که احتمالاً راه را برای تاثیر بیشتر سرمایه گذاری ها بگشاید.
- تقویت جمع آوری معلومات و نظارت - حکومت داری خوب شهری و مدیریت، نیازمند معلومات موثقی است که تصمیمات در مورد مدیریت خدمات عامه، تعیین و جمع آوری مالیات و پلان گذاری فضاها تصمیم لازم گرفته بتواند؛
- تعهد به تقویت جندر در فعالیت های شاروالی و شورای مشورتی شاروالی به منظور رسیدن به یک هدف ۲۵٪ مشارکت زنان تا سال ۲۰۲۰. روی دست گرفتن اقدامات پیشگیرانه به منظور رسیدگی به محدودیت های ساختاری (که در فوق تذکر یافت) به منظور تقویت تعداد زنان در فعالیت های شاروالی و توانایی شهروندان زن به منظور تعامل در پلان گذاری شاروالی و حاکمیت.

1. GoIRA. (2014). Realizing Self-Reliance. Commitments to Reforms and new Partnership. London Conference on Afghanistan.
2. GoIRA. (2004). Afghanistan Constitution <http://moj.gov.af/en/page/1684>.
3. GoIRA. (2004). Afghanistan Constitution <http://moj.gov.af/en/page/1684>.
4. GoIRA. (2007). National Land Policy, Article 1.3
5. GoIRA. (2013). National Policy on Internally Displaced Persons IDPs, Ministry of Refugees and Repatriation.
6. Afghanistan Municipal Law. (2000). Islamic Emirate of Afghanistan, 'Municipal Law', Ministry of Justice Official Gazette. Asian Legal Information Institute.
7. UNAMA. (2014). The Stolen Lands of Afghanistan and its People, the legal framework, Rule of Law Unit: Kabul, Afghanistan.
8. GoIRA. (2004). Afghanistan Constitution <http://moj.gov.af/en/page/1684>.
9. GoIRA. (2007). Presidential Decree 73 of 30 August 2007, [http://gdma.gov.af/en/page/gdma introduction/gdma-at-a-glance](http://gdma.gov.af/en/page/gdma%20introduction/gdma-at-a-glance)
10. Appointed by IDLG/GDMA for 85% of municipalities, 11% by the Provincial Governor; and remaining hired by District Governor or pending Popal, A. B. (2014)
11. GIRoA. (2012). Terms of Reference, Municipal Advisory Boards. IDLG/GDMA: Kabul, Afghanistan.
12. GIRoA. (2012). Terms of Reference, Municipal Advisory Boards. IDLG/GDMA: Kabul, Afghanistan, Article 6.
13. UN-Habitat. (2014). Urban Solidarity. Discussion Paper #2. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan.
14. UN-Habitat. (2014). Urban Solidarity. Discussion Paper #2. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan.
15. Recognising this, GDMA developed Gender Mainstreaming Guidelines which calls on Municipalities to address these structural constraints to gender equality.
16. IDLG/GDMA. (2014). Assessment of Municipalities, GDMA Database; Kabul Municipality Official website (2015). Accessed at: <http://km.gov.af/en>
17. IDLG/GDMA. (2014). Assessment of Municipalities, GDMA Database
18. Popal, A. B. (2014). Municipalities in Afghanistan, Independent Directorate of Local Governance (IDLG): Kabul, Afghanistan.
19. AREU. (2014). Governance in Afghanistan: An Introduction. AREU: Kabul, Afghanistan
20. Remaining cities include: Nili, Khost, Zaranj, Paroon, Gardez, Sharan, Qala-i-Naw, Tarinkot, Farah, Ferozkoh, and Sar-i-Pul.
21. The section is based on municipal finance data provided by GDMA and Kabul Municipality which gives a broad overview of municipal finance dynamics. However, the data should be taken with caution as it has not been independently verified or audited. Most notably, revenues are likely to be higher than reported; anecdotal evidence suggests land and property sales in particular are under-reported, as these funds are sometimes not channeled through official revenue channels.
22. A complete dataset for 2014 is not yet available, so the section uses data from 2011-2013 (1390= 21 March 2011 - 20 March 2012; 1391= 21 March 2012 - 31 December 2012; 1392= 1 Jan 2013 - 31 December 2014). For most analysis, the section takes the average over these three years in order to account for the significant fluctuations across years and thus give a more realistic view of the state of municipal finances than by taking one year alone.
23. See: Popal, A.B. (2014). Municipalities in Afghanistan, p 33-35, for a list of all revenue sources in English.
24. UN-Habitat. (2015). Managing Land, Mobilising Revenue. Discussion Paper #3: Kabul, Afghanistan.
25. Note: Official GDMA data for Mazar-i-Sharif and Jalalabad shows no income from land sales hence they are not plotted.





هسته معیشت روستایی در
افغانستان غیررسمی است.



شهرها منعیث عامل محرک انکشاف اقتصادی: اقتصاد شهری

پیام های کلیدی

- با وجود اینکه اکثریت نفوس افغانستان مشغول فعالیت های زراعتی میباشد، با آن هم زراعت تنها حدود ۲۴،۶٪ یک ربع از تمام تولید ناخالص ملی را احتوا میکند. به صورت گسترده فعالیت های اقتصاد شهری مانند (تجارت عمده و خرده فروشی، تولیدات، اداره عامه، خدمات، ترانسپورت و عمران)، به صورت روز افزون اقتصاد افغانستان را به پیش می برد و در حال حاضر به صورت جدی سه ربع تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. **شهرها از این رویک نقش اساسی و روز افزون را که از اهمیت در اقتصاد افغانستان برخوردار میباشد ایفا می نماید.**
- سکتور خدمات، تولید و اعمار در کابل و مراکز تجارتي منطقوی کندهار، مزارشريف، هرات مراکز فعالیت تجارتي ترانزیتی ثانوی مانند کندز، یک انکشاف گسترده و وسیع را عمدتاً به دلیل سرازیر شدن کمک های خارجی طی دهه گذشته تجربه نموده است. سکتور خدمات در حال حاضر شامل بیشتر از نصف تولید ناخالص ملی (۵۲٪) می شود در حالیکه تولیدات ۱۰٪ و سیستم عمران ۸٪ را تشکیل می دهد. اگرچه این سکتور ها طی سالهای اخیر به دلیل خروج نیروهای نظامی بین المللی و طولانی شدن انتخابات سال ۲۰۱۴ و بلا تکلیفی عمومی در زمینه امنیت و ثبات افغانستان، کاهش یافته است.
- **بیکاری و موجودیت فرصت های کاری اندک** در مراکز شهرها یک چالش جدی و رو به رشد میباشد. فرصت های کاری روزمزدی برای خانواده های فقیر شهرنشین طی سالهای اخیر کمیاب شده و آنها را تا سرحد فلاکت شدید آسیب پذیر می سازد. نزدیک به ۸۰ فیصد خانواده های فقیر شهرنشین هرکدام فقط یک نان آور دارند یا بکلی نان آور ندارند. بیکاری جوانان با توجه به اینکه ۴۹٪ نفوس افغانستان زیر سن ۱۵ قرار دارد یک مشکل جدی بوده و مشکلی است که در حال افزایش میباشد.
- **بخش عمده معیشت و فعالیت های افغانستان غیر رسمی میباشد.** حدس زده شده است که تا ۹۰٪ فعالیت های اقتصادی در افغانستان در سکتور غیر رسمی اتفاق می افتد. بخش اعظم نیروی کار از سوی اقتصاد غیر رسمی به کار استخدام شده است. اقداماتی که اشتباهها سبب مخو سکتور غیر رسمی شده عبارت از خرده فروشی در جاده ها و در ساحات شهری به ضرر کارگران غیر رسمی و فعالیت اقتصاد و فضای شهر میباشد.
- **فقر در محیط شهری** یک امر فراگیر بوده و نیازمند توجه جدی میباشد. در سال ۲۰۱۱، تقریباً یک سوم افغانهای شهرنشین (۲۹٪) در فقر زندگی می نمودند؛ این رقم شاید با توجه به کندی و ضعیفگی در اقتصاد کشور رونما شده است، افزایش یافته باشد. آسیب پذیری خانواده های فقیر شهر گاهی توأم با مصارف بلند زندگی و محدوده ضعیف میکانیزم های موجود پذیرش در شهرها میباشد.
- شهرهای بزرگ افغانستان با توجه به تراکم اقتصادی شان عوامل کلیدی انکشاف اقتصادی شمرده شده می توانند. با این وجود این امر اساساً به رشد سرمایه گذاری در زیربنای اقتصادی شهری مانند (پارکهای صنعتی، جاده ها، برق وغیره)، نیروی کار با مهارت و **بهبود حکومت داری و اداره ارضی** به منظور رشد اعتماد و سرمایه گذاری و سکتور خصوصی نیاز دارد.

۳.۱

زمینه های اقتصاد کلان

انکشاف اقتصادی و سهم سکتورها

تولید سالانه ناخالص ملی افغانستان در سال ۲۰۱۳ به ۲۰،۳ میلیارد دالر تخمین زده شد. تولید ناخالص ملی به صورت اوسط ۹٪ در هر سال از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۳ افزایش داشته است^۱. اما نرخ رشد تولید ناخالص ملی شروع به کاهش نموده است: با یک افت شدید این رقم از ۱۱٪ بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۳ به ۶٪ بین سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴ کاهش یافته است^۲. احتمال کاهش بیشتر رشد تولید ناخالص ملی با توجه به پیش بینی های بانک جهانی و صندوق وجهی بین المللی پول بین ۲،۵٪ تا ۳،۵٪ برای سال ۲۰۱۵^۳ با توجه به روند طولانی انتقال سیاسی و رشد ضعیف اصلاحات که زمینه را برای کاهش اعتماد نسبت به سکتورهای غیرزراعتی مساعد نموده است^۴ وجود دارد.

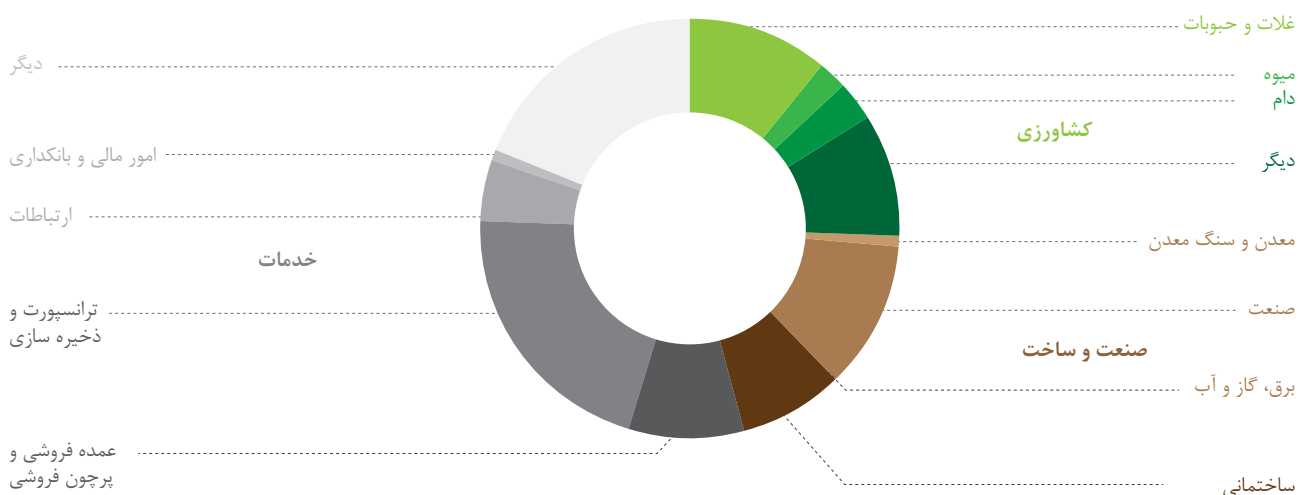
طی ۱۲ سال گذشته، انکشاف اقتصادی- اجتماعی به صورت گسترده از سوی سکتور خدمات تمویل شده است (شکل ۳.۱). از سال ۲۰۱۳، بیشتر از نصف (۵۱،۸٪) تولید ناخالص ملی از خدمات مانند (مخابرات، تکنولوژی معلوماتی، ترانسپورت، تجارت خرده فروشی و غیره)، به دست آمده است که به صورت ثابت از سال ۲۰۰۲ به اینسو روبه افزایش است. به همین گونه، صنعت به عنوان بخشی از تولید ناخالص ملی نسبتاً ثابت مانده است در حالیکه زراعت در شرایط نسبی از سال ۲۰۰۲ به بعد تنزل نموده و حالا به

تنهایی یک چهارم (۲۴،۶٪) مجموع تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد.

کندی انکشاف اساساً به دلیل تنزل در کارکرد سکتورهای عمران، تولید و ارایه خدمات میباشد. در سال ۲۰۱۲، خدمات و صنعت بالترتیب با سطح رشد ۱۶٪ و ۸٪ اجراءات کاملاً خوب داشتند. اگرچه، در سال ۲۰۱۳ سطح انکشاف این سکتورها به صورت تدریجی به ترتیب ۶٪ و ۵٪ افت نمود است.

جدول ۳.۱ و شکل ۳.۲ نشان می دهد که سکتور زراعت افغانستان کاملاً نا ثابت بوده و در مقابل شرایط اقلیمی آسیب پذیر میباشد. سکتور زراعت به آن اندازه که تکنولوژی بتواند یک شبکه مصئونیت را برای کاهش عوامل خارجی فراهم نماید میکانیزه نشده است. اگر چه بصورت مشخص زراعت اطراف شهری یک بستر مهم میباشد که بیشترین کمک را طی سالهای آینده به دوش خواهد داشت. چون کمک های بین المللی به صورت جدی در اقتصاد افغانستان کاهش خواهد یافت و سکتور خدمات شاید نتواند نسبت بلند سطح انکشاف سالهای اخیر را حفظ نماید.

شکل ۳.۱: سکتور های تولید ناخالص ملی، ۲۰۱۳

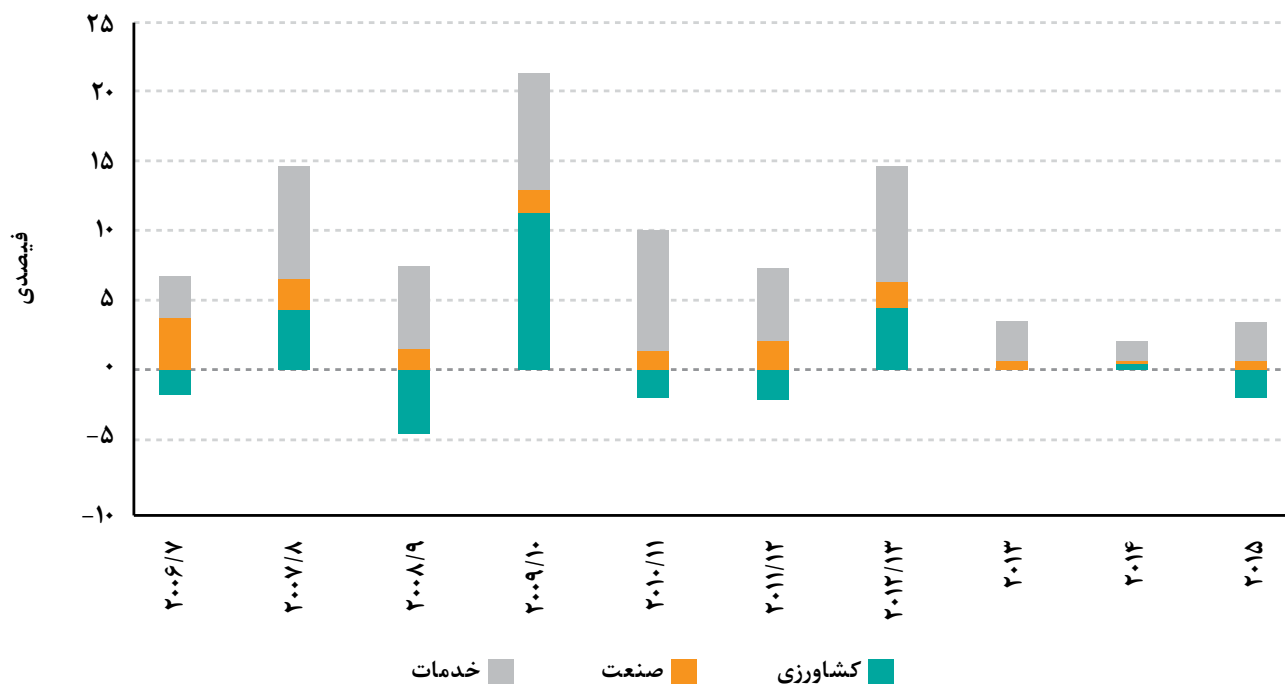


جدول ۳.۱: سکتور تولید ناخالص ملی و فیصدی رشد، ۲۰۱۱-۲۰۱۳

سکتور	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
	سهم تولید ناخالص ملی (%)			انکشاف واقعی (%)		
حبوبات	۴.۷	۳.۲	۸.۱	۲۷.۰	۲۵.۴	۲۴.۶
میوه ها	-۲۲.۲	۴۲.۸	۲.۳	۸.۰	۱۰.۶	۱۰.۶
مالداری	۱۰.۳	۸.۰	۳.۲	۲.۶	۲.۴	۲.۱
دیگر	۳.۰	۰.۴	-۱.۷	۳.۸	۳.۱	۲.۹
صنعت	۲۴.۴	-۱۶.۲	۱۶.۶	۱۲.۵	۹.۳	۹.۰
معادن و استخراج	۹.۸	۷.۸	۴.۹	۲۱.۶	۲۰.۵	۱۹.۷
تولید	۹.۰	-۱.۱	۷.۰	۱.۲	-۰.۹	-۰.۸
غذا و نوشابه	۳.۱	۷.۳	۱.۶	۱۳.۱	۱۲.۰	۱۱.۰
برق، گاز و آب	-۹.۴	۴.۳	-۰.۸	۰.۱	۰.۱	۰.۱
ساختمان و عمران	۱۳.۳	۸.۹	۸.۰	۷.۳	۷.۵	۷.۸
خدمات	۱۰.۳	۱۶.۰	۶.۳	۴۷.۸	۵۰.۳	۵۱.۸
تجارت عمده و خرده فروشی	۱۰.۸	۲۵.۰	-۰.۵	۸.۰	۸.۸	۸.۵
ترانسپورت و ذخیره سازی	۹.۰	۲۸.۱	۷.۴	۱۵.۲	۱۸.۲	۲۰.۰
مالی و بانکداری	۱۱.۸	۹.۰	۱۷.۰	۴.۳	۴.۱	۴.۴
ارتباطات	-۴۴.۴	۳.۸	۵.۵	۱.۱	۱.۰	۱.۰
	سطح واقعی انکشاف (%)			مجموعه (ثابت، میلیارد \$)		
تولید ناخالص ملی به قیمت مارکیت	۹	۱۱	۶	۷.۳	۸.۱	۸.۷

منبع: اداره احصائیه مرکزی (۲۰۱۴)

شکل ۳.۲: سهم سکتورها در رشد تولید ناخالص ملی، ۲۰۰۶-۲۰۱۵



منبع: معلومات اقتصادی افغانستان، اپریل ۲۰۱۵

تجارت

نیروی کار نمی شود و از اینرو از این شاخص ها مستثنا شده اند. (۲) بیشتر از ۹۰٪ شغل های که وجود دارد باید جزو کار های آسیب پذیر دسته بندی شوند چونکه آنها شغل و عاید ثابت نیستند. این شغل ها شامل کارگران مستقل، خانواده کارگرانی که برای شان پول پرداخته نمی شود و کارگران روز مزد، می شود؛ و (۳) بیکاری جوانان بیشتر از کل سطح بیکاری میباشد؛ که از آن جمله ۲۳٪ برای زنان جوان و ۱۶٪ برای مردان جوان می باشد.^{۱۳}

در سطح ولایتی، اگرچه گرایش و مسیر حرکت خوب نمیباشد (و بر اساس معلومات نا درست)، یک گرایش آشکار وجود دارد که میزان مشارکت در بازار کار ولایات که مراکز فعالیت شهری بزرگتر دارند کمتر میباشد. کم کاری در شهرها بیشتر میباشد و مشارکت نیروی کار کمتر از مناطق روستایی میباشد. تفاوت می تواند بستگی به این واقعیت داشته باشد که هرکس (به شمول زنان) می تواند یک نقش کار را در بخشی از یک سال در مناطق دور دست که تنظیمات مبتنی بر زراعت دارند به خود اختصاص دهد. در حالیکه در شهرها چنانکه در بخش ۱ بیان شده است زنان تحصیل نیافته به صورت بسیار گسترده از نیروی کار مستثنی شده اند.

اقتصاد غیر رسمی

اقتصاد رسمی در افغانستان یک امر مجزا و استثنایی است، حتی بشمول شهرها.^{۱۴} تخمین شده است که ۹۰ فیصد فعالیت های اقتصادی در افغانستان در سکتورهای غیر رسمی صورت میگیرد.^{۱۵} بخش اعظم نیروی کاری که توسط اقتصاد غیر رسمی استخدام میشوند مشغول فعالیت های جزئی تجاری هستند، در بخش عمران و ساخت و ساز منجیت کارگر (روزانه)، خشت پزی و غیره که مزد روزانه آنها (اکثرا بین ۲۵۰ الی ۳۵۰ افغانی معادل ۴.۴ الی ۶.۳ دالر امریکایی) برای کارگر غیر ماهر می شود، پرداخت می گردد. اکثرا از کارگران شهری پول بسیار کمی را در زمستان نسبت به تابستان دریافت میکنند. به این ترتیب آنها همواره متکی به فواصل سال و تغییرات ناگوار عایداتی هستند.

بطور عموم، پیدا کردن حتی کارهای عادی و جزئی در سکتور عمران، ساخت و ساز، تولیداتی و صنعتی بسیار دشوار شده است. این نتیجه همان عوامل فوق میباشد: یعنی فضای کاروبار خورد و کوچک، سرمایه گذاری خصوصی موقتی و بلاخره نفوذ و سرزیر شدن بیجاشدگان در شهر که باعث ایجاد رقابت در بازار کاروبار میشود.

صنعت مواد مخدر (تولید و پروسس تریاک) بخش بزرگ اقتصاد غیر رسمی را دربر میگیرد، این فعالیت که در سال ۲۰۱۱ (۹ فیصد) تولید ناخالص ملی تخمین شده بود بسیار پایین تر از سال ۲۰۰۳ میباشد که رقم ۵۰ فیصد را نشان میداد.^{۱۵}

زمین های زیرکشت کوکنار در سال ۲۰۱۴ در افغانستان ۲۲۴۰۰۰ هکتار تخمین زده شده بود، معادل ۷ فیصد افزایش نظر به سال گذشته آن و بلندترین ریکارد درگراف مربوطه.^{۱۶} اکثریت زمین های کوکنار (۸۹ فیصد) در نه ولایت مناطق جنوبی و غربی افغانستان قرار دارند که این ساحات شامل نا امن ترین مناطق افغانستان میشوند: هلمند هنوز هم عمده ترین ولایت در کشت کوکنار در افغانستان باقیمانده است، سپس کندهار و فراه و جلال آباد یکی پس از دیگری. بین سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ کشت کوکنار در ولایات اصلی تولید کننده کوکناری افغانستان افزایش یافته است، در حالیکه این رقم در خود هلمند بشکل ثابت (+۳ فیصد) باقیمانده است.^{۱۷}

اقتصاد غیر رسمی شامل بخش های دیگر نیز میشود مانند فعالیت های زراعتی و مالداری، تجارت تهاتری (کالا به کالا)، بعضی صنایع و تولیدات کوچک، قاچاق، صادرات تکراری و دیگر خدمات خودگردان مانند (سیستم حواله جات و رساندن برق بواسطه جنراتورهای کوچک مقیاس).^{۱۸}

یک فکتور عمده تعیین کننده عمده کاروبار غیر رسمی همانا طرز فکر مشترک بین تجاران و موسسین شرکت ها میباشد، اینکه راجستر نمودن شرکت های تجاری هزینه بردار، نا کارآمد و فاسد است. یک سروری در ولایت های بلخ، کندز، بدخشان و تخار نشان داده که ۹۴ فیصد از کمپنی ها و شرکت های تجاری گفته اند که اینرا میدانند که یک کمپنی به غرض فعالیت های خود باید رسماً راجستر شود، اما هنوز دیده میشود که فقط ۱۰ فیصد از آنها در اداره (AISA) راجستر شده اند و ۹ فیصد هم راجستر وزارت اقتصاد و تجارت هستند.^{۱۹}

اگرچه صادرات افغانستان طی سالها افزایش یافته است، اما واردات این کشور هنوز نسبتاً بلند بوده و این مساله زمینه را برای کاهش گسترده تجارت مساعد می سازد. صادرات تنها ۶٪ تولید ناخالص ملی را شامل می شود. در حالیکه واردات این کشور برابر به ۴۷٪ مجموع تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱۴ شده است. این رقم کمتر از نصف رقم کشور های همسایه میشود که با افغانستان مقایسه می گردند به گونه مثال هندوستان (۲۵٪)؛ تاجکستان (۱۹٪) و پاکستان (۱۳٪).^۶

صادرات از ۱۴۱ میلیون یورو در سال ۲۰۰۳ به ۴۷۱ میلیون یورو در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. در حالیکه طی عین دوره زمانی واردات از ۱،۴۲۳ میلیون یورو به ۶،۴۸۴ میلیون یورو افزایش یافته است. اقتصاد افغانستان چنانکه شرکت های افغانستان اساساً در سطح محلی و داخلی فعالیت می نمایند به صورت گسترده وابسته به واردات می باشد و به علت ساختار و قابلیت اقتصادی، بیشتر نیاز تولیدی شرکت های وارداتی به طور داخلی تولید نشده است.

همکاران عمده صادراتی افغانستان عبارت اند از: هندوستان (۱۴۶ میلیون یورو، ۲۰۱۳) و پاکستان (۱۳۰ میلیون یورو، ۲۰۱۳) می باشد در حالیکه واردات این کشور عمدتاً از کشور پاکستان (۱،۷۸۸ میلیون یورو، ۲۰۱۳)، ایالات متحده آمریکا (۱،۱۸۹ میلیون یورو، ۲۰۱۳) و اتحادیه اروپا (۶۱۲ میلیون یورو، ۲۰۱۳) میباشد.^۷ افغانستان عمدتاً مواد خام نا پروسس شده را صادر می نماید و مواد مصرفی پروسس شده را وارد می نماید، و این وضعیت نشان دهنده این است که قابلیت تولیدات داخلی برای پوره کردن تقاضای محصولات پروسس شده نا کافی میباشد.

اشتغال

علاوه بر پیشرفت های قابل توجه در زمینه شاخص های معارف و تحصیلات طی ده سال گذشته، یک رقم قابل توجه نیروی کار افغانستان غیر تخصصی و غیر مسلکی باقی مانده است؛ معلومات سروری سرمایه گذاری بانک جهانی (۲۰۱۴) نشان می دهد که بیشتر از ۴۰٪ نیروی کاری مهارت اند.^۸ دسترسی به نیروی کار کاملاً ماهر به نظر می آید که یک محدودیت عمده برای حدود نصف شرکت های اقتصادی در کابل و مزار میباشد؛ در حالیکه در هرات ۹۰٪ شرکت های اقتصادی گزارش داده اند که از این مشکل رنج میبرند.^۹

یک خطر وجود دارد که کمبود نیروی کار از طریق فرار مغزها شدید تر شده است. در مراکز شهری یک روند مهاجرت گسترده اکثر جوانان با سواد و ماهر، ممکن است به زودی به یک واقعیت عمده پذیرفته شود، چون سالانه یک رقم بزرگ ۴۰۰،۰۰۰ نفری جوانان که به صورت سالانه به بازار کار می پیوندند، تمایل دارند تا به کشورهای همسایه ایران و پاکستان به دلیل عدم موجودیت فرصت های کاری در وطن شان، مهاجرت نمایند و به واقعیت خراب شدن وضع امنیت و اقتصاد داخلی کشورشان در سالهای اخیر روبرو می شوند.

خصوصیت بازار کار افغانستان را سطح بلند بیکاری و کم کاری مشخص می نماید. ارقام رسمی سال ۲۰۱۳، ۸٪ و ۱۷٪ بالترتیب برای بیکاری و کم کاری میباشد، با این وجود بعضی پیشبینی ها این ارقام را بسیار بیشتر نشان می دهند.^{۱۰} ۸٪ سطح بیکاری رسمی افغانستان در سال ۲۰۱۳ به صورت کافی از این واقعیت که فقرا به سادگی نمی توانند با کار کردن کفاف زندگی خود را تأمین نمایند نشان نمی دهد (مخصوصاً در شهرهای که در نبود میکانیزم های دیگر برای برطرف سازی این دشواری ها یک نیازمندی همیشگی برای ایجاد پول نقد کافی به منظور تأمین نیاز خوراکی وجود دارد).^{۱۱} در عمل این مساله چنین معنا می دهد که تعدادی از مردمان شهری (حد اقل مردان) تنها چند ساعت در یک هفته کار می نمایند. و نقش های زیادی را بدون داشتن مهارت کافی و امنیت شغلی متقبل می شوند و باید به عدم تطابق مهارت های شان کنار بیایند. در مناطق روستایی و پیشاشهری، فصل های سال یک عامل عمده در زمینه بیکاری و یاکم کاری در زمینه زراعی، مخصوصاً در شمال، مناطق مرتفع مرکزی و ساحات غربی با توجه به سختی هوا در زمستان ها، شمرده می شود.

اگرچه این شاخص های کار ویژگی های مهم و متعددی نیروی کار افغانستان را از قلم می اندازد که عبارت اند از: (۱) اکثریت مطلق زنان شامل



محمد حسین، مردی که در وسط ایستاده است با دیگر کارگران در جاده های کابل منتظر یک فرصت کاری است



احمد، در کابل پهلوئی کراچی فیزی خودش ایستاده است

را برای آنان فراهم نمایم."

مانند محمدحسین، احمد نیز یک کارگر روز مزد است، هیچ چیزی به جز یک کراچی پراز فلزات ندارد. احمد در ولایت سمنگان به دنیا آمده است و در آنجا بزرگ شده است. احمد بیشتر عمر خودش را در محلات فقیرنشین شهرها در سایه ها بدون کدام تسهیات مانند آب و نظافت زندگی نموده است. او یک افغان بیجا شده است که با مشکلات اقتصادی مواجه است، و این مشکلات اقتصادی او را وادار نموده است که از هر فرصت کوچک در زندگی شهری استقبال نماید.

او می گوید: "روستای کوچکی که من زندگی می نمودم مربوط ولایت سمنگان می شود؛ در آنجا شغل های اندکی برای مردم مانند من وجود دارد. وقتی که من به کابل آمدم، من خانواده ام را در آن روستا ترک کردم. تصمیم داشتم که آنها را بعدتر به کابل بیاورم اما من در اینجا پولی که کفاف زندگی آنها را نماید به دست نمی آورم."

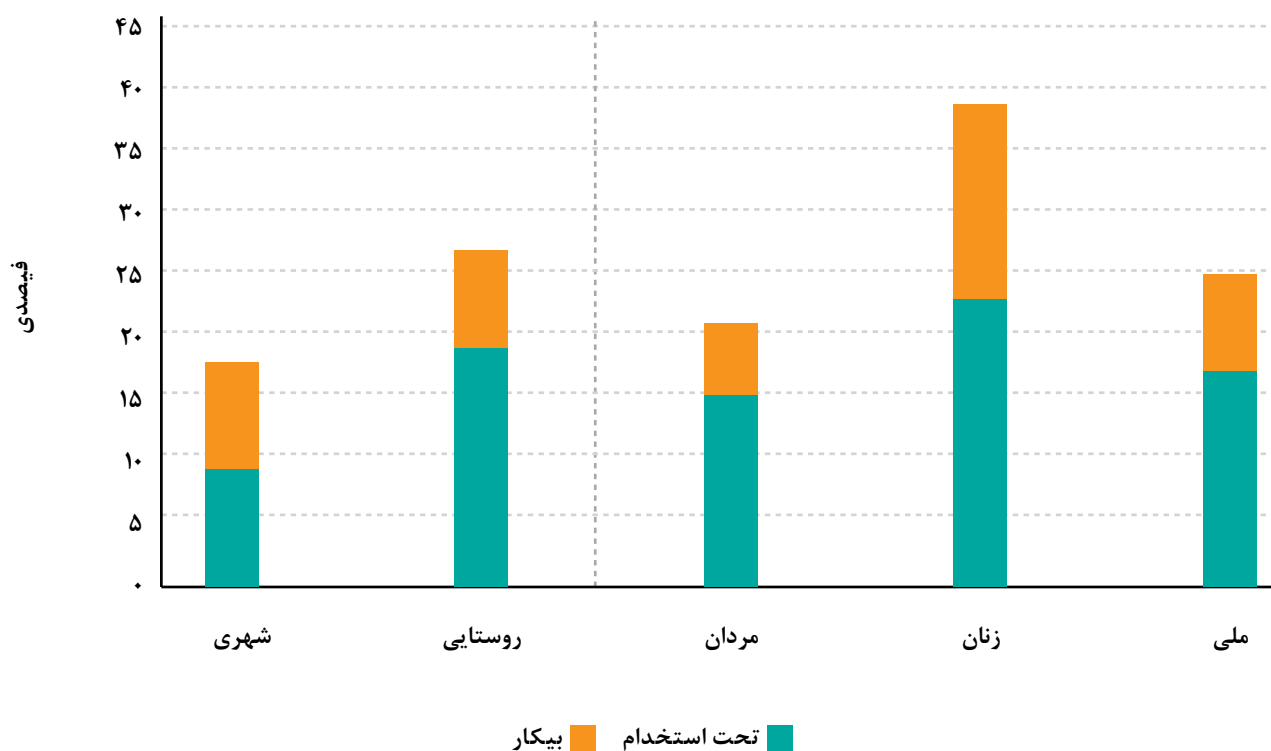
"کراچی احمد تنها فرصت موجود برای او است تا خانواده اش را در آن روستای کوچک سمنگان حمایت نماید. اما این اندازه پول برای آوردن و حمایت خانواده اش در کابل کافی نیست. "یک سال می شود که من به کابل آمدم و لی تاکنون کاری که انجام دهم تنها این آهن های کهنه را می فروشم و از این راه پول زیادی به دست نمی آید اما هنوز از کار نکردن بهتر است."

بدتر شدن وضعیت امنیتی در مناطق روستایی و یا امیدواری برای یک فرصت شغلی بهتر در شهر، اکثریت افغانها را وادار نموده است که به شهرها نقل مکان نمایند. این بیجاشدگان یا مهاجرین اقتصادی با چالش های زیادی در مسیر جابجا شدن در سیستم شهر روبرو می شوند.

محمد حسین ۴۱ ساله حالا در ناحیه ۱۰ کابل، ساحه نو آباد زندگی می نماید. او یک کارگر روز مزد است، هر روز در جاده های متعددی انتظار میکشند تا منحیث کارگر روز مزد به کار گرفته شوند. ۸ سال می شود که او به کابل آمده است.

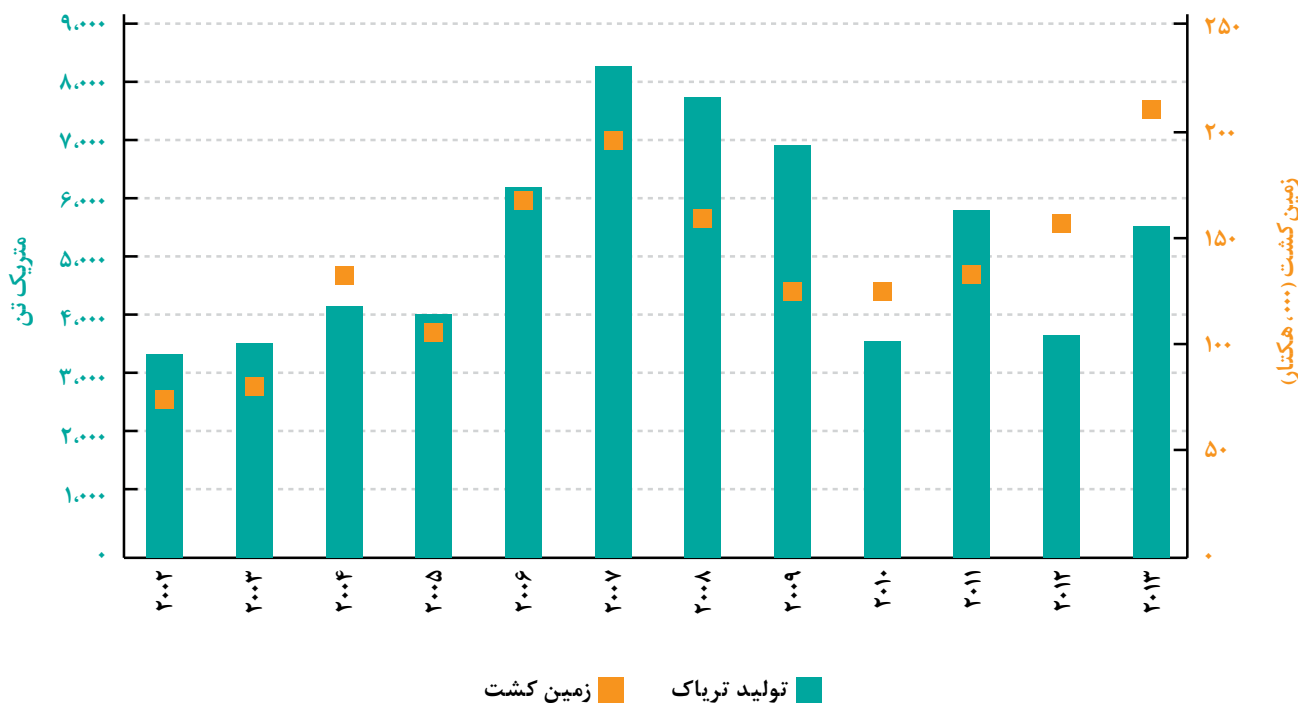
"من یک کارگر روز مزد هستم و می توانم در یک ماه از ۵۰۰۰ تا ۹۰۰۰ افغانی مزد بگیرم که بالترتیب معادل ۸۰-۱۶۰ دالر می شود، اما بعضی اوقات عاید من کمتر از این اندازه می شود. من یک خانواده هشت نفری را حمایت می نمایم و بعضی اوقات برای همه اعضای خانواده غذا تهیه نمی توانم، برای مصارف زندگی و کرایه خانه ام پول کافی به دست آورده نمی توانم." بر خلاف مشکلات اقتصادی مشکل امنیتی حالا برای محمد حسین بسیار بهتر است: "به خاطر حضور طالبان، دزدان و افراد جنایت کار، روستای که من زندگی می نمودم محل بسیار خطرناک بود. وقتی من از سمنگان به کابل آمدم، امیدوار بودم که آینده بهتری را برای فرزندانم رقم خواهیم زد. اما بدون داشتن یک کار شرافتمندانه، مطمئن نیستم که چگونه بتوانم فرصت های لازمی

شکل ۳.۳: ارقام رسمی بیکاری و کم کاری، در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲



منبع: ارزیابی ملی خطرات و آسیب ها (سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲)

شکل ۳.۴: تولید تریاک و ساحات تحت کشت مواد مخدر، سالهای ۲۰۰۲-۲۰۱۳



منبع: UNODC (۲۰۱۴)

اصلاحات مدنظر گرفته شده به منظور تشویق انکشاف سکتور خصوصی

هرچند مشکلات ساختاری و محیطی که فضای تجارت را محدود بسازد هنوز باقی مانده است. مشکلات ساختاری شامل کمبود اعتبار، تاسیسات برق و قوانین تنظیمی سکتور خصوصی می باشد که تاکنون در این زمینه ها کمبود وجود دارد. مشکلات محیطی شامل جنگ، نا امنی و فضای غیر قابل پیشبینی سیاسی که اعتماد تجار را تضعیف می نماید، می گردد.^{۳۰}

این محدودیت ها در جایگاه ضعیف افغانستان در درجه های "تسهیل تجارت" بانک جهانی نشان داده شده است. در سال ۲۰۱۴ افغانستان در درجه ۱۸۳ (در جمع ۱۸۹ کشور) قرار گرفته بود،^{۳۱} و افغانستان از کشور های همسایه خود مانند چین (۹۰)، پاکستان (۱۲۸)، ایران، (۱۳۰)، ازبکستان (۱۴۱)، ترکمنستان (۱۶۶)، در مقام پایین تر قرار داشت و (در مورد تاجکستان معلوماتی وجود ندارد).

محیط تجارت افغانستان به صورت تدریجی بسوی ایجاد سهولت در زمینه فعالیت اقتصادی از طریق سرمایه گذاران خصوصی پیش می رود. اصلاحات در پالیسی صدور مجوز با یک فضای اقتصاد کلان نسبتاً ثابت طی دهه گذشته، زمینه را برای آغاز یک تجارت به صورت آسانتر در افغانستان مساعد ساخته است.

ابتکارات عمده پالیسی به منظور تشویق روند انکشاف سکتور خصوصی در افغانستان به شمول ایجاد اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان در سال ۲۰۰۳ به عنوان یک نهاد تنظیم کننده مستقل که به منظور ایجاد و تقویت نیازمندی های صدور مجوز مورد نظر گرفته شده بود. از آغاز سال ۲۰۰۴، دولت پارکهای صنعتی را تنظیم نمود؛ مناطق تعیین شده جغرافیای برای پارکهای صنعتی گاهی در نزدیکی ساحات شهری موقعیت داشت که تاسیسات جدی ساحوی مانند برق، گدام، جاده های پخته و غیره در آنها وجود نداشت. سال ۲۰۰۶ شاهد لیلام ۶۵ شرکت دولتی بود که به منظور تشویق انکشاف سکتور خصوصی انجام شد.

مارکیت اصلی چاریکار، ولایت پروان



۳.۲

اقتصاد شهری

مروری بر فعالیت های غالب شغلی

در حالیکه در افغانستان فعالیت های کشاورزی قابل توجهی در ساحات شهری افغانستان صورت می گیرد (همانگونه که در بخش ۵ تشریح شده است)، خدمات تولیدی و فروش یعنی تجارت از سکتورهای عمده اقتصادی و زمینه های شغل آفرین در شهرهای افغانستان شمرده می شود. در کابل و چهار مرکز مهم فعالیت های تجاری، عمرانی دارای یک سهمیه بلند اشتغال مخصوصاً در مناطق فقیر شهری شمرده می شود.^{۲۳} این امر مخصوصاً در ولایت های مانند هرات و مزارشريف صدق می نماید. (شکل ۳.۵).

به صورت اوسط در شهرهای افغانستان، داکتران، کارکنان صحتی و کارمندان غیردولتی بلندترین سطح عواید را دارند. بعد از این گروه مستری ها، کارگران اعمار سرک و دیگر مردم در سایر بخش های تولید کار مصروفیت دارند. در میان کسانی که کمترین سطح عاید را دارند کسانی که به مزد کار زراعتی، چوپانی، زکات، تولید و فروش احشام و تولیدات مزارع وابستگی دارند، موجود اند.^{۲۴}

خصوصیت اقتصاد شهری شهرهای مشخص افغانستان

کابل به عنوان پایتخت میزبان اکثر نمایندگی های بین المللی می باشد که در حال حاضر در افغانستان حضور دارند و به این ترتیب شاهد سطوح بلندتری انکشاف صنعتی نسبت به سایر شهرهای کشور است. برخلاف اینکه ۸۰٪ نفوس ولایت کابل شهری شده است، شاید شهروندان کابل به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم برای گذرانیدن زندگی شان به زراعت وابستگی داشته باند. چون فروشندگان تولیدات زراعی همچنان در میان کسانی که در

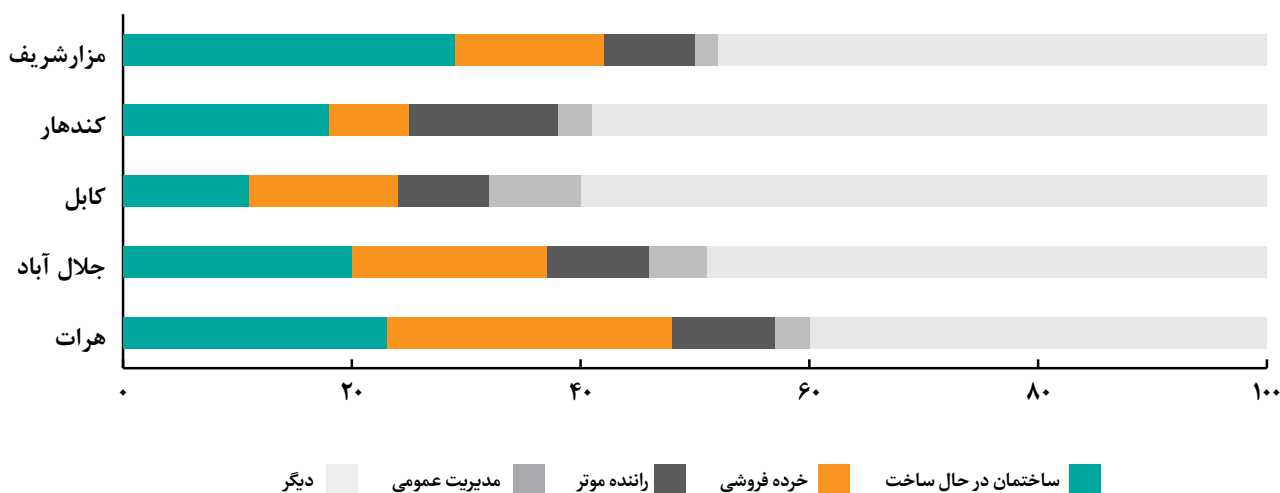
زراعت استخدام شده اند شمرده می شوند. این سکتور همچنان به عنوان مهمترین بخش در مناسبات شهری و سکتور خدمات شمرده می شود.

به دلیل حضور تعداد بیشتر دفاتر اداری و تجاری، پایتخت از فرصت های شغلی بهتر نسبت به اکثر شهرهای دیگر برخوردار است. نسبت کارگران دارای معاش متوسط نیروی کار شهری در کابل بسیار زیاد میباشد در حالیکه سطح بیکاری رسمی در سال ۲۰۰۸٪ ۱۰ بود.^{۲۴} کابل در حال حاضر دو پارک صنعتی دارد و پلان توسعه یکی از این پارکها در آینده نزدیک وجود دارد.^{۲۵}

هرات به مرزهای مشترک افغانستان با ایران و ترکمنستان بسیار نزدیک بوده و روابط تجاری تاریخی با این کشورها را دارد. یک فیصدی مهم توريد مواد برای استفاده در تولید از راه هرات وارد افغانستان می شود. ایران و ترکیه از کشورهای عمده تولید محصولات تولیدی می باشند. میزان مشتری هرات طی پنج سال گذشته به دلیل خروج اکثریت نیروهای بین المللی کاهش یافته است. برآوردها نشان می دهد که مشتریان سازمان های غیر دولتی بین المللی در یک نقطه ۲۰٪ از فروشات حساب شده است اما این رقم حالا تنها ۲٪ میباشد. شرکت های کوچک و متوسط به خوبی انکشاف نموده است مخصوصاً در زمینه صنایع دستی، قالین و ابریشم. اکثریت نیروی کار شرکت های کوچک و متوسط یا به صورت روزمزد و یا به صورت کارمند شرکت ها فعال می باشند.

مزار شريف به عنوان یک مرکز صادرات و واردات و همچنان به عنوان یک مرکز تجارت منطقی برای شمال افغانستان شمرده می شود. مزارشريف فرصت های خوب برای تجارت از طریق مرزهای زمینی با کشورهای آسیای میانه

شکل ۳.۵: منابع عاید اصلی برای خانواده های شهری که دارای عاید کمتر می باشند، ۲۰۱۳



افغانستان نیز در همین شهر وجود دارد. در کنار خدمات برای این عملیاتهای نظامی جنگل داری و زراعت منابع عمده عایداتی این شهر شمرده می شود. گردبیز در قلب یک ساحه زراعتی قرار دارد و قبلا مرکز تجارتي نیز بوده است که حبوبات و، مسکه و همچنین رمه های گوسفند به بازارهای کابل تهیه می نموده است. برای نا امنی های جاری و زیربناهای ضعیف هر چند فعالیت های تجارتي را در این شهر تضعیف نموده است.

سکتور های عمده اقتصادی در پلخمري شامل تجارت های عمده و خرده فروشی و تولید (آهن آلات و نجاری) می شود. به صورت غیر مستقیم اگر چه زراعت به عنوان منبع مهم فعالیت اقتصاد محلی باقی مانده است چون سکتور های تجارت خرده فروشی و عمده فروشی محصولات زراعتی را تأمین می نمایند و محصولات تهیه شده در محل را به فروش می رسانند. سکتور های ترانسپورت، تولید و عمران همچنان عمدتاً به سکتور زراعت وابسته اند. سکتور پس از مراحل بعد از برداشت که قدرت تولید بهای افزوده شده محصولات زراعتی و مالداري را دارد کمتر انکشاف یافته بوده اما ظرفیت قابل توجهی دارد.

استفاده از زمین و اقتصاد

تحلیل استفاده از زمین وضعیت شهرهای افغانستان (SoAC) زمین های مورد استفاده به منظور تجارت و در ۳۴ ولایت یک نشانه مقیاس فعالیت اقتصادی را در مراکز ولایتی نشان می دهد. اگر چه این مسأله باید مورد نظر گرفته شود که بررسی های ساحوی استفاده از زمین های مربوط به تولیدات صنعتی مناطقی را در می یابد که متروک مانده است؛ به علاوه، تجارت های خرد مقیاس، به صورت مداوم یک رد پای خرد مینی بر اشغال اراضی را جهت شناسایی توسط تصاویر ماهواره ای بر جای گذاشته است. و از این سبب ممکن است به درستی در اشکال نشان داده نشود. اگر چه علاوه بر محدودیت ها، تحلیل ها پویای های اقتصادی لایه های مختلف شهری را روشن می سازد.

یافته های کلی نشان می دهد که زمین های تجارتي یک بخش کوچک مجموع ساحات اعمار شده بین ۷٪ (خوست) و ۱٪ (فیض آباد)، با اوسط ۳٪ (شکل ۳.۶) را در بر می گیرد. زمین های مربوط به تولیدات صنعتی یک نسبت مشابه ساحات اعمار شده را در بر گرفته است که اوسط آن به ۱٪ می رسد و از ۵٪ در کابل تا ۰.۱٪ در ولایت سرپل را در بر می گیرد (شکل ۳.۶). چنانکه توقع می رود، یک روند آشکار وجود دارد که شهرهای بزرگ یک نسبت بزرگتر استفاده از زمین های تجارتي و تولیدات صنعتی دارند. شهر کابل ۳٪ زمین تجارتي و ۵٪ زمین تولید صنعتی دارد؛ هرات ۲٪ زمین تجارتي و ۰.۵٪ زمین

دارد. مزارشريف یک مرکز صنعتی با یک تعداد زیادی شرکت های کوچک و متوسط و چندین مرکز فعالیت های تولیدی کلان میباشد. مزارشريف به عنوان مرکز فعالیت های اقتصادی برای ولایت های همجوار با توريد تجهيزات عمده، اتومبیل، لباس و مواد غذایی شمرده می شود. شرکت های کوچک و متوسط در مزارشريف به خوبی انکشاف یافته است، پوست قره قل، صنایع دستی، قالین تولید می نماید. استخراج معدن، منسوجات و محصولات زراعتی به صورت گسترده رشد نموده است.

کندهار نیز مانند مزار شريف یک مرکز فعالیت های تجاری منطقوی میباشد. کندهار برای سکتور های تولید و زراعت، خدمات ارایه می نماید. تولید شامل تولیدات نجاری و فلز کاری جزو فعالیت حدود ۱۰٪ تمام کمپنی ها می شود در حالیکه از جمله پنج کمپنی یکی آنها در قالین باقی، صنایع دستی و تولید البسه مصروف می باشند. نیروی کار کندهار به صورت گسترده متشکل از کارگران موقت مستقل میباشد. چنانکه در بخش ۱ بیان شده است، کندهار به صورت مداوم از نا امنی متاثر شده است که روند کار آفرینی و سرمایه گذاری را تضعیف می نماید.

در کنار کشت زیتون و کمپنی های استخراجی که یک تعداد قابل توجه نیروی کار جلال آباد را استخدام می نماید، مرکز ننگرهار یک کمپنی منسوجات مهم (بافت پنبه و تولید تکه، کلاه، دستمال و غیره) اکثراً بر اساس واحد های تولیدی کوچک و کار شدید کارگران میباشد. حدود نصف نفوس کارگران (۴۸٪) کارگران موقت مستقل می باشند.^{۲۶}

فعالیت اقتصادی اصلی در ولایت کندز زراعت میباشد که شامل محصولات اساسی: پنبه، لبلبو، نیشکر، خربوزه و تربوز می شوند. درسالهای پسین کندز برای ایجاد تولیدات سبک و یا تولید صنعت ابریشم باقی، روغن نباتی، صابون و قالین اقدام نموده است.

در مرکز شهر کندز، یک تمرکز بالای نهاد های تجارتي و ارایه کننده خدمات وجود دارد. کندز در مسیر باید حذف شود تجارت بین المللی قرار دارد؛ پاکستان، ایران و تاجیکستان شرکای اصلی تجارت اند. کندز نزدیکترین مرکز ولایتی به مرز شیرخان بوده که به تاجیکستان عبور می نماید و یک دروازه به سوی بازارهای آسیای میانه شمرده می شود. تولید همچنان در این ولایت به خوبی نمایندگی می شود. اکثر نیروی کار ولایت کندز از کارگران روزمزد و کارگران مستقل تشکیل شده اند.

اقتصاد شهر گردبیز هنوز به صورت گسترده وابسته به زراعت میباشد. شهر و ساحات اطراف شهر به عنوان یک پناهگان طالبان شمرده می شود، یک پایگاه پیشقراول نظامیان امریکا و همچنان یک پایگاه برای اردوی ملی

جدول ۳.۲: تجزیه نیروی کار در شهرهای مشخص افغانستان

خانواده های کارگران بدون معاش	کارفرما	کارگرانی که برای خود کار می کنند	کارگران دارای معاش	روزمزد	
۴۱٪	۱٪	۸۲٪	۷۴٪	۰۱٪	کابل
۲٪	۰٪	۳۴٪	۸٪	۷۴٪	هرات
۲٪	۶٪	۸۵٪	۰۲٪	۴۱٪	مزارشريف
۲٪	۲٪	۴۸٪	۶٪	۶٪	کندهار
۲٪	۲٪	۷۴٪	۳۱٪	۸۳٪	جلال آباد
۱٪	۱٪	۷۵٪	۳۱٪	۸۲٪	کندز
۲٪	۸٪	۸۵٪	۶۱٪	۶۱٪	گردبیز

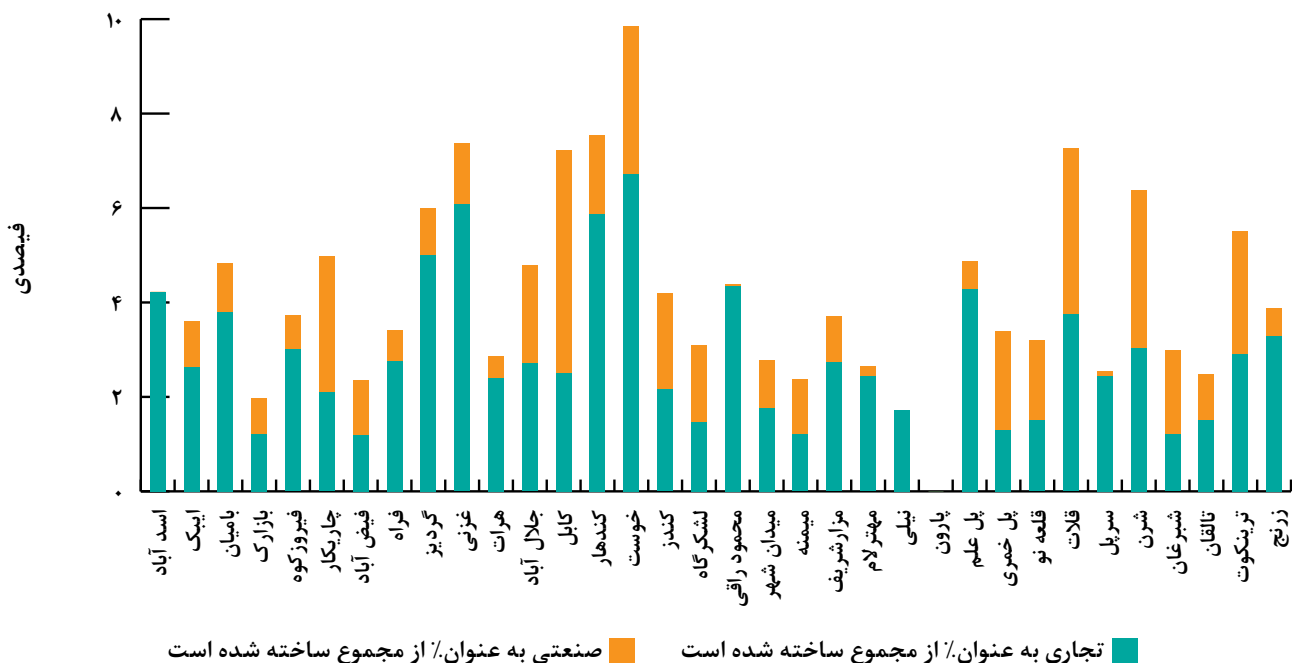
شهری میباشد که پیش شرط و افزایش موثر بهره وری های شهری و پیش شرط زندگی می شود.

تحلیل ها نشان می دهد که فیصدی ساحات اعمار شده که برای جاده ها تخصیص داده شده است ۲۳٪ در شهر پارون و فقط ۷٪ در ترینکوت به صورت اوسط ۱۲٪ در تمامی شهرها. این ارقام به درستی از نورمهای جهانی و فعالیت های بهتر ۳۰٪ پایین میباشد. به سخن دیگر کابل بزرگترین ساحه جاده ها را دارد که رقم آن به (۲۹۵۷ هکتار)^{۲۸} می رسد بعد از آن کندهار با (۱۳۰۵ هکتار) و مزارشریف (۱۲۵۷ هکتار) بالترتیب در رده های بعدی قرار دارد. پارون و بازارک کوچکترین ساحات تخصیص داده شده برای جاده ها را دارد که بالترتیب ارقام آن ۶ و ۲۱ هکتار می رسد.

مربوط به تولید صنعتی دارد؛ مزارشریف ۳٪ زمین تجارتي و ۱٪ زمین مربوط به فعالیت مربوط تولید صنعتی دارد؛ و کندهار ۶٪ زمین تجارتي و ۲٪ زمین مورد استفاده تولید صنعتی از مجموعی ساحات اعمار شده دارد. در حالیکه یک تعداد مراکز ولایت زمین تجارتي و ساحات صنعتی راحتوا نموده است بطور مثال خوست (۱۰٪) و قلات (۷٪)

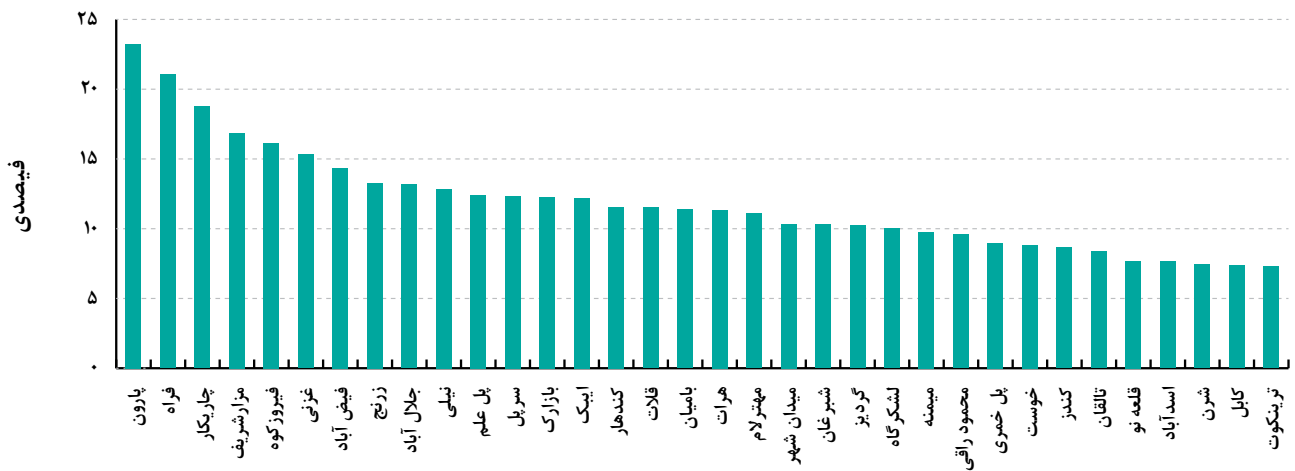
شبکه جاده ها و ترانسپورتیشن برای حصول اطمینان از اینکه انتقال کافی کالاها و تحرکات مردم، هم در میان شهرها و هم برای حصول اطمینان از اتصال با شبکه های بزرگتر که در منطقه صورت می گیرد لازم شمرده می شود. معلومات استفاده از زمین SoAC برای جاده ها همچنان به عنوان یک شاخص نیابتي برای کفایت نسبی اقتصاد در ۳۴ شهر مورد آزمایش قرار گیرد^{۲۷}. در تیوری، یک فیصدی بلندتر جاده نشان دهنده تحرک و ترانسپورت بهتر

شکل ۳.۶: استفاده از زمین های تجارتي و فعالیت صنعتی مجموع ساحات اعمار شده



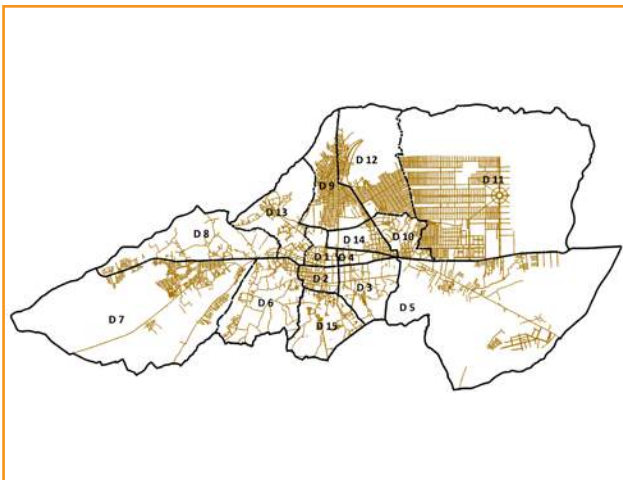
منبع: تیم سیستم معلومات جغرافیایی، برنامه وضعیت شهرهای افغانستان

شکل ۳.۷: جاده ها به عنوان یک نسبت مجموعی ساحات اعمار شده

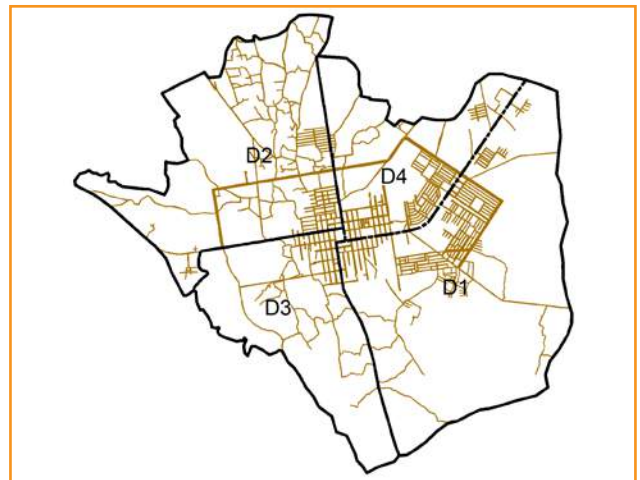


منبع: تیم سیستم معلومات جغرافیایی، برنامه وضعیت شهرهای افغانستان

شکل ۳.۸: نمونه شبکه جاده ها



کندهار، مرکز منطقه ای



شیرغان، تجارت و مرکز ترانزیت



فراه، مرکز ولایت



ترینکوت، مرکز ولایت

منبع: تیم سیستم معلومات جغرافیایی، برنامه وضعیت شهرهای افغانستان

شهرها به عنوان مجراهای سلسله ارزش و اقتصاد زراعتی

از طریق عمده فروشی های موجود در جلال آباد صورت نمی گیرد و بعضی از تاجران کوچک و دهاقین به صورت مستقیم با مارکیت های عمده فروشی پشاور و کابل، معاملات تجارتي انجام می دهند.

شیرین بویه

سلسله اعتبارات شیرین بویه یک نمونه ای متداول از ایجاد ارزش در توسط یک محصول زراعتی در افغانستان میباشد.^{۳۱} از سال ۲۰۰۷ به بعد، هیچ کشت شیرین بویه در افغانستان نبود، تنها بوته های وحشی این محصول جمع آوری می گردید. جمع آوری کنندگان محلی ریشه های این محصول را جمع آوری نموده و آنرا به بازارهای ساحوی و یا منطقوی مزارشریف، عرضه می نمودند. و با این صورت بیشتر از ۳،۵۰۰ تن ریشه های شیرین بویه هر سال در بازار شهر تجارت می شد. تخمین زده می شود که حدود ۴۰٪ صادرات در وزارت تجارت ثبت شده باشد و بقیه به صورت غیر قانونی صادر شده است.^{۳۲}

در سطح منطقه، پاکستان و هندوستان بیشتر مارکیت های وارد کننده شیرین بویه شمرده می شوند؛ جایی که ارزش این محصول به صورت عمومی از طریق استخراج و پالایش افزایش یافته است. از آنجاکه محصول پالایش یافته با یک قیمت کاملا بالا به سراسر جهان به فروش می رسد (شکل ۳.۱۰)، سهم افغانستان در سلسله اعتباری در جاییکه مارکیت های منطقوی شروع می شود به اختتام می رسد که ارزش محصول در این سطح به ۰،۵۴ دلار در هر کیلوگرام می رسد و همین محصول بالآخره برای ۱،۴۰ دلار در هر کیلوگرام برای توريد کنندگان اروپایی و امریکایی به فروش می رسد.

تاجران افغانستان دسترسی بسیار اندک به خریداران بین المللی دارند و با هیچ دسترسی به آنها ندارند. آنها همچنان در زمینه تطابق با معیارهای بین المللی این محصول (تصدیق، قابلیت پیگیری و غیره) با مشکل مواجه اند، در حالیکه در سایر مناطق جهان مانند آسیای میانه، استرالیا، برزیل، فرانسه، ایتالیا و هسپانیا که این محصول در آنجا نیز کشت می شوند احتمالا سطح مواجه شدن به این مشکل در آنجا بسیار کم میباشد.

هستیم که دوباره پول پس انداز نماییم.^{۳۳}

پارکهای صنعتی

پارکهای صنعتی در حومه های شهرهای بزرگ افغانستان به منظور تلاش برای رسیدگی به زیربناها و محدودیت زمین و فعالیت های اقتصادی تسهیل یافته، مخصوصا برای سکتورهای صنعتی و تولیدی، ایجاد شده است. این پارکها به منظور آرایه منافع برای سرمایه گذاران زیربناهای دارای کیفیت بلند و تأمین انرژی قابل اتکا در ساحاتیکه به لحاظ استراتژیکی چندین ساحه کلیدی صنعتی ایجاد شده بتواند یعنی ساخت این پارکها لازم شمرده شود، طراحی شده است. این پارکها به منظور فراهم آوری جای برای شرکت های کوچک، متوسط و بزرگ طراحی شده است؛ این پارکها برای سرمایه گذاران کمک می نماید از نزاع های هزینه بردار جلوگیری نموده و خطرات و تاخیرهای توأم با فراهم سازی زمین را کاهش داده و طبقه بندی و به دست آوردن جوازهای استفاده را تسهیل نماید.

از سال ۲۰۱۲، پارکهای صنعتی از سوی اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان اداره می گردد که اداره متذکره مسوولیت انکشاف، توسعه، فعالیت ها و حفظ و نگهداری آنها را به عهده دارد. بر اساس منابع خبرگذاری محلی، بیشتر از ۳۰ ساحه برای اعمار پارکهای صنعتی در ۱۸ ولایت خط اندازی شده است.^{۳۴} در حال حاضر حدود ۱۲ پارک صنعتی اعمار شده است، اکثریت این پارکها در نزدیکی و یا در داخل شهرهای بزرگ مانند کابل، هرات، کندهار، جلال آباد، هلمند و مزارشریف ساخته شده اند.

پارک صنعتی بگرامی در ۷ کیلومتری شمال کابل واقع گردیده و حدود ۲۴ هکتار زمین را پوشش داده است، از آغاز سال ۲۰۱۴، ۱۱ هکتار زمین این پارک کاملا فعال میباشد در حالیکه پلانهای در مورد توسعه ساحه باقی مانده هنوز وجود دارد. زیربناهای موجود شامل برق، امنیت ساحوی، آب و کانالیزاسیون و جاده های قیرشده میباشد. شرکت های مقتدر و زیاد دیگر شامل تولید چراغ، پلاستیک، تکه، دواسازی، محصولات غذایی و نوشابه ها می شود.

سلسله اعتبارات به پروسس و یا فعالیت های که ارزش افزوده به یک ماده افزوده شود اطلاق می گردد؛ این سلسله از تدارک محصولات تا تولید، ترانسپورت و تجارت تا مصرف نهایی اش را شامل می شود. اکثر سلسله اعتبارات افغانستان به لحاظ ماهیتی زراعتی میباشد- در سکتور زراعتی میباشد که محصولات افغانستان با یکدیگر به صورت رقابتي عمل می نمایند.

شهرک ها و شهرها یک نقش عمده را ایفا می نمایند چون در این مناطق است که تجارت، ارزش افزوده، توزیع و نسبت مهم مصرف اکثر محصولات به طور نمونه اتفاق می افتد. متاسفانه، موانع زیاد ساختاری و دیگر موانع وجود دارد که شرکت های افغانستان را از بهره گیری از اکثر نشانه های سلسله ارزش جلوگیری می نماید. زیربناهای لازم برای ترانسپورت، ذخیره سازی و پروسس به صورت عمومی موجود نمی باشند. به صورت خاص، پوشش برق غیر قابل اعتماد، تاجران را از توانایی ذخیره کردن و ترانسپورت کالاهای تازه، باز می دارد. (به جدول متنی ۳.۳).

این بخش سه سلسله ارزش و تجارت را که پیچیدگی طی مراحل اقتصاد کوچک در افغانستان را هم به لحاظ جغرافیایی (حبوبات، پیاز) و هم به لحاظ توزیع منفعت (شیرین بویه) مورد ارزیابی قرار می دهد.

حبوبات افغانستان

بادام، پسته، چهارمغز و جلعوزه افغانستان هم در کشور های پاکستان و هم در کشور هندوستان از اهمیت زیادی برخوردار میباشد و اهمیت این اقلام به صورت فزاینده یی در خاورمیانه نیز رشد می نماید. حبوبات افغانستان امروزه یک محصول پرمفعت میباشد، و می تواند به صورت اوسط سالانه ۹۰ میلیون دلار به اقتصاد افغانستان کمک نماید. تقاضای بلند برای حبوبات افغانستان این محصولات را به دومین قلم صادراتی بزرگ محصول زراعتی پس از کشمش تبدیل نموده است. معلومات دریافت شده از میان دهاقین، تاجران و صادرکنندگان نشان می دهد که بیشتر از ۷۰٪ حبوبات افغانستان برای صادرات به بازار های جهانی مناسب اند، که مصرف بالای داخلی به این معنا است که مقدار کمتر از آنچه گفته شد از این محصولات صادر می گردد.^{۳۵}

بادام افغانستان به صورت عمده در مناطق مرکزی افغانستان (۴۸٪)، ساحات شمالی (۲۹٪)، و ساحات غربی و جنوبی (هرکدام ۱۰٪) تولید می شود. پنج بازار ساحوی بادام در افغانستان وجود دارد که عبارت اند از شهرهای کندهار، غزنی، کابل، مزار شریف و هرات.

جلال آباد مرکز فعالیت تجاری برای صدور پیاز

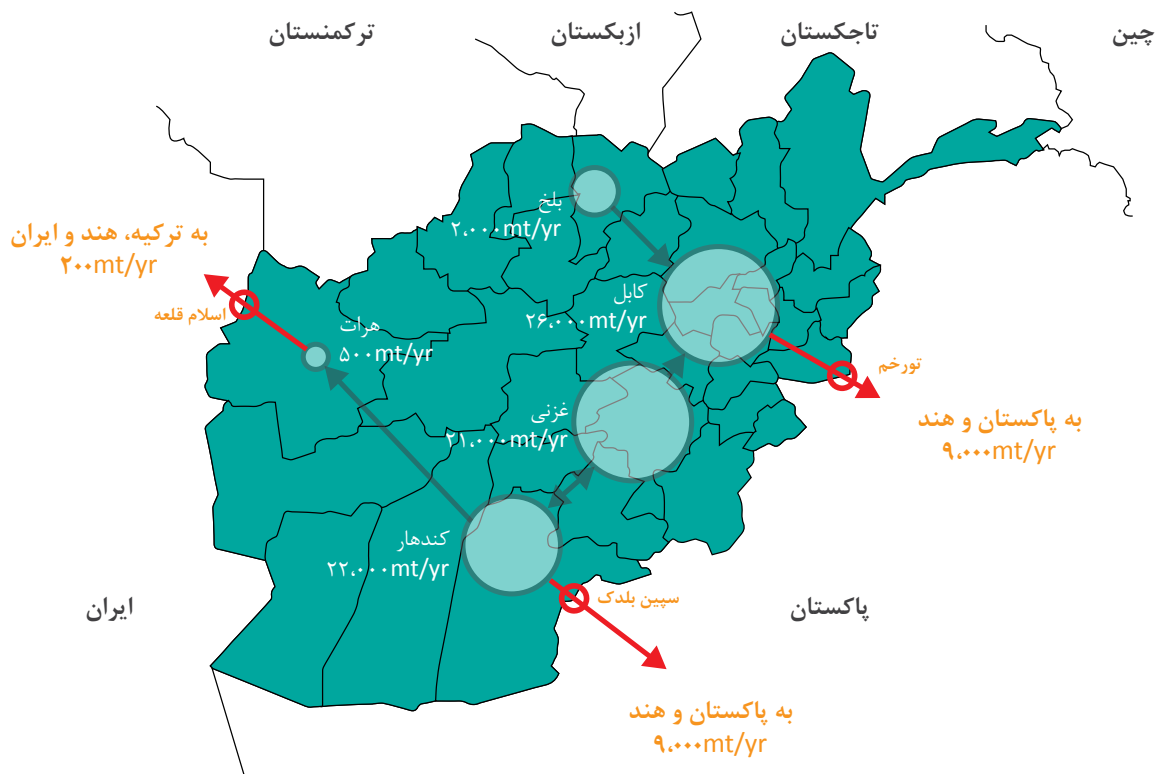
پیاز یک محصول نفذا تجارت شونده بوده و در جمع کالای صادراتی میباشد. تولید پیاز در افغانستان به سرعت در حال گسترش است اما بازار این محصول اساسا پر از ریسک میباشد، چون پیاز بسیار فاسد شدنی و زیرساخت های ذخیره سازی این محصول در افغانستان ابتدایی میباشد. قیمت های این محصول به صورت قابل توجهی در نوسان میباشد، با وجود اینکه این محصول در هندوستان تقاضای بلندی دارد، موجودیت تبنانی بین تاجران برسر قیمت ها و احتکار، و بازدهی این عوامل متغیر بالای سطوح عرضه تاثیر می نماید.^{۳۶}

حدود ۴٪ زمین های آبی در ولایت ننگرهار پیاز کشت می شود. توسعه کشت پیاز در ولایت ننگرهار ارتباط نزدیک با پویایی های اقتصاد تریاک داشته و از سال ۲۰۰۴ به این سو یعنی از زمانیکه محدودیت ها برکشت مواد مخدر تطبیق شده، کشت پیاز افزایش یافته است.

شهر جلال آباد یکی از نقاط عمده برای ترانزیت پیاز شمرده می شود. این شهر در نزدیکی مرز با پاکستان واقع شده است و پیوند قوی با پاکستان و اقتصاد نسبتا قوی تر پاکستان دارد (واحد پول روپیه پاکستان بیشترین واحد رایج پول در جلال آباد میباشد). جلال آباد، مسیر اصلی تجارت میان پاکستان و کابل میباشد.

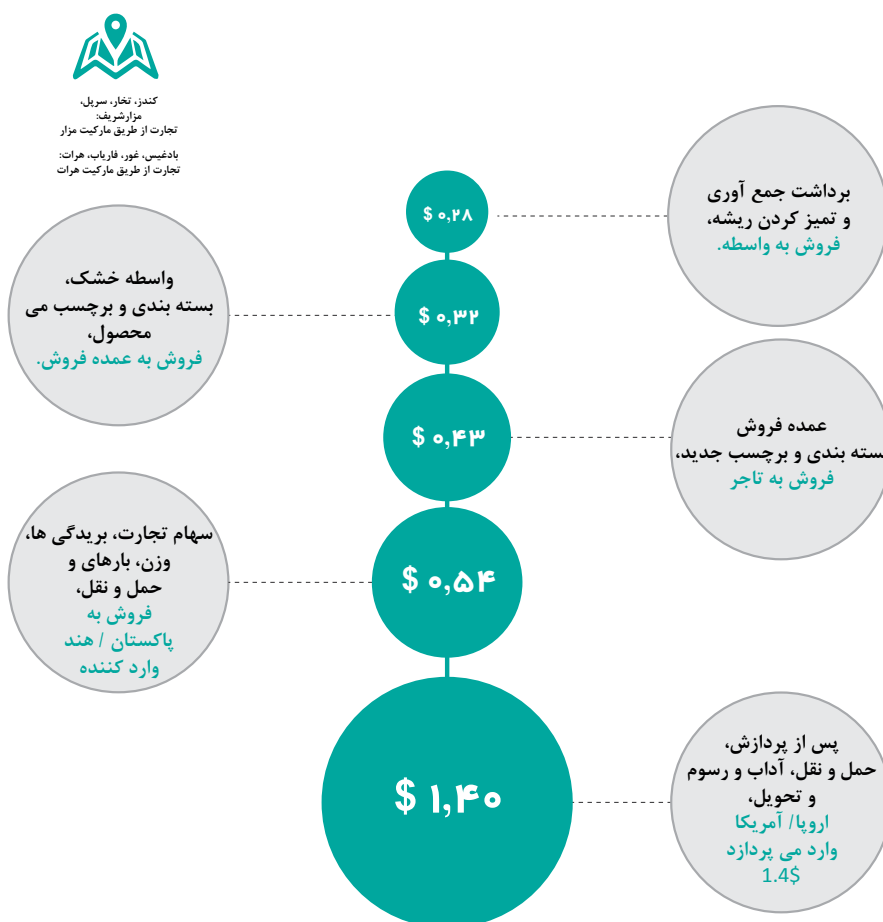
با عبور اکثریت محصول پیاز از بندر تورخم، پاکستان تاکنون یکی از شرکای عمده تجاری برای پیاز ننگرهار بوده است، هرچند همه فروش این محصول

شکل ۳۰۹: پویایی تجارت بادام



منبع: [AGRIBUSINESS-AND-NUT-FEASIBILITY-STUDY.PDF / ۱۰/۲۰۱۱/HTTP://SAMUELHALL.ORG/WP-CONTENT/UPLOADS](http://samuelhall.org/wp-content/uploads/2011/01/AGRIBUSINESS-AND-NUT-FEASIBILITY-STUDY.PDF)

شکل ۳۱۰: سلسله ارزش شیرین بویه



منبع: ساموئل هال بر اساس گزارش که در مآخذ ۴۶ آمده است

۴۰۰ هکتار زمین برای این پارک صنعتی اختصاص داده شده است. شرکت های بالقوه که در این پارک می توانند شکل بگیرند شامل پلاستیک، روغن، سنگ مرمر، محصولات غذایی و یخ می باشند.

پارک صنعتی حصارشاهی در ولایت ننگرهار در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر جلال آباد در مسیر شاهراه جلال آباد- تورخم با مجموعه اراضی ۲۰۷ هکتار زمین واقع شده است. کارهای زیربنایی تکمیل شده است در حالیکه تسهیلات لازم برای مدیریت فاضلاب در حال حاضر تحت اعمار میباشد.

پارک تجارت زراعتی بست حدود ۳۲ هکتار زمین را در بر گرفته و در نزدیک شهر لشکرگاه موقعیت دارد. تاسیسات ابتدایی مانند جاده ها، کانالیزاسیون و توزیع برق در سال ۲۰۰۸ ساخته شده است. انکشافات بیشتر به دلیل نبود منابع بیشتر معلق مانده است.

پارک صنعتی هرات در نزدیکی میدان هوایی بین المللی هرات واقع شده است. این پارک در سه مرحله با یک مرحله چهارم برای توسعه بیشتر انکشاف یافته است. شرکت های قدرتمندی که می تواند در این پارک وجود داشته باشد عبارت اند از تولید منسوجات، استخراج معدن، تولید چراغ، تولیدات زراعتی و سنگ بری. (به جدول ۳،۴ مراجعه فرمایید).

پارک صنعتی گرومیر در ۲۲ کیلومتری شرق مزارشریف واقع شده است. این پارک حدود ۲۵ هکتار زمین را احتوا می نماید. یک پروژه دیگر در جریان است که پایه های برق را به ۲۲ کیلومتر دیگر برای فراهم سازی برق در این پارک صنعتی، نیز نصب نماید. این پارک تقریباً برای تولید چراغ پلاستیکی، مواد کیمیاوی و کارخانه های پروسس مواد غذایی مناسب تر میباشد.

پارک صنعتی شوزندام در ۱۰ کیلومتری شرق شهر کندهار واقع شده است. این پارک صنعتی در حال حاضر ۱۵ هکتار زمین را احتوا نموده و تخمیناً

جوکات ۲.۳:

سلسله تدارک بادرنگ و سبزیجات در فراه



میرویس بیدال در سبزیخانه اش



حمیدغفار، دوکاندار فراه

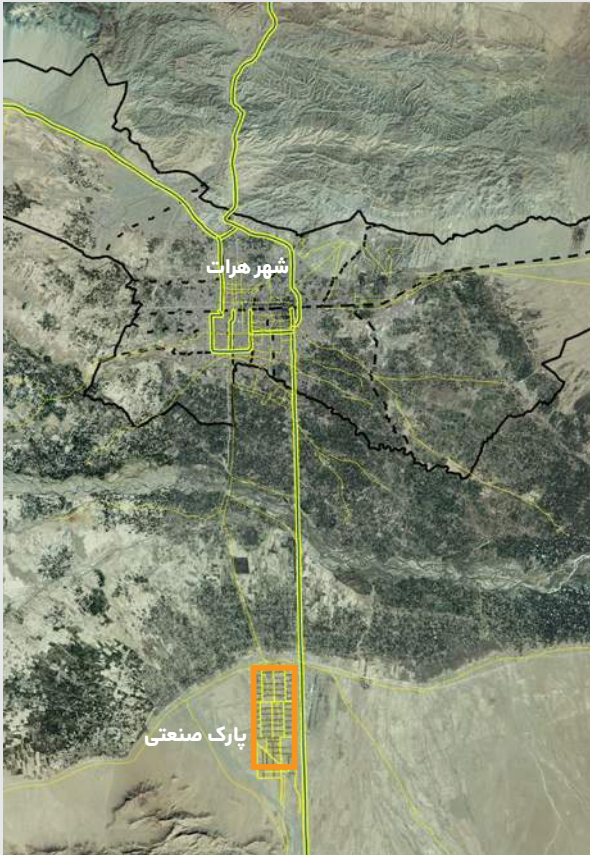
کنم که یکی از برادرانم درایران زندگی می نماید».

اگرچه کمبود کانال های رسمی و منظم توزیع و تامین کننده تنها مشکل موجود فراه راه حمید نمیباشد: «برق یک مشکل عمده میباشد. ما می توانیم در صورت موجودیت برق کافی در ولایت فراه تجارت خود را توسعه دهیم. قیمت ها طی فصل های مختلف تفاوت می نماید و ما می توانیم سبزیجات را با مفاد بالا به فروش برسانیم. اما بدون برق ما نمی توانیم سبزیجات خود را برای مدت طولانی تر تازه نگهداریم و مجبور هستیم که سبزیجات را از ولایات و کشور های دیگر وارد نماییم».

چالش دیگر در مقابل فعالیت تجاری حمید نا امنی میباشد، حمید می گوید: «توزیع کالاها به ولایات دیگر بسیار خطرناک میباشد. اکثر جاده ها غیر قابل دسترس میباشد زیرا طالبان موترهای ما را توقف می دهند. چند سال قبل پدر من اختطاف شده بود و ما مجبور شده بودیم تمام دارای زندگی خود را برای آزاد ساختن او بپردازیم. ما خواستیم که پولهای خود را برای خریداری یک جنراتور برای سرد سازی فروشگاه خود استفاده نماییم اما حالا ما مجبور هستیم که دوباره پول پس انداز نماییم».

آب و هوای گرم ولایت فراه برای رشد سبزیجات مانند بادرنگ، کچالو، وگشنیز مطلوب میباشد و با سبزیخانه های ساده ی که از پلاستیک ساخته شده باشد، دهه های می توانند این سبزیجات را در تمام سال کشت نمایند. سه سال قبل میرویس بیدال از این فرصت استفاده نموده و یک سبزیخانه را در یک زمین بایر پدرش ایجاد نمود و پدرش زمین متذکره را چهل سال پیش خریده بود. چندین بار در طول سال او تخم های اروپایی را از بازارهای محلی ولایت فراه خریداری نمود و ۳۵ تا ۵۰ روز بعد او بادرنگ ها را در خریطه ها بسته نموده و آنها را برای دوکانداران در شهر فراه به فروش رسانید.

یکی از این دوکانداران حمید غفار است. خانواده او مالک یک فروشگاه کوچک در مرکز فراه، نزدیک یک جاده مزدحم اند. برای بیشتر از یک دهه، خانواده حمید مواد غذایی، سبزیجات تازه و میوه جات برای مشتریان در شهر فراه و دیگر دوکانداران در ولایات هرات و کابل و کندهار می فروختند. « این فرصت به خاطری که من در این شهر ها قوم و خویش دارم برایم میسر شده است؛ هیچ حمایتی از سوی دولت و یا اتحادیه تاجران وجود ندارد. فقط مانند اجناسی که من از ایران خریداری می نمایم - من این اجناس را به خاطری می توانم خریداری



کبیر در کارخانه آهن آلتش در پارک صنعتی هرات

اکثر خانواده ها در افغانستان در تولیدات کوچک و متوسط مقیاس کالاها دخیل اند. تولید معمولاً در خانه های کهنه کرایه در محلات مسکونی و یا تجاری در اکثر شهرها چنانکه کبیر برای بیشتر از ۶ سال این کارخانه کوچک خود را در مرکز شهر هرات به پیش برده است، صورت می گیرد.

به هر حال در اواسط سال ۲۰۱۴ او تصمیم گرفت که تجارت خود را به پارک صنعتی هرات واقع در حاشیه شهر هرات مقابل میدان هوایی و نزدیک به جاده اصلی که هرات را به کندهار و کابل وصل می نماید انتقال دهد.

"من کارخانه خودم را بخاطر این انتقال دادم که تولید و توزیع محصول در اینجا بسیار بهتر میباشد. در شهر هرات ما موارد فراوان قطع برق داشتیم و مجبور بودیم که چندین بار جریان تولید را متوقف بسازیم. در پارک صنعتی دولت، شبکه های مطمئن برق، آب و ترانسپورت را فراهم می نماید. این پارک دقیقاً نزدیک جاده اصلی قرار دارد بناء رسیدن مشتری ها به کارخانه ما نیز بسیار آسان میباشد." از زمانیکه کبیر کارخانه اش را انتقال داده است نه تنها مقدار تولید و توزیع برایش آسانتر شده است بلکه او قادر بوده است کارمندان بیشتر استخدام نماید و حالا یک انجینیر ارشد و یک معاون استخدام می نماید.

۳.۳

اقدامات بعدی

اقدامات بعدی برای اقتصاد شهری نمی تواند به صورت مجزا از بستر اقتصاد کلان به صورت عمومی مد نظر گرفته شود. هرچند فراتر از هدف این گزارش واضح است که باید اقدامات به منظور رسیدگی به محدودیت های ساختاری اقتصاد کلان به منظور انکشاف طوریکه در فوق تذکر یافته است، به شمول مبارزه با فساد، کاهش کسر تجارت، تقویت سکتور های مالی و بانکداری و موجودیت سرمایه برای سرمایه گذاری، تقویت رقابت صادرات وغیره در زمینه اقتصاد شهری، موارد آتی راه های پیشرفت بر اساس تحلیل های این بخش شمرده می شود:

- شهرها می تواند عوامل انکشاف اقتصادی شمرده شود، با این وجود به منظور تحقق آنها به یک پالیسی ملی و برنامه موجود (به بخش ۱ و ۲ مراجعه نمایید) به منظور مهار کردن ظرفیت انباشتگی، سرمایه گذاری گروهی و جلوگیری از نتایج منفی نا پلان شده، انکشافات شهری پلان نا شده و تصادفی، ضرورت میباشد. روش موجود عدم مداخله دولت در امور بازار به منظور انکشاف شهری اعتماد سرمایه گذاران را تقویت نمی نماید و یا سرمایه ها را در مسأله سرمایه گذاری مهار نمی نماید.
- انکشاف اقتصادی با قاعده وسیع برای بیرون کشیدن مردم از فقر نیاز میباشد. اگرچه در عدم موجودیت مدیریت اقتصادی موثر دولت نبود اولویت بندی سکتورها، فعالیت های تولیدی و خدمات بسیار مستعد اند تا در معرض تاثیرات خارجی قرار بگیرند که منجر به ایجاد خدمات و فعالیت های تولیدی بسیار سطحی که اکثرا در نوسان بوده و مبتنی بر کمک های غیر متداوم و نائابت خارجی میباشد. یک راه عملی پیشرفت ممکن است اجرای تحلیل اقتصادی گروهی از اکثر شهرها با یک دیدگاه خاص به منظور شناسایی نتایج محلی و طبیعی آنها به صورت مقایسوی و تحلیل تجارت ها و سرمایه گذاری های گروهی به منظور رشد رقابت و محصول باشد.
- مطالعه دیگر لازم نیست، اگرچه به منظور تکرار آنچه که به صورت گسترده برای بیشتر از یک دهه شناخته شده است: انکشاف اقتصادی و انکشاف در شهرها نیازمند پیشرفت های قابل توجه در محیط های فزیکتی عمدتا به منظور زیربنای برق و ترانسپورت و رسیدگی به دشواری های شدید و فساد در زمینه مدیریت و اداره اراضی، میباشد. تحلیل های SoAC نشان داده است که کمبود زمین در شهرها مشکل نمیشود، در عوض مشکل استفاده موثر از زمین و نیاز به تهیه زمین مناسب و موجود برای فعالیت های اقتصادی میباشد. تقویت و ایجاد پارکهای صنعتی جدید می تواند برای رسیدن به این اهداف کمک نماید. با وجود اینکه این پارکها به درستی با شهرهای اصلی و شبکه های منطقوی شان منسجم شده باشند (مانند سلسله تدارک و بازارها).
- تقویت هماهنگی میان جوانب دخیل شهری مانند وزارت انکشاف شهری، ریاست عمومی امور شاروالی ها و شاروالی ها و جوانب دخیل اقتصادی مانند وزارت اقتصاد، اداره حمایت از سرمایه گذاری، اتاقهای تجارت و غیره. این جوانب دخیل به ندرت در پروژه های مشترک و در محیط های تبادل محدود همکاری می نمایند.
- پلان گذاری استراتژیک در سطح شهر (به بخش ۴ مراجعه نمایید) می تواند یک میکانیسم قابل دسترس و کم هزینه را برای تقویت هماهنگی و تنظیم سرمایه گذاری فعالان متعدد به منظور دستیابی به تاثیر بزرگتر و توسعه نتایج مثبت (مانند ایجاد شغل، سرمایه گذاری سکتور خصوصی)، ارایه نماید.
- زراعت به عنوان یک بخش مهم اقتصاد شهری، مخصوصا در شهرهای کوچک و متوسط باقی خواهد ماند. دولت باید از تقویت بهره وری زراعتی و سلسله ارزش زراعت از طریق زیربنای بهتر (کانال های منطقوی و محلی) و رشد یک انسجام فضای اقتصادی میان مراکز اصلی فعالیت تجاری منطقوی و مراکز ولایات و همچنان از مارکیتهای صدور محصولات زراعتی، حمایت نماید. تحلیل های SoAC یک فیصدی قابل توجهی زراعت زمین های شهری را نشان داده است که به صورت اوسط به (۳۴٪) می رسد. ظرفیت های بزرگی به منظور تقویت محصولات از طریق روش های زراعت پیشرفته مانند خانه های سبز و نیاز به کاهش روند دست درازی روند غیر منظم شهر سازی به سوی زمین های ارزشمند زراعتی وجود دارد. (به بخش های ۴ و ۵ مراجعه فرمایید). این مسأله به دلیل اینکه زراعت مناطق شهری و پیشا شهری می تواند ضربه های جدی را طی سالهای آینده به خود بگیرد، بسیار مهم میباشد.
- تقویت بهره دهی و فعالیت بازارکار با یک چشم انداز به منظور کاهش بیکاری و کمبود شغل. اگرچه به صورت گسترده یک چالش ملی، توجه کافی بر مشخصات شهری به شمول درک متغیر های درون شهری در تقاضای کار (مانند حصول اطمینان از اینکه تعلیمات مسلکی و برنامه های استخدام به حساب تقاضای سکتور خصوصی برای مفاد های مقایسوی/ گروهی مبتنی بر شهر، ظرفیت های سکتور خصوصی (مانند تفاوت شهرها) و نیاز و اولویت های زنان و جوانان (مانند مهارت ها و برنامه آموزش های مسلکی که باید وارد، قابل دسترس و مناسب باشد)، لازم شمرده می شود.
- زمینه سازی برای انسجام دهی سکتور غیر رسمی شهری به جای محو آن و یا از طریق پالیسی پاسخگوی ملی و همچنان پلان های

فراگیری شهری و عمل مبتنی بر آنها. به گونه‌ی مثال خرده‌فروشان کوچه‌جواز و تجارت‌های کوچک را مد نظر بگیریم و به صورت بسیار نرم فعالیت‌های آنان را به منظورافزایش عواید مالیه، بهبود فعالیت شهری مانند تنظیم و دسترسی به ترافیک و بهبود حمایت این خرده‌فروشان از شر مافیاء، تنظیم نماییم.

• بالاخره در تمام سکتورها، اقتصاد شهری در میان کمترین معلومات موجود بوده و این مسأله نیاز به رسیدگی دارد. فعالیت پالیسی‌ها و اقدامات مربوط به برنامه‌ها باید بر اساس شواهد قابل استناد ارزیابی گردد با وجود اینکه معلومات موجوده با خلاهای که دارد گیج‌کننده می‌باشد. بهبود در مسئله هماهنگی برای تولید و استفاده از آمارهای اقتصادی یک ضرورت می‌باشد.

ایجاد فرصت‌های کافی برای جوانان افغان یک چالش مهم در سال‌های آینده است



1. World Bank. (2014). World Development Indicators.
2. World Bank. (2014). Afghanistan Economic Update, Macroeconomics and Fiscal Management Global Practice: Kabul, Afghanistan.
3. World Bank. (2014). Afghanistan Economic Update, Macroeconomics and Fiscal Management Global Practice: Kabul, Afghanistan.
4. IMF. (2014). Regional Economic Outlook Update; Middle East and Central Asia Department: Washington, USA.
5. World Bank. (2014). Afghanistan Economic Update, Macroeconomics and Fiscal Management Global Practice, p-6: Kabul, Afghanistan.
6. World Bank. (2014). Enterprise Survey, Afghanistan country profile, International Finance corporation.
7. Eurostat. (2015). European Commission, European Union.
8. World Bank. (2014). Enterprise Survey, Afghanistan country profile, International Finance corporation.
9. It deserves to be noted that Afghanistan faces serious issues between private sector demand for labor and the supply provided by NGO-led vocational training and employment programs. Many of the jobs created by these programs are short-term casual jobs, and do not provide skills for long-term employment
10. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey: Kabul, Afghanistan.
11. Samuel Hall. (2012). Time to Move to Sustainable Jobs: A Study of the State of Employment in Afghanistan, Commissioned by the ILO.
12. World Bank. (2014). World Development Indicators.
13. AREU. (2006). Urban Livelihoods in Afghanistan, synthesis paper series: Kabul, Afghanistan. <http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/626E-Urban%20Livelihoods%20in%20Afghanistan-SP-web.pdf>
14. World Bank. (2004). Rural Finance in Afghanistan: The Challenge of the Opium Economy. Workshop Paper 1. http://siteresources.worldbank.org/INTAFGHANISTAN/Resources/AFRFW_1_Current_Situation_of_Rural_Finance.htm
15. The total farm-gate value of opium production accounted for 1,407 USD million in 2011 (UNODC. (2014). Afghanistan opium survey, Cultivation and Production: Kabul, Afghanistan.)
16. UNODC. (2014). Afghanistan opium survey, Cultivation and Production: Kabul, Afghanistan.
17. UNODC. (2014). Afghanistan opium survey, Cultivation and Production: Kabul, Afghanistan.
18. 'Hawala' refers to an informal system of money transfer, operating outside of or parallel to formal financial channels, whereby money is transferred between different brokers who rely on an honour system
19. Samuel Hall. (2011). Commercial Law needs assessment, Survey Commissioned by the Deutsche Gesellschaft fur Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH
20. World Bank. (2014). Doing Business 2015: Going Beyond Efficiency. Washington, DC: World Bank Group.
21. World Bank. (2014). World Development Indicators. <http://data.worldbank.org/indicator/IC.BUS.EASE.XQ>
22. The services sector includes: construction, hotels and restaurants; wholesalers; transport, storage, and communications; IT services; repair of motor vehicles; and professional, scientific, and technical services that include legal and accounting services, business and consulting services, architecture and engineering, advertising, research and media companies, private education institutes, beauty parlors, and private health clinics.
23. Samuel Hall. (2014). "Urban poverty and food insecurity in Afghanistan". Nota bene: this study focussed on the urban poor and its results may suffer from selection bias towards that particular demographic.
24. Central Statistics Organization. (2008). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey: Kabul, Afghanistan.
25. Pul-e-charkhi and Baghrami Industrial Parks
26. Samuel Hall. (2015). Special Economic Zones in Afghanistan, Commissioned by Harakat.
27. Only roads over 5m width were digitised, hence the 'roads' category does not include all roads/streets in the cities. Additionally, the road surface was not categorised (e.g. paved/unpaved). Nevertheless, the digitising was consistent allowing effective city comparisons.
28. UN-Habitat advocates that at least 30% of a city's built up area should be for public space and mobility, including roads/streets.
29. Samuel Hall. (2011). Nut feasibility study for crescent trade, Commissioned by ASMED.
30. AREU. (2014). The social life of the onion: the informal regulation of the onion market in Nangarhar, working paper: Kabul, Afghanistan.
31. Tribal Liaison Office. (2007). Market Report: Liquorice: Kabul, Afghanistan.
32. Tribal Liaison Office. (2007). Market Report: Liquorice: Kabul, Afghanistan.
33. Wadsan news. (2013). AISA calls on donor countries to finance Afghanistan's industrial parks. Wadsan Newspaper. Accessed at: <http://wadsam.com/afghan-business-news/aisa-calls-on-donor-countries-to-finance-afghanistans-industrial-parks-876/>



برای رفع نیازمندی اسکان در سالهای ۲۰۱۵-۲۰۲۵
همه ساله ۴۰,۰۰۰ مسکن مناسب، ارزان و دارای
موقعیت خوب لازم است تا تقاضای مسکن را تکافو
نماید.





خانه یی در شهر: زمین و اسکان

پیام های کلیدی

- **استفاده زمین** در شهرهای افغانستان توسط تراکم پائین مسکن طبقه بندی گردیده است. فراهم نمودن خدمات اساسی به ساحات که دارای تراکم-پائین رهایشی میباشد مؤثر نبوده و قیمت میباشد. با توسعه دادن شهرهای متراکم، از طریق فشرده سازی و پر کردن، رشد نفوس را میتواند برای چند سال بدون نیاز به ایجاد ساحات جدید شهری در خود جا دهد و هم از گسترش نامنظم شهری جلوگیری کند.
- تراکم-پائین بطور عموم ناشی از موجودیت ساحات بزرگ تقسیم شده و زمین خالی میباشد (**نمره های سفید و خالی**). طور مثال، بطور متوسط بیش از یک-سوم ساحات آباد در شهرهای عمده دارای زمین های خالی میباشد (در هرات ۴۲٪ مجموع ساحات آباد شده را زمین های خالی تشکیل میدهد). شهر کابل بطور کافی زمین های خالی دارد که تا ۱.۵ میلیون نفوس در آن جایگزین شوند. این پدیده نتیجه بیش از یک دهه غصب زمین و صعود احتکار در مارکیت املاک است.
- ۸۶٪ موجودی مسکن را میتوان به حیث محله های فقیرنشین به اساس تعریف اسکان بشر ملل متحد-هویتات نمود. که سبب آن کمبود یک یا بیشتر از عوامل ذیل در راستای تهیه مسکن مناسب میتوانند باشند: (i) دسترسی به منابع آب صحی، (ii) اصول بهبود یافته حفظ الصحه، (iii) مواد با دوام خانه سازی، (iv) فضای مناسب زنده گی و (v) امنیت حق تصرف و مالکیت.
- **انکشاف غیر رسمی** منجر به الگو های نا کار آمد و نا خواسته استفاده زمین میگردد. گسترش ساحات رهایشی بالای مناطق نامناسب مانند دامنه های ناپایدار تپه ها، ساحات سیلابی و ساحات حاصل خیز زراعتی ایجاد شده اند. تصرف غیر قانونی زمین یا "غصب زمین" توسط IDPs، عودت کنندگان، مهاجر شهر نشین و ده نشین یا سایر فقرای شهری نیز به گسترش طاقه یی (ad-hoc) زمین رهایشی کمک نموده اند. در حالیکه جابجا سازی ممکن برای خانواده ها در ساحات نامناسب و خطرناک قابل جلوگیری نباشد، قسمت اعظم از خانه سازی غیر رسمی میتواند هزینه-را بطور مؤثر از طریق تنظیم افزایشی و فراهم نمودن خدمات اساسی افزایش دهد.
- مهار نمودن افزایش سریع ساحات **شهر نشین افغانستان منجبت یک قوه برای تغییر مثبت** نیاز به پلانگذاری پیشرفته مکانی و جغرافیایی استراتژیکی، پذیرش انکشاف / بهبود و منظم سازی ساحات رهایشی، و مدیریت قوی زمین های عامه و خصوصی دارد. اسکان و مسکن گزینی یک سکتو مهم اقتصادی در افغانستان است و ضرورت دارد که بشکل درست مدیریت شود تا در شکل گیری اقتصادی و ملی کشور سهیم باشد.
- بمنظور پاسخگویی به **نیازمندی های خانه سازی شهر نشین افغانستان**، در سالهای ۲۰۲۵-۲۰۱۵ بین ۴,۱۷۰۰ و ۴,۳۹۶۰ خانه و مسکن مورد قبول، مقرون به صرفه و دارای موقعیت خوب همه ساله باید تدارک دیده شود. اکثریت انکشاف ساحات رهایشی تا حد زیادی بالای اپارتمان های گرانبها و قیمتی که برای اکثریت شهروندان افغان غیر قابل دسترس میباشد، متکی شده است. انکشاف رهایشی در شهرها باید برای یک سلسله اختیارات خانه سازی در موقعیت های مختلف و برای سطوح مختلف عاید تهیه گردد. یک اساس نیازمندی برای خانه سازی برای گروه های دارای عاید کم عبارت از فراهم نمودن زمین قابل سرویس و دارای موقعیت خوب میباشد.

۴.۱

استفاده زمین

ساحات سیلابی، لغزش های زمین یا حوادث دیگر، بر علاوه، اکثریت ساکنان در موقعیت های متذکره معمولاً بشکل نامنظم خانه سازی میکنند. طور مثال، بالای زمین تصرف شده هیچ امنیت تصدی وجود ندارد. اسکان های غیر منظم نتیجه ازگسترش بی پلان، تدریجی و به مقیاس کوچک میباشد، مانند دهاقین بطور غیر رسمی زمین های خوبشرا تقسیم نموده و به فروش میرسانند. منحیث مطلب مهم در فصل ۵، تبدیل نمودن زمین زراعتی به شهرک شهرنشین باید با احتیاط راه اندازی گردد، همچنان مطابق با پلان گذاری و اجازه محتوای محل باید صورت گیرد. گرچه رهاکردن زمین به این روش ممکن فرصت های خانه سازی را افزایش دهد، این در ارزش فرصت ها برای آماده سازی مؤثر مواد غذایی به شهرها، فرصت های استخدام و اثرات نامطلوب محیط زیست آمده میتوانند.

در تمام شهر های افغانستان تعداد زیاد زمین های خالی یک پدیده عام است. شهر کابل بطور مجموعی دارای ۹۳۹۱ هکتار زمین خالی میباشد، تقریباً برابر با ۲۰۰۰۰۰ نمره مستقل و ۲۳٪ مجموع ساحه آباد میباشد. اکثریت قطعات خالی در نواحی ۱۷ و ۲۱ موقعیت دارند که در کابل ۴۲٪ تمام قطعات خالی را دربرمیگیرند (شکل ۴.۳). تنها درین قطعات خالی زمین کابل، ۱،۵ میلیون شهروندان بدون نیاز به زمین اضافی جابجا کرده میشود.

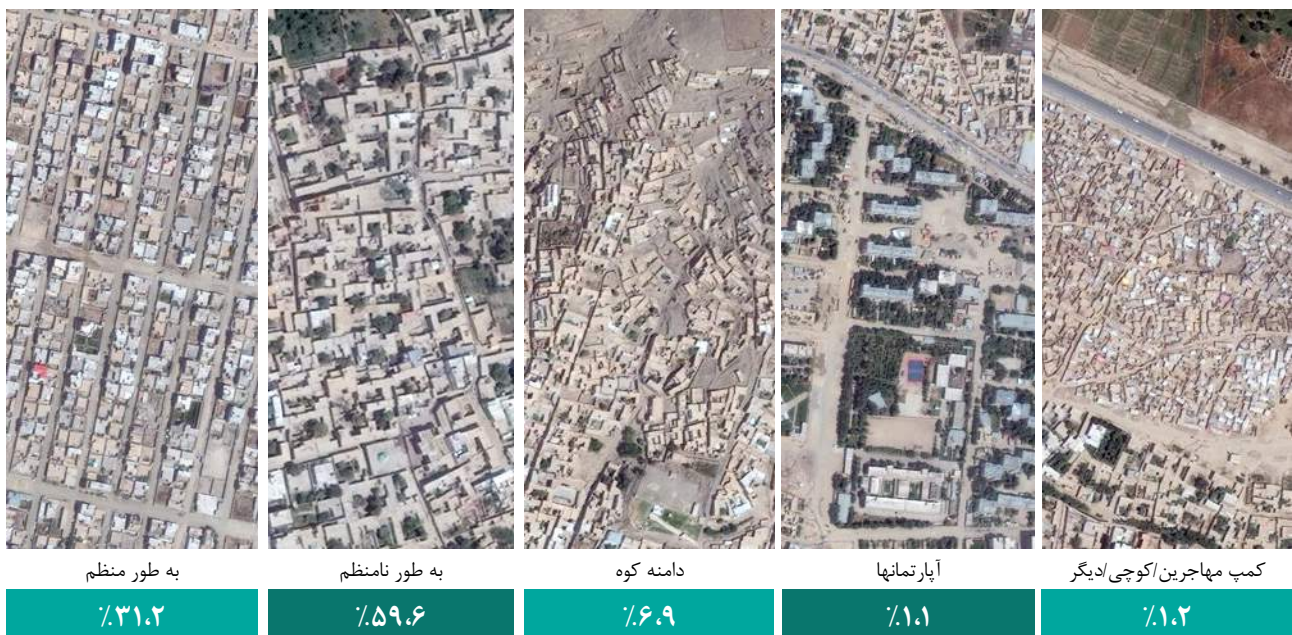
در هرات، ۴۲٪ ساحات آباد را زمین های خالی دربرگرفته اند، که عمدتاً در نواحی ۱۱، ۱۳، و ۱۵ موقعیت دارند (شکل ۴.۳). در ناحیه ۱۳، ۹۵٪ ساحه قابل ساخت کاملاً قطعات و نمرات خالی میباشد. نواحی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸ و ۹

استفاده زمین به ساحات آباد یا ناآباد طبقه بندی گردیده است، اینها بعداً به طبقه های فرعی دسته بندی میشوند مانند ساحات "رهایشی"، "تجارتی"، "دوایر دولتی"، "زراعتی"، و غیره. بعداً کتگوری فرعی "رهایشی" به ساحات سرک بندی منظم (ساحات پلان شده) و سرک بندی غیر منظم (ساحات غیر پلانی) تقسیم گردیده اند، به همین ترتیب ساحات که بالای دامنه ی تپه ها، بیجاشدگان داخلی و کمپ کوچی ها در نظر گرفته شده اند. شکل ۴.۱ توزیع استفاده زمین کتگوری های فرعی رهایشی را برای تمام ۳۴ شاروالی ها نشان میدهد.

یک خاصیت مشترک تقریبی تمام مراکز ولایتی همانا ساحات رهایشی اند که بزرگترین حصه ساحه آباد را تصرف میکند. بطور متوسط، ۴۲٪ ساحه آباد را مناطق رهایشی تشکیل میدهد، که سرپل، تالقان و محمود راقی دارای بزرگترین فیصدی (به ترتیب ۷۰٪، ۷۲٪ و ۷۳٪) میباشد و میدان شهر و فراه دارای پایین ترین فیصدی (به ترتیب ۱۱٪ و ۱۹٪) میباشد.

تمام شهرها دارای آمار بلند استفاده غیر منظم زمین رهایشی میباشد. طور مثال در کابل، قسمت اعظم ساحات رهایشی غیر پلانی، انکشاف رهایشی بالای دامنه های تپه، IDP و کمپ های کوچی همگی شامل ۷۱،۵٪ مجموع ساحه رهایشی میباشد. ساحات رهایشی غیر منظم شامل ۸۵٪ مجموع ساحات رهایشی در کندز، و ۹۶٪ در اسد آباد میباشد. ساحات رهایشی غیر پلانی "غیر رسمی" غالباً ساحات متصرف شده اند که برای مسکن انسانها مناسب نمیباشند، طور مثال دامنه های شیب دار و

شکل ۴.۱: اوسط سهم استفاده زمین رهایشی از مجموع زمین های رهایشی در ۳۴ شهر



در مقایسه با نورم های جهانی، استفاده زمین تجارتي، نهادی و صنعتی یک بخش کوچک شهرهای افغانستان را تصرف نموده است، حد اوسط بالترتیب ۲،۹٪، ۱۲،۴٪ و ۲،۶٪ محاسبه میشود. برعلاوه، سروی ساحوی با استفاده از ماهواره ای در جریان جمع آوری معلومات و ارقام SOAC نشان داد که در حقیقت بیشتر ساحات صنعتی ترک گردیده و دیگر مورد استفاده نمیباشند.

بخش از شهرها که به ترانسپورت اختصاص داده شده اند (سرک ها و دیگر شبکه های متحرک، پارک ها، ترمینل های بس و میدان های هوایی) نظر به اینکه این فعالیت ها در کجا داخل یا خارج از سرحد های شاروالی موقعیت دارند خیلی متفاوت اند. کندز (شکل ۴.۵) یک میدان هوایی دارد که بداخل سرحد شاروالی موقعیت دارد در حالیکه میدان هوایی مزار شریف و کندهار خارج از خط مرزی شاروالی موقعیت دارند. در کابل فضا برای دوران/گردش (سرک ها) محدود میباشد (۷،۴٪ ساحات آباد) در حالیکه شهرهای دیگر نسبتاً ساحات وسیع دارند که برای سرک ها اختصاص داده شده اند.

فشرده و پرجمعیت اند و در مرکز موقعیت داشته و زمین های خالی در آن کم بنظر میرسد.

به نظر میرسد که مزار شریف نسبتاً دارای قطعات خالی کم باشد، اگرچه این دریافت ها خیلی توسط خطوط سرحدی ناکافی مربوط به شاروالی تحت تاثیر قرار گرفته، که تمام ساحه شهری و ساحات آباد را تحت پوشش قرار نمیدهد. خارج از خط سرحدی مربوط به شاروالی هنوز هم عملاً داخل ساحه یک تعداد زیاد زمین های خالی میباشد، حتی این قطعات بطور رسمی منحیث بخش مرکز ولایتی تثبیت نشده و بنا براین شامل تحلیل SOAC نه گردیده اند.

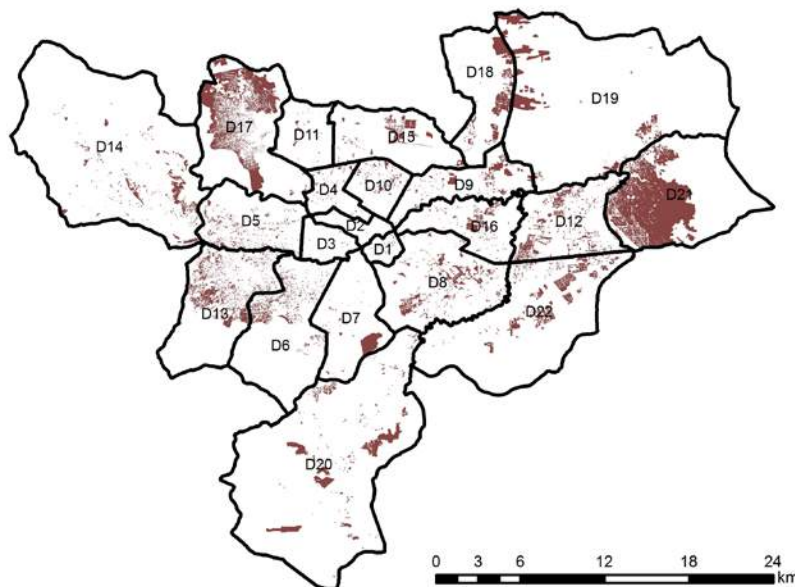
در ولایت کندهار قطعات خالی به ۴۰۲۳ هکتار میرسد، در مقایسه با ۳۸۶۵ هکتار که توسط خانه ها تصرف شده اند. قطعات و نمرات خالی در سراسر شهر پراکنده نیستند بلکه در ناحیه ۱۱ در یک ساحه انکشافی پلانی منظم که حدوداً ۱۰۰۰۰ نمره را در بردارد، تجمع نموده اند.

شکل ۴.۲: به عنوان مثال از قطعات خالی زمین در ناحیه ۶، ولایت فراه



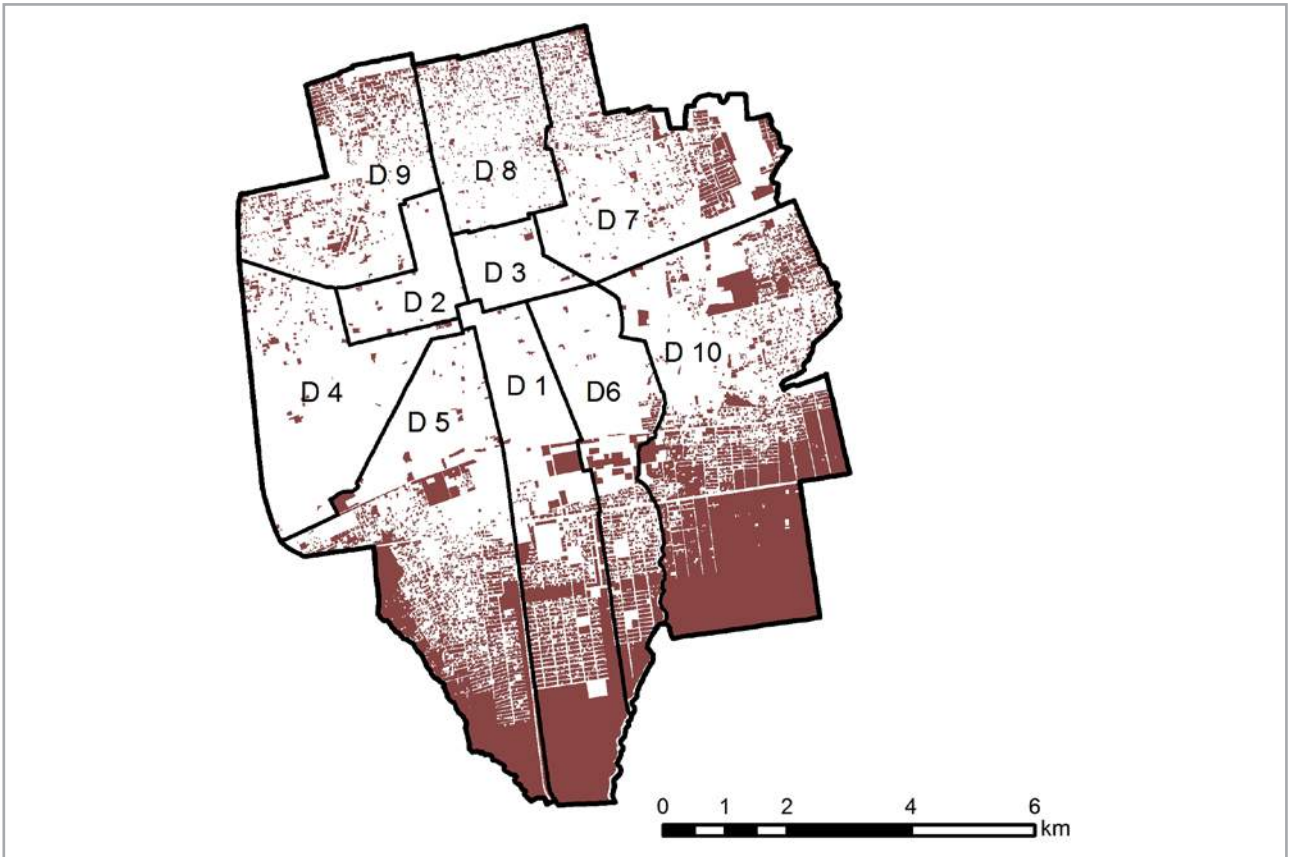
منبع: DIGITALGLOBE © تمام حقوق محفوظ است.

شکل ۴.۳: نواحی ۱۷ و ۲۱ که برای ۴۲٪ تمام قطعات خالی در کابل محاسبه شده است

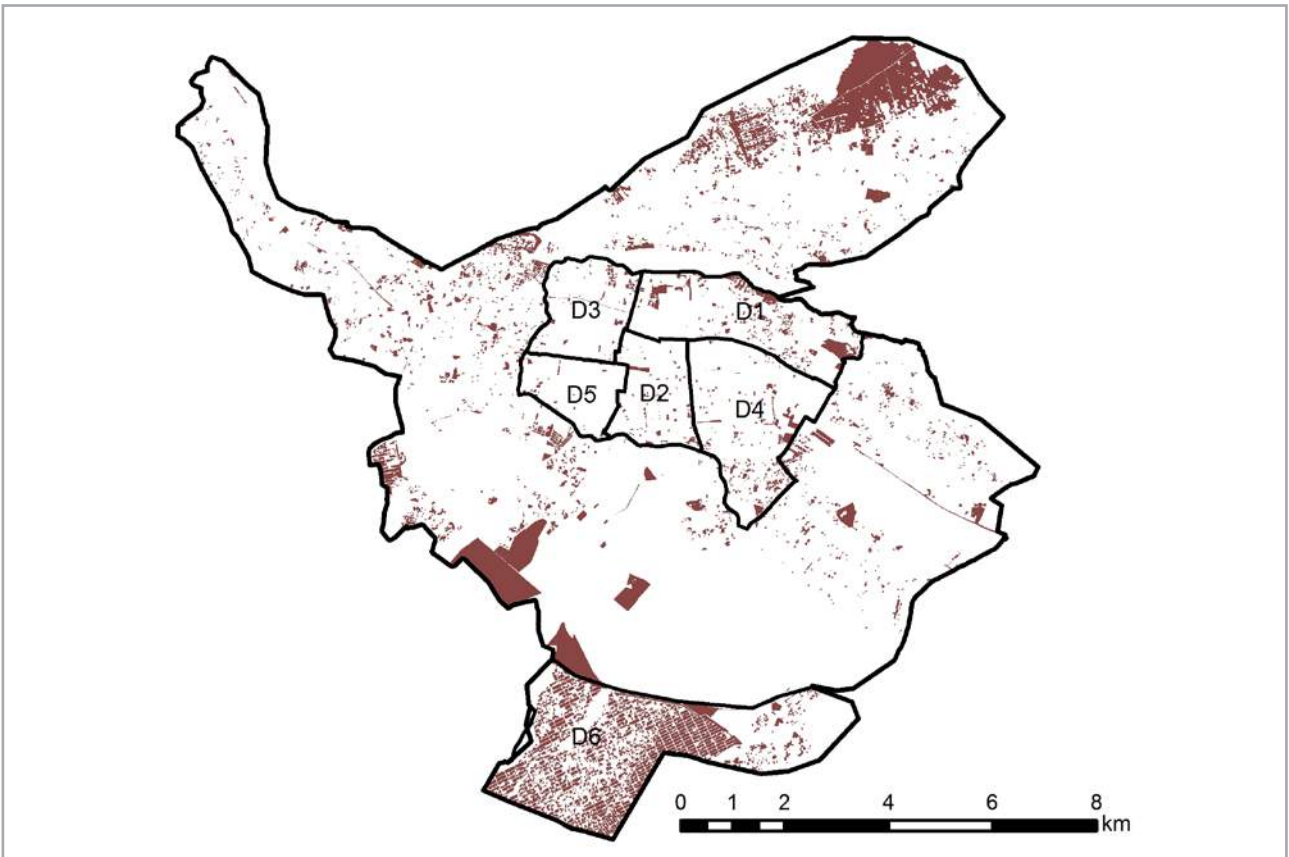


منبع: تحلیل تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان

شکل ۴.۴: قطعات خالی زمین منحصبت فیصدی ساحات قابل ساختار در ناحیه برای چهار قطب ساحوی

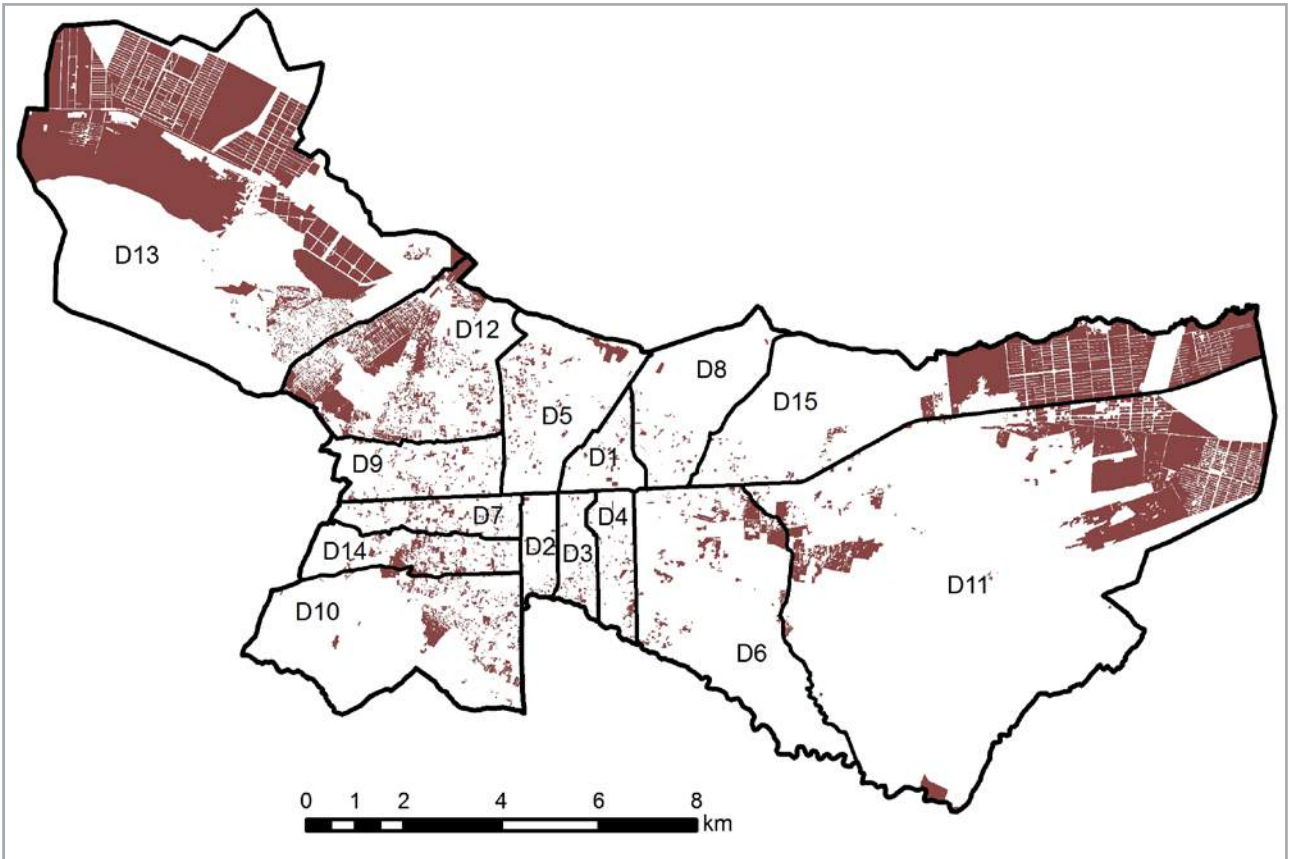


شهر مزار شریف

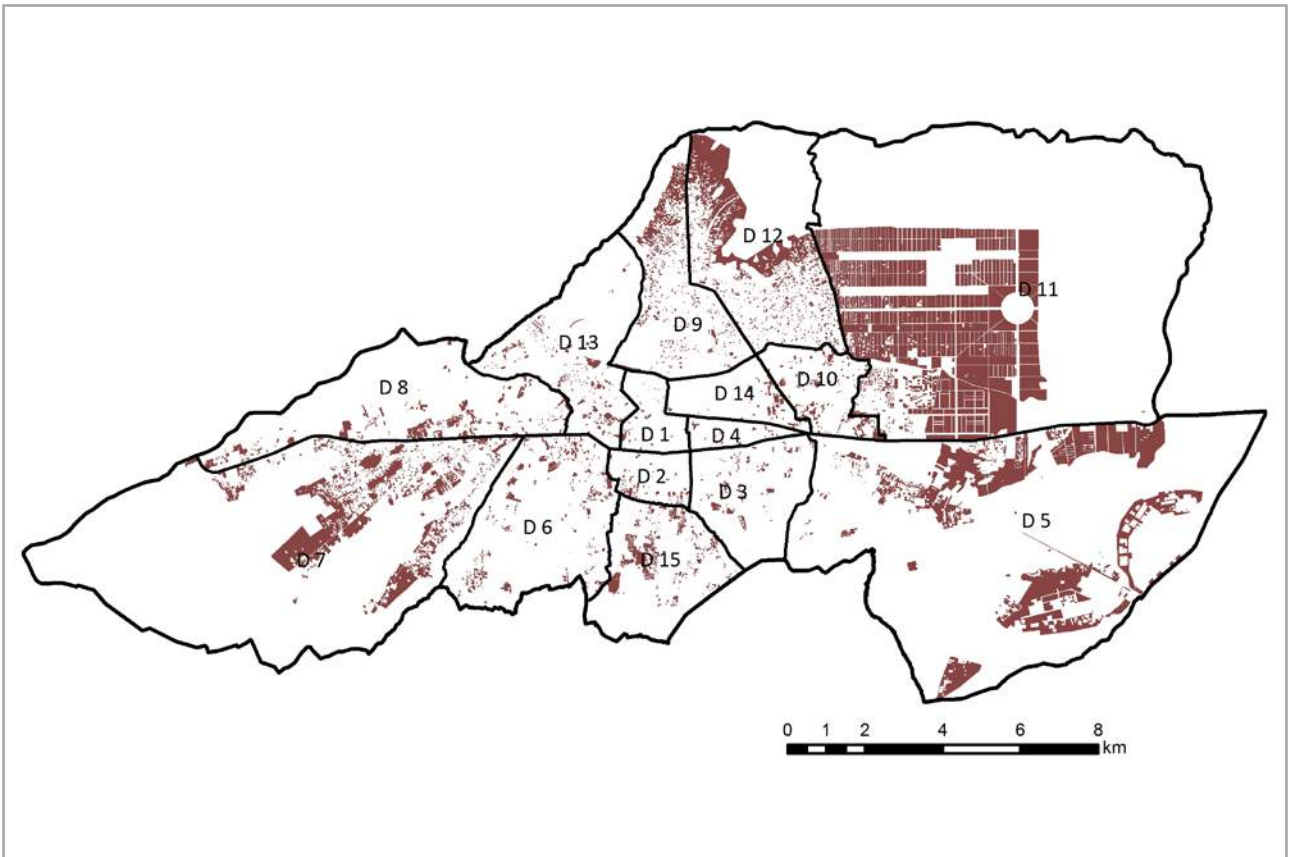


شهر جلال آباد

منبع: تحلیل تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان



شهر هرات



شهر کندهار

آباد را دربر میگیرند.

ساحات ناآباد داخل سرحدات شاروالی عمدتاً فعالیت های زراعتی را دربر میگیرند (مانند کندز، که ۶۶٪ زمین شاروالی را زراعت و زمینهای بایر دربر میگیرد) (بازارک: ۸۴٪ و نیلی: ۷۸٪). چه این ساحات ناآباد برای انکشاف/ توسعه شهر مناسب میباشد یا نه، این مربوط به معیارهای خاص میشود (طور مثال، توپوگرافی، دسترسی به آب، مایل بودن به خطرات طبیعی و حاصل خیزی زراعتی).

ساختمان های که زیر ساخت و ساز قرار دارند: در کابل ۱۲۰۰۰ اپارتمان از جنوری ۲۰۱۵ تحت اعمار قرار دارند که معادل ۵۰ فیصد اپارتمان های تکمیل شده و اشغال شده (۲۲۹۰۰) واحد میشود. در نتیجه چنین عرضه بیش از حد، قیمت های آنها پایین خواهد آمد خاصا هنگامیکه این اپارتمانهای زیر ساخت تکمیل و به بهره برداری سپرده شوند. اگرچه هنوز هم اپارتمانهای فعلی برای اکثریت همشهریان کابل خیلی قیمت هستند. ضمناً کاهش یافتن تدریجی ساخت اپارتمانهای جدید فرصت های کاری را در کابل بطور خاص برای سکتور ساختمانی خیلی کاهش میدهد. در شهر های دیگر، ساختمان های تحت اعمار کمتر برجسته اند: که تنها ۰،۳٪ مجموع ساحات

جوگات ۴.۱

زندگی در تپه های کابل



محمد و دوستان او



غلام نبی و همکارانش در هنگام انتقال دادن اشیاء به تپه، در حال وقفه کوتاه

میباشد. و همه ما به آب نل دسترسی نداریم. همچنان، مشکل بزرگ در اینجا کثافات میباشد. شاروالی ممکن سال یکبار برای جمع کردن آنها بیاید، و بالخصوص بوی گندیده به مشام میرسد. که این صحتی نیست."

برای کارگران غیر مسلکی، این تپه ها برای آنها در تمام سال کار را فراهم میکند. غلام نبی یکی از کارگران است کسیکه اشیای مانند ذغال سنگ یا مواد غذایی را برای فامیل ها و مردم کهن سال به تپه انتقال میدهد. این برای غلام نبی و دو همکار دیگر آن ۳۰ الی ۴۵ دقیقه وقت را دربر میگیرد تا ۸۰ کیلوگرام ذغال سنگ و برنج را برای یک فامیل که بالای تپه زنده گی میکند، انتقال دهد. "از مدت ۱۰ سال بدینسو من اشیاء را بالای تپه انتقال میدهم. این برای من یک فرصت خوب است تا پول بدست بیاورم و نسبت به شهر خیلی بهتر است جایکه در آن خیلی زیاد کارگران همه روزه منتظر کار میباشند. مردم اینجا من را میشناسند و بالای من اعتماد دارند."

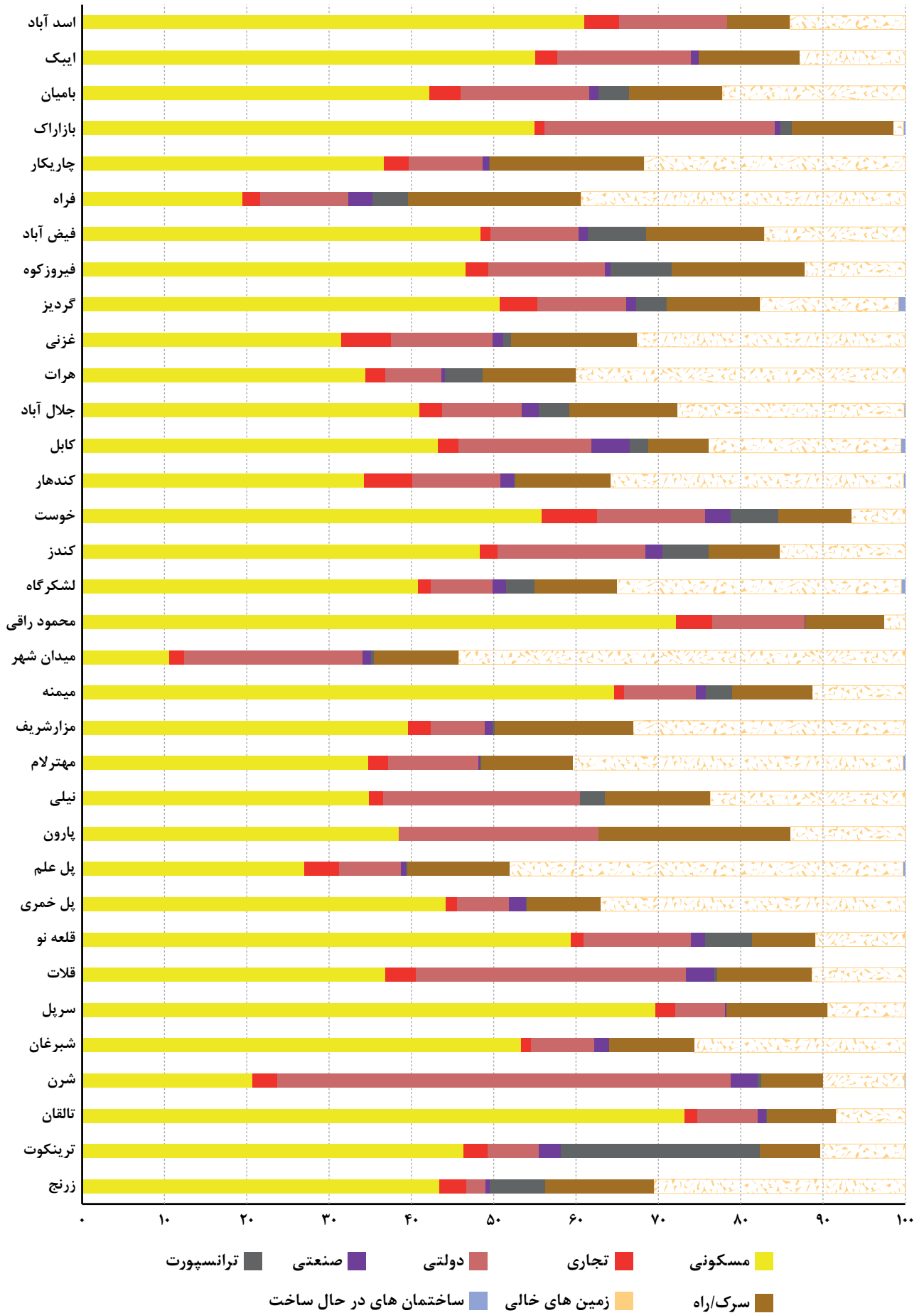
زنده گی برای بیش از ۴۸۰،۰۰۰ مردم که بالای تپه های کابل زنده گی میکنند مانند چه است؟ هنگامیکه شما در مسیرهای پیاده رو شیب دار شهر کهنه کابل (ناحیه ۱) قدم میزنید، طوری احساس میشود که در یک شهر متفاوت داخل میشوید. اطفال هر طرف میدوند بازی و کاغذ پرانی میکنند، مردم در بیرون نشسته و افق کابل را مشاهده مینمایند، و این آرام میباشد: صدای رفت و آمد معمول کابل در قسمت های پائین تپه ها جایکه سرک های هموار شده ختم میشوند، متوقف میشوند.

محمد و دوستان او

محمد و دوستان او در اینجا تولد شده اند و نمیخواهند که اینجا را ترک کنند: "تپه های کابل خیلی محفوظ بوده و نسبت به زندگی شهری خیلی نازل تر میباشد. تمام دوستان ما در اینجا زندگی میکنند و هر کس را می شناسند. و ما اشیای اساسی مورد نیاز را داریم مانند آب برق." آب توسط پیپ از تپه شهداء میاید و در یک مخزن بزرگ که بالای تپه موقعیت دارد ذخیره میشود، و آب توسط پایپ ها به بیشتر خانه ها توزیع میگردد.

اما اینجا تمام اشیاء مثبت نیستند: "برای کهن سالان یا مردم مریض، برای اطفال یا زنان حامله متفاوت میباشد." ولی، دوست محمد. "بخصوص در فصل زمستان یا بعد از باران های شدید، در صورتیکه شما جوان یا صحتمند نباشید، بالا شدن به تپه خیلی دشوار

شکل ۴.۵: ساحات ساخته شده برای ۳۴ شهر بزرگ



منبع: تحلیل تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان

۴.۲

پلانگذاری ساحه شهری و انکشاف غیر رسمی ساحه شهری

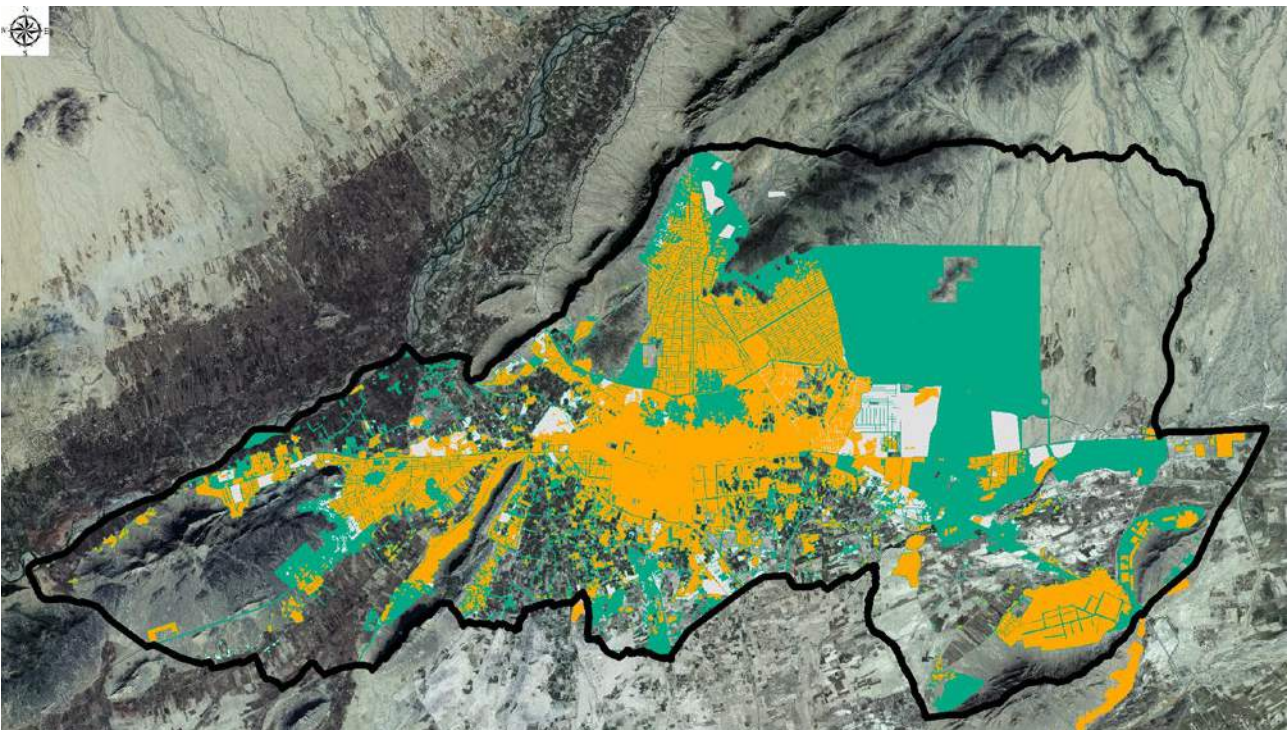
شکل ۴.۶ توسعه شهری را در بین سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۴ درکندهار نشان میدهد. بین سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ یک ساحه خیلی وسیع (عینو مینه مرحله ۲) همراه با ۱۰۰۰۰ قطعه زمین به شهر اضافه گردیده اما حال هم بطور عموم خیلی قطعات زمین خالی دران موجود میباشند.

شکل ۴.۷ ماسترپلان ۱۹۸۰ را در مقایسه با گسترش و توسعه شهری سال ۲۰۰۸ نشان میدهد. از ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۸ یک توسعه قابل ملاحظه بی در شهر بوجود آمده است، ضمن اینکه بخشی از آن مطابق ماسترپلان گسترش یافته اما دیده میشود که قسمت اعظم آن خارج از دایره پلان شده واقع شده اند. در سال ۲۰۰۸ (۵۸) فیصد ساحات آباد شهری خارج از ماسترپلان ۱۹۸۰ واقع شده که نشان دهنده یک پلانی است که بی تاثیر بوده و نتوانسته است که رشد و توسعه شهری را بصورت درست بداخل سرحدات ماسترپلان حفظ کند.

در افغانستان پلان گذاری شهری یک وسیله بی برای رشد و انکشاف شهری بصورت رسمی و قانونی، کارا و موثر، منصفانه و پایدار میباشد. ضمناً پذیرفتن اینکه زمین های شهری افغانستان اکثراً منازعه بی و دعوایی هستند و چارچوب مدیریتی ضعیف و نامشخص موانع زیادی را در قبال پلان گذاری موثر مکانی و جغرافیایی ایجاد کرده است.

تاکنون تطبیق ماسترپلان در شهرهای افغانستان بشدت از نمایندگی های غیر موثر و غیر متعادل سهامداران عمده بشمول شاروالی ها و شوراهای اجتماعی محدود شده است، بر علاوه نبود پشتیبانه حکومت و ظرفیت تطبیق ماسترپلان درینجا قابل ذکر است. تجدید ماسترپلان هم هزینه بردار است و نیاز به زمان دارد و ظرفیت های متخصصین تخنیکی را لازم دارد. چنین ماسترپلان ها نمیتوانند گسترش و توسعه شهری را بدرستی هدایت کنند، بناء بزودی از نظر زمانی کهنه و غیر قابل استفاده میشوند.

شکل ۴.۶: توسعه شهری در کندهار: ۲۰۰۸-۲۰۱۴



اندازه رشد فضایی سالانه ۴.۵٪ ۲۰۰۸-۲۰۱۱	۵,۴۷۵ هکتار	ساخته شده تا مارچ ۲۰۰۸
اندازه رشد فضایی سالانه ۲۵٪ ۲۰۱۴-۲۰۱۱	۶,۴۱۴ هکتار	ساخته شده تا نومبر ۲۰۱۱
	۱۱,۸۹۰ هکتار	ساخته شده تا مارچ ۲۰۱۴

این انکشاف غیررسمی اغلباً توسط سرک های نامنظم، ساختمان و شکل نمرات، نمونه های کوچکی که کم عرض و باریک، وضعیت خراب واحد های مسکونی و عرضه خدمات محدود و کم نمایش داده میشوند، به خصوص در مرحله آغازین انکشاف مشخص شده اند.

در پایتخت، از این نوع ۵۴ سایت ها منحیث اسکان غیررسمی کابل (KIS) شناسایی شده اند، که منحیث یک چالش افزایشی برای شهر نشینی است. سایت KIS که بالای زمین شهری گرانیها موقعیت دارند، که تحت فشار پلانهای توسعه میابند، اگرچه اکثریت بزرگ ساکنان آن در اقتصاد غیررسمی شهری استخدام گردیده اند و و نیاز دارند که خیلی در نزدیکی شهر باقی بمانند. همچنان محلات KIS دارای یک قسمت بزرگ IDPs های میباشند که توسط جنگ و مهاجرین عودت کننده ساخته شده اند. متأسفانه اراده سیاسی برای دریافت راه حل های مناسب و پایدار در زمینه اسکان وجود ندارد. درست است که سالانه کمک های زمستانی از قبیل روکش یا کمپل، چوب سوخت برای چنین محلات توزیع میشود اما در واقع اینها روش های پایداری نیستند.

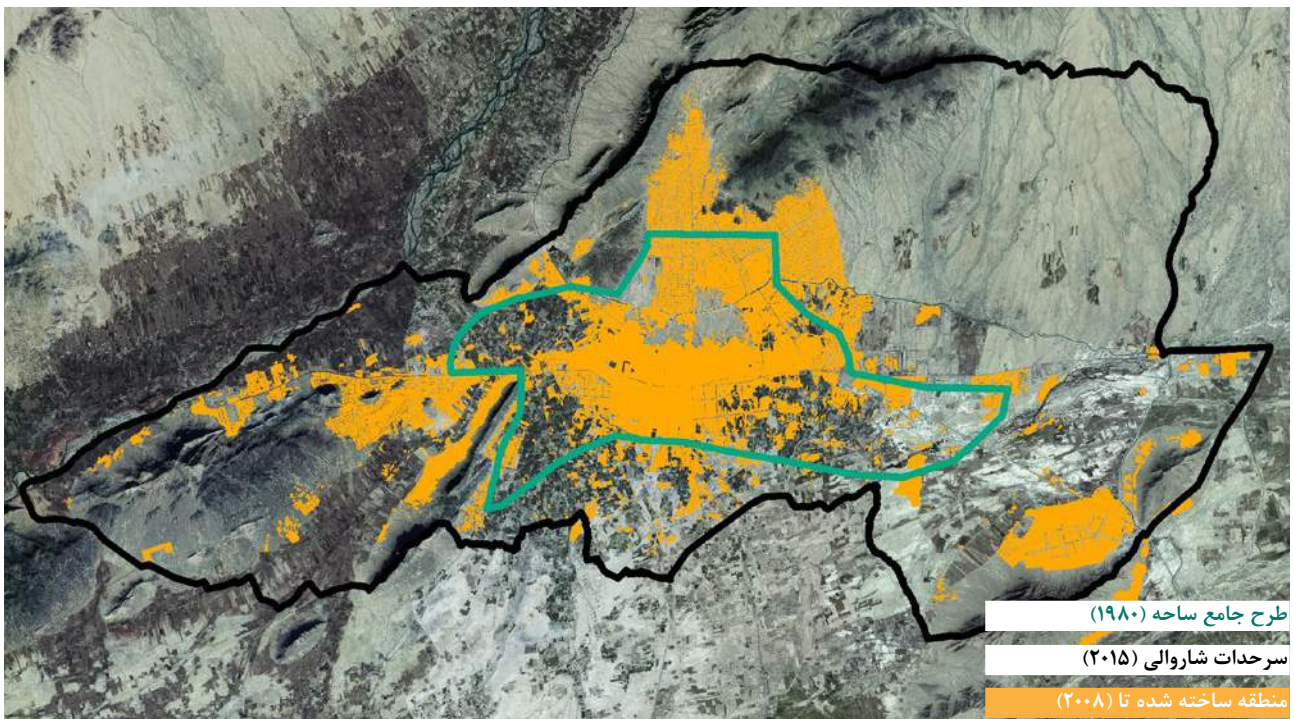
امنیت تصدی زمین و معافیت از تهدید اخراج یکی از اساسات برای انکشاف شهری میباشد. نبود امنیت تصدی نشان داده شده است که بالای متمرکزیت یک ساحه شهری بطرف پائین فشار وارد میکند، منحیث خانواده ها و مصروفیت ها در آنجا نمیخواهند بالای ارتقاء و فعالیت های جدید در ساحات خویش سرمایه گذاری نمایند. طبیعت وسیع غیررسمی انکشاف شهری افغانستان به معنی مشکل وسیع است، که درجه های متفاوت

نمونه های از روش های اسکان رسمی و غیررسمی در راستای رشد ساحات مسکونی در شهر وجود دارند شکل (۴.۸). انکشاف ساحات رسمی به انکشافی راجع میگردد که توسط مالکیت رسمی زمین، در مطابقت با ماستر پلان ها و مقررات ساختمانی تسهیل گردیده باشد. گرچه ابتکار حکومت برای دریافت روشهای مناسب برای اسکان قانونی و رسمی مثل (LAS) پروژه تخصیص زمین اینجا قابل ذکر است، اما این پروژه ها به نسبت دور بودن از هسته شهری و داشتن خدمات پایین آن همواره مورد انتقاد قرار داشته اند بدینوسیله برای اکثر خانواده های فقیر و کم درآمد چنین پروژه ها انتخاب خوبی نیست. بناء دیده میشود که قسمت زیاد زمین های این پروژه ها خالی باقی میمانند.

ساحات غیررسمی یا انکشاف ساحات غیررسمی زمین های پراکنده دربر میگیرد که بر اساس سند رسمی ملکیت استوار نبوده و در تطابق با ماسترپلان نباشد. ساحات بزرگی از زمین های غصب شده تقسیم بندی و توزیع شده به افراد فروخته شده اند ضمن اینکه بعضاً اینگونه ساحات دارای یک پلان نقشه بی منظم مثل سرک بندی و کوچه بندی منظم نیز میباشد، درحالیکه خدمات دران بشکل مساویانه نمیرسد مخصوصاً فاقد سیستم آبرسانی، خدمات بهداشتی عامه و فاضلابی اند.

انواع دیگر ساحات مسکونی غیررسمی شامل فروش غیررسمی زمین به افراد میباشد یا به ساده گی در بیدل هر انتقال مالکیت تصرف شده اند، طور مثال، دامنه های تپه های کابل (شامل تقریباً ۱۸ فیصد مجموع ساحات مسکونی میباشد) تا حد زیادی به این شکل تصرف گردیده اند شکل (۴.۱).

شکل ۴.۷: کندهار: مقایسه ماستر پلان سال ۱۹۸۰ (خط سبز) و ساحات قابل ساخت (رنگ نارنجی) در سال ۲۰۰۸



ماستر پلان (۱۹۸۰) که ساحات قابل ساخت را برای ۲۰۰۰ مطرح کرده است	۵۰۶۵ هکتار
ساحات قابل ساخت (۲۰۰۸) در ماستر پلان	۲۰۲۸۰ هکتار ۴۲٪
ساحات قابل ساخت (۲۰۰۸) خارج از ماستر پلان	۳۰۱۹۵ هکتار ۵۸٪
مجموع قابل ساخت ۲۰۰۸ (۲+۲)	۵۰۴۷۵ هکتار ۱۰۰٪

منبع: تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان

غیر قابل توافق مالکیت زمین، محدودیت تکنیکی (طور مثال، قابلیت دسترسی) یا اینکه در موقعیت‌های نامناسب ایجاد گردیده‌اند (طور مثال، در معرض خطرات طبیعی قرار دارند).

یک پروسه تنظیم سازی افزایشی همچنان نیاز به شناسایی این دارد که دو حالتی سنتی/قدیمی در بین تصرف "غیر رسمی" زمین و مالکیت رسمی "زمین" کافی نمیباشد تا وضعیت را تشریح کرد که در کدام آن اکثریت افغانها زنده گی میکنند. تنظیم سازی، بجای جستجوی هرچه زودتر زمین که دارای

اکثریت شهروندان شهری را تحت تاثیر قرار داده است. میزان گسترده انکشافات آنرا به شکل غیر واقعی ارایه نموده تا مساکن/شهرک‌ها بتوانند بنحوی "شفاف/واضح" در نظر گرفته شده و با اسکان رسمی جاگزین شوند. بلکه چیزیکه نیاز است یک روش ارتقاء افزایشی و تنظیم نمودن معلومات موجوده میباشد. در انجام دادن چنین کار این ضروری است تا یک مجموعه محتویات/معیارها ایجاد گردیده تا تصمیم گرفته شود که کدام اسکان برای تنظیم نمودن مناسب‌اند و کدام آنها نامناسب‌اند به علت کشمکش‌های

شکل ۴.۸: رایج ترین انواع انکشاف شهری در افغانستان

	خانه های جداگانه	آپارتمان ها	نقشه های دولتی انکشاف زمین
قانونی	 <p>جلال آباد، ناحیه ۳</p> <ul style="list-style-type: none"> + موقعیت، کیفیت مسکن و تغییرپذیری (توسعه، بهسازی، انکشاف تدریجی، امنیت حق ملکیت، دسترسی به خدمات - نامناسب (گراف) برای قشر غریب (با درآمد کم) 	 <p>کابل، ناحیه ۸</p> <ul style="list-style-type: none"> + موقعیت، کیفیت مسکن، دسترسی به خدمات، امنیت حق ملکیت - نامناسب (گراف) برای اکثریت عمده مردم 	 <p>کندز، ناحیه ۵</p> <ul style="list-style-type: none"> + مناسب، افزایش تدریجی، امنیت حق ملکیت - گراف پایین خدمات در مراحل اولیه انکشاف، تراکم کم در آغاز
غیر قانونی	 <p>کندهار، ناحیه ۱۲</p> <ul style="list-style-type: none"> + مناسب و ارزان - انکشاف نامنظم و غیرپلانی، حق امنیت ملکیت بشکل نامشخص، (زمین غصب شده)، موقعیت ها بعضا برای انکشاف شهر مناسب نیست، نبودن خدمات و محدودیت آن. 	 <p>کابل، دامنه تپه</p> <ul style="list-style-type: none"> + مناسب (ارزان)، موقعیت، انکشاف تدریجی - حد اقل خدمات ابتدایی، حق امنیت نسبی برای ملکیت، دشواری بهسازی و هزینه بردار بودن آن، نبود دسترسی اضطراری به وسایط نقلیه و ترانسپورت 	 <p>کابل، کمپ بیجاشدگان داخلی ناحیه ۵</p> <ul style="list-style-type: none"> + مناسب، موقعیت، کمک بشر دوستانه - عدم اجازه بهسازی، خانهای غیر معیاری، فقدان امنیت ملکیت و تخلیه اجباری
	تقسیمات زمین	شهرک های خودسر	زمین

کرد تا بالای ارتقاء خانه های و فعالیت های تجارت محلی همراه با نتایج مثبت اقتصادی سرمایه گذاری صورت گیرد، همچنان تقویت تاثیرات مثبت متقابل را برای درک مردم از شهروند بودن و شمولیت آنها در شهر، ایجاد خواهد شد.

مالکیت مطلق باشد، جستجو میکند تا مردم را بطرف پیشرو در امتداد "تسلسل امنیت تصدی): از یک حالت ناسازگار به طرف اشکال انعطاف پذیری تصرف بالفعل به مالکیت de-jure نهایی حرکت دهد.

بلند بردن امنیت تصدی برای خانواده ها و کسب و کار انگیزه را ایجاد خواهد

چوکات ۴.۲:

تقسیمات خانه شهری



مسکن نامنظم و کم درآمد



مسکن منظم و درآمد متوسط و بالا

درکنار دیگر سرک، خالد زنده گی میکند که پدر ۵ طفل است، بخش از طبقه است که دارای سطح عاید حد اوسط میباشد. پدر او خانه کوچک اما پاک و کانکرتی را چند دهه قبل خریده بود، و در طول سالها خالد بعضی بهبود ها را در آن وارد نموده است. این حال برای فامیل او بشمول برادر و دو خواهر او یک خانه است. "ما خیلی خوشبخت هستیم که یک خانه مقبول میراثی داریم. ما خانه را به پول هنگفت فروخته میتوانیم بخاطریکه زمین آن خیلی قیمتی است، اما ترجیح میدهیم که در اینجا زنده گی کنیم. ما برق قابل اطمینان دارم و همسایگی هم محفوظ است."

این قصه ها نا برابری بزرگ را در جامعه افغانی نشان میدهد، چگونه این تاثیرات به خانه مناسب، خدمات و تصدی امنیت دسترسی حاصل کند، و چگونه در خیلی همسایگی های شهرهای افغانستان مردم فقیر و دارای عاید کم و مردم ثروتمند درکنارهم، البته در اوضاع خیلی متفاوت خانه زنده گی میکنند.

بعد از اینکه چند سال قبل شوهرش کیبا فوت کرد او به خانه برادر خود نقل مکان نمود. بیدون یک وظیفه و عاید منظم، او تنها با پسر خود تحمل اقامت را در خانه خود درکابل نداشت. برادر او یک خانه خامه را به کرا گرفته که چهار بزرگسال (برادر و خانم او، خاله و خود او) با ۱۳ طفل آنها در سه اتاق جایگزین شده اند. او پول ندارد تا کلکین های شکسته را ترمیم نماید، آنها کلکین ها را توسط پلاستیک پوش نموده اند که از روی سرک دریافت نموده اند. تشناب آنها یک غرفه مؤقتی است که در پشت سر حویلی موقعیت دارد که با سیستم بدرفت وصل بوده و باید هر هفته توسط دست خالی گردد. "ما خلی غریب هستم اما از عهده چیزیکه برآمده میتوانیم باید خوشحال باشیم. ما خیلی خوشبخت هستیم که بمبه دستت در حویلی خود داریم، کیفیت آب خیلی پائین است که همه وقت اطفال ما مریض میباشند. خاله من بیماری کرده داشت که تداوی آن به خیلی پول نیاز داشت."

هنگامیکه اطفال آنها در پشت سر حویلی بازی میکنند، آنها خانه سه طبقه یی همسایه خویشرا دیده میتوانند که از دیوار های گلی خانه آنها بلند میباشد. ۱۰ اتاق، ۵ تشناب و دو آشپزخانه فعلاً خالی است پس از اینکه کرایه نشین خانه را ترک کرد. "این خانه ها به دلیل فساد میباشند مردم مانند ما هیچگاه قادر به زنده گی کردن مانند آن نخواهند بود" شکیب میگوید، هنگامیکه از او در مورد خانه همسایه آنها پرسیده شد.

۴.۳

خانه سازی: یک خانه برای هر افغان

ضعیف قرار داشته و تحت-خدمات اند جایگزین شوند. در جاه های که شدیداً مورد رقابت قرار دارند، ازدحام بیش از یک چالش بزرگ میباشد. بسیاری از خانواده ها بیشتر از یک فامیل را جایگزین میکنند.

۸۶ فیصد اسکان شهر نشین موجود در افغانستان منحصی محلات رهایشی مطابق به تعریف اسکان بشر ملل متحد-هیتات از محلات رهایشی واجد شرایط اند که فاقد یک یا بیشتر یا عوامل اساسی ذیل اسکان مناسب میباشدند: (i) دسترسی به منبع صحی آب، (ii) حفظ الصحه بهمود یافته، (iii) مواد بادوام ساختاری خانه سازی، (iv) فضای مناسب زنده گی و (v) امنیت مالکیت.^۱

چارچوب قانونی و تنظیمی اداره زمین و راجستر نمودن ملکیت بی کفایت، مبهم و مکرراً فاسد بوده و برای خیلی مردم شهر نشین قابل دسترس نمیشد. راجستر نمودن و بدست آوردن سند هردو موارد آن خیلی مغلوق و پرهزینه است. تخمین گردیده است که تنها ۱۰٪ معاملات زمین در مطابقت با طرزالعمل های قانونی رسمی صورت میگیرد.^۲ مصارف که در راجستر نمودن زمین شامل است نیز یک مانع قابل توجه است که با سیستم رسمی بکار انداخته میشود: همراه با فیس/مزد محکمه که ۳٪ از مجموع نرخ زمین پرداخته میشود برعلاوه ۲٪ فیس/مزد نیز از مجموع نرخ زمین به شاروالی و وزارت مالیه پرداخته.

تحلیل وضعیت شهرهای افغانستان نشان میدهد که مجموع اسکان موجود در تمام ۳۴ مراکز ولایتی افغانستان به ۹۶۲۴۶۷ واحد خانه میرسد. (چوکات ۴.۳). اکثریت بزرگ اسکان موجوده خانه های غیر منظم، جداگانه و نیمه جدا گانه (۵۲۴۰۷۴ واحد) میباشد، خانه های جداگانه منظم (۳۱۵۵۵۶ واحد) میباشد؛ و خانه های دامنه تپه (۷۱۷۸۸) میرسد (شکل ۴.۱۱). کابل یگانه شهر است جایکه اپارتمانها از یک نقطه نظر شریک سازی خانه های موجوده به مجموع ۷،۸٪ میرسد (شامل ۲٪ اپارتمانهای دارای استفاده مختلط که منازل اول آن به مقاصد تجارتي مورد استفاده قرار میگیرند).

دسترسی به اسکان کافی/مناسب یک چالش عمده برای اکثریت افغانهای شهر نشین میباشد. طوریکه در فصل ۱ (اقتصاد شهر نشین) مورد آزمایش قرار گرفته است، فقر و نا برابری برای تقریباً یک سوم تمام خانواده های شهر نشین واقعیت های ناگوار بشمار میروند. این ترکیب همراه با کمبود اختیارات قابل تحمل اسکان و عرضه بیش از حد در خط بالایی مارکیت اسکان رسمی منتج به اوضاع ناگوار اسکان برای افغانهای میشود که سطح عاید آنها پائین و حتی در حد اوسط قرار داشته باشند.

طوریکه این مورد در خیلی کشور های که در حالت انکشاف سریع شهر نشینی قرار دارند، یک بخش بزرگ خانواده های افغانستان که دارای سطح عاید متوسط و پائین اند مجبور اند تا در اسکان غیر رسمی که در موقعیت

خانه خود ساخته شده غیر رسمی غالب شهرهای افغانستان



پروپوزل با استاندارد/معیارهای مختلف تمامیت ساختاری مطابقت داشته باشد. ضمناً دیپارتمنت های پلانگذاری مسؤولیت تأیید را بعهده دارند در صورتیکه در یک درخواست "به شکل منظم و مناسب" انکشاف شهری (طور مثال، عدم سازگاری با مشکلات اطراف/محیط زمین)، همچنان طرح های پلانگذاری ناحیه و محل گنجانیده شده باشد. هر پروسه معمولاً حاوی یک سلسله مراحل مشخص بیروکراتیک/کاغذپرانی میباشد، که تمام آن زمینه را برای فساد مساعد میسازند. در صورتیکه اجازه نامه صادر گردد (اجازده داده شود)، درخواست کننده مکلف است تا در مدت زمان سه سال تعمیر را تکمیل نماید. در عین زمان شاروالی مکلف است تا کارمندان خویشرا بفرستند که کار ساختمان را نظارت نموده و تطابق انکشاف را با پلان های منظور شده را تصدیق نمایند.

طرزالعمل بدست آوردن رسمی منظوری برای اجازه نامه پلانگذاری و اعمار نیز همانگونه مغلق، پرمصرف و زمان گیر است. پروسه با تحویل دادن یک فورم درخواستی/عریضه به مقام شاروالی/ناحیه آغاز میگردد، کسیکه بعداً تصدیق میکند در صورتیکه استفاده از زمین پیشنهادی تحت ماستر پلان مطابق به زون بندی نشان داده شود. کاپی های ماستر پلان یا هر حوزه به شکل علنی در اختیار مردم قرار ندارد تا پروسه را تکمیل نمایند. یک فعالیت ساده نیاز به ارائه نمودن چنان طرزالعمل باریک دارد که زمینه را برای فساد مساعد میسازد. با تعقیب نمودن آن، دیپارتمنت ملکیت های شاروالی باید بررسی نماید در صورتیکه مالک زمین کدام مالیه یی صفایی را پرداخت نکرده باشد. حقیقت که قرضه های مالیه صفایی بطور فعالانه بررسی نگردیده باشند اما تا حدی "انفعالی" در این روش هنگامیکه یک درخواست ارائه میگردد بیشتر برای مالکین زمین منع کننده میباشد که همراه با شاروالی معامله کند. سپس دیپارتمنت انجنیری تصدیق میکند در صورتیکه درخواست/

چوکات ۴.۳:

اشکال مسکن شهری در افغانستان

انواع اسکان در شهر های افغانستان را میتواند توسط هردو رسمی (اپارتمانها، خانه های جداگانه یا نیمه جداگانه) و اختیارات غیر رسمی اسکان طبقه بندی نمود. اختیارات اسکان غیر رسمی هر دو اند "غیر رسمی پلان شده اند" (طرح منظم اما مجوز ساختمان ندرت، عدم مطابقت با ماستر پلانها/سایر طرح های پلانگذاری و نبود اسناد رسمی زمین) یا "خودسر/خودبخود" (طرح و تصرف غیر منظم، طور مثال، دامنه های تپه).

کرایه حد اوسط ماهانه اختیارات اسکان رسمی تقریباً ۲ دالر/متر مربع است (کابل ۲،۸ دالر/متر مربع) در حالیکه کرایه ماهانه اسکان غیر رسمی در بین ۰،۶ و ۱ دالر/متر مربع میباشد. نرخ خرید یک خانه منظم تقریباً در حدود ۹۰۰-۷۰۰ دالر/متر مربع است (کابل ۱۵۰۰-۷۰۰ دالر/متر مربع) در حالیکه یک خانه نامنظم را میتوان به قیمت ۳۰۰-۱۵۰ دالر/متر مربع خرید. اختیارات خانه غیر رسمی خیلی قابل تحمل میباشد، با اینکه در بین ساحات مختلف تغییرات قابل ملاحظه وجود داشته و در شهر ها معمولاً توسط کیفیت پائین خانه ها و کمبود دسترسی به خدمات طبقه بندی میشوند.

انواع اسکان رسمی حاکمیت دارند. در عین زمان سکتور غیر رسمی شامل خانه های میباشد که بالای زمین های اعمارگردیده اند که زمین آن بصورت غیر رسمی بدست آورده شده است (بدین معنی که زمین آن تصرف شده، دهاقین غیر رسمی تقسیم نموده و فروش زمین به افراد، و اسکان "خود سر" در دامنه های تپه موقعیت دارند یا سایر اسکان غیر رسمی. این انواع مختلف از لحاظ کیفیت و نرخ تفاوت قابل ملاحظه دارند. جعبه ذیل مشخصات کلیدی انواع را به اساس نمونه های که از اسکان شهر های عمده نماینده گی میکنند، مطرح میکند. بررسی نمونه ها نشان میدهد که خانواده هایکه ماهانه توانایی مصرف بیش از ۱۰۰ دالر را برای محل اقامت ندارند (به حد اوسط) بدون اختیار باقی میمانند اما به تصرف خانه های خودسر مجبور میشوند (یا محل اقامت را با دیگران شریک میسازند). سکتور در اسکان خود سر به یک حد طبیعی ناامنی تصدی، محدودیت دسترسی به خدمات اولیه و مشکلات ازدحام میاید.

چوکات ۲،۴ انواع عمده اسکان را در شهر های افغانستان مورد بررسی قرار میدهد. خانه ها و اپارتمانهای جداگانه یا نیمه-جداگانه در سکتور

کمپ مهاجرین/کوچی ادیگر
%۱.۲

۱۲،۸۷۴ واحد

آپارتمان های چند منظوره
%۱.۰

۹،۲۲۶ واحد

آپارتمان

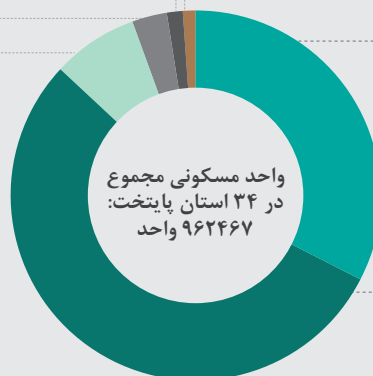
%۳.۰

۲۸،۹۴۹ واحد

دامنه کوه

%۷.۵

۷۱،۷۸۸ واحد



به طور منظم
%۳۲.۸
۳۱۵،۵۵۶ واحد

به طور نامنظم
%۵۴.۵
۵۲۴،۰۷۴ واحد



آپارتمان‌های در حال ساخت، کابل



خانه‌های خود ساخته غیررسمی، بامیان

جدول ۴.۱: نظرسنجی مسکن نمونه

انواع اسکان	سایز زمین (متر مربع)	ساحه طبقه / کف زمین (متر مربع)	متصرفین (مردم)	کرایه ماهوار (دالر)	ارزش (دالر)	آب	حفظ الصحه	تصدی
رسمی	آپارتمان، کابل	n/a	۹۰	۴	۲۵۰	۶۵,۰۰۰	چاه بدرفت/سپتیک یا کمودهای ساخته شده	مالک دارای اسناد زمین / مالک دارای دیگر اسناد (فروشات/ معاملات) / کرایه دهنده
	آپارتمان، سایز بزرگ	n/a	۱۵۰	۸-۹	۲۵۰-۳۵۰	۱۰۰,۰۰۰		
	آپارتمان، سایز متوسط	n/a	۸۰	۵-۷	۱۵۰-۲۵۰	۸۰,۰۰۰		
	آپارتمان، سایز کوچک	n/a	۵۰	۴-۶	۱۰۰	۴۰,۰۰۰-۶۵,۰۰۰		
	حد اوسط	n/a	۹۰	۶	۲۰۰	۸۰,۰۰۰		
	خانه، کابل	۳۰۰	۱۷۰	۹	۶۰۰	۲۵۰,۰۰۰		
	خانه به سایز بزرگ	۴۵۰-۳۰۰	۲۰۰	۱۰-۱۲	۳۰۰	۱۵۰,۰۰۰		
	خانه به سایز متوسط	۳۰۰-۲۰۰	۱۵۰	۱۰-۱۲	۲۵۰	۱۰۰,۰۰۰		
	خانه به سایز کوچک	۲۰۰	۱۰۰	۸-۹	۲۰۰	۵۰,۰۰۰		
حد اوسط	۳۰۰	۱۵۰	۹	۲۵۰	۱۰۰,۰۰۰			
غیررسمی	به کابل پلان شده	۴۰۰	۲۰۰	۷	۱۸۰	۵۰,۰۰۰	چاه بدرفت/سپتیک یا بیت الخلاء	معامله فروشات/ وراثت / کتابچه شاروالی
	به سایز بزرگ پلان شده	۵۰۰	۲۰۰	۸-۱۵	۲۰۰	۶۰,۰۰۰		
	به سایز متوسط پلان شده	۴۰۰	۱۵۰		۱۵۰	۴۵,۰۰۰		
	به سایز کوچک پلان شده	۳۰۰	۱۰۰		۱۰۰	۳۰,۰۰۰		
	حد اوسط	۴۰۰	۱۵۰	۱۱	۱۵۰	۴۵,۰۰۰		
خودسر، کابل	خودسر، کابل	۱۸۰	۱۲۰	۹	۱۶۰	-	چاه مشترک/نل های عمومی/تانکر های آب	بدون اسناد/ کتابچه شاروالی
	خودسر به سایز بزرگ	۶۰۰-۲۵۰	۲۰۰-۱۰۰	۱۰-۱۵	۶۰	۲۰,۰۰۰		
	خودسر به سایز متوسط	۱۵۰	۸۰	۷-۹	۵۰	۱۵,۰۰۰		
	خود سر به سایز کوچک	۱۰۰-۸۰	۷۰-۵۰	۵-۶	۴۰	۷,۰۰۰		
	حد اوسط	۱۵۰	۸۰	۹	۵۰	۱۲,۰۰۰		

۴.۴

خانه ها و تراکم نفوس

تراکم نفوس در شهرها قابل ملاحظه است، طوریکه این نشان دهنده اهمیت مؤثریت استفاده زمین شهری میباشد. در سطح جهانی، تراکم نفوس در دهه های اواخر روبره کاهش گردیده است.^۳ نتیجه افزایش در مصرف زمین را میتوان در بخش عواید بالای خانواده، افزایش تحرک شناسایی نموده و آرمان ها به سمت پیشرفت بیشتر به روش های زندگی غیر متمرکز میسازد. طوریکه یک روند پیامد های مشخص دارد و بیشتر ساحات دارای نفوس کم و افزایش و ساحات گسترده روبره افزایش برای خدمات خیلی پرهزینه داشته، مصارف اضافی ترانسپورت را بالای مردم تحمیل کرده و میتواند که تاثیرات منفی محیطی داشته باشد. در محتوای منطقوی، بطور عمومی شهرهای آسیایی خیلی متراکم هستند؛ که در حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ تن/هکتار میرسد، تقریباً دو چند تراکم امریکای لاتین و سه چند آن در اروپا.^۴

میدهد که نفوس را برآورد میکند: شناسایی یک شکل به اساس یک شمارش کلی خانه و حد اوسط تعداد فامیل ها بر هر خانه ۷,۵ نفر برای یک خط-پائین و ۹ نفر برای حد اوسط خط-بالا تخمین گردیده است. با استفاده از هردو برآورد های بالا و پائین، شهرهای افغانستان در مقایسه با دیگر شهرهای آسیایی دارای تراکم نفوس خیلی پائین میباشد. طور مثال، طوریکه شکل ۴.۱۲ حد اوسط تراکم شهر نشین (ساحه قابل ساخت به تعداد واحد های خانه تقسیم گردیده اند) را نشان میدهد که در کابل ۹,۸ Du/Ha است (در یک هکتار ۷۴ الی ۸۹ نفر (P/ha)) در حالیکه در کندهار ۵,۴ Du/Ha (در یک هکتار ۴۱ الی ۴۹ نفر (P/ha)) است.

ضمیمه ۱ میتودولوژی، روش پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان را نشان

جدول ۴.۲: تراکم نفوس که شهرهای انتخاب شده را برآورد میکند

تراکم خانه و نفوس	کابل	مزار	کندهار	کندهار	اسدآباد	نیلی	تمام ۳۴ شاروالی ها
مجموع خانه ها	۳۹۶,۰۹۵	۷۷,۶۱۵	۶۱,۹۰۲	۲۹,۸۷۷	۶,۳۵۰	۱,۹۹۴	۹۶۲,۴۶۷
مجموع ساحات رهائشی (هکتار)	۱۷,۳۳۵	۲,۹۸۹	۳,۸۶۵	۱,۴۷۹	۴۲۴	۸۳	۵۰,۵۲۹
مجموع ساحات قابل ساخت (هکتار)	۴۰,۱۴۳	۷,۵۴۶	۱۱,۲۹۹	۳,۰۵۹	۶۹۵	۲۳۹	۱۲۰,۲۵۹
تراکم خانه های رهائشی (DU / Ha)	۲۳	۲۶	۱۶	۲۰	۱۵	۲۴	۱۹
تراکم ساحات رهائشی (P /ha)	برآورد پائین	۱۷۱	۱۹۵	۱۲۰	۱۵۲	۱۸۰	۱۴۳
	برآورد بالا	۲۰۶	۲۳۴	۱۴۴	۱۸۱	۲۱۶	۱۷۱
تراکم خانه های شهر نشین (DU / Ha)	۹,۸	۱۰,۲	۵,۴	۹,۷	۹,۲	۸,۴	۸
تراکم شهر نشین P /ha	برآورد پائین	۷۴	۷۷	۴۱	۷۳	۶۳	۶۰
	برآورد بالا	۸۹	۹۳	۴۹	۸۸	۷۵	۷۲

خدمات خیلی مؤثر گردد.

خواه دولت ها منحیت پلانگذاری مؤثر، سرمایه گذاری های بنیادی، مالیات و تنظیمات ساختمان اقدامات عملی نمایند یا غفلت در عملی نمودن این اقدامات عوامل تراکم نفوس و زمین و نرخ های زمین را معین میکند. در افغانستان تراکم های شهرنشین به علت زمین غیر متصرف شده برای احتکار یا برای استفاده آینده امکانات شاروالی ها را محدود میسازد تا زمین دارای موقعیت بهتر قابل دسترس را پلانگذاری نموده و برای تراکم مناسب قابل دسترس برای فراهم سازی مؤثر خدمات بسازد.

این تراکم های پائین، و مروج سازی قطعات خالی غیر متصرف شده، فرصت قابل توجه را برای افزایش تراکم ها در شهر های افغانستان مساعد میکند تا رشد ساحات شهرنشین پیشبینی شده جایگزین گردد. شکل ۴.۳ نشان میدهد که چند سال رشد نفوس ساحه شهرنشین را میتواند بدون نیاز برای توسعه فضایی شهرها را گسترش داد در صورتیکه تمام قطعات خالی زمین انکشاف نموده باشد و در ساحات مسکونی تراکم افزایش یافته باشد. قطعات خالی زمین میتواند با استفاده های متفاوت زمین انکشاف داده شوند تا ساحات شهرنشین در افغانستان بهبود یابد، اما شکل ۴.۴ بالای عامل بالقوه برای انکشاف مسکونی منحیت یک نمونه توضیح دهنده برای معامله با مشکلات مشخص خانه سازی متمرکز است.

در کابل، تراکم نفوس تفاوت قابل ملاحظه دارد. طور مثال، تراکم نفوس در ناحیه ۴، که یک ساحه متحد قابل ساخت با ۲۵٪ انکشاف غیر منظم است، به ۳۵ واحد خانه در هکتار میرسد (۲۶۳ و ۳۱۵ تن در هکتار (P/ha)). در ناحیه ۶، یک ساحه که اندکی انکشاف نموده است که ساحات وسیع زمین خالی داشته و ۸۹٪ انکشاف غیر رسمی نموده، که تراکم آن تنها ۲۳ واحد خانه در هکتار (۱۷۳ الی ۲۰۷ نفر در هکتار) میباشد. برعکس نواحی ۱۸ و ۲۰ کابل به ترتیب تنها دارای تراکم ۸ و ۹ خانه در هکتار میباشد: همراه با هردو ساحات که کم انکشاف نموده اند و دارای زمین های خالی و سفید خیلی وسیع میباشد.

تفاوت های قابل ملاحظه داخل-شهری در تراکم مسکونی میتواند که به تعداد وسیع قطعات خالی زمین همچنان موجودیت ساحات وسیع که توسط استفاده نهادی تصرف گردیده است را نسبت دهد. طور مثال، در کابل تنها تراکم نفوس ساحات مسکونی ۲۰۶ نفر/هکتار است (برآورد بالا)، در حالیکه تراکم نفوس شهر بزرگ بصورت مجموعی ۸۹ نفر در هکتار (برآورد بالا) است.

تراکم زیاد نفوس میتواند که یک استفاده مؤثر فضای شهری را نشان دهد. تقویت پلانگذاری مناسب و مؤثر شهری میتواند منحیت یک اقدام جلوگیری کننده عمل کند تا با پراکندگی ساحات شهرنشین مبارزه نماید و شهرها را بیشتر متراکم ساخته و بدینگونه از نظر سرمایه گذاری زیربناء ها و ارایه

جدول ۴.۳: سناریو های رشد نفوس بدون نیاز برای توسعه ساحات شهرنشین در شهر های انتخاب شده

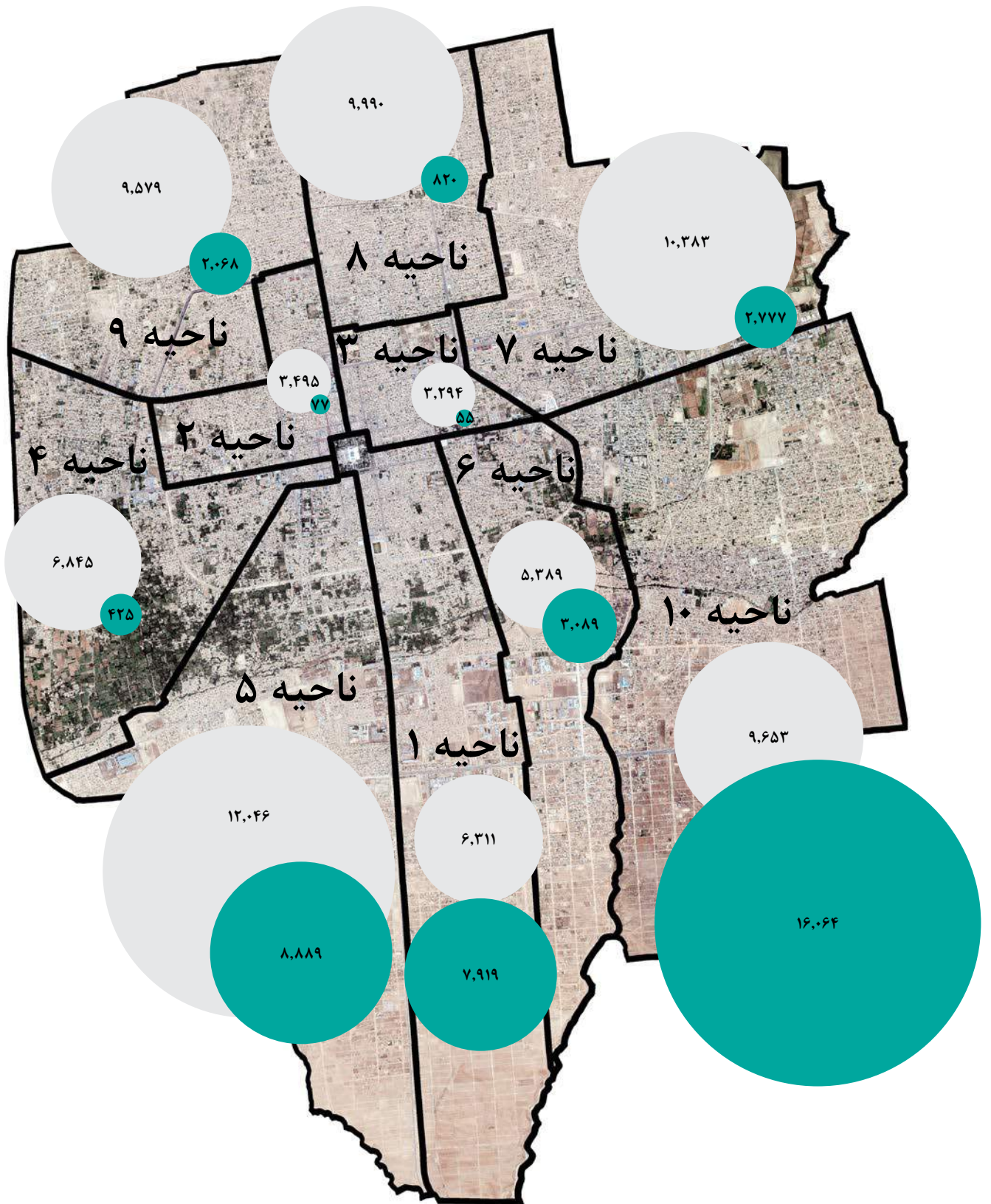
تمام ۳۴ شاروالی ها	نیلی	اسد آباد	کندز	کندهار	مزار شریف	کابل	
۱,۴۴۳,۵۹۷	۰	۲۷,۶۵۰	۲۶,۹۰۷	۲۱۵,۸۸۲	۰	۰	عامل بالقوه متراکم سازی ۹ (مردم) ^۷
۳,۶۰۱,۷۰۵	۸,۰۰۳	۸,۵۱۲	۵۵,۰۶۰	۳۷۶,۵۵۳	۳۷۹,۴۹۰	۱,۲۵۷,۴۵۵	عامل بالقوه قطعات خالی (مردم) ^۸
۵,۰۴۵,۳۰۲	۸,۰۰۳	۳۶,۱۶۲	۸۱,۹۶۷	۵۹۲,۴۳۵	۳۷۹,۴۹۰	۱,۲۵۷,۴۵۵	مجموع pop. انکشاف در ساحات قابل ساخت
۱۸	۱۴	۲۰	۱۱	۲۹	۱۸	۱۲	۲,۵٪
۱۳	۱۰	۱۴	۸	۲۱	۱۳	۹	۳,۵٪
۱۰	۸	۱۱	۶	۱۶	۱۰	۷	۴,۵٪

منبع: تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان

نیلی، ولایت دایکندی



جدول ۴.۹: تعداد فعلی خانه ها و واحد های بالقوه در هر ناحیه مزارشریف



واحد های مسکن
کنونی

واحد های
ساحات خالی
*۲۶*۰.۶۵ DU/
HA)

منبع: تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان - DIGITALGLOBE © تمام حقوق محفوظ است.
نوت: ساحه فرضی زمین های خالی * ۰.۶۵ هکتار فی قطعه × ۲۶ (خانه/هکتار)

۴.۵

عرضه و تقاضا

تا ۱۳ پروژه خانه سازی را همراه با ۱۹,۷۴۷ اپارتمان در کابل با حمایت تمویل کننده ایجاد کند، اگرچه برای مدت ۲۰۱۲-۲۰۰۱ تنها ۴,۱۱۷ آنها تکمیل گردیده اند.^{۱۴} اطلاعات وزارت امور شهرسازی نشان میدهد که ۱۸۵,۱۷۵ واحد آنها (شامل خانه‌ها و اپارتمانها) در کابل، هرات، مزار، کندهار و جلال آباد مانند شهرهای/قصبه (اسکان وسیع منظم خارج از ساحات شهری موجود) که پلانگذاری گردیده بود، تنها یک بخش کوچک آن اعمار گردید.^{۱۵}

تمام شواهد نشان میدهد که دولت، تاکنون قادر نبوده است تا به تقاضای خانه سازی رسیدگی نماید، هیچ ظرفیت مالی هم ندارد تا برای مردم فقیر یا گروه‌های که سطح عاید آنها پائین است، خانه‌های را برای آنها اعمار کند که به آنها کمک اقتصادی صورت گیرد. اپارتمانهای که توسط دولت اعمار گردیده اند طور مثال، ۳,۳۰۰ باب در "شهر امارات" به شکل شهرهای در کابل برای کارمندان دولت یا دیگر افراد وابسته توزیع شده است. کارمندان/ دریافت کنندگان باید قیمت خانه را در اقساط ۱۵ ساله پرداخت نمایند، هر چند هویدا است که نرخ‌های اقساط/گرونی از نرخ‌های مارکیت پائین است، برای خانواده‌ها بطور مؤثر کمک کننده است.

عرضه خانه‌های سکتور خصوصی محدود بوده و تقریباً بطور منحصر برای گروه‌های برآورده شده است که سطح عاید آنها بالا است. اپارتمانهای که توسط دولت و سکتور خصوصی ارایه گردیده اند نرخ هر باب خانه در حدود ۶۰,۰۰۰ دالر میباشد. عرضه خانه‌های رسمی تنها ۱۰-۵٪ مجموع تقاضای خانه را تحت پوشش قرار داده و برای متباقی ۹۵-۹۰٪ مردم غیر قابل تحمل میباشد.

فقر، نابرابری و قیمت خانه‌ها

فصل اول و سوم چالش‌های مشخص را واضح میسازد که افغانستان در برابر فقر و نابرابری به آن مواجه است. با وجود رشد قابل توجه اقتصادی

تقاضا برای خانه‌ها در افغانستان به علت شهرنشینی/شهرسازی و رشد نفوس سریع کشور بالا میباشد. دولت و سکتور خصوصی قادر نیستند تا خانه‌های را به حد کافی ایجاد کنند که برای مردم دارای عاید-کم قابل تحمل باشد تا مطابق به تقاضا پاسخگو باشد.^{۱۶} مطابق به سروی که در ۵ شهر عمده توسط حرکت (Harakat) انجام گردیده بود، ۹۴٪ ساکنین که دارای سطح عاید-پائین اند، نیاز به خانه‌های جدید/بهبود یافته دارند.^{۱۷}

رشد سالانه ۴٪ نفوس شهر نشین (رشد طبیعی+مهاجرت روستایی-عودت کننده گان و بیجاشدگان داخلی) برای ۵ سال آینده (۲۰۱۵ الی ۲۰۱۹) و ۳.۵٪ برای سالهای ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۵ پیش بینی گردیده است، تقاضا برای خانه در حدود ۴۱,۷۰۴ واحد در هر سال میباشد که بین سالهای ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۵ به ۴۳,۹۵۶ گسترش میابد (جدول ۴.۴). این ارقام بزرگ شامل جمع شدن فعلی خانه نمیشد و نیازمند است تا خانه‌های فعلی بهبود یابند.

شکل ۴.۵ برآوردهای رشد نفوس را (تعداد خانواده‌ها) از ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۰ مطابق با عاید خانواده‌ها (عاید بالا، پائین و خیلی پائین) و یک برآورد اینکه چقدر خانواده‌های مربوطه میتوانند که در هر ماه بالای خانه بدون سبب گسترش توسط نرخ خانه را نشان میدهد. اختیارات فعلی خانه‌ها، به استثناء گروه‌های که عاید-پائین دارند ۷۸٪ نو وارد را در بازار خانه سازی همراه با خانواده‌های که عاید آن تحت خط فقر (عاید هر شخص در هر ماه کمتر یا برابر به ۱,۷۱۰ افغانی) است، نشان میدهد. ۶۵٪ خانواده‌ها تنها یک نفر درآورنده عاید (نان آور) دارد و در مجموع ۱۳٪ هیچ عاید ندارند. یک سروی خانواده‌های بیجاشدگان داخلی نشان میدهد که عاید ۹۱٪ فامیل‌ها کمتر از ۳۰ دالر در هر ماه میباشد.^{۱۸}

در بین تقاضا و عرضه برای خانه سازی خیلی خلاء بزرگ وجود دارد، و همراه با شهرنشینی سریع، هر سال بدتر میشود. دولت افغانستان پلان داشت

کمپ مهاجرین مسلخ و عودت کنندگان، هرات



در عوض، اختیارات بیشتر امکان پذیر که به تقاضای خانه رسیدگی نماید نیاز به اکتشاف خواهد داشت. در میان اینها روش های موجود بوده میتواند که در کشور های دیگر مورد استفاده قرار گیرد، مانند طرح/نقشه های "محلات و خدمات" جایکه بعضی خدمات اولیه و خانه که بعد از قطعه زمین فراهم میگردد تا خانواده ها خانه های خود را در طول زمان بطور افزایشی انکشاف داده بتوانند. در افغانستان، خانه های عاید پائین یک خانه تقریباً ۱۵,۰۰۰ دالر یک اختیار باشد برای گروه های که سطح عاید آنها پائین و متوسط است، در صورتیکه دولت بتواند تا زمین را در موقعیت های خوب فراهم سازد، و یک سیستم منصفانه و شفاف توزیع زمین را بر اساس رسیده گی به مستفید شونده گان معین تنظیم کرده بتواند. در آن عامل بالقوه وجود دارد حتی که نرخ های خانه را خیلی کاهش دهد در صورتیکه به اساس ساختار ساده اعمار گردیده و بصورت افزایشی بر اساس امکانات مالی و نیاز خانواده ها توسعه یافته باشد. دارایی خانه ها نیز به بررسی عمیق نیاز خواهد داشت طوریکه فعلاً مارکیت/بازار مؤثر اقساط/گرو در کشور وجود ندارد.

در سالهای اخیر، مردم فقیر افغانستان در اوضاع زندگی خویش انکشاف ناچیزی نموده اند، که به شکل برجسته بالای اوضاع خانه های این گروه ها تاثیر نموده است.^{۱۶} برای ۷۸٪ فامیل هایی که حد اکثر ۱۰۰ دالر را در هر ماه برای خانه مصرف میکنند (فامیل هایی که سطح عاید آنها خیلی پائین، پائین و بعضی ها عاید متوسط دارند)، این خیلی دشوار است تا در سکتور خانه سازی منظم صاحب یک باب خانه شوند. مطابق به د افغانستان بانک (بانک مرکزی افغانستان)، این امکان پذیر نیست که ضرورت خانه را برای آنانی بر آورده سازد که دارای سطح عاید پائین و متوسط اند که از طریق روش های تجارتي تشخیص خواهند شد، مانند خانه های سب سایدی که در محدودیت مالی افغانستان ارایه میگرددند.^{۱۷}

حد اوسط نرخ یک ساختمان در حدود ۶۰,۰۰۰ و ۸۰,۰۰۰ دالر برای یک اپارتمان جدیداً اعمار شده پنداشته میشود، مجموع نرخ ۴,۳۸۰ باب خانه در هر سال ۳,۵ الی ۲,۶ میلیارد دالر میشود. این مستثنی از قیمت زمین و عرضه خدمات اولیه میباشد. ظرفیت محدود مالی فامیل ها، کمبود دسترسی به سیستم مالی، محدودیت اختیارات برای سب سایدی های دولت و کمک تمویل کننده یک روش ناممکن را ارائه میکند.

جدول ۴.۴: تقاضای پیشبینی شده خانه ۲۰۱۵-۲۰۲۵

تقاضای سالانه خانه ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۵	تقاضای سالانه خانه ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۰	خانه های شهر نشین			
		۲۰۲۵	۲۰۲۰	۲۰۱۵	
۱۸,۰۹۰	۱۷,۱۶۳	۵۷۲,۳۵۸	۴۸۱,۹۱۰	۳۹۶,۰۹۵	کابل
۱۲,۲۸۰	۱۱,۶۵۱	۳۸۸,۵۵۱	۳۲۷,۱۴۹	۲۶۸,۸۹۳	هب های منطوقی
۵,۸۷۱	۵,۵۷۰	۱۸۵,۷۶۷	۱۵۶,۴۱۰	۱۲۸,۵۵۸	هبت های تجارتي و ترانزیتی
۶,۲۴۴	۵,۹۲۴	۱۹۷,۵۴۹	۱۶۶,۳۳۱	۱۳۶,۷۱۲	مراکز ولایتی
۱,۴۷۱	۱,۳۹۶	۴۶,۵۴۲	۳۹,۱۸۷	۳۲,۲۰۹	قریه های شهر نشین
۴۳,۹۵۶	۴۱,۷۰۴	۱,۳۹۰,۷۶۷	۱,۱۷۰,۹۸۸	۹۶۲,۴۶۷	مجموع

یادداشت: رشد نفوس سالانه شهری در بین سال های ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۰٪ ۴.۰، و ۳.۵٪ در بین سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۵ میباشد (فرض پنداشتن کاهش حاصلخیزی. بر علاوه موجودیت خانه های موجود نیاز دارد تا بهبود یابد و در بعضی حالات تعویض شوند).

جدول ۴.۵: تقاضای سالانه خانه شهر نشین (۲۰۱۵-۲۰۲۰) نو وارد ها توسط توانایی عاید و پرداخت

گزینه های کنونی مسکن	حد اکثر. مصارف خانواده (دالر/ماه)	رشد سالانه (تعداد خانواده ها)		گروپ های عاید
		رشد کل %	# واحد	
Squatting. شریک ساخت با فامیل ها/دوستان	USD ۵۰-۰۰ (AFN ۲,۸۵۰)	٪۳۴,۲	۱۴,۲۶۳	خیلی عاید پائین
کیفیت پائین، ازدحام بیش از حد و معیار فرعی خانه در اسکان غیر رسمی	USD ۱۰۰-۵۱ (AFN ۵,۷۰۰-۲,۸۵۱)	٪۴۳,۴	۱۸,۰۹۹	عاید پائین
خانه دارای کیفیت ضعیف در اسکان غیر رسمی یا تقسیمات غیر رسمی زمین	USD ۲۵۰-۱۰۱ (AFN ۱۴,۲۵۰-۵,۷۰۱)	٪۱۶,۰	۶,۶۷۲	عاید متوسط
خانه های رسمی	USD ۲۵۰< (AFN ۱۴,۲۵۰<)	٪۶,۴	۲,۶۷۰	عاید بالا
		٪۱۰۰	۴۱,۷۰۴	مجموع

اقدامات بعدی

- قطعات خالی و سفید زمین و تراکم پائین نشان می‌دهد که کمبود زمین شهری وجود ندارد؛ چالش اینست تا تراکم، عرضه خدمات، و آماده نمودن قابل تحمل زمین این زمین و قابلیت دسترسی برای گروه‌های دارای عاید متفاوت به حالت مطلوب انکشاف یابد. رشد نفوس را میتوان بیدون نیاز به گسترش فضایی برای چندین سال جایگزین گردد. برای پلانگذاری مؤثر و فعالیت در سکتور زمین اشداً ضرورت است که مدیریت شهرها بهبود یابد تا اطمینان حاصل گردد که پروسه شهر نشین سازی به تمام جامعه افغانی مثمر واقع شود.
- میزان ارائه شده چالش فراهم نمودن خانه مناسب، پاسخگویی به یک پالیسی ملی هرچه زودتر نیاز است. برای بهبود سازی پالیسی خانه سازی و چارچوب تنظیم کننده هنوز هم خیلی دیر شده است؛ اقدامات هرچه زودتر شامل: (i) ایجاد یک پالیسی ملی زمین و خانه سازی شهری؛ و (ii) مرور و حمایت پالیسی ارتقاء اسکان غیر رسمی که برای دو سال به شکل مسوده باقی مانده است، شده میتواند و تا حال توسط کابینه تصویب نگردیده است.
- طوریکه عرضه خانه‌های جدید به شکل ناکافی ادامه خواهد که تقاضای موجوده و آینده را برآورده سازد، برای از بین بردن بحران خانه در شهرهای افغانستان یک روش راه-دوگانه پگراماتیک (twin-track) را بکار برید. یک راه (track) شامل تنظیم سازی اسکان است تا اسکان غیر رسمی موجوده را قانونی نموده و ارتقاء دهد، و اسکان غیر رسمی را که تلقی میشود که در موقعیت‌های نامناسب (طور مثال، دامنه‌های تپه، اسکان که مایل به سیلاب‌ها هستند، بعداً بشکل نامناسب مورد استفاده قرار میگیرند و غیره) تصرف میشوند را تغییر موقعیت دهد. دوهم ایجاد نقشه‌ها/ طرح‌های خانه‌های ارزان میباشد که شامل تقسیمات زمین میباشد.
- بمنظور اطلاع دهی طرح پالیسی جدید و فعالیت‌های پروگرام، بیشتر به اطلاعات دقیق نیاز میباشد. به همین منظور، توصیه می‌گردد تا تشخیص عمیق وضعیت سکتور خانه سازی به عهده گرفته شود. مطالعه باید بررسی کند که کدام ورودی‌های کلیدی (زمین، کارگر، دارایی، زیربناء، مواد ساختمانی و غیره)، کارکرد مؤثر این سکتور را محدود می‌سازد؛ و بیشتر تحلیل عمیق پیشبینی عرضه خانه‌ها، تقاضا و تحمل پذیری بعهد گرفته شده. مطالعه باید همچنان مارکیت خانه‌کرایبی را همراه با فهمیدن بهتر آن، بهبود دادن آن، و افزایش حقوق و شرایط زنده‌گی کرایه دهنده را مورد بررسی قرار دهد.
- ساحات وسیع زمین که توسط "قطعات خالی" تصرف گردیده برنامه‌های اختیاری باید روی دست گرفته شود که شامل ان: (i) انجام دادن یک ارزیابی عمیق تا معین گردد که کدام ساحات زمین "غیر رسمی" تقسیم شده قابل دوام هستند و باید داخل پلان‌های رسمی مدغم شوند، و اگر اقدامات عملی گرفته شود تا با متصرفین زمین محاسبه صورت گیرد؛ (ii) بهبود یافتن رژیم مالیات (قطعات خالی زمین تحت سیستم مالیاتی صفایی نمیباشند) تا استفاده مؤثر زمین آماده به کار بیشتر بهبود یابد، طور مثال، برای ترک نمودن خالی و غیر انکشاف یافته زمین یک دارای منع کننده فراهم گردد؛ (iii) بهبود انکشاف در قطعات خالی تا از پراکندگی بیشتر ساحات شهر نشین جلوگیری صورت گیرد، میباشد.
- به اشکال جدید پلانگذاری مؤثر فضایی (مانند پلان کاری شاروالی) نیاز است تا با واقعیت‌های شهر نشین سازی سریع در افغانستان مقابله نمایند. پلانگذاری باید همراه با دارایی و فعالیت‌ها/اقدامات فوری ارتباط داشته باشند تا اطمینان حاصل گردد که پلان‌ها تطبیق می‌گردند. پلانگذاری باید در مطابقت با پالیسی‌ها و یک چارچوب تنظیم کننده (زمین، تنظیم سازی-ارتقاء دادن اسکان و خانه) باشد، و توسط پذیرش نتایج مختلف انکشاف شهری و خانه سازی حمایت گردد. این باید در نیاز مندی‌های پیشرفته زیربناء و موقعیت شناسایی گردیده و برای متراکم سازی انگیزه ایجاد گردد و برای انکشاف پراکندگی شهری انگیزه ایجاد گردد، و انکشاف شهری استراتژیک مختلط همراه با میزان اقدامات محلی توسط انکشاف دهنده گان و جوامع.

1. Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey: Kabul, Afghanistan.
2. UNAMA. (2014). The Stolen Lands of Afghanistan and its People, the legal framework, Rule of Law Unit: Kabul, Afghanistan.
3. Angel, S. J., Parent, Civco, D. L. and Blei, A. M. (2010). Atlas of Urban Expansion. Cambridge, Massachusetts: Lincoln Institute of Land Policy. <http://www.lincolninst.edu/subcenters/atlas-urban-expansion>
4. UN-Habitat. (2010). The State of Asian Cities: Asia and Pacific 2010/2011: Fukuoka, Japan.
5. Total number of dwellings divided by the total residential area
6. Total number of dwellings divided by the total built-up area
7. Increase residential densities to 200 P/ha
8. 65% of all vacant plots developed for housing at current residential densities for each city (assuming 9 persons/dwelling)
9. Based on 3 scenarios of annual population growth (2.5%, 3.5% and 4.5%)
10. Fitrat, A. Q. (2010). Building a vibrant Afghanistan affordable housing market, Asia-Pacific Housing Journal, vol.4, No. 11.
11. Harakat. (2014). Mortgage market assessment in 5 major cities of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
12. World Bank. (2014). World Development Indicators.
13. Welt Hunger Hilfe. (2015). Post Distribution Monitoring Winter Assistance 2014-2015 Kabul Informal Settlements sample size: 1,204 / Population: 8,000 Families (in 52 KIS)
14. Rabbani, S. M. (2014), Study of Kabul housing market, Afghanistan Investment Support Agency: Kabul, Afghanistan.
15. Harakat. (2014). Mortgage market assessment in 5 major cities of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
16. Harakat. (2014). Mortgage market assessment in 5 major cities of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
17. Delawari, N. (2013). Housing Finance Program in Afghanistan. Da Afghanistan Bank: Kabul, Afghanistan.

بهبود مسکن در ناحیه ۲، شهر هرات



در تمام شاحص ها اقشار آسیب پذیر و فقرای شهری به ویژه زنان و کودکان بیشتر در معرض خطرات محیط فقیر شهری فرار دارند.

حتی در شهرها، جمع آوری آب روزانه برای بسیاری از جوانان کار سختی میباشد.



شهرها برای زندگی: محیط شهری

پیام های کلیدی

- دسترسی به **خدمات صحتی** در سطح پایین قرار دارد که چنانچه صرفاً ۲۹ فیصد ساکنین شهری دارای سهولت های صحتی بهداشتی میباشند. هیچ یک از شهرهای افغانستان دارای سیستم فاضلاب فراگیر نمی باشند. دسترسی به منابع آب در شهرها نسبتاً بلند است (۷۱ فیصد)، با توجه به چاه های آلوده و آلودگی آب های زیرزمینی، در حال حاضر، این رقم موضوع جدی آب دارای کیفیت را تشکیل میدهد. تنها ۱۴ فیصد خانه های مسکونی به تامین آب از طریق شبکه آبرسانی دسترسی دارند.
- در حالی که دسترسی به **نیروی برق** در شهرها نسبتاً بلند است (۸۵ فیصد)، برق مذکور نامنظم و نا مطمئن است. تقریباً همه افغان های که در شهر زندگی مینمایند (۹۹ فیصد)، هنوز هم در زمستان ها برای تسخین و پخت و پزاز مواد سوخت جامد کار میگیرند که این امر در نتیجه مشکلات صحتی را، به ویژه برای زنان و اطفال بار می آورد. بخاطر بهبود تنوع و تهیه مستمر انرژی در پهلوئی اتکالی محض بالای شبکه برق، باید از راهکارهای مختلط استفاده شود.
- **مدیریت مواد فاضله** احتمالاً یکی از مهم ترین مسایل مبرم محیطی در همه شهرهای افغانستان میباشد. تخمینات نشان میدهد که تنها بخشی از مواد فاضله جمع آوری شده و به آن رسیدگی میشود. حتی محافظه کارترین برآورد ها نشان میدهد که شهر کابل سالانه ۶۰۰ هزار تن مواد آشغالی از خود به جا میماند که هرگاه مواد مذکور به شکل کافی جمع آوری و مورد رسیدگی قرار گیرد، تقریباً ۵۰ فیصد بودجه کنونی شاروالی را دربر میگیرد.
- **زراعت** بخش مهم محیط شهری را تشکیل میدهد. به شکل اوسط ۳۴ فیصد استفاده زمین در ۳۴ مرکز شهر را زراعت تشکیل میدهد. این رقم معادل ۱۲۵۸۵۰ هکتار زمین شهری (اضافه تر از مجموع اراضی شهر کابل) را دربر دارد. در اکثریت شهرها زراعت همراه با فارم های کوچک و بزرگ بزرگترین مساحت از استفاده زمین را دربر میگیرد و حتی زمین های زیادی را نسبت به ساحات رهایش پوشش داده است.
- **ساحات سبز و مزارع** بجز از سه شهر، در همه شهرها کمتر از ۲ فیصد مساحت زمین را احتوا میکند. برنامه ریزی برای سبز ساختن زمین های خالی و سفید و زمین های دیگر انکشاف نیافته فواید مضاعفی را برای صحت روحی و روانی، کاهش خطرات سیلاب، فرصت های بیشتر فعالیت های فیزیکی و هوای صحتی با کیفیت، بار می آورد.
- **مردم فقیر شهر نشین، به ویژه زنان و اطفال** از جمله اشخاصی اند که بیشتر از همه در معرض تاثیرات ناگوار یک محیط فقیر شهری قرار دارند. این گروه مردم اکثراً در زمین هایی زندگی مینمایند که نهایت پرمخاطره و از لحاظ تامین مواد غذایی نگران کننده میباشد (۳۴ فیصد نفوس شهری)، آب نوشیدن از ملوث ترین منابع آبی، استفاده سهولت های خیلی ها ناکافی، تحمل رنج فراوان از تهیه انرژی نامنظم و غیرقانونی و فراتر از توان خرید، و اینکه آنان بیشتر از همه در مقابل آفات طبیعی آسیب پذیر میباشند.
- شهرنشینی در افغانستان اکثراً در معرض **آفات طبیعی و تغییرات اقلیمی** قرار دارد. بیشتر از ۵۰۰ هزار ساکنین شهر در مناطقی زندگی مینمایند که بیشتر در آن زلزله به وقوع می پیوندد و بیشتر از ۵,۶ میلیون ساکنین در زون هایی زندگی مینمایند که دارای خطر متوسط میباشند.
- بین شهرها و **خدمات ایکوسیستم** شان روابطی وجود دارد که با همدیگر مرتبط میباشند. پلان گذاری منطقی که جلو گسترش نامنظم و ناموزون را بگیرد باید رویدست گرفته شود تا که خدمات ایکوسیستم های متذکره را به شمول حفظ منابع آب تازه اشامیدنی و مزارع حفظ نموده باشد.

۵.۱

خدمات: آب، بهداشت، انرژی و ترانسپورتیشن (حمل و نقل)

نلدوانی) میباشد. موانع کلیدی در برابر انکشاف شبکه آب نلدوانی شده شامل: ظرفیت پایین بدست آوردن دوباره مصارف و مخارجی که از ایجاد شبکه نلدوانی آبی متحمل میشود، سرمایه ناکافی مراقبتی بخاطر پرداخت وجوه / هزینه های کاربر، بهره برداری های غیر قانونی از آب نل و بلاخره این واقعیت که بسیاری از خانواده ها دارای منابع دیگر میباشدند (مثلاً چاه های خصوصی) که کدام هزینه ی بکار ندارد.

بهداشت صحتی آن امکاناتی میباشد که از لحاظ بهداشتی مواد مدفوع و طراحی انسان را از تماس با آن دور میسازد. دسترسی به بهداشت صحتی در شهرهای افغانستان به مقایسه دسترسی آنان به منابع آب صحتی، پایین تر است. مطالعات (NRVA ۲۰۱۱/۱۲) نشان میدهد که صرفاً ۲۹ فیصد جمعیت شهری دارای امکان بهداشتی صحتی میباشدند. امکانات بهداشت صحتی شامل تشناب های عصری (چه با داشتن سیستم فاضلاب ویا چاه سپتیک)، بیت الخلا های دارای امکانات تخلیه هوا و بیت الخلا های عادی که کف آن کانکریت است، میباشد. وضعیت متذکره بین ولایات کاملاً از هم متفاوت میباشد، اما در مجموع معمول ترین شکل بهداشت صحتی در شهرهای بزرگ افغانستان، بیت الخلاهای عادی و تشناب های عصری میباشد. (شکل ۵.۲)

بهداشت غیر صحتی شامل بیت الخلاهای عادی بدون تخت های سمنتی و فقدان سهولت متذکره و تغوط در مکان های سر باز میباشد. مطابق سروی تغذیه ملی، در ۲۷ ولایت، ۵۰ فیصد خانواده ها به بهداشت صحتی/ استفاده امکانات صحتی، از آنجمله شش ولایت (دایکندی، نورستان، کاپیسا، بادغیس، پکتیکا و پروان) ۹۰ فیصد به چنان امکانات، دسترسی ندارند.

علاوه برآن، هیچ یک از شهرهای افغانستان دارای سیستم فاضلاب فراگیر نمیباشند، در ۱۳ ولایت^۵ خانواده های آن به تشناب عصری که به سیستم فاضلاب وصل باشد، دسترسی ندارند، در حالی که در ۱۳ ولایت کمتر^۶ از ۱ فیصد خانواده ها دارای تشناب های عصری میباشدند.^۷ برعکس تانکهای سپتیک از جمله ابزاری میباشد که در کف زمین جا داده شده و مواد اضافی وفاضلاب مربوط خانواده از طریق آن تخلیه شده و به جاهای دور انتقال داده میشود.

شکل ۵.۲ نشان میدهد که وضعیت بهداشت در شهرهای بزرگ به صورت اوسط بلند است، خانواده هایی که در شهر کابل سروی شده اند همراه با مراکز منطقی، ۳۰ فیصد دارای امکانات تشناب عصری میباشد، در حالی که اضافه تر از (۵۵ فیصد) دارای بیت الخلا سنتی میباشد. هرات از جمله ولایاتی است که در آن فرهنگ تشناب های عصری با ۴۰ فیصد دارای بلندترین میزان میباشد که به تعقیب آن ولایت جلال آباد با ۳۵ فیصد و شهر مزارشرف با ۳۱ فیصد در درجه دوم و سوم قرار میگیرند.

موجودیت و دسترسی به خدمات و سهولت های اساسی در ساحات شهری تاثیر عمده ی را بالای کیفیت زندگی ساکنین شهرهای افغانستان وارد دارد. شیوه ی که به اساس آن خدمات پلان و عرضه میشود نیز تاثیری را بر چگونگی محیط طبیعی (محیط تخریب ویا حفظ میشود)، وارد مینماید.

آب و بهداشت

منابع آبی صحتی به منابعی گفته میشود که از هرگونه آلودگی خارجی مصون باشد. در شهرهای افغانستان، منابع آب صحتی شامل: پمپ های خصوصی ودولتی، چاه های عامه ویا آب نلدوانی شده میباشد. میزان دسترسی به آب صحتی و شبکه آبرسانی دولتی، در شهرهای افغانستان نسبتاً زیاد میباشد. مطالعه (UNICEF) در سال ۲۰۱۱ واضح ساخت که ۷۸ فیصد نفوس شهری به آب آشامیدنی صحتی مصون دسترسی دارند.^۱ NRVA ۲۰۱۱/۱۲ برآورد نموده است که ۷۱ فیصد خانواده ها به منابع صحتی آب دسترسی دارند (بزرگتر از ساحات روستایی با ۴۰ فیصد) میباشد.^۲

مطالعات سال ۲۰۱۴ کابل و چهار مرکز منطقی (هرات، مزارشرف، کندهار و جلال آباد) نشان میدهد که ۹۶ فیصد آنهایی که سروی شده اند به منابع آب صحتی دسترسی دارند.^۳

درحالی که در سراسر شهرهای افغانستان منابع آب صحتی بخش زیاد شهرها را تحت پوشش قرار میدهد، مهم است تا آب های مذکور مکرراً تست شوند تا معلوم شود که آب های مذکور میرا از امراضی ناشی از آب، مواد کمیابی و مواد آلوده دیگر باشد. به گونه مثال، در شهر جلال آباد اسهال خونی، کولرا و پیچش و اسهال حاد، حتی در خانه هایی که به شبکه آبرسانی دسترسی دارند، معمول بوده است و گزارشی وجود داشته که ۴۳ فیصد از خانواده های مذکور به امراض متذکره مبتلا بوده اند.^۴ منابع آب "غیر صحتی" در شهرهای افغانستان شامل چاه های حفاظ نشده، تانک های آب و آبهای جاری سطحی میباشدند.

زمانی که برای بدست آوردن آب لازم است نیز یکی از ابعاد مهم دسترسی به آب میباشد، به ویژه برای اطفال و زنانی که به اساس تقسیمات جنیستی کار داخلی، اغلباً آنهایی را تشکیل میدهند که بار تهیه و تدارک آب را به دوش دارند. معلومات مربوط به پنج شهر بزرگ نشان میدهد که به صورت اوسط، ۶۲ فیصد خانواده های سروی شده در واحد مسکونی شان دسترسی مستقیم با آب دارند، ۲۱ فیصد آن برای تهیه و تدارک آب ۱۵ دقیقه وقت کار دارند و ۱۰ فیصد دیگر برای تهیه و تدارک آب بین ۱۵-۳۰ دقیقه زمان، نیاز دارند. (شکل ۵.۱)

آبی که از طریق شبکه آبرسانی بدست می آید یک منبع مهم آب صحتی در همه شهرها میباشد. چنانچه در فصل دوم ذکر شد، اداره (AUWSSC) آبرسانی شهری افغان ها، فاضلاب و بهداشت، مسؤولیت بهره برداری، حفظ و مراقبت شبکه های آب نلدوانی شده را به عهده دارد. این اداره دارای سیستم بهره برداری آب نلدوانی شده در تقریباً نیمی از ۳۴ مراکز ولایت (جدول ۵.۱) میباشد. مقایسه معلومات مربوطه اداره مذکور همراه برنامه وضعیت شهرهای افغانستان، آمار برنامه (SoAC) یا برنامه وضعیت شهرهای افغانستان فیصدی خانواده هایی را نشان میدهد که به تهیه آب از طریق نلدوانی دسترسی دارند، رقم فیصدی خانواده های مذکور در هرات ۵۴ فیصد، در فیض آباد و تالقان ۲ فیصد (۱۷ شهر بدون کدام شبکه

چوکات ۵.۱:

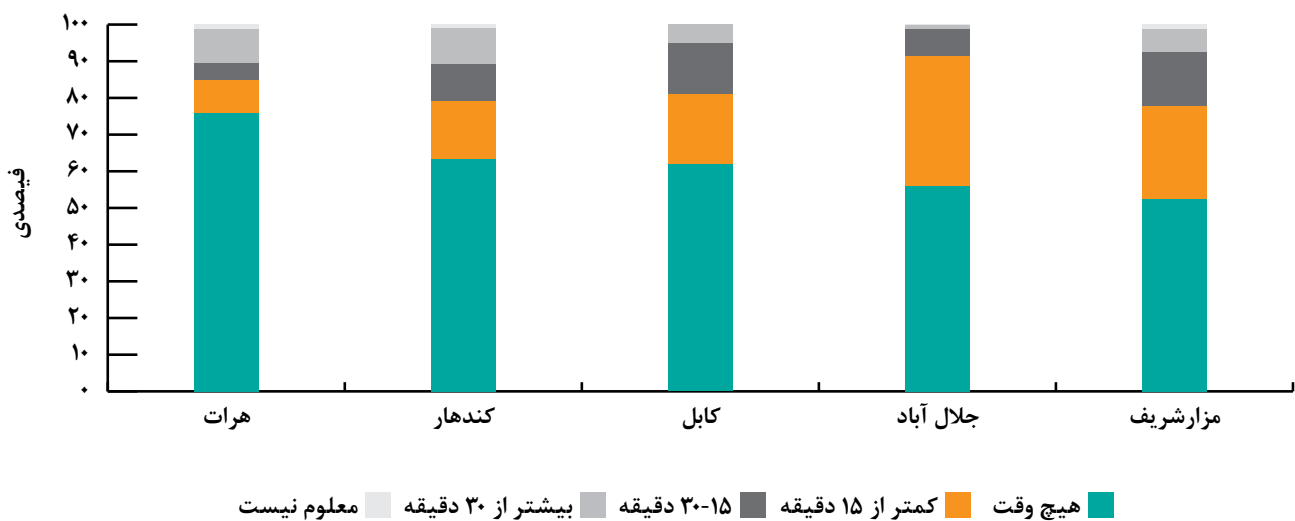
محیط شهری چیست؟

بهداشت، ترانسپورتیشن (حمل و نقل) و غیره میباشد که توام با نگرانی های طویل المدت در ارتباط با تغییر اقلیم، همسوایی و توافق با آفات طبیعی میباشد.

محیط شهری به فکتورهایی در شهر بستگی دارد که بالای رفاهیت فعلی و آینده ساکنین شهری و محیط شان تاثیر میگذارد. این موضوع در برگزیده مسایلی میباشد که در حال حاضر مهمترین آنها آب، انرژی،



شکل ۵.۱: زمان صرف شده برای تهیه آب در پنج ولایت بزرگ



منبع: SAMUEL HALL/PIN (2014)

مراکز ولایات	تعداد مجموعی ارتباطات AWSSC	حساب اقامت گزینی برنامه وضعیت شهرهای افغانستان	فیصدی فامیل های که دسترسی به آب نل دارد
چاریکار	۳,۷۹۰	۱۰,۶۷۱	٪۳۲
فیض آباد	۱۹۴	۱۰,۶۰۵	٪۲
گردیز	۱,۱۸۱	۷,۸۴۹	٪۱۴
غزنی	۲,۷۵۳	۱۵,۹۳۱	٪۱۶
هرات	۵۴,۰۹۰	۸۹,۷۹۰	٪۵۴
جلال آباد	۹,۷۷۶	۳۹,۵۸۶	٪۲۲
کابل	۴۵,۹۳۶	۳۹۶,۰۹۵	٪۱۰
کندهار	۵,۲۰۰	۶۱,۹۰۲	٪۸
کندهار	۸,۴۱۹	۲۹,۸۷۷	٪۲۵
مزارشریف	۲۰,۸۵۴	۷۷,۶۱۵	٪۲۴
مهرلام	۳۰۷	۳,۶۶۱	٪۸
پلخمری	۵۲۲	۲۴,۵۸۶	٪۲
قلعه نو	۲,۲۵۸	۷,۱۲۵	٪۳۰
قلات	۱۶۳	۵,۴۶۲	٪۳
شیرغان	۹۲۷	۱۹,۵۱۱	٪۴
تالقان	۷۷۰	۲۸,۶۹۱	٪۲
زرنج	۱,۶۴۰	۱۷,۸۷۸	٪۸

منبع: شرکت آبرسانی و کانالیزاسیون شهری افغانستان (AUWSSC)، سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان

چونکات ۵.۲: مشکلات آب

گل آلود و یا در هوای گرم آنها مجبور هستند برای ۸ خواهر و برادر دیگر فامیل خود آب تهیه نمایند. "برادرکلان من باید کار کند، لذا برادرم ما را بخاطر تهیه آب میفرستد. آب آوردن خوش ما می آید، زیرا ما دوستان خود را در آنجا ملاقات مینماییم و بعضاً آنجا فوتبال هم میکنیم. با آن هم، تهیه آب کار مشکل و طاقت فرساست زیرا بشکه ها بسیار سنگین میباشند."



نصیراحمد و برادری وی مک خان در شهر کندهار در حال تهیه آب

برای بسیاری افغانستان دسترسی به آب پاک آشامیدنی و تهیه آب برای پخت و پز، باکی و صفایی و بهداشتی، یک چالش بزرگ است. فریده همراه فامیلش در یک خانه زیبا در ناحیه ۹ لوی و باله، ولایت کندهار زندگی مینماید، که بعد از تقاعد شوهرش از خدمات نظامی به آنجا کوچ کرده اند. علی الرغم داشتن یک خانه راحت بخش، فریده در مورد تهیه آب روزمره نگرانی دارد. سطح آب در شهر کندهار به اندازه ی پایین است که پمپ دستی آنان کار نمیدهد، لذا وی مجبور است تا برای پرکردن ذخایر آب شان از برق دولتی استفاده نماید.

"ما یک روز در میان آب داریم." به مجردی که آب می آید، پمپ را چالان مینماییم تا سطل ها و تانکرهای ما از آب پر شود به اندازه ی آب میگیریم که مطمئن شویم آب مذکور برای روز بعدی هم کفایت نمی نماید. آب یک چیز قیمتی است، نمیتوانیم از آن برای بهداشت کار بگیریم. برای اینکار ما از آب باران استفاده مینماییم. قبل از اینکه آب چاه را بنوشیم باید اول آنرا بجوشانیم. اطفال ما بخاطریکه از این آبها استفاده می نمایند، سال چند مرتبه مریض میشوند. "هرگاه آنان بخاطر نبودن جریان برق به کمبود آب دچار شوند، فریده مجبور است بچه های جوان خویش را برای آوردن آب از چاه عامه که چند سرک آنطرف تر از خانه شان قرار دارد، بفرستد.

مانند فامیل فریده، بسیاری از اطفال، مادران و اعضای فامیل ها در تهیه آب کمک مینمایند. مثلاً برای نصیراحمد یازده ساله و برادرش مک خان، ۷ ساله تهیه آب یک کار روزمره شان را تشکیل میدهد. هر روز صبح آن ها کراچی دستی و بشکه های آب را گرفته از طریق سرک های

انرژی

خانواده ها روزانه به برق دوامدار دسترسی دارند (بالترتیب ۲۷-۳۷ فیصد)، در حالی که این فیصدی در شهر هرات به بلندترین حد آن ۶۷ فیصد و خانواده های کابل به ۵۶ فیصد میرسد.

علی الرغم پوشش افزایش یافته و تقریباً بلند برق، مطالعات (NRVA ۲۰۱۱/۱۲) نشان داده است که تقریباً همه خانواده های شهری (۹۹ فیصد) در تسخین خانه ها هنوز هم بالای مواد سوخت جامد، مانند ذغال بلوط، چوب و مواد اضافی متکی میباشند و برای پخت و پز شان ۳۲ فیصد آنان از مواد متذکره کار میگیرند. "استفاده خانواده از مواد سوخت عضوی مانند چوب و ذغال سنگ باعث میشود تا گازاتی از آن متصاعد شود که منجر به کثیف شدن هوا شود، گازات مذکور میتواند کاربن مونو اکساید و ذرات کوچک دیگر باشد. گازات متذکره نزد زنان فقیر و اطفال خورد سال زیاد می باشد، زیرا آنها اکثراً هنگام پخت و پز در معرض گازات متذکره قرار میگیرند. تاثیرات منفی گاز متذکره قرار ذیل میباشد: (۱) ابتلای حاد قنات تنفسی (سینه و بغل) در اطفال خورد سال، و مرض حاد طریقی تنفسی، مانند برانشیت حاد و نفس تنگی در بزرگسالانی میشود که برای چند سال در بخاری یا دیگدان بدون لوله تخلیه دود برای پخت و پز از مواد سوخت جامد، استفاده نموده است. " کاهش وابستگی خانواده ها از مواد سوخت جامد برای نهاد های صحت عامه شهری امر مهمی است که باید در نظر گرفته شود. بهبود دسترسی به منابع مصون تر انرژی میتواند مستلزم راهکار های مرکب استفاده منابع مختلف قابل تجدید ویا و غیر متمرکز باشد، چنانچه این موضوع در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته است که برای صنایع و تجارت، پوشش اندازه بیشتر و قابل اطمینان برق از اهمیت خاصی برخوردار میباشد.

حمل و نقل

سکتور ترانسپورت در مورد چگونگی عملکردهای یک شهر و توانایی ساکنین و اشیایی که باید به شکل مصون و موثر آن انتقال داده شوند، یکی از عناصر عمده و اساسی شمرده میشود. ملاحظاتی کلیدی ترانسپورتیشن در برگیرنده موارد ذیل میباشد: بخش مربوط نمونه های ترانسپورت (مانند وسایط نقلیه شخصی، ترانسپورت مشترک دولتی و خصوصی، وسایط نقلیه غیر موتوریزه و حتی پای پیاده)، وضعیت و شبکه بندی سرک، مصونیت ترافیک و عابرین، هزینه مربوط افراد (توان پرداخت پول) نیز

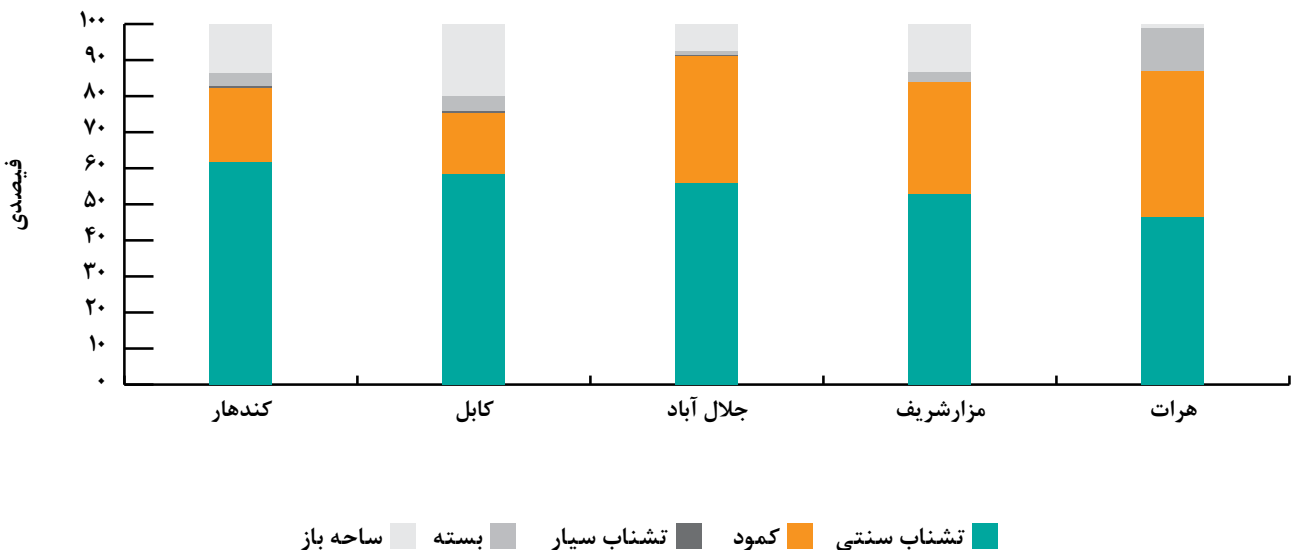
انرژی، چه از شبکه برق، مواد سوخت جامد، ویا منابع انرژی قابل تجدید مانند تدارک انرژی از طریق شمال و شعاع آفتاب، بلاخره به هر شکلی که باشد یکی دیگر از خدمات اساسی شهری بشمار میآید. ^۸ منابع عمده انرژی در افغانستان شامل نیروی برق آبی، گاز طبیعی و ذغال میباشد. دسترسی به انرژی در سراسر کشور طی دهه گذشته، به ویژه از طریق شمال و شعاع آفتاب به صورت قابل ملاحظه آن افزایش یافته است، که این شیوه صرفاً در مناطق روستایی معمول میباشد.

در مناطق شهری دسترسی آشکاره برق نسبتاً بلند است، به اساس گزارش NRVA ۲۰۱۱/۱۲، ۹۵ فیصد خانواده های شهری به منابع برقی دسترسی دارند. ^۹ اما در اکثر دسترسی های مذکور به منبع برق این رقم کاملاً فرق مینماید، قسمی که NRVA از افراد پاسخگو در این رابطه پرسیده که آیا آنها طی ماه گذشته به منبع برق دسترسی داشته بودند و یا خیر، موثقت دسترسی مذکور اندازه گیری نشده است. شبکه برقی در قدم اول یک منبع شهری میباشد که از ۴۴ فیصد پوشش در سال های ۲۰۰۸/۲۰۰۷ با ۸۵ فیصد طی سالهای ۲۰۱۱/۲۰۱۲ (به مقایسه دسترسی به ساحات روستایی ۵ فیصد و ۹ فیصد بالترتیب در عین مدت زمان) رشد کرده، نیروی برقی از طریق شعاع آفتاب صرفاً مشتمل بر ۴ فیصد انرژی در ساحات شهری طی سالهای ۲۰۱۱/۲۰۱۲ میباشد (به مقایسه ۲۹ فیصد در ساحات روستایی).

یافته های سروی بر اساس خانواده نمایانگر این امر است که روایت هایی وجود دارد که دسترسی به شبکه برق در شهرهای بزرگ کابل، مزار شریف، کندهار، هرات و جلال آباد، بهتر بوده و ۷۵ فیصد خانواده ها به شبکه برقی زیاد دسترسی داشته اند. از بین شهرهای بزرگتر، پوشش شبکه برقی در شهر مزار شریف (۸۶ فیصد) و در شهر جلال آباد در پایین ترین درجه پوشش (۶۳ فیصد) قرار دارد. ^{۱۰}

اما، صرفاً حد اوسط ۳۸ فیصد خانواده های سروی شده، در جریان روز برق دوامدار داشته، و علاوه اگر برای شبکه های برقی امکان داشته باشد، پیشنهاد میشود تا تهیه برق برای فیصدی بیشتر رقم متذکره تأمین شود. وضعیت، به ویژه در شهر کندهار چالش زاست، زیرا گزارشها نشان میدهند که صرفاً ۴ فیصد خانواده ها روزانه به شکل دوام دار برق دارند. گزارش میشود که در شهر جلال آباد و مزار شریف تقریباً یک سوم حصه

شکل ۵.۲: زمان مصرف شده برای استفاده از انواع تشناب های مشترک در ۵ شهر بزرگ

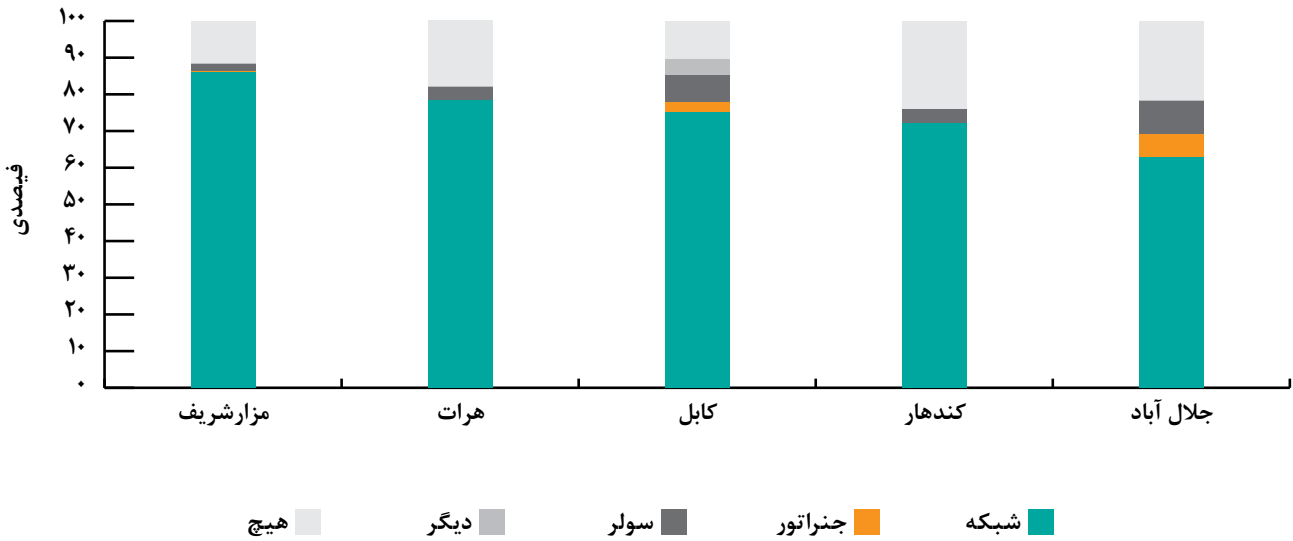


موضوعاتی میباشند که باید در نظر گرفته شوند.

با در نظر داشت ساحات شهری که به سرک ها تخصیص داده شده، این موضوع شاخص مهمی را در عملکرد سکتور حمل و نقل بازی مینماید، مسأله مهم است تا بخاطر داشته باشیم که بسیاری افغانها متکی به وسایط نقلیه بدون موتور بوده و وابسته به مود ترانسپورتیش میباشند. تحقیقاتی که در تهیه ماستر پلان کابل و ماستریلان هرات راه اندازی شده، نشان داده که ۳۳ فیصد رفت و آمدکننده های در شهر کابل^{۱۵} از شیوه ابتدای پای پیاده کارمیگیرند، و این رقم در شهر هرات به ۶۰ فیصد میرسد.^{۱۶} تحقیقات مذکور همچنان نشان داده که جوانان (بین سن ۲۵-

بخش عمده سرکهای شهری در افغانستان در وضعیت روبه خرابی قرار داشته که کار حرکت وسایط را شدیداً مشکل میسازد.^{۱۳} در بسیاری از شهر های افغانستان، ازدحام راه ترافیک یک مشکل روبه افزایش است، به ویژه اینکه میزان مالکیت موتور به شکل سرسام آور آن از میزان ۱۰ وسیله برای ۱،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۲ به ۳۵ موتور در هر ۱،۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ میرسد.^{۱۴} ازدحام ترافیکی بر علاوه حرکت، تاثیرات ناگوار برای سلامتی انسانها دارد و در آلودگی هوا نقش بسزایی ایفا میکند.

شکل ۵.۳: فیصدی استفاده از منابع برق در ۵ شهر بزرگ



منبع: سیستم معلوماتی جغرافیایی-پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان

شکل ۵.۴: نمونه های معمول وسایط نقلیه دولتی و مشترک بخاطر حمل و نقل مردم در شهرهای افغانستان

			
<p>تاکسی عمومی - تکی هایی که راکبین از آن مشترکاً استفاده مینمایند، عمدتاً برای مسافرت های کوتاه مدت داخل شهر ها و بین خود شهر ها استفاده میشود</p>	<p>زرنج / سه تاییر - وسیله نقلیه زرنج که دارای سه تاییر میباشد، در مناطق جنوب و شرق مروج است.</p>	<p>کاسترو مینی بس - در لین های از قبل تعیین شده مسافری را در ایستگاه های مشخص حمل و نقل مینماید، این وسایط نقلیه شخصی میباشند</p>	<p>ملی بس - از جمله وسایط نقلیه دولتی هستند که در مسیرهای مشخص مسافری را از ایستگاه های خاص میبردازند و یا پیاده مینمایند.</p>
میانگین هزینه برای هر سفر ۲۰ افغانی	میانگین هزینه برای هر سفر ۱۰ افغانی	میانگین هزینه برای هر سفر ۵-۱۰ افغانی	میانگین هزینه برای هر سفر ۵-۱۰ افغانی

تحقیقات ماسترپلان های هرات و کابل حاکی از این امر است که سیستم موجود بس ها، منی بسها و تکسی های با استفاده مشترک برای جمعیت در حال رشد مردم شهر، ناکافی میباشند.

چنانچه در فصل دوم خاطر نشان شد، در سالهای اخیر بخاطر تجدید سرکهای درجه سوم شوراهای محلی انکشافی به شکل قابل ملاحظه آن دست به کار شده اند (شکل ۵.۵). این کار، سیر و سفر را در ساحات رهایشی کاملاً بهبود بخشیده و بر علاوه کیفیت محیطی را اصلاح نموده و زمینه فضای پاک و ستاره را برای مردم مهیا ساخته است.

۱۵) مشتمل بر تقریباً ۴۰ فیصد مجموع رفت و آمد کنندگان و اطفال (بین سن ۱۴-۶) تقریباً (۲۶ فیصد) از شیوه پای پیاده کار میگیرند. به اساس گزارشات، برعکس زنانی که سن شان بالاتر از ۶۵ میباشد، معمولاً به جایی سفر نمی کنند.

ترانسپورتیست مشترک دولتی و خصوصی یک شیوه موفق ترانسپورت میباشد که باید منحیث موضوع مهم در نظر گرفته شود. شکل ۵.۴ مرور کلی گزینه ترانسپورت مشترک بارز دولتی را در شهرهای افغانستان، به دست میدهد. با در نظر داشت معلومات مکمل، شاخص های مربوط

شکل ۵.۵: بهبود بخشیدن وضع سرک ها- وضعیت و حالت سرک ها قبل، در جریان و بعد از بهسازی، مزار شریف



تهیه آب از چاه های عمومی، هرات



تعلیم تربیه

معلومات وزارت محترم معارف از کار افتادن و رکود یک تعداد مکاتب شهری و روستایی و جمعیت های شاگردان را گزارش میدهد. تعریف "شهری" که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است، نمیتواند مستقیماً به سرحدات جدید شاروالی نسبت داده شود (به فصل دوم مراجعه شود)، اما این مسأله برای درک چالش های خدمات تعلیم و تربیه در ساحات شهری مفید میباشد. طور اوسط تعداد مکاتب کمی وجود دارد که مصدر خدمت برای جمعیت بزرگتر نفوس ساحات شهری شود- این موضوع برای جمعیت های کنونی و در حال رشد جمعیت های شهری باعث ازدحام بیشتر و امکانات غیرکافی تعلیمی و تربیتی میشود.

تحلیل و تجزیه مکانی و جغرافیایی نشان میدهد که به صورت اوسط در شهرها ۴ فیصد زمین های شهری برای استفاده نهادی (مکاتب، شفاخانه ها، تاسیسات دولتی و نظامی) ، اختصاص داده شده است. احصاییه مربوط وزارت محترم معارف نشان میدهد که بیشتر از ۷ هزار مکتب (نیم مکاتب در سراسر کشور) وجود دارد که فاقد تعمیر میباشند، اما این معلومات در ساحات شهری و روستایی مجزا نمیباشند.

در مجموع شاگردان مربوط ساحات شهری نسبتاً در فاصله های کوتاه مکاتب موقعیت دارند، برعکس آن در مناطق روستایی، این موضوع نمیتواند یک فکتور مهم باشد زیرا بالای میزان ثبت نام در مکتب و حاضری تاثیر مینماید. در عوض شاید بیشتر مهم باشد تا مصونیت و دسترسی مسیرهای راه به مکاتب و مناسب بودن تعمیر مکاتب را مورد رسیدگی قرار دهیم.

مطابق معلومات وزارت محترم معارف، در سال ۲۰۰۷، نسبت ثبت نام فراگیر و چشمگیر در مکاتب در سطح ابتدایی ۱۲۹.۷ فیصد (۱۵۷.۹ فیصد برای بچه و ۹۹.۳ فیصد) برای دخترها تخمین زده شده بود و نسبت خالص ثبت نام ۶۰.۵ فیصد (۷۳.۶ فیصد برای بچه ها و ۴۶.۴ فیصد برای دخترها)^{۱۸}، بوده است. باید خاطر نشان کرد که: مطابق سروی ۲۰۰۷، گزارش شده که بین ۵ فیصد و ۲۵ فیصد ثبت نام شاگردان در هر ولایت "غیرحاضر دایمی" بوده اند.^{۱۹}

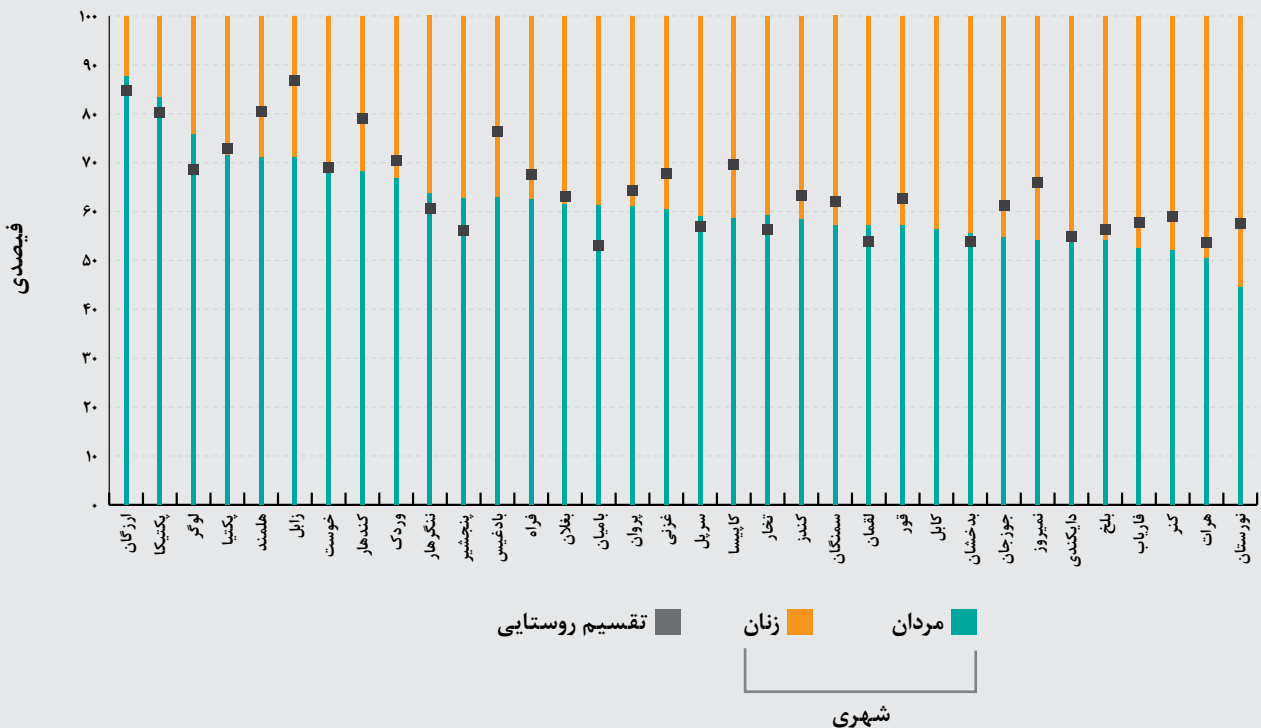
رسیدگی به میزان های ثبت نام از لحاظ جنسیت (جندر) نشان میدهد که در حالیکه فیصدی ثبت نام دختران در مکاتب شهر (۴۰.۸ فیصد) به مقایسه مکاتب روستایی (۳۸.۳۰ فیصد) تا اندازه ی بالا میباشد، روی هم رفته تفاوت زیاد تر مربوط ولایات میشود.

به گونه مثال در ولایت پکتیکا، فیصدی ثبت نام دختران در مکاتب شهری صرفاً ۱۶.۶ فیصد میباشد که کمتر از ۱۹.۴۶ فیصد ثبت نام در ساحات روستایی میباشد. از جانب دیگر این موضوع، در نورستان ۵۵.۴۵ فیصد شاگردانی که در مکاتب شهری ثبت نام نموده اند، راکشر انات تشکیل داده بود.

صحت

سکتور صحتی در افغانستان در ساحات شهری کشور به ویژه در مرکز و مراکز منطوقی تمرکز نموده است که در آن شفاخانه های ثانوی و سومی موقعیت داشته و در آن مناطق امکانات اولیه مراقبت صحتی، فراهم شده است. یک تعداد از شهر های کوچکتر، به شمول مراکز ولایتی و کوچکترین مراکز ولایتی دارای زیر ساختار حد اقل صحتی بوده

ثبت نام در مکاتب ولایت انتخاب شده روستایی/ شهری



منبع: وزارت معارف (۲۰۱۴)

افغانستان در حالت وقوع است. معلومات برنامه (SoAC) وضعیت شهرهای افغانستان در مورد تراکم نفوس، در امر برنامه ریزی موقعیت های تاسیسات جدید و تجدید جهت ویا توجیه کردن تاسیسات موجوده، میتواند مفید باشد. به صورت اخص موسسات غیر دولتی فراهم کننده مراقبت های صحی که شامل قرار داد میباشد و در نظر است تا بالای آن جمعیت هایی که خدمات مراقبت های صحی برای شان کمتر میرسد، تمرکز نمایند، به شکل قابل ملاحظه ی آن میتواند از معلومات به روز شده متذکره در مورد تقسیمات جمعیت سودی بدست آورد.

و جمعیت آنان بخاطر دسترسی به مراقبت های کافی صحی، به موانع قابل ملاحظه ی مواجهه اند. در مجموع، جمعیت های شهری نسبتاً در فواصل کوتاه تری از تاسیسات صحی قرار دارند و بنابراین، فاصله مذکور به تاسیسات برای اکثریت عظیم ساکنین شهری نمیتواند یک مانع عمده در امر دسترسی به مراقبت های صحی، باشد.

موقعیت فزیکي و ساحه پوشش کلنیک های صحی، در فراهم کردن مشخص مراقبت صحی ابتدایی و نزدیکی شان به جمعیت های مردم که میخواهند برای آنها خدمات صحی فراهم نمایند، در برنامه ریزی و پرداخت پول بخاطر مراقبت صحی در افغانستان، از جمله فکتورهای عمده محسوب میشود. مراقبت صحی ابتدایی از طریق شبکه های دولتی، خصوصی و فراهم کنندگان خدمات صحی رایگان (موسسات غیر دولتی) عرضه میشود و یک بخش عمده تخصیص بودجه دولت برای بخش صحی از طریق موسسات غیر حکومتی که بخاطر عرضه بسته اساسی خدمات صحی و بسته ضروری خدمات شفاخانه، قرار داد نموده اند، تخصیص داده شده است.

بادر نظر داشت اسکان شهری و رشد سریع جمعیت که در شهرهای



امکانات صحی در افغانستان



۵.۲

چشم انداز و نمای کلی محیط شهری

"نمای کلی شهر" دربرگیرنده تمام موارد از ساحات سبز طبیعی گرفته تا ساحات آباد و تا مناطق تاریخی و فرهنگی می‌باشد. همه این‌ها برای صحت روحی و روانی و آسایش فیزیکی ساکنین شهر، مهم می‌باشند. این محیط شهری بواسطه دخالت انسان و طرز استفاده زمین یا روبه خرابی میگذارد و یا هم حفاظت شده و شگوفا میشود.

مدیریت رسیدگی به مواد فاضله در شهرهای افغانستان یکی از عمده ترین مسایل می‌باشد که این امر به نوبه خویش بالای زمین و کیفیت آب تاثیر دارد. بدبختانه، درمورد بوجود آمدن مواد اضافی (اشغالی) کدام معلومات جامع وجود ندارد و معلوم نیست که چه فیصدی مواد مذکور جمع آوری میشود و چه فیصدی مواد مذکور بازیابی و به شکل درست به آن رسیدگی میشود. شواهد روایتی نشان میدهد که جمع آوری کنونی مواد فاضله در مقایسه رشد کنونی جمعیت های شهری افغانستان، ناکافی می‌باشد. این مسأله به کمک بعضی معلومات شهری خاص هرات، کابل و جلال آباد صورت میگیرد که نشان میدهد که یک تناسب مهم مواد اشغالی به شکل سیستماتیک آن جمع آوری نمیشود؛ این تناسب تقریباً سه بر چهار حصه در شهر کابل و یک بر دو حصه در شهرهای هرات و جلال آباد می‌باشد.^{۲۰}

مواد فاضله جمع آوری نشده و موادی که به آن رسیدگی نمیشود تاثیر بازاری در محیط طبیعی دارد. مواد فاضله معمولاً در بوقوع پیوستن سیلابهای محلی سهم عمده را بازی مینماید، زیرا مواد مذکور راه های آب رو و فاضلاب را مسدود ساخته و باعث کثیف شدن هوا و آب میشود.^{۲۱} مزید برآن، در ساحاتی که در آن مواد فاضله اغلباً جمع آوری نمیشوند در مقایسه با جاهایی که در آن مواد اشغالی جمع آوری میشود، وقوع حادثات اسهال حاد دو برابر و عفونت طرق تنفسی شش برابر می‌باشد.^{۲۲}

مدیریت و رسیدگی به مواد فاضله در شهرهای افغانستان یکی از عمده ترین مسایل می‌باشد که این امر به نوبه خویش بالای زمین و کیفیت آب تاثیر دارد. بدبختانه، درمورد بوجود آمدن مواد اضافی (اشغالی) کدام معلومات جامع وجود ندارد و معلوم نیست که چه فیصدی مواد مذکور جمع آوری میشود و چه فیصدی مواد مذکور بازیابی و به شکل درست به آن رسیدگی میشود. شواهد روایتی نشان میدهد که جمع آوری کنونی مواد فاضله در مقایسه رشد کنونی جمعیت های شهری افغانستان، ناکافی می‌باشد. این مسأله به کمک بعضی معلومات شهری خاص هرات، کابل و جلال آباد صورت میگیرد که نشان میدهد که یک تناسب مهم مواد اشغالی به شکل سیستماتیک آن جمع آوری نمیشود؛ این تناسب تقریباً سه بر چهار حصه در شهر کابل و یک بر دو حصه در شهرهای هرات و جلال آباد می‌باشد.^{۲۰}

تخمین زده میشود که حتی با این ارقام محافظه کارانه، کابل سالانه دارای ۶۵۳،۵۵۷ تن و روزانه (۱،۷۹۰) تن اشغالی می‌باشد. جمع آوری و رسیدگی لازم به مسایل بهداشتی این مقدار مواد اشغالی سالانه مبلغ تقریباً ۲۰ میلیون دالر امریکایی را احتوا مینماید که معادل به ۴۱ فیصد عاید شاروالی می‌باشد. این روند در مراکز منطقوی نشان میدهد که مدیریت مواد اشغالی مستلزم ۷۱-۴۵ فیصد عاید شاروالی می‌باشد. تغییر قابل ملاحظه ی در مراکز ترانزیتی، مراکز ولایتی و قصبات شهری وجود دارد. در برخی موارد، مانند فراه، عاید کافی وجود دارد که مدیریت مواد اشغالی صرفاً ۱۵ فیصد عواید آنرا دربرمیگیرد. در موارد دیگر برای این کار عواید کافی وجود ندارد تا مدیریت مواد فاضله را تحت پوشش قرار دهد. چنانچه جدول ۵.۲ نشان میدهد، فیصدی عاید شاروالی که برای مدیریت مواد فاضلات نیاز است، ۱۰۰ فیصد عاید متذکره را لازم دارد.

مدیریت و رسیدگی به مواد فاضله پرهزینه است و معمولاً یکی از مصارف بزرگ عملیاتی شاروالی را تشکیل میدهد. بانک جهانی به این موضوع ملتفت است که هزینه جمع آوری مواد مذکور در کشورهای دارای عاید

بازیافت در مقیاس کوچک در شهر جلال آباد

مواد زائد جامد جمع آوری نشده یک موضوع مهم در تمام شهرهای افغانستان است



جدول ۵.۲: تخمین تولید شدن کثافات و هزینه رسیدگی به آن

نوع شهر	شهر	تعداد خانه ها	برآورد بوجود آمدن مواد آشغالی (سالانه/ تن) (۱) (میزان ۱.۶۵ تن/ هر خانه)		هزینه / سالانه مدیریت برآورد مواد آشغالی (دالر امریکایی) به نرخ هر تن مبلغ ۳۰ دالر امریکایی (۲)	فیصدی عواید شاروالی (حد اوسط ۲۰۱۱-۲۰۱۳) (۳)
پایتخت	کابل	۳۹۶,۰۹۵	۶۵۳,۵۵۷	۱۹,۶۰۶,۷۰۳\$	٪۴۱	
	مرکز منطقی	هرات	۸۹,۷۹۰	۱۴۸,۱۵۴	۴,۴۴۴,۶۰۵\$	٪۴۵
		مزار شریف	۷۷,۶۱۵	۱۲۸,۰۶۵	۳,۸۴۱,۹۴۳\$	٪۶۰
		کندهار	۶۱,۹۰۲	۱۰۲,۱۳۸	۳,۰۶۴,۱۴۹\$	٪۷۱
		جلال آباد	۳۹,۵۸۶	۶۵,۳۱۷	۱,۹۵۹,۵۰۷\$	٪۵۹
مراکز تجاری و ترانزیتی	لشکرگاه	۳۰,۷۰۹	۵۰,۶۷۰	۱,۵۲۰,۰۹۶\$	٪۶۳	
	کندهار	۲۹,۸۷۷	۴۹,۲۹۷	۱,۴۷۸,۹۱۳\$	٪۱۵۲	
	تالقان	۲۸,۶۹۱	۴۷,۳۴۰	۱,۴۲۰,۲۰۵\$	٪۲۴۸	
	پلخمری	۲۴,۵۸۶	۴۰,۵۶۷	۱,۲۱۷,۰۰۷\$	٪۱۳۵	
	شبرغان	۱۹,۵۱۱	۳۲,۱۹۳	۹۶۵,۷۹۵\$	٪۲۲۹	
	زرنج	۱۷,۸۷۸	۲۹,۴۹۹	۸۸۴,۹۶۱\$	٪۲۱۹	
	میمنه	۱۶,۵۶۰	۲۷,۳۲۴	۸۱۹,۷۲۰\$	٪۲۲۵	
	غزنی	۱۵,۹۳۱	۲۶,۲۸۶	۷۸۸,۵۸۵\$	٪۷۲	
	خوست	۱۱,۷۸۷	۱۹,۴۴۹	۵۸۳,۴۵۷\$	٪۴۶	
	چاریکار	۱۰,۶۷۱	۱۷,۶۰۷	۵۲۸,۲۱۵\$	٪۱۴۵	
مراکز ولایتی	فیض آباد	۱۰,۶۰۵	۱۷,۴۹۸	۵۲۴,۹۴۸\$	٪۱۴۷	
	ترینکوت	۷,۹۵۶	۱۳,۱۲۷	۳۹۳,۸۲۳\$	٪۳۰۰	
	گردیز	۷,۸۴۹	۱۲,۹۵۱	۳۸۸,۵۲۶\$	٪۵۸	
	قلعه نو	۷,۱۲۵	۱۱,۷۵۶	۳۵۲,۶۸۸\$	٪۱۶۱	
	ایبک	۶,۹۸۳	۱۱,۵۲۲	۳۴۵,۶۵۹\$	٪۳۴	
	اسد آباد	۶,۳۵۰	۱۰,۴۷۸	۳۱۴,۳۲۵\$	٪۸۶	
	سرپل	۵,۶۷۵	۹,۳۶۴	۲۸۰,۹۱۳\$	٪۵۳	
	قلات	۵,۴۶۲	۹,۰۱۲	۲۷۰,۳۶۹\$	٪۴۴	
	فراه	۵,۲۹۹	۸,۷۴۳	۲۶۲,۳۰۱\$	٪۱۵	
	بامیان	۴,۴۳۵	۷,۳۱۸	۲۱۹,۵۳۳\$	٪۵۲	
	مهترلام	۳,۶۶۱	۶,۰۴۱	۱۸۱,۲۲۰\$	٪۲۲	
	فیروزکوه (چغچران)	۳,۴۷۴	۵,۷۳۲	۱۷۱,۹۶۳\$	٪۵۰	
	قصبات شهری	محمود راقی	۵,۶۱۰	۹,۲۵۷	۲۷۷,۶۹۵\$	٪۱۳۹
بازارک		۲,۷۴۷	۴,۵۳۳	۱۳۵,۹۷۷\$	٪۱۰۶	
پل علم		۲,۵۴۶	۴,۲۰۱	۱۲۶,۰۲۷\$	٪۲۰	
نیلی		۱,۹۹۴	۳,۲۹۰	۹۸,۷۰۳\$	٪۷۳	
شرن		۱,۷۳۹	۲,۸۶۹	۸۶,۰۸۱\$	٪۲۰	
میدان شهر		۱,۵۸۵	۲,۶۱۵	۷۸,۴۵۸\$	٪۸	
پارون		۱۸۳	۳۰۲	۹,۰۵۹\$	-	

امر فوق العاده جدی بوده و بالای صحت شان تاثیر منفی میگذارد. به گونه مثال، یک نمونه از آب نوشیدنی شهر جلال آباد چندین نوع بکترها، مواد کمیایوی و آلودگی فاضلاب در چاه های مختلف در سراسر شهر را نشان میدهد.^{۲۶}

استفاده عمده زمین در این زون، بخش زراعت میباشد، زیرا دریای هلمند آب مورد نیاز آبیاری را در اقلیم خشک لشکرگاه فراهم مینماید. باوجود اینکه با این مقیاس زراعت در مجاورت منبع آب تازه، از طریق ملوث ساختن کود ها و مواد کمیایوی دیگر، نیز میتواند تاثیر منفی ی را داشته باشد.

افزوده برآن، بیشتر از ۷,۰۰۰ فامیل در این ساحه زندگی مینمایند که با امکان بالقوه تاثیرات منفی مربوط مواد آشغالی و بهداشت مربوط خانواده های مواجه میباشد. همچنان، در این شهر به مساحت ۹۴ هکتار زمین صنعتی وجود دارد که در صورتی که زمین های مذکور به صورت لازم آن

با در نظر داشت هزینه بزرگ مدیریت مواد آشغالی به وجه احسن آن و به اساس بودجه های موجوده شاروالی، برای کاهش مواد آشغالی منبع و راه کار های بدیل نیاز است. بر علاوه، دفن زباله ها در زیر خاک، گزینه های بدیلی برای رسیدگی به مواد آشغالی، بازبایی و تبدیل آن به کود میباشد. تبدیل مواد آشغالی به کود در کاهش دفن مواد آشغالی در زیر خاک و مواد عضوی ارزشمند که میتواند در انکشاف شهر و حفظ محیط سبز مفید باشد، کمک مینماید. با وجودی که مساعی تبدیل مواد متذکره به کود در شهر های افغانستان^{۲۵} مورد آزمایش قرار گرفته است، با آن هم در این راستا اقدامات محدودی صورت گرفته است.

بر علاوه نگرانی در مورد تاثیرات رسیدگی ناکافی به مواد آشغالی در محیط شهری، مواد کمیایوی، مواد ملوث صنعتی و سیستم ضعیف بهداشتی، نیر منابع آبی و زمین های شهری را ملوث میسازد. با چنین یک نسبت بلند افغانهای شهرنشین که از طریق واتر پمپ ها و چاه های شخصی شان آب مورد نیاز شانرا بدست می آورند، امکان ملوث شدن منابع متذکره یک

چوکات ۵.۴:

شهرهای پاک تر برای زندگی صحتمند: جمع آوری کثافات



نورگل در حال تسلیمی مواد فاضله خویش برای مسئول جمع آوری فاضلات

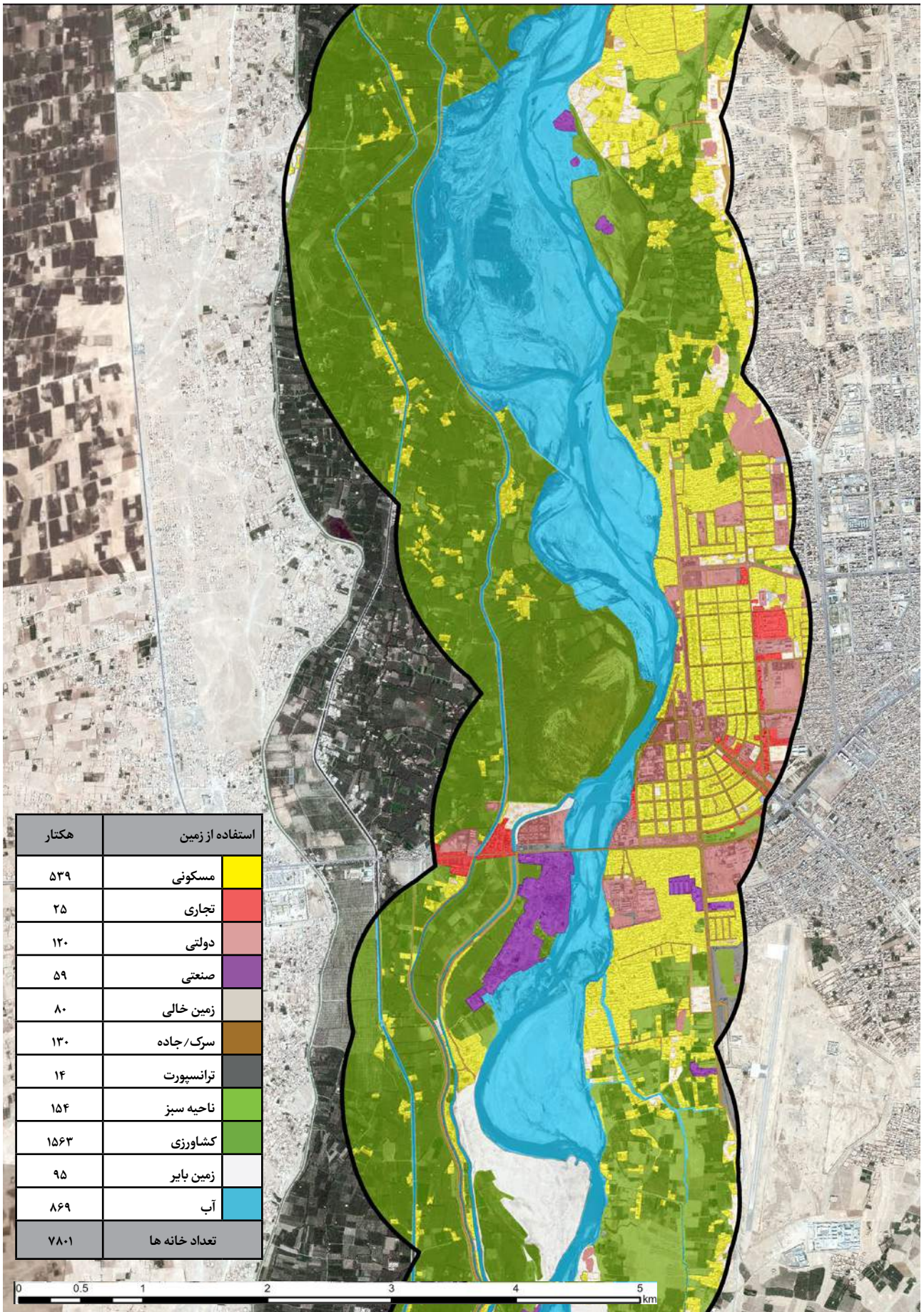
کانکریت ریزی و پاک گردید. بعد از آن نورگل و همسایه هایش موافقه نمودند تا در مورد مقادیر زیاد آشغالی هایی که پیش روی خانه شان قرار دارد، اقداماتی را روی دست گیرند. بنا بر این، آنان برنامه ی را بخاطر رسیدگی در مورد جمع آور مواد آشغالی در نظر گرفتند.

با بکارگیری وجوهی که آنان از همسایه ها جمع آوری نمودند، شخصی را برای جمع آوری زباله های مذکور استخدام نمودند که شخص مذکور روزانه به خانه های شان می آید تا فاضلات مذکور را جمع آوری نموده و آنرا در محلی که به این منظور در نظر گرفته شده است انتقال میدهد. در مقابل یک مبلغ کوچک ماهوار اطراف خانه های شان اکنون پاک و ستره شده و اطفال شان از بازی فوتبال و کرکت در آن جا لذت میبرند.

خانم نورگل زن ۵۵ ساله است که در ناحیه ۵، گذر ۱۱ شهر مزار شریف زندگی مینماید. وی به این مسأله عادت کرده که هر روز دروازه خانه خود را باز کرده و در پیشروی خانه خود مواد آشغالی را ببیند و تعفن آن را بو کند. وی میگوید: "اطفال من برای بازی بیرون رفته نمیتوانند، آنها همیشه مریض هستند" وی ادامه میدهد "هیچ یک از خویشاوندان ما برای ملاقات بخانه ما نمی آیند، زیرا نمیخواهند در کوچه پرگند و آشغال قدم بزنند و بوی عفونت آن به مشام شان برسد."

نورگل و همسایه هایش از این وضعیت برای شاروالی شاکی هستند، اما شاروالی وجوه کافی برای جمع آوری فاضلات مذکور در اختیار ندارد، تا آنها را در این قسمت کمک نماید. بنابراین، بعد از تشکیل شورای انکشافی قریه آنان خود دست بکار شدند و سرک پیشروی خانه شان

شکل ۵.۶: لشکرگاه استفاده زمین در فاصله یک کیلومتری دریای هلمند



منبع: تیم سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان و اداره مستقل ارگان های محلی - ©DIGITALGLOBE تمام حقوق محفوظ است.

اهمیت جانبی میباشند. فضاهای سبز شهرها میتواند مانند دهلزهای مهمی برای تنوع زیستی و اسکان طبیعی پرندگان، پستانداران کوچک و انواع نباتات، نقش ایفا نمایند. تحقیقات همچنان نشان داده که زیستن در شهرهایی که دارای فضای سبز میباشد، دارای منفعت روانی، لذت بردن زیاد از زندگی شده و باعث فشار کمتر دماغی میشود.^{۲۸}

در شهرهای افغانستان، فضای سبزی وجود دارد که در آن ساختمان ها اعمار شده و متشکل از پارکها، باغها، دهلز قطار درختان و میدان های سپورتی ایجاد شده است. به صورت اوسط این ساختمان های فیصدی کوچک ساحات زمین (۱۶ فیصد) (شکل / جدول ۵.۸) را تشکیل میدهد. شهر چاریکار بزرگترین فیصدی (۴ فیصد) ساحه مذکور را تشکیل میدهد، در حالیکه ۲۹ مرکز ولایت دیگر اصلاً دارای صفر فیصد چنین ساحه میباشند. بسیاری از شهرهای افغانستان همچنان ساحات سبز در داخل سرحدات شاروالی اعمار نشده و ساحات زراعتی و مزارع میباشند. شگفت آور نخواهد بود اگر بگوییم به استثنای دومورد: پارون که دارای ۵۴ فیصد ساحه جنگلی و اسد آباد دارای ۱۰ فیصد ساحه جنگلی میباشد. سازمان صحتی جهان حداقل ۹ مترمربع فضای سبز را برای هر نفر و یا ۹۰ هکتار را برای صد هزار نفر، پیشنهاد مینماید. اکثریت فضای سبزی اعمار نشده در ۳۴ مرکز ولایتی در برگیرنده زراعت میباشد. زمانی که زراعت استشنا شود مقدار فضای سبز برای هر فرد پایین تر از معیاری که پیشنهاد شد، قرار میگیرد.

عنصر مهم دیگر چشم انداز محیط شهری افغانستان ایکوسیستم های آب تازه میباشد. همه شهرهای افغانستان دارای چندین هکتار زمین آبی در مرزهای شاروالی میباشند. اکثریت شهرهای عمده به صورت مستقیم بالای دریاها سوار هستند، به شمول راه های عمده آبی مانند دریای هلمند که از بین شهر لشکرگاه میگذرد و دارای راه های آبی کو چکتر مثلاً راه های آبی که از هرات میگذرند، میباشند.

زراعت یک خصیصه عمده محیط شهری بسیاری مراکز ۳۴ ولایت، حتی در شهر کابل و مراکز منطقوی میباشد. به صورت اوسط زراعت بین ۳۴ فیصد مجموع ساحات زمین شهرها را تشکیل میدهد. محمود راقی و سرپل دارای بلندتری فیصدی ساحه زمین زراعتی (۷۲ فیصد) و فراه داری پایین ترین (۲ فیصد) ساحه زمین زراعتی میباشد. (شکل ۵.۷) اگرچه این مسأله

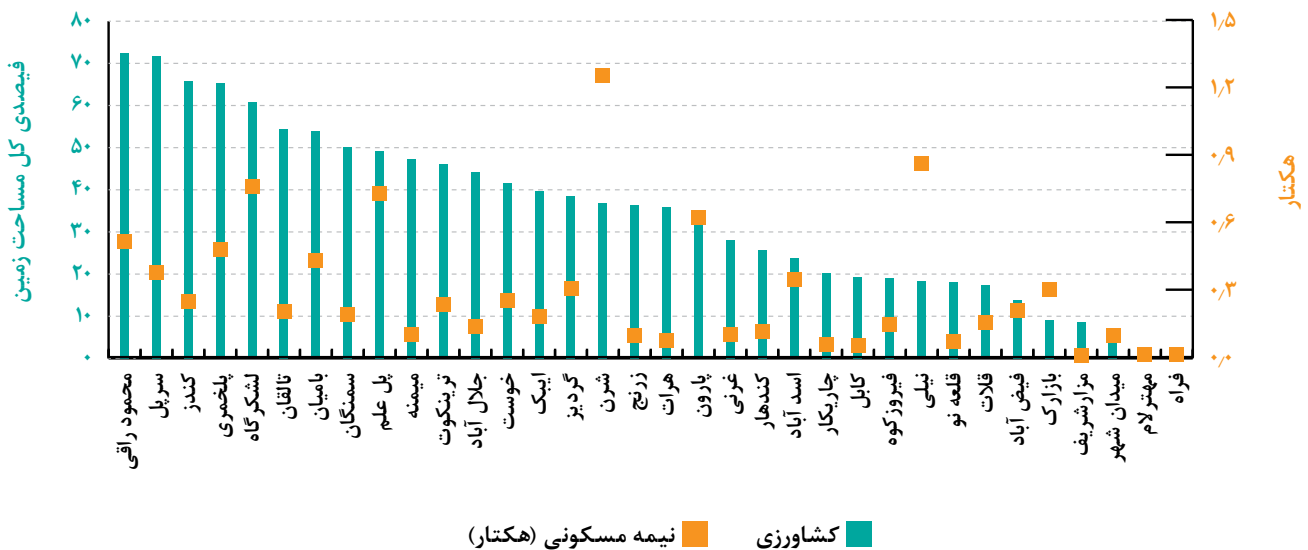
مدیریت نشوند، میتواند باعث ملوث ساختن و آلودگی کیمیای عمده دریای هلمند شوند. از طرف دیگر، در این زون به مساحت بیشتر از ۱۵۰ هکتار ساحه سبز و ۹۰ هکتار زمین اضافی بایر وجود دارد که زمینه بهداشتی اهمیت ایکوسیستم آب تازه این منطقه را فراهم مینماید.

کیفیت هوا در شهرهای افغانستان، به ویژه در شهر کابل یک مشکل عمده دیگر میباشد. مطالعاتی که در مورد هوای کابل در سال ۲۰۰۵/۲۰۰۶ توسط UNEP صورت گرفته نشان میدهد که ۶۰ فیصد جمعیت در معرض تراکم های فزاینده مواد دارای ذرات بسیار خورد PM₁₀ (گرد و خاکی که توسط انسان ها بوجود می آید)، نایتروس اوکساید (NOx) سلفر اوکساید (SO₂)^{۲۹} قرار دارند. معلومات سازمان صحت جهانی در سال ۲۰۰۹ در برگیرنده PM₁₀، PM_{2.5}، PM_{10-2.5} (۸۶: PM_{2.5}، PM_{10-2.5}) و در مزارشریف (PM_{10-2.5}: ۲۴: ۶۸)، ولی در باره شهر های دیگر معلومات کمتر وجود دارد. و این سطوح در هر دو شهر ها فوقانی بطور میانگین از طرف سازمان صحت جهانی توصیه میگردد.

بدبختانه معلومات تازه و معلومات برای ساحات دیگر شهری در دسترس نیست. با وجود آن هم، واضح است که بسیاری عوامل نامصون دیگر در کیفیت هوای افغانستان، به شمول مواد سوخت سربی سوختاندن مواد فاضلات، پلاستیک و رابر، وجود دارد. این همه امکانات بالقوی را در امر تاثیر منفی صحتی مانند، نفس تنگی، امراض طرق تنفسی و سرطان ها، بوجود می آورد. این موارد همه اقداماتی مانند نظارت مواد سوخت، بهبود مدیریت ترافیک بخاطر کاهش تراکم و افزایش درختان و فضای سبز در ساحات شهری را که روی دست گرفته میشود، کم اهمیت میسازد. اما، اولین گام مهم در این راستا جمع آوری معلومات دقیق در مورد تمرکز ذرات کوچک مواد در هوا در همه شهرهای افغانستان میباشد. آلوده ساختن هوا بدون شک در شهرهای بزرگ به مقایسه مراکز کوچکتر ولایتی نظر به کثرت پایین جمعیت و کمی تعداد وسایط نقلیه موتور دار، بیشتر میباشد، با آن هم با در نظر داشت رشد و توسعه جمعیت شهرها، همه شهرها از برنامه ریزی برای ساحه سبز فوایدی را بدست می آورند.

فضای سبز، پارکها، دریاها، زمین های زراعتی و مزارع همه در محدود و خارج محدوده مرزهای شاروالی وجود داشته و برای تفریح و سرگرمی، کیفیت هوا، کاهش تاثیرات آفات طبیعی مانند سیلاب، تهیه غذا و امنیت، دارای

شکل ۵.۷: کشاورزی در ۳۴ ولایت. % مساحت کل زمین و در هر واحد مسکونی هکتار



شکل ۵.۸: زمین های استفاده نشده در ۳۴ مراکز ولایات



منبع: سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان

مربوط قطعات متروکه میباشند میتواند فرصت هایی را برای افزایش فضای سبز بار آورند. به طور مثال، در شهرهایی که زمین های بایر و یا قطعات متروکه زمین که در امتداد آب قرار دارند، امکانات بالقوه ی وجود دارد تا این ساحات به پارکها/ دشت سیلابی طبیعی تبدیل شوند که هر دو فضای سبز را فراهم کرده و باعث بهبود مقابله در مقابل آفات طبیعی هنگام وقوع سیلاب شده و در نتیجه باعث داشتن تنوع زیستی برای گیاهان و حیوانات محلی شود.

ساحات میراث فرهنگی یکی از خصوصیت های مهم چشم انداز شهری بوده و برای اهمیت تاریخی، فرهنگی و مذهبی یک امر قاطع میباشد. در مجموع به مساحت ۶۲۴ هکتار زمین شهر در شهرهای کابل، کندز، مزارشریف و بامیان به شکل زیارت ها و یا محلات میراثی وجود دارد که بزرگترین بخش زمین ها را تشکیل میدهد. در بعضی موارد، چنین محلات مستلزم مساعی خاص حفظ و ابقا میباشند. در حالی که افغانستان دارای دو محل شناخته شده بین المللی منحصی محلات تاریخی جهان مربوط یونسکو و محلات ملی محلی دارای اهمیت فرهنگی میباشد که در سراسر ساحات شهر، انتشار یافته است. نقشه برداری و مدیریت پلان ها برای حفظ و نگهداری این محلات یک امر حیاتی میباشد. شهر بامیان مشمول یکی از محلات تاریخی جهان بوده و این محل از لحاظ ملی دارای اهمیت خاصی میباشد. بخاطر تدوین یک پلان مدیریت فرهنگی که موقعیت های محل، ارزیابی تفصیلات محلات در آن گنجانیده شده است و برای تطبیق پلان مذکور برای مدیریت و حفظ بهتر محلات مذکور، یونسکو در شهر مذکور فعالیت های زیادی را انجام داده است.

قسماً تفاوت هایی را در سرحدات شاروالی انعکاس میدهد (به فصل دوم مراجعه شود) بنا براین، مقایسه در این مورد مشکل است، تحلیل و تجزیه نشان میدهد که زراعت تقریباً در تمام مراکز ولایت یک عنصر عمده شهری میباشد.

تناسب زمین زراعتی بر ساحات رهاشیشی برای هر شهر شاخص نسبی زراعت عمده در اقتصاد شهرها را تشکیل میدهد. یافته ها نشان میدهد که، چنانچه توقع است، کابل دارای پایین ترین نسبت زمین زراعتی بوده و دارای حد اوسط ۵۰۰ متر مربع زمین زراعتی برای هر خانه میباشد، در حالی که اسد آباد به صورت اوسط در هر خانه دارای ۳،۶۰۰ متر مربع زمین زراعتی میباشد. (شکل ۵.۷)

اگرچه از لحاظ سنتی و به اساس شرایط محیطی، زراعت در جمله فضای سبز مد نظر گرفته نمیشود، با آن هم، زراعت یکی از مولفه های عمده چشم انداز محیط شهری افغانستان را تشکیل میدهد. یکی دیگر از عناصر مهم چشم انداز زمین های بایر میباشد که در بعضی از شهرها بخش بزرگ و قابل ملاحظه زمین به صورت اوسط ۳۰ فیصد و زمین زراعتی (بازارک) بلند ترین بخش (۸۴ فیصد) را تشکیل میدهد. زمین های بایرنیز بسیار متداول است، این زمین ها صرفاً برای زراعت در سراسر شهرهای افغانستان به حد اوسط بلند آن در درجه دوم قرار میگیرند.

میزان پایین فضای سبز غیررسمی و غیر پلانی بودن اسکان شهر را در افغانستان انعکاس میدهد. انکشاف غیررسمی منتج به فقدان ساحات حفاظت شده عمومی و ایکوسیستم های طبیعی و ترویج و انکشاف محدود پارکها و محیط طبیعی شده است. باوجودی که زمین هایی که

مجسمه های بودای بامیان، در شهر بامیان قرار دارد و جزء میراث های تاریخی یونسکو میباشد



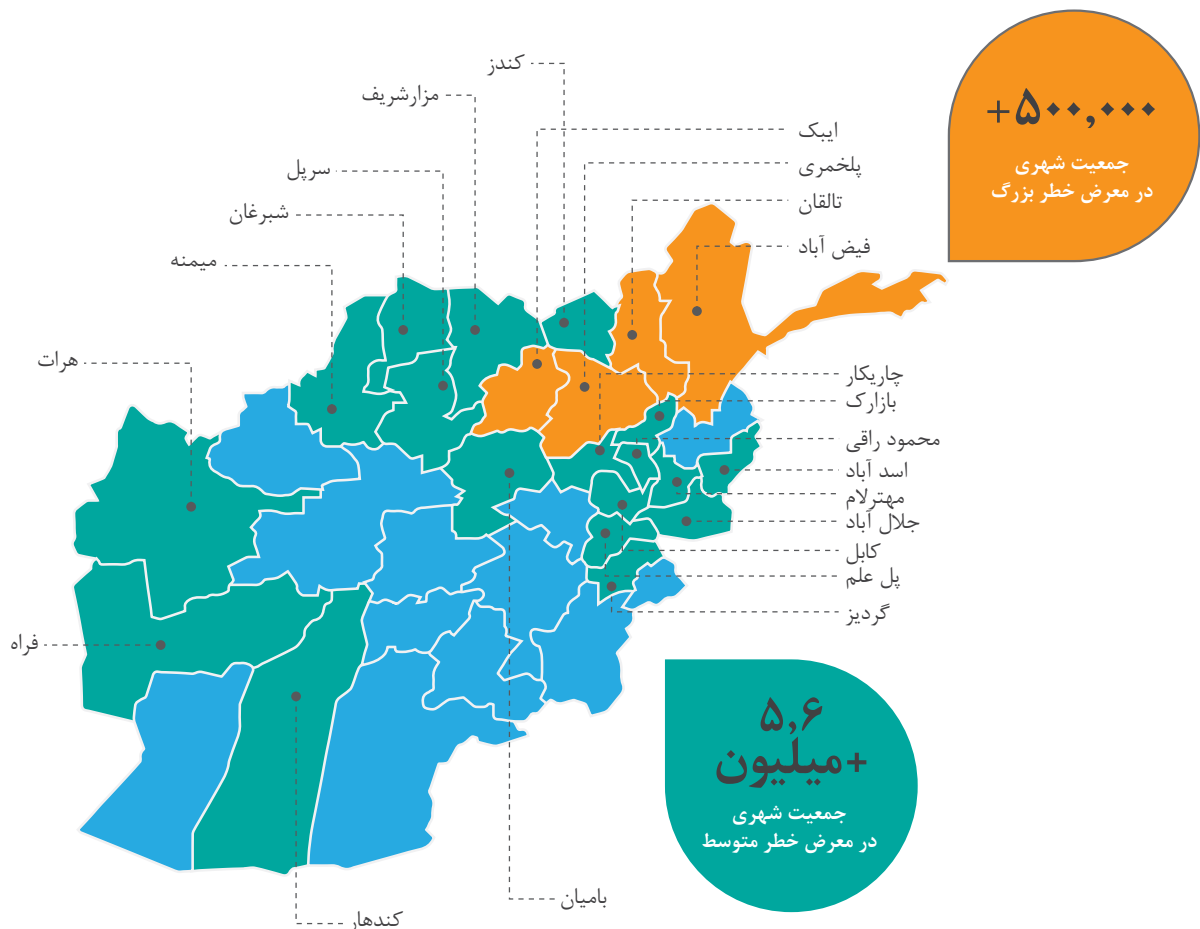
۵.۳

آفات طبیعی و تغییرات اقلیم

زمین لرزه شهرهای افغانستان را به شکل گسترده تحدید میکنند. در نقشه افغانستان دو خط عمده شکست وجود دارد که دارای امکان بالقوه گسستگی بوده و آنرا متحمل آسیب های گسترده میسازد. چهار شهر (فیض آباد، تخار، پلخمری و ایبک)، من جمله ۳۴ شهر در مناطقی موقعیت دارد که دارای احتمالات بیشتر زمین لرزه میباشد و ۱۸ شهر دیگر در ساحات کم زلزله خیز بشمول کابل موقعیت دارد (شکل ۵.۹). بیشتر از ۵۰۰,۰۰۰ ساکنین شهر در خطر بزرگ قرار دارند و بیشتر از ۵.۶ میلیون جمعیت در خطر متوسط قرار دارند. فقدان ساختمان های معیاری، عدم رعایت و پیروی از قوانین مربوطه و انفاذ قانون به این معنی است که اکثریت ساختمان ها حتی در مقابل زمین لرزه های متوسط مقاومت کرده نمیتوانند تاثیرات آفات طبیعی به اساس شدت خطر و قابلیت آسیب

تغییرات جغرافیایی و اقلیمی افغانستان باعث آفات طبیعی و خطرات آینده می شود. در حال حاضر شهرهای افغانستان از ناحیه سیلاب، خشکسالی، زمین لرزه و شدت گرما، به تهدیدات مختلفی مواجه میباشد. نظر به تمرکز نفوس، زیرساختار و صنایع، توام با کاهش ناکافی خطر آفات و تدابیر کاهشی، ساحات شهری در مقایسه با ساحات روستایی از ناحیه آفات طبیعی به وقایع بزرگ ناگوار و خسارات اقتصادی مواجه میباشد. همه ولایات و شهرها به صورت یکسان معروض به خطر نمی باشند، بنابراین، پلان کاهش خطر آفات باید متناسب با زمینه های محلی باشد. مطابق پلان مدیریت آفات ملی مربوط افغانستان که طی سال ۲۰۱۰ صورت گرفته است، ۱۶ ولایت دارای خطرات بزرگ خشکسالی، ۱۰ ولایت دارای خطرات بزرگ سیلابی میباشد.^{۲۹}

شکل ۵.۹: جمعیت شهری در مناطق خطر زلزله



و مقابله بهبود یابد، درک همه جانبه خطرات شهری و موضوع قابلیت آسیب پذیری، در این راستا یک امر قاطع شمرده میشود.^{۳۱}

نمونه سازی و سناریو های تغییر اقلیم برای درک امکان بالقوه درجه حرارت و تغییرات رسوبی که یک کشور شاید به آن مواجه شود، مورد استفاده قرار میگیرد. نمونه های تازه تغییر اقلیم برای ارزیابی امکان بالقوه افغانستان برای تغییر، سناریو های خوشبینانه و بدبینانه ی بکار گرفته میشود و چنین پنداشته شده که طرح هایی بخاطر افزایش درجه حرارت در همه سناریو ها از ۲٫۵ درجه سانتی گرید به ۷ درجه سانتی گرید تا اخیر قرن، افزایش مینماید. در مورد بارندگی نمونه طرح ها برای میانگین افغانستان صرفاً عدم تغییر و یا تغییرات اندک را نشان میدهد.^{۳۲}

شکل ۵٫۱۰ تفاوت بین میانگین سالانه درجه حرارت طی مدت زمان ۲۰۵۰-۲۰۲۱ در مقایسه به مدت زمان اساسی ۱۹۸۶-۲۰۰۶ را نشان میدهد. همه نمونه های مطرح که در تمامی مناطق افغانستان نشان میدهند که تا سال ۲۰۵۰، حداقل ۱٫۱ درجه سانتی افزایش خواهد یافت. اما، تغییرات منطقی و تفاوت هایی بین زمین های هموار و ساحات کوهستانی با مناطق دارای ارتفاع بالاتر، افزایش بیشتر درجه حرارت را پیشبینی کرده است. شهرهای مربوط ساحات مطروحه که بخاطر مشاهده بلندترین درجه حرارت در نظر گرفته میشود در برگزیده شهرهای بزرگ پلخمیری، تالقان و ایبک خواهد بود.

از دیدار درجه حرارت در افغانستان بالای ایکوسیستم ها، زراعت، شرایط اجتماعی-اقتصادی و معیشت ها تاثیر خواهد گذاشت. گرم شدن زیاد به ویژه در ساحات کوهستانی زمین های مرتفع مرکز و هندوکش با بیشترین احتمال تغییرات اساسی حساس ایکوسیستم های کوه ها خواهد شد که تغییرات مذکور قبلاً به قوع پیوسته ویا درآینده قریب دستخوش تغییرات متذکره خواهد شد. مشکل است تا تاثیرات خاص متذکره پیشبینی شود و با تمرکز بالای تاثیر نمونه سازی و توافق مذکور در این زمینه به تحقیقات علمی بیشتر نیاز مبرم وجود دارد.

پذیری مردم و اقتصاد، مشخص میشوند. قابلیت آسیب پذیری مستقیماً به فقر، زیربنای ضعیف و اوضاع بی ثبات اقتصادی بستگی دارد که به اساس معیارات مربوطه، شهرهای افغانستان عمدتاً دارای قابلیت آسیب پذیری میباشند. افزایش اسکان شهری (مهاجرت روستایی-شهری، بیجا شدن، و رشد طبیعی جمعیت در شهرها) تمرکز مردم را ساحات دارای خطر متوسط/بزرگ، افزایش میدهد.

فصل چهارم نسبت بلند خانه های خارج از نقشه دولتی را در همه شهرهای افغانستان بازگو مینماید که عمدتاً در ساحات غیر رسمی قرار داشته واکثرخانه های مذکور در زمین های آسیب پذیری و موقعیت های نامناسب، مانند دامنه های تپه شیب دار، قرار دارند. این ساحات، خاصتاً در مقابل زمین لرزه آسیب پذیری بوده، درحالیکه سکونت گزینی در ساحات هموار دشت های سیلابی در مقابل سیلاب آسیب پذیر میباشند. چنانچه این موضوع در همه کشورهای روبه انکشاف معمول است، مردم فقیر شهر از جمله آنانی اند که نظر به نمونه های خاص مسکن گزینی و خانه های موقت/ دارای کیفیت پایین، دسترسی محدود به خدمات اساسی و عاجل و نبود ثبات اقتصادی، در مقابل آفات طبیعی به شکل ویژه آن آسیب پذیر میباشند.

گرفتاری شدید فقر شهری در افغانستان همچنان مرکب از آسیب پذیری در نتیجه تاثیرات تغییرات اقلیمی میباشد. بر علاوه افزایش شدت تکرار آفات طبیعی، تغییر اقلیم هم میتواند تاثیرات مخالفی را بالای تهیه مواد غذایی و آب، وارد نماید. مزید برآن، نظر به آفات طبیعی، فقر شهری با کاهش دامنه میکانیزم مقابله، هزینه بالای زندگی به مقایسه همتا های روستایی شان بخاطر آمدگی و بازیابی از حوادث آب و هوای شدید و تاثیرات درازمدت تغییر اقلیمی، دارای ظرفیت محدود میباشد.^{۳۳}

کاهش قابلیت آسیب پذیری و ایجاد زمینه قابله شهرها در مقابله با حوادث طبیعی به مقیاس کوچک و بزرگ، برای رشد دوامدار شهری، حیاتی میباشد. بخاطر اینکه برای شهرهای افغانستان پلان های مناسب تهیه

پراکندگی شهری از خصوصیات شهرهای افغانستان است که با داشتن عواقب جدی منفی محیط زیست همراه میباشد.



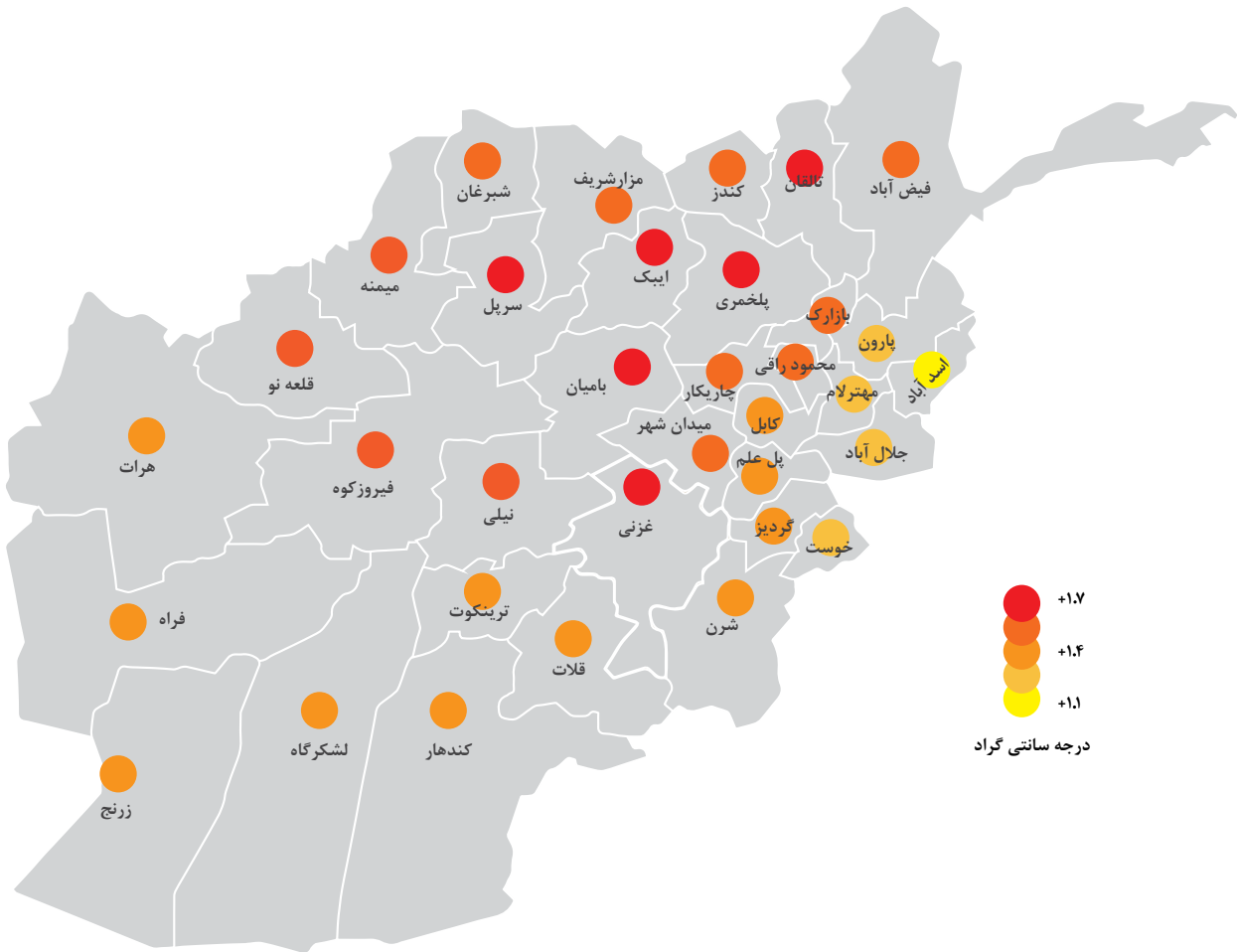
• خرابتر شدن کیفیت هوا با عکس العمل مرکبات مضر در امر افزایش درجه حرارت این مناطق شامل کابل و شهرهای عمده دیگر میباشد.

فریکونوسی آفات طبیعی مانند لغزش های زمین، برفکوچ ها و سیلاب ها و وقوع مکرر خشکسالی های زراعتی و نوسانات در تهیه مواد غذایی نشان میدهد که افغانستان در توافق با شرایط اقلیمی کنونی به چالش عمده مواجه میباشد. تاثیرات تغییر اقلیم در آینده با جهش رشد جمعیت شهری توأم شده و احتمال آن وجود خواهد داشت تا قابلیت آسیب پذیری شهرهای افغانستان را دوچند ساخته و قدرت مقابله و توافق شهرهای مذکور را در چنین حالت کاهش دهد. بنابراین، تطابق به تغییر اقلیمی باید در برنامه ریزی آینده انکشاف شهری مورد حمایت قرار گیرد. چنین پلانگذاری باید به اساس تحقیقات و معلومات کافی مبتنی باشد تا برای پالیسی سازان مجال آنرا دهد تا متناسب به آن در زمینه اقدام نمایند.

تاثیرات تغییر خاص اقلیم مربوط شهرهای افغانستان شامل موارد ذیل میباشد:^{۳۲}

- افزایش کمبود منابع آب ناشی از خشکسالی های ممتد و طوفانهای ریگی در شهرهای دارای زمین خشک. این مناطق شامل کندهار و جلال آباد میباشد.
- شهرهای درون مرزی و دارای ارتفاعات بلند در قدم اول با تغییر اوقات بارندگی که با امکانات بالقوه منتج به سیلاب های کوچک میشود، زیر تاثیر قرار خواهند گرفت. این شهرها شامل غزنی و بامیان میباشد.
- موج گرما/ جزایر حرارتی در ساحه شهری، شهرها در مقایسه مناطق روستایی، نظر به سطوح بیشتر نفوذ ناپذیری، خصوصیت های حرارتی محیط اعمار شده و تمرکز فعالیت بشری، بلاتر درجه حرارت زیاد بیشتر مورد تاثیر قرار میگیرند. این شهرها شامل هرات و مزار شریف میباشد.

شکل ۵.۱۰: تفاوت درجه حرارت سالانه بین دوره های ۲۰۲۱-۲۰۵۰ و دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۶



۵.۴

مناطق شهر: شهرها و ایکوسیستم ها

(۱) خدمات تدارکاتی: مواد سوخت، غذا و آب، (۲) خدمات نظارتی: کنترل سیلاب، جداسازی کاربن و تصفیه هوا (۳) خدمات فرهنگی: مسایل معنوی، تفریحی و منافع فرهنگی، (۴) خدمات کمکی: دوران ماده غذایی و تشکل خاک.

برعلاوه انرژی، ارتباطات منطقه شهر دارای لازمه هایی برای حمل و نقل و داشتن رابطه بین مردم، غذا و اشیای دیگر بین مراکز شهری میباشد. زمین زراعتی در شهر و پیرامون آن رابطه عمده با تأمین غذایی و اقتصاد شهری دارد. در بعضی موارد، مانند جلال آباد، در مرزهای شهر زمین های مهم زراعتی وجود دارد (۴۴ فیصد مجموع زمین شهری)، کابل نیز دارای زمین مهم زراعتی میباشد (۱۹ فیصد مجموعی زمین)، اما اکثریت زمین های زراعتی هنوز هم در مناطق مرزی شهر یافت میشود. بنابراین، ارزیابی استفاده زمین و ایکوسیستم های چهار اطراف شهرها برای درک تصویر مکمل چگونگی عمل کرد شهرهای افغانستان، مهم میباشد.

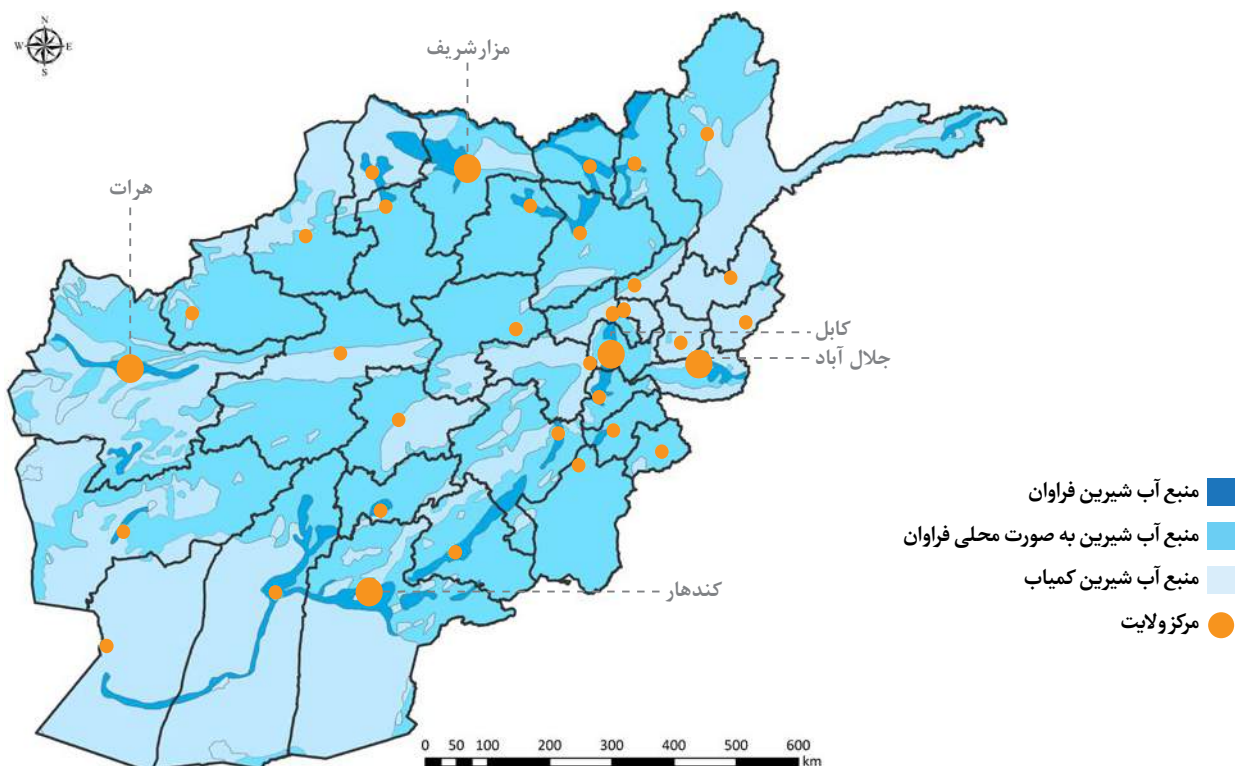
یک مطالعه تازه نشان میدهد که مشکل فراگیر تأمین غذایی در پنج شهر بزرگ کابل، مزارشریف، کندهار، هرات و جلال آباد وجود دارد، که درین شهرها بیشتر از ۹۰ فیصد پاسخ دهندگان سروی درکتگوری غذایی

شهرهای افغانستان با ایکوسیستم ها دارای روابط مغلق میباشد که آنها را مورد حمایت قرار میدهد. ایکوسیستم های شهرها اغلب با مناطق بزرگتر خارج از مرز اداری و عملیاتی شان مرتبط میباشد. بناً، در نتیجه آب نوشیدنی ایکوسیستم ها منابع مهم آبی را برای محصولات زراعتی و آب آشامیدنی برای ساکنین شهر تشکیل میدهد.

فضاهای سبز در عملکرد ایکوسیستم ها سهم داشته و در داخل و اطراف شهرها منحصیث دهلیز مهم تنوع زیستی و اسکان طبیعی برای پرندگان، پستانداران کوچک و انواع نباتات، نقش دارد. با وجودی که ایکوسیستم ها درمقایسه مزارع، کوهها، زمین های زراعتی و زمین های خشک در مناطق، توسط مرزهای شاروالی مشخص نمیشوند. به طور مثال، ۹۹ فیصد افغان های که زندگی شهرنیشینی دارند برای گرم ساختن مزارع حد اقل در مرزهای شاروالی بالای مواد سوخت جامد مانند ذغال سنگ، چوب سوخت متکی میباشدند، افغان های شهری شدیداً متکی به مزارع و علف هرزه در مناطق پیرامون شان میباشدند.

خدمات ایکوسیستم که برای مردم فوایدی را فراهم میسازد، از ایکوسیستم ها بدست آمده و شامل موارد ذیل میباشد:

شکل ۵.۱۲: منابع آب های زیرزمینی در افغانستان و ۳۴ مرکز ولایت



منبع: سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان، براساس سروی جغرافیایی ایالات متحده آمریکا-افغانستان

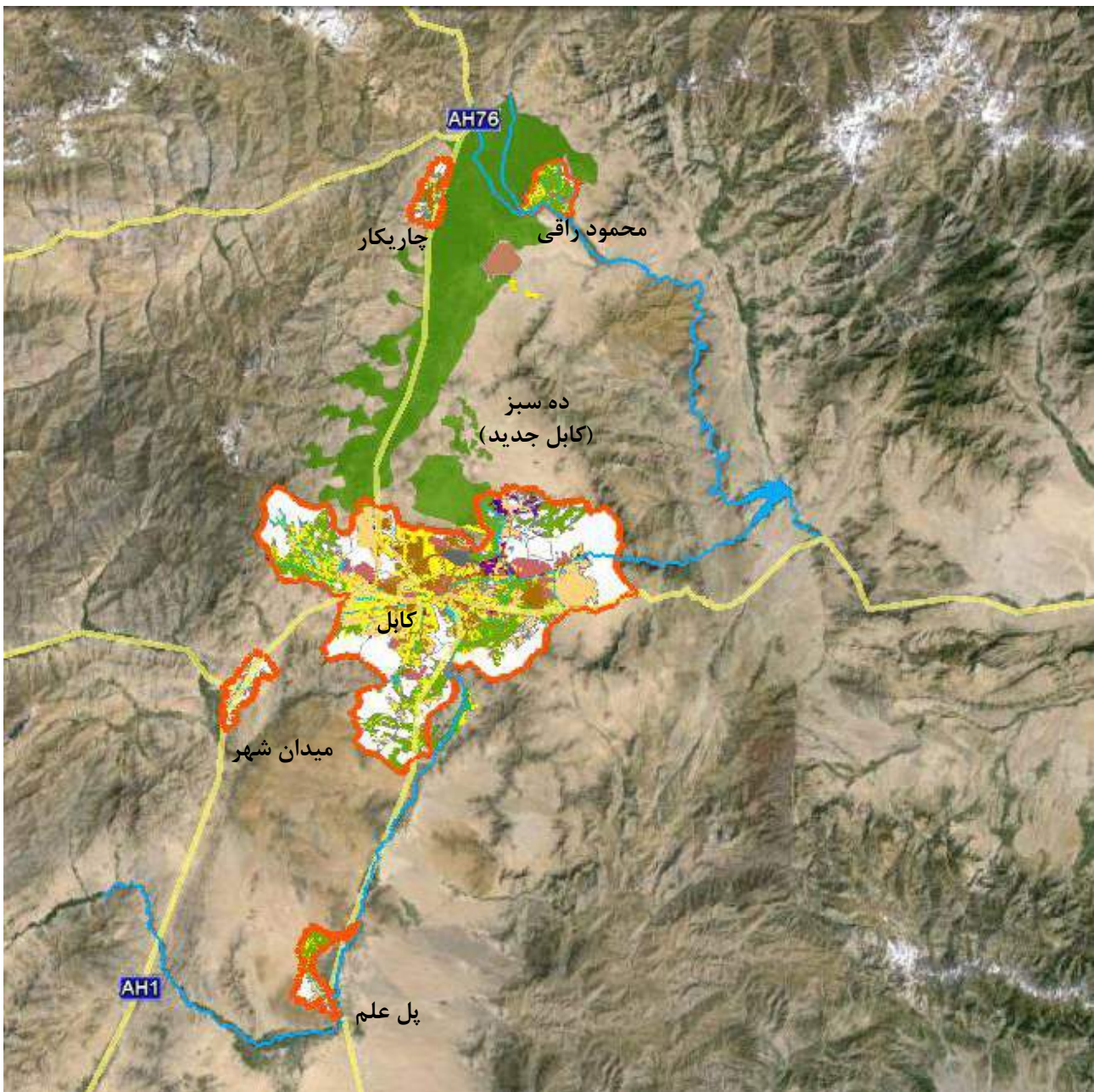
آب در مرزهای شاروالی داشته، باوجودی که این آب به صورت اوسط صرفاً در برگزیده ۳ فیصد استفاده زمین میباشد. افغانستان سرانه طی هر سال تقریباً ۲,۷۷۵ متر مکعب منابع آبی دارد که بالاتر از ۱,۷۰۰ مترمکعب پیشنهاد شده سرانه میباشد. باوجودی که آب در سراسر افغانستان به شکل مساویانه توزیع نمیشود، در بعضی مناطق شمالی دسترسی به آب سرانه ۶۷۶ مترمکعب میباشد.^{۳۵} فقدان زیربنا برای ذخیره آب و زیرساختار کهنه ۱۲ ذخیره موجوده نیز دلیل نگرانی ها نسبت به تأمین آب میباشد. بلاثر تقاضاهای شدید استفاده آب برای زراعت و جمعیت روبه رشد توأم با عامل بالقوه تهیه قرار داد با کاهش بازندگی و آب شدن برف، موضوع تأمین آب برای افغان های که در شهرها زیست دارند، احتمالاً که در سالهای آینده یک چالش بزرگی میباشد که مردم به آن مواجه خواهد شد.

غیرصحنی دسته بندی گردیده است.^{۳۴} بهبود زمینه تأمین غذایی ساکنین شهر مستلزم حل و فصل این موضوع از هر دو لحاظ داخل مرزهای شهر و فراتر از آن خواهد بود. یافته های NRVA طی سالهای ۲۰۱۱/۱۲ نشان میدهد که ۳۴ فیصد خانواده های شهری دارای غذای غیرصحنی میباشد (از لحاظ عدم کفایت کالوری) که به مقایسه ساحات شهری (۲۹ فیصد) به صورت قابل ملاحظه آن بالاتر میباشد.

درکنار تأمین غذا و زراعت، آب صحنی و دسترسی مداوم به منابع آب نوشیدنی تازه مسأله است که در محدوده های مرزهای شهر مدنظر گرفته نمیشود. ایکوسیستم های آب تازه نوشیدنی خود نمیتواند به شکل مجزا مد نظر گرفته شود، برخلاف آنها باید در زمین مورد استفاده زمین های چهار اطراف، مانند مزارع و زمین های زراعتی، مورد آزمایش قرار گیرند.

افغانستان دارای چندین دریای عمده به شمول دریای کابل، هلمند، مرغاب و دریای آمو میباشد، ۳۴ شهر افغانستان بیشتر از ۱۱,۵۰۰ هکتار

شکل ۵.۱۱: شهرهای منطقه ای در اطراف کابل



منبع: سیستم معلوماتی جغرافیایی پروگرام های وضعیت شهرهای افغانستان، گوگل ارت

۵.۵

اقدامات بعدی

- برای بهبود استفاده از آب آشامیدنی، معلومات جامع و کلی در باره منابع آب ضروری میباشد، تقاضا مسکن و معلومات در باره خانه هاو مدیریت مداوم از کیفیت آب.
- راه حل پایدار و موثر بهداشتی ضرورت به هر دو ساختارهای زیربنای به سطح شاروالی و خانواده برای بهبود وضعیت صحتی و کاهش تاثیرات منفی بالای محیط زیست.
- ترتیب پلان ها بخاطر رشد شبکه ترانسپورتیشن عامه و بهبود مصونیت عابری از طریق اصلاح سرک ها و پیاده رو ها. همچنان مهم است اطمینان حاصل شود که طرح هایی در نظر گرفته شود تا نیاز برای گزینه های ترانسپورتیشن مصون و مقرون به صرفه برای زنان و جوانان را شناسایی نماید.
- برای جمع آوری و رسیدگی به جمع آوری مستمر مواد آشغالی نیاز مبرم وجود دارد، تا بدین وسیله آلودگی کاهش یافته و زمینه صحت مندی فراهم شود. جمع آوری معلومات مناسب بخاطر ارزیابی وضعیت کنونی و بودجه سازی برای جمع آوری مواد آشغالی در بخش مالی شاروال، کلیدی بخاطر مرفوع ساختن این موضوع مبرم میباشد.
- سرمایه گذاری در انتقال نسبتاً دیر هنگام شهری و پلان برای رشد آینده که زمینه فضای سبز را مساعد ساخته و از لحاظ مقابله بیشتر با آفات طبیعی، فواید صحتی، برای شهروندان و کاهش آلودگی، میتواند فواید مضاعفی را بدست دهد.
- تشویق و ترغیب حفظ سایت های میراث فرهنگی و استکشاف نمونه هایی که از لحاظ محیطی شیوه های مناسب ساختمان مورد استفاده قرار گرفته و تکنیک های تحفظ در افغانستان و منطقه مد نظر گرفته شود.
- ارزیابی آفات طبیعی و خطر تغییر اقلیمی و قابلیت آسیب پذیری برای هر شهر افغانستان، تا باشد که بخاطر افزایش مقابله در آینده در ساحات نهایتاً آسیب پذیر، پلان مشخص عملی رویدست گرفته شود. رویدست گرفتن مساعی کنونی بخاطر کاهش آلودگی و ایجاد فضای سبز برای کاهش سیلاب در امتداد آبگیرهای دریای شهر و بهبود کد (زمین لرزه) در ساختمانها و عمل کردن این مسأله .
- پلان گذاری ستراتیژیک و جامع شهری که شهرها و مناطق چهار اطراف را دربرمیگیرد بخاطر ترغیب رشد دوامدار شهر هانیاز است تا به عوض اینکه ایکوسیستم های شهری و روستایی را تنزل داده شود، ایکوسیستم های مذکور باید صعود نمایند.
- بهبود هماهنگی بین شاروالی های مسؤول بخاطر حکومت داری شهری و نهاد های مسؤول برای اداره ملی برای محیط زیست، وزارت زراعت آبیاری و مالداری و تهیه و تدارک آب (وزارت محترم انرژی و آب) بخاطر افزایش غذا و تأمین آب و حفظ منابع طبیعی.

1. UNICEF (2011), Afghanistan Country Office, WASH Factsheet
2. Central Statistics Organization (2014), National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, Kabul, CSO.
3. Samuel Hall 2014, "A Study of Poverty, Food Security and Resilience in Afghan Cities." For DRC and PIN.
4. Giovaacchini, T. (2013), Land Reform in Afghanistan (The LARA Project), Jalalabad City Profile, Tetrattech ARD: USA
5. Daikundi, Nooristan, Paktika, Kapisa, Ghor, Badakshan, Laghman, Ghazni, Logar, Kunar, Panjshar, Farah, Zabul
6. Kunduz, Saripul, Uruzgan, Nimroz, Wardak, Samangan, Takhar, Balkh, Paktya, Badghis, Bamiyan, Baghlan, Faryab
7. Ministry of Public Health GoIRA, and UNICEF (2013), National Nutrition Survey 2013.
8. Central Statistics Organization (2014), National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, Kabul, CSO.
9. Central Statistics Organization (2014), National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, Kabul, CSO.
10. Samuel Hall 2014, "A Study of Poverty, Food Security and Resilience in Afghan Cities." For DRC and PIN.
11. Central Statistics Organization (2014), National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey, Kabul, CSO.
12. Smith, K. R., (2006), "Health impacts of household fuelwood use in developing countries." UNASYLVA-FAO- 57.2: 41.
13. Afghanistan Investment Support Agency (2013), Service Sector Profile: Education, Health Care, ICT and Transportation, Islamic Republic of Afghanistan.
14. Afghanistan Investment Support Agency. (2013). Service Sector Profile: Education, Health Care, ICT and Transportation: Islamic Republic of Afghanistan.
15. JICA. (2011). Draft Kabul City Master Plan.
16. Laboratorio Di Geografia Sociale, Università Degli Studi Di Firenze (2013), Herat Strategic Masterplan : A vision for the future, Islamic Republic of Afghanistan.
17. Gross Enrollment means the number of children enrolled in a level (primary or secondary), regardless of age, divided by the population of the age group that officially corresponds to the same level.
18. Ministry of Education official website (2015), Accessed on: 2nd April, 2015. Accessed at: <http://moe.gov.af/en/page/1831/3031>
19. International Bureau of Education (2011), World Data on Education, VII Ed. 2010/2011: Islamic Republic of Afghanistan.
20. Giovaacchini, T. (2013), Land Reform in Afghanistan (The LARA Project), Jalalabad City Profile, Tetrattech ARD: USA
21. World Bank, (2012), What a Waste: a Review of Solid Waste Management.
22. UN-Habitat, (2009), Solid Waste Management in the World's Cities.
23. Sanitary land fill is defined as sites where waste is isolated from the environment until it is safe; when it is completely degraded biologically, chemically and physically
24. World Bank, (2012), What a Waste: a Review of Solid Waste Management.
25. USAID (2014), Kabul City Initiative (KCI), Final report, Islamic Republic of Afghanistan.
26. Giovaacchini, T. (2013), Land Reform in Afghanistan (The LARA Project), Jalalabad City Profile, Tetrattech ARD: USA
27. UNEP (2008), Afghanistan's Environment, Islamic Republic of Afghanistan.
28. White, D.P., et.al., (2013), Would You Be Happier Living in a Greener Urban Area? A Fixed-Effects Analysis of Panel Data, Psychological Science.
29. Department for Disaster Preparedness. (2010). National Disaster Management Plan, Afghanistan.
30. UN-HABITAT (2014), Pro-Poor Urban Climate Resilience in Asia and the Pacific.
31. World Bank (2012), Urban Risk Assessment: Understanding Disaster and Climate risk in cities.
32. UNEP (2015), Afghanistan Climate Data Analysis.
33. World Bank (2012), Urban Risk Assessment: Understanding Disaster and Climate risk in cities.
34. Samuel Hall 2014, "A Study of Poverty, Food Security and Resilience in Afghan Cities." For DRC and PIN.
35. Afghanistan Research and Evaluation Unit, (2014), The A to Z guide to assistance in Afghanistan. Kabul, Afghanistan.

رخصتی روزانه مکاتب در مزارشريف



ضمیمه ۱: ضمیمه اطلاعاتی

هدف این ضمیمه بازنگری اطلاعاتی برنامه وضعیت شهرهای افغانستان میباشد که در آن راهکارها، ساحه کاری و محدودیت ها صریحاً بیان میشوند. چهار منبع عمده معلوماتی ذیل در برنامه مذکور مورد استفاده قرار گرفته است که درین ضمیمه به اساس اهمیت شان بالترتیب ذکر شده اند:

۱. استخراج معلومات از تازه ترین تصاویر ماهواره ایی که دارای کیفیت بالاتر میباشد.
 ۲. سروی و بررسی های ساحوی
 ۳. ورکشاپها با ارگانهای ذیدخل ملی و محلی (مثلاً ورکشاپ های شهری و برنامه های آموزشی)
 ۴. معلومات ثانوی (مثلاً پایگاه معلومات رسمی و گزارشات، آثار علمی، ارزیابی ها و گزارشات برنامه، سکتور و مطالعات در سطح شهر وغیره).
- روی هم رفته، قسمیکه تشریح خواهد شد، برای رسیدن به قسمت نهایی (مجموع ارقام برنامه وضعیت شهرهای افغانستان) سه منبع اولی معلوماتی بشکل مرتبط باهم برای جمع آوری ارقام و معلومات در بخش (ساحات رهائشی) مورد استفاده قرار گرفته اند. این معلومات در جلد دوم ارایه میشود. منبع آخری معلومات برای گنجانیدن موضوعات معلوماتی متنوع در جلد اول مورد استفاده قرار گرفت. این امرمجموع ارقام برنامه وضعیت شهرهای افغانستان را بشکل وسیع آن، به شمول ربط دادن آن با مطالعات قبلی، ارایه پیشنهادات و مسیرهای پیشروی، بیشتر غنامند میسازد.
- در اینصورت، درمجموع اطلاعاتی مذکور بازنگری مختصر، دقیق و درعین زمان جامع و پرمحتوای "وضعیت شهرهای افغانستان" را ممکن میسازد. این اطلاعاتی نه تنها مجموع ارقام معتبر و مقایسوی را برای ۳۴ شهر ارایه نموده، بلکه آنرا در معرض معلومات و ارقام موجود قرار داده است تا برای تصمیم گیری در پالیسی و پلان گذاری کمک کرده باشد.

الف ۱.۱: استخراج معلومات از تصاویر تازه ماهواره یی (ستلایت)

معلومات و ارقام (استفاده زمین و شمارش خانه ها) که در این گزارش ارایه شده عمدتاً مبتنی بر تعبیر، تفسیر و تجزیه عینی تصویرهای تازه ماهواره ای دارای کیفیت بالاتر (Quick Bird, GeoEye, World View) با کیفیت (Resolution) مساوی ویا اضافه تر از ۶۱ سانتی متر) میباشد. این تعبیر، تفسیر و تجزیه تصاویر ماهواره ای ها ساده، سریع و مقرون به صرفه بوده و صحت آن به هدف تهیه و تدوین نقشه های (استفاده زمین و شمارش خانه ها) برای کمک به برنامه ریزی شهری و استراتژی ها و پروگرام ها، کافی و بسنده میباشد.

تازه ترین تصویر موجود برای هر شهر از یک متصدی بین المللی خریده شده است (جدول الف.۱). برای شهرهای بزرگ، تصاویر جدید سال (۲۰۱۴) قابل دسترسی بوده اند، اما برای بعضی از شهرهای کوچکتر تصاویر جدید در دسترس قرار نداشت. با آن هم، همواره از جدیدترین تصاویری که در دسترس بوده استفاده صورت گرفته است. این در ذات خود یک موضوع قابل پذیرش است، چون روند رشد و توسعه ساحات آباد در شهر های کوچک به سرعت تغییر نمیکند و به آن پیمانکه که شهرهای بزرگ بشکل سرسام آور آن در حال تغییر اند، شهر های کوچک سیر نسبتاً بطی و توسعه ای دارند. علی الرغم آن تا حد توان سعی بعمل آمده که سروی های ساحوی در شهر هاییکه تصاویر ماهواره یی (ستلایت) کهنه دارند صورت گیرد تا صحت و کیفیت ارقام و معلومات مربوطه بالا برود.

جدول الف ۱: تصاویر ماهواره ای استفاده شده در پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان سالهای ۲۰۱۴/۱۵

ولایات	کود	مراکز ولایات	کود	شاروالی	کیفیت تصویر فضایی (قدرت دید)	نوع تصویر	تاریخ تصویر	ساحه تحت پوشش (کیلومتر مربع)
بدخشان	BDS	فیض آباد	FBD	شاروالی فیض آباد	۰,۵۱	۲-WorldView	۴ جون ۲۰۱۴	۸۷
بادغیس	BDG	قلعه نو	QLN	شاروالی قلعه نو	۰,۵۹	۲-WorldView	۲۶ اگوست ۲۰۱۴	۲۵
بغلان	BGL	پلخمری	PLK	شاروالی پلخمری	۰,۵	IKONOS	۹ نومبر ۲۰۱۴	۱۸۶
بلخ	BAL	مزارشرف	MZR	شاروالی مزارشرف	۰,۵۵	۲-WorldView	۱۲ جون ۲۰۱۴	۱۳۲
بامیان	BAM	بامیان	BIN	شاروالی بامیان	۰,۵۵	۱-WorldView	۱۱ اگوست ۲۰۱۳	۶۰
					۰,۵۵	۲-WorldView	۱۱ اگوست ۲۰۱۴	
					۰,۵	۲-WorldView	۱۸ جولای ۲۰۱۳	
دایکندی	DAY	نیلی	NIL	شاروالی نیلی	۰,۵۲	۲-WorldView	۹ جون ۲۰۱۴	۲۵
فراه	FRA	فراه	FAH	شاروالی فراه	۰,۵۹	۲-Quickbird	۱۵ اپریل ۲۰۱۴	۵۶
فاریاب	FYB	میمنه	MMZ	شاروالی میمنه	۰,۴۶	۱-Geo-eye	۲۲ نومبر ۲۰۱۴	۴۸
غزنی	GHA	غزنی	GZI	شاروالی غزنی	۰,۵	۲-WorldView	۱۸ نومبر ۲۰۱۴	۱۱۵
غور	GHO	فیروزکوه	FRK	شاروالی فیروزکوه	۰,۸	۲-IKONOS	۲۹ جون ۲۰۱۴	۲۵
					۰,۸	۲-IKONOS	۲۶ جون ۲۰۱۴	
هلمند	HEL	لشکرگاه	LKG	شاروالی لشکرگاه	۰,۵	۲-WorldView	۱۷ اکتبر ۲۰۱۴	۱۳۲
هرات	HER	هرات	HEA	شاروالی هرات	۰,۵۲	۲-WorldView	۴ اکتبر ۲۰۱۳	۱۳۴
					۰,۴۶	۱-Geo-eye	۱۷ جولای ۲۰۱۴	
جوزجان	JOW	شبرغان	SHB	شاروالی شبرغان	۰,۵	۲-WorldView	۱۷ نومبر ۲۰۱۳	۷۷
					۰,۵	۲-WorldView	۲۱ اگوست ۲۰۱۴	
کابل	KAB	کابل	KBL	شاروالی کابل	۰,۵	۲-WorldView	۱ سپتمبر ۲۰۱۴	۶۰۰
					۰,۵	۲-WorldView	۳۰ اپریل ۲۰۱۴	
					۰,۵	۲-WorldView	۴ نومبر ۲۰۱۳	
					۰,۵	۲-WorldView	۱ سپتمبر ۲۰۱۴	
					۰,۵	۲-WorldView	۱ سپتمبر ۲۰۱۴	
کندهار	KAN	کندهار	KAN	شاروالی کندهار	۰,۵۶	۲-WorldView	۲۸ مارچ ۲۰۱۴	۲۴۲
					۰,۴۷	۲-WorldView	۹ جون ۲۰۱۴	
کاپیسا	KAP	محمود راقی	MMR	شاروالی محمود راقی	۰,۵۶	۲-WorldView	۵ سپتمبر ۲۰۱۳	۴۰
					۰,۵۶	۲-WorldView	۱۱ اپریل ۲۰۱۴	
خوست	KHO	خوست	KHT	شاروالی خوست	۰,۶۱	Quickbird	۱۴ نمبر ۲۰۱۴	۶۵
					۰,۵۱ and ۰,۶۱	۲-WorldView	۱۲ مارچ ۲۰۱۴	
کنر	KNR	اسد آباد	ASD	شاروالی اسد آباد	۰,۵۲	۲-WorldView	۳۱ مارچ ۲۰۱۴	۱۰۱
					۰,۵۲	۲-WorldView	۲۶ جون ۲۰۱۴	
کنڈز	KDZ	کنڈز	KDZ	شاروالی کنڈز	۰,۵	۲-WorldView	۲۰ جون ۲۰۱۴	۳۵

جدول الف ۱: تصاویر ماهواره ای استفاده شده در پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان سالهای ۲۰۱۴/۱۵

۲۶	۷ جولای ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵۱	شاروالی مهترلام	MHT	مهترلام	LAG	لغمان
	۱۹ نومبر ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵۱					
۷۶	۸ نومبر ۲۰۱۴	۱-Geo-eye	۰.۴۲	شاروالی پل علم	PLA	پل علم	LOG	لوگر
	۲۰ جولای ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۴۸					
	۱۶ دسمبر ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۴۷					
۴۵	۵ اگوست ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵	شاروالی میدان شهر	MSR	میدان شهر	WAR	میدان وردک
۲۲۶	۳ دسمبر ۲۰۱۳	۱-Geo-eye ۲-WorldView	۰.۵	شاروالی جلال آباد	JAA	جلال آباد	NAN	ننگرهار
	۱۱ اکتبر ۲۰۱۳		۰.۵					
	۲۳ جولای ۲۰۱۴		۰.۵					
	۲ دسمبر ۲۰۱۳		۰.۵					
	۱۴ فیبروری ۲۰۱۴		۰.۵					
۳۲	۱۰ می ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵۱	شاروالی زرنج	ZAJ	زرنج	NIM	نیمروز
	n/a	n/a	Used Archived Sat. Imagery (۲۰۱۱)	شاروالی پارون	PRN	پارون	NUR	نورستان
۵۹	۲۲ جون ۲۰۱۳	۱-Geo-eye	۰.۴۶	شاروالی شرن	SHR	شرن	PKA	پکتیکا
	۸ نومبر ۲۰۱۴	۱-Geo-eye	۰.۴۳					
۹۷	۲۳ جولای ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵۴	شاروالی گردیز	GDZ	گردیز	PIA	پکتیا
۶۳	۵ سپتمبر ۲۰۱۳	۲-WorldView	۰.۵۳	شاروالی بازارک	BAZ	بازارک	PAN	پنجشیر
	۱۹ سپتمبر ۲۰۱۳	۲-WorldView	۰.۵۲					
۲۵	۲۵ اکتبر ۲۰۱۳	۲-Quickbird	۰.۶۳	شاروالی چاریکار	CHK	چاریکار	PAR	پروان
۳۴	۱۹ اکتبر ۲۰۱۱	۲-WorldView	۰.۴۸	شاروالی ایبک	AYB	ایبک	SAM	سمنگان
	۱۷ اکتبر ۲۰۱۴	۳-WorldView	۰.۳۲					
۳۵	۲۸ فیبروری ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵۳	شاروالی سرپل	SRP	سرپل	SAR	سرپل
۱۰۸	۲۳ جولای ۲۰۱۴	۲-WorldView	۰.۵۳	شاروالی تالقان	TQN	تالقان	TAK	تخار
	۹ نومبر ۲۰۱۳	۲-WorldView	۰.۵۴					
۴۹	۱۱ نومبر ۲۰۱۳	۱-Geo-eye	۰.۴۳	شاروالی ترینکوت	TRK	ترینکوت	URU	ارزگان
49	۱۰ نومبر ۲۰۱۴	Quickbird	0.62	شاروالی قلات	QAL	قلات	ZAB	زابل

جدول الف ۲۰: صنف بندی استفاده زمین (توضیحات اضافه شود (تصویر ماهواره ای / تصویر از روی زمین) برای همه صنوف مورد استفاده زمین

نمونه تصاویر ماهواره ای	تفصیل	صنوف فرعی	صنوف و انواع اساسی (استفاده از زمین)
	شبکه بندی منظم / شکل عمومی سرکها و خانه ها	خانه های منظم و پلانی	رهنمایی
	شبکه بندی نا منظم و غیر پلانی / شکل عمومی سرکها و خانه ها	خانه های نا منظم و غیر پلانی	
	منازل در نشیبی تپه ها، که اکثراً در شهر کابل وجود دارد.	خانه های دامنه تپه	
	ساختمان های بیشتر از سه طبقه، که صرفاً رهايشی اند	آپارتمان ها	
	ساختمان های بیشتر از سه منزل که طبقه کف زمین بمنظور رهايشی مورد استفاده قرار نمیگیرد	آپارتمانهای مختلط	
	ساحات بسیار نامنظم که در آن خیمه ها و خانه های موقتی، وجود دارد	کمپ های بیجا شدگان داخلی / کوچی ها	
	دوکانها، سالون های عروسی، مارکیت های عمده فروشی، میدان های فروشات، خرده فروشی و غیره	تجارتی	ساحات آباد
	مساجد، ساحات تاریخی، فرهنگی و میراثی، زیارت ها	زیارت / ساحات فرهنگی و میراثی	
	قبرستان ها عمومی	قبرستان	
	ستدیوم های بزرگ، میدان های سرباز سپورتنی	میدان های سپورتنی	
	پارکهای مصنوعی (ساخت انسان یعنی غیر طبیعی)، ساحات سبز برای تفریح و سرگرمی	پارکها	
	مکاتب، پوهنتون ها	ساحات تعلیمی و تحصیلی	
	کلنیک ها و شفاخانه ها	صحت	
	دربگیرنده ساحات نظامی، ساحات مربوط نهاد ها اما نا مشخص	مربوط نهاد های دیگر	
	ورکشاپها، فابریکه ها، انبارخانه، مراکز توزیع و محلات صنعتی متروکه	بخش صنعتی	
	پارکنگ، ایستگاه بس و میدان هوایی	ترانسپورت	
	جاده های اصلی که دارای بیشتر از ۵ متر عرض باشند	جاده ها	
	زمین های تقسیم شده به نمرات که تا هنوز اعمار نشده اند	نمرات خالی و سفید	
	ساختمان هایی که تحت اعمارند	ساختمان های تحت اعمار	
	فارم ها، ساحات زراعتی و باغها	زراعت	ساحات نا آباد
	ساحات سبز دارای پوشش گیاهی	ساحات سبز	
	ساحاتی که توسط درخت ها تحت پوشش قرار گرفته شده اند	جنگل	
	جهیل ها، حوض ها، دریا ها و کانال های آبیاری	آب	
	کوه ها، صحرا ها و ساحاتی که تحت استفاده نمیشوند	زمین بایر و لامزرزوع	

مکمل ساحوی، محدودیت‌هایی وجود داشته است. ساختمان‌های کوچک که به اهداف تعلیم و تربیه ویا صحت مورد استفاده قرار گرفته، به شکل درست آن از طریق مشاهده عینی تصویر ماهواره ای نمیتواند تشخیص شود، بلکه احتمال می‌رود که به سادگی منحیث (خانه) درج داتابیس شود، بناء در زمان دیجیتایز نمودن معلومات بخش (خانه ها) مشوره و تطابق دهی چنین ساحات با بخش معلومات (استفاده زمین) و جزئیات آن لازم می‌افتد. از آنجایی که صحت و کیفیت صنوف فرعی نهادی با ۱۰ فیصد احتمال اشتباه نمیتواند تضمین شود، بنابراین گزارش دست داشته صرفاً صنف‌های عمومی (نهادی) را ارایه میدارد نه صنوف فرعی.

با در نظر داشت اینکه کاربرد اصلی (معلومات استفاده زمین و خانه ها) بخاطر پلانگذاری شهری به سطح شهر و مدیریت زمین میباشد، در این صورت نیازی برای تشخیص استفاده زمین باساس هر واحد (واحد وار) احساس نمیشود. و نیز با در نظر داشت استفاده مختلط و خصوصیات عمومی شهرهای افغانستان که شکل نامنظم دارد، این موضوع امکان پذیر نیست. سطح کیفیت تصاویر ماهواره ای برای تحلیل، تجزیه و دیجیتل سازی ۱۵۰۰-۲۰۰۰ متر مربع میباشد.

درینصورت به گونه مثال یک دوکان کوچک در یک ساحه رهائشی منحیث زمین رهائشی صنف بندی میشود، نه منحیث زمین تجارتي. با وجود آن هم، معلومات و ارقام استفاده بارز زمین را در یک ساحه بسیار واضح و باکیفیت عالی (با داشتن اشتباه تنها در حدود ۱۰ فیصد) نشان میدهد که از طریق بررسی های ساحوی تثبیت شده است (موضوع در پایین وضاحت بیشتر یافته است).

(استفاده زمین دولتی) به هفت صنف فرعی صنف بندی شده است (جدول الف ۲۰). هرچند، در شناخت این صنوف فرعی توسط مشاهده عینی از تصویر ماهواره یی (ستلایت) به شکل دقیق آنبدون بررسی

شکل الف ۱: چارت جریان معلومات میتودولوژی مورد استفاده برای بدست آوردن معلومات استفاده زمین و خانه (برای هر ۵ قدمه نقشه های / تشریحات اضافه شود)



تشخیص فرایند مکرر در وقفه های عادی (هر ۳-۵ سال) برای نظارت از تغییرات شهری

داتابیس های دفتر اسکان بشر ملل متحد در سطح فامیل ها، منحیت بخشی از کمک تکنیکی انکشاف و رشد شهری/برنامه های همبستگی شهری (تحت رهبری شاروالی) طی دهه گذشته، خانه های چند فامیلی را تایید مینماید. به اساس سروی ۱۲۰ هزار خانواده (۱،۱۳ میلیون نفر) (هفت چند مجموع نمونه گیری از مقیاس ملی NRVA ۲۰۱۱/۱۲)، حد اوسط فامیلی ها ۶،۵ و حد اوسط اندازه خانه ۹،۳ نفر میباشد. این رقم مساوی است به حد اوسط ۱،۳ فامیل برای هر خانه).

موضوع متذکره در مطابقت با سروی سال (۲۰۱۴) خانه های کلان در پنج شهر بزرگ (کابل، جلال آباد، هرات، مزار شریف و کندهار) میباشد. به اساس نتایج بیشتر از ۵۴۰۰ سروی چنین دریافت شد که حد اوسط اندازه خانه ۸،۰ نفر در هر خانه میباشد.

بصورت واضح معلومات دقیق و معتبر در شهرهای دیگر بدون پنج شهر بزرگ به شکل کافی وجود ندارد تا بواسطه آن تخمین دقیق نفوس صورت گیرد، ازینجاست که در نظر گرفتن ضریب ۷،۵ تا ۹ نفر در هر خانه، درین گزارش مناسب است. با در نظر داشت مطالب فوق در راستای تخمین نفوس ساحات شهری یک موفقیت بزرگ است. خاصتا زمانیکه آنها جدیدسرحداث جدید شاروالی را در نظر گرفته باشد و معلومات بخش خانه ها در سراسر شهر ها به محل نسبت داده میشود کم برای پلانگذاری، عرضه خدمات، مدیریت زمین ومسایل دیگر مربوط شهر کمک مینماید.

با در نظر داشت خصوصیت های فزیک، شکل و ساختار خانه های تیپ افغانی با دیوارهای احاطوی آشکار، تعبیر و تفسیر عینی از تصویر ماهواره یی (ستلایت) شمارش دقیق خانه را با کیفیت و صحت بلند (با احتمال ۱۰ فیصد اشتباه) ارایه میدارد. اپارتمان ها از طریق بررسی ساحوی مورد شمارش قرار گرفته اند (به بخش الف. ۲۰ مراجعه شود). اما دقت و صحت

همه (خانه ها) در ساحات رهايشی دیجیتالی (دیجیتایز) گردیده و بدین گونه برای هرکدام از ۳۴ شاروالی، تعداد خانه های آنها تشخیص شده اند. (خانه) ها به صنف های فرعی که در جدول الف. ۲۰ لست گردیده، کتگوری شده اند، بنابراین خانه به یک سلسله (تیپولوژی) مسکن، به شمول خانه های مجزا از هم، اپارتمان ها، خانه های بیجاشدگان داخلی/ کوچی، راجع میشود. چنین ساختار رهايشی با دیوار های بلند، ساختمانهای بزرگ اپارتمان ها و کثرت کمپ های بیجاشدگان داخلی، تشخیص نوعیت خانه را از تصویر ماهواره ای آسان میسازد. واحد های اپارتمانها در هنگام سروی های ساحوی حساب شده اند و همچنین در مورد بیجاشدگان داخلی (IDPs) در محدوده ی (KIS) یا اسکان نامنظم کابل، از داتابیس های (Taskforce) جمع آوری شده است.

چیزی که در تصویر واضح نیست، تعداد ساکنین میباشد، بنابراین پیامد آن یک نفوس که به اساس تخمین استوار است، میباشد. در حالیکه برنامه وضعیت شهرهای افغانستان یک برنامه و پروژه سرشماری نیست، با استفاده از تعدادخانه ها منحیت منبع و اساس، نفوس را میتوان تخمین کرد. برنامه وضعیت شهرهای افغانستان برای ارایه تخمینات نفوس از میزان تخمین پایین (هر خانه ۷،۵ نفر) و به تخمین سطح بالا (هرخانه ۹ نفر)، استفاده کرده است. این درجه تخمینات هم به اساس منابع و فرضیات (جدول الف. ۳) در نظر گرفته شده است:

- هر یک از خانه ها توسط یک خانواده تصرف شده است. یک خانه داری یک ویا بیشتر از یک فامیل میباشد.
- NRVA ۲۰۱۱/۱۲ چنین تشخیص میدهد که حد اوسط هر خانواده شهری ۷،۵ نفر میباشد. بنابراین در هر خانه بطور فرضی حد اوسط ۷،۵ نفر زندگی میکند.

جدول الف. ۳: منابع کلیدی سطح خانواده بخاطر برآورد جمعیت شهری که در پروگرام وضعیت شهرهای افغانستان استفاده شده است

منبع	تاریخ	ساحه نمونه برداری و محدودیت ها	حد اوسط اندازه فامیل شهری	حد اوسط اندازه خانواده شهری (در هرخانه)
NRVA که بواسطه اداره احصاییه مرکزی اجرا و رهبری شده.	۲۰۱۱/۱۲	۲۰،۸۲۸ خانه (۱۵۹،۲۲۴ نفر) را در سراسر کشور تحت پوشش قرار داد. اما، مرزهای شاروالی از آن وقت تغییر کرده (توسعه پیدا کرده)، بنابراین، در این حالت چهارچوب نمونه گیری برنامه وضعیت شهرهای افغانستان به شکل جدید و وسیع تر شهری در نظر گرفته میشود.	فراهم نشده	۷،۵
گزارش فقر شهری، Samuel Hall، افراد نیازمند (PIN)، شورای پناهندگان دنمارکی (DRC)	۲۰۱۴	۵۴۱۰ خانواده های سراسر پنج شهر بزرگ مورد سروی قرار گرفت. "این نمونه برای ما معلومات سطح شهر با احصاییه دقیق ۵ فیصد احتمال اشتباه و ۹۵ فیصد دقت، را بدست ما میدهد"	فراهم نشده	۸،۰
سروی مهاجرت کابل، توسط NRC و UNHCR	۲۰۱۴	۵،۷۷۵ فامیل (۳۴،۱۸۸ نفر) در نواحی ۵ (۹۸۳)، ۷ (۱،۲۲۷)، ۸ (۴۵۲)، ۱۳ (۳،۱۱۲) شهرکابل، سروی شده است.	۵،۹	فراهم نشده
داتابیس سروی خانواده شهری مربوط اسکان بشر ملل متحد - هبیتات	۲۰۱۰-۲۰۱۵	۱۲،۲۰۰ خانواده (بیش از ۱،۱۳ میلیون نفر، ۵۵۱ شوراها انکشافی محلی) در سراسر نه شهر (کابل، هرات، مزار شریف، کندهار، جلال آباد، چاریکار، لشکرگاه، فراه و بامیان).	۶،۵	۹،۳
وضعیت شهرهای افغانستان ۱۵/۲۰۱۴ - تخمین سطح پایین.				
وضعیت شهرهای افغانستان ۱۵/۲۰۱۴ - تخمین سطح بالا				
۷،۵ نفر در هر خانه				
۹ نفر در هر خانه				

الف ۱.۲ سروی و بررسی ساحه

بعد از آنکه مجموع ارقام اولیه از طریق تجزیه، تحلیل و تفسیر تصاویر ماهواره یی (ستلایت) بدست آمد، سروی ساحوی و اصلاح سازی در اکثر شهرها انجام شد (جدول الف.۴). در خصوص شهر کابل: از آنجاییکه دفتر مرکزی اسکان بشر ملل متحد-هیبیتات در شهر کابل

این موضوع برای کمپهای بیجاشدگان داخلی و "کوچی ها" پایین تر است، زیرا ساختار خانه های مذکور غیر عادی و اکثراً متشکل از خیمه ها میباشد (به استثنای کمپهای بیجاشدگان داخلی شهر کابل که سروی ساحوی در آن صورت گرفته است). اما، ساختارهای متذکره متشکل از فیصدی بسیار کوچک (کمتر از ۵٪ فیصد) مجموع خانه ها را تشکیل میدهد که بدین ترتیب به اندازه زیاد تاثیر گذار نمیشد.

جدول الف.۴: مرور اجمالی بررسی های ساحه و ورکشاپ های شهری

مجموع فیصدی خانه ها	فیصدی ساحات آباد شهر ۲۵	فیصدی ساحات و زمین های شهر ۲۵	ورکشاپ های شهری				بررسی های ساحوی	شهر
			تعداد اشتراک کنندگان		موقعیت	تاریخ		
			ذکور	اناث				
٪۸	٪۶	٪۲	۱۸	۶۴	تالار شاروالی	۱ نومبر ۲۰۱۴	نومبر ۲۰۱۴	مزارشریف
٪۶	٪۹	٪۷		۸۰	تالار شاروالی	۲۱ جنوری ۲۰۱۵	جنوری ۲۰۱۵	کندهار
٪۱	٪۱	٪۱	۱۳	۸۷	تالار شاروالی	۱ فبروری ۲۰۱۵	فبروری ۲۰۱۵	چاریکار
٪۱	٪۲	٪۱	۴	۳۶	دفترهیبیتات	۲ فبروری ۲۰۱۵	فبروری ۲۰۱۵	فراه
٪۹	٪۸	٪۵	۱۰	۸۰	تالار شاروالی	۳ فبروری ۲۰۱۵	فبروری ۲۰۱۵	هرات
٪۴	٪۵	٪۳	۱۰	۸۰	تالار شاروالی	۱۱ فبروری ۲۰۱۵	فبروری ۲۰۱۵	جلال آباد
٪۳	٪۳	٪۳	۳	۶۲	تالار شاروالی	۱۴ مارچ ۲۰۱۵	مارچ ۲۰۱۵	کندز
٪۰	٪۱	٪۰	۲	۴۱	تالار دفتر مقام ولایت	۲۶ اپریل ۲۰۱۵	اپریل ۲۰۱۵	مهنترلام
٪۲	٪۱	٪۱	۴	۳۸	تالار دفتر مقام ولایت	۵ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	میمنه
٪۲	٪۳	٪۲	۱۰	۲۴	تالار شاروالی	۷ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	شبرغان
٪۰	٪۱	٪۱	۲	۴۵	تالار شاروالی	۱۳ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	میدان شهر
٪۳	٪۵	٪۱۰	۳	۴۹	تالار شاروالی	۱۳ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	لشکرگاه
٪۰	٪۱	٪۱	۳	۳۱	دفتر ملل متحد هیبیتات	۱۸ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	بامیان
٪۰	٪۰	٪۳	۷	۲۸	تالار شاروالی	۲۰ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	نیلی
٪۱	٪۰	٪۱	۳	۳۲	تالار شاروالی	۱۷ می ۲۰۱۵	می ۲۰۱۵	محمود راقی
٪۰	٪۱	٪۱	۵	۲۵	تالار شاروالی	۸ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	پل علم
٪۳	٪۲	٪۳	۴	۵۷	تالار شاروالی	۹ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	تالقان
٪۰	٪۰	٪۲	۲	۲۹	تالار شاروالی	۹ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	بازارک
٪۱	٪۱	٪۴	۳	۳۴	تالار شاروالی	۱۰ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	فیض آباد
٪۱	٪۱	٪۲	۳	۶۲	تالار شاروالی	۱۱ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	اسد آباد
٪۳	٪۴	٪۵	۲	۴۳	تالار دفتر مقام ولایت	۲۳ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	پلخمری
٪۱	٪۲	٪۲	۱	۳۰	تالار شاروالی	۲۳ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	گردیز
٪۱	٪۱	٪۱	۳	۲۷	تالار شاروالی	۲۴ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	ایبک
٪۱	٪۲	٪۲	۰	۴۸	تالار دفتر مقام ولایت	۲۵ جون ۲۰۱۵	جون ۲۰۱۵	خوست
٪۴۱	٪۳۳	٪۲۸					فبروری ۲۰۱۵	کابل
٪۹۳	٪۹۱	٪۹۱	۱۱۵	۱۱۳۲	مجموع			
			۱۳۴۷					

مثل سروی های ساحوی و تدویر و رکشاپ ها نیز در تمام شهرها امکان برگزار شدن را نداشت اما با این هم در ۲۵ مرکز ولایات (از تمام مجموع اراضی شهرهای افغانستان ۹۱ فیصد و ۹۳ فیصد تمام خانه های شهرهای مربوطه) را در برگرفته است.

ورکشاپ های دیگر که آن موضوعات مختلف بحث میشد، نیز در سطح ملی برگزار گردیده در آن سعی میشد تا شرکا و نهادها در گزارش، بهبود بخشیدن به روند کاری، جمع آوری/تشریح معلومات و بازنگری گزارش متذکره، سهمیم ساخته شوند. ورکشاپ محیط شهری به تاریخ ۱۰ دسمبر، ۲۰۱۴ در اداره مستقل ارگانهای محلی دایرشد که در آن به تعداد ۳۰ تن (۲۱ مرد و ۹ زن) شرکت نموده بودند. ورکشاپ آموزشی برای بهتر ساختن اسکان شهرها هم به تاریخ سوم جون ۲۰۱۵ در وزارت محترم امور شهرسازی برگزار گردیده که در آن به تعداد ۲۱ نفر از طبقه ذکور اشتراک نموده بودند.

الف ۱.۴ معلومات ثانوی

در پهلوی جمع آوری معلومات اولیه چنانچه تذکر یافت، در برنامه وضعیت شهرهای افغانستان از یک سلسله معلومات ثانوی نیز برای تهیه جلد اول استفاده گردیده که شامل موارد آتی میشوند:

- داتابیس های رسمی و برنامه یی، به ویژه (۱) ریاست امور شاروالی ها سروی ۲۰۱۳ شاروالیهها که بالای ارزیابی ظرفیت شاروالی های ۳۴ مراکز ولایات تمرکز داشت. (۲) داتابیس GDMA در بخش مالی شاروالی برای ۳۴ شهر، معلومات شاروالی کابل در بخش استخدام کارمندان و بخش مالی شاروالی (۳) داتابیس سروی بخش خانواده خانه ها سال ۲۰۱۴ پروژه مطالعات فقر شهری سامول هال/ PIN / DRC (۴) داتابیس بیجاشدگان داخلی مربوط نیروی کاری اسکان غیر پلانی کابل (۵) داتابیس در بخش خانه و فامیل مربوط دفتر اسکان بشر ملل متحد-هیئات از بیشتر از ۶۰ هزار خانواده
- آثار ثانوی مانند (۱) مقالات و گزارشهای علمی (۲) گزارشات و ارزیابی های برنامه یی (مربوط ملل متحد- هیئات، کمک های ایالات متحده، اداره انکشافی ملل متحد، گزارش فقر شهری و غیره) (۳) گزارشات دولتی (مربوط NRVA ۱۲/۲۰۱۱، ارزیابی های شهری وزارت امور شهرسازی، ۲۰۰۵)، تحقیقات سکتوری و مطالعات در سطح شهری (مثلا معلومات درمورد شهر جلال آباد).
- باید خاطر نشان ساخت که هدف ازین کاربازنگری جامع از همه آثار متذکره نمیشد. بلکه هدف بازنگری و استفاده منابع فوق بخاطر تشریح یافته ها از معلومات ابتدایی جلد اول، میباشد.

موقعیت دارد، ازینرو قبل از تحلیل و تجزیه (GIS) یا (سیستم معلومات جغرافیایی)، سروی ساحوی در سرتاسر نواحی شهرکابل صورت گرفت، تا باعث افزایش صحت و دقت معلومات و ارقام شده باشد.

سروی ساحه دربرگیرنده تیم های سروی کننده دست اول میباشد (۱) ارزیابی دقت و صحت معلومات دربخش (استفاده زمین) و تعداد خانه ها، (۲) معلوم نمودن ساحات مجهول و ناشناخته (۳) شمارش اپارتمان ها (درست است که تصویر ماهواره ای بلاک ها را نشان میدهد، اما معلوم نمیشود که در هر بلاک به چه تعداد اپارتمان وجود دارد، درحالیکه داشتن معلومات درین زمینه بسیار مهم است). معلومات جمع آوری شده از ساحه بعداً در فایل های سیستم معلومات جغرافیایی جا داده شده است تا مجموع ارقام نهایی شهر بدست آمده باشد.

سروی ساحوی در ۲۵ شهر، در جریان ورکشاپ های شهری (در ذیل تشریح شده) صورت گرفت. معمولاً همه شهرها باید سروی ساحوی میشدند، اگرچه مسایل امنیتی، زمان کافی و محدودیت منابع این کار ناممکن ساخته است. با آن هم، ۹۱ فیصد مجموع ساحات زمین های شاروالی در ۳۴ شهر تحت پوشش سروی های ساحوی و اصلاح سازی قرارگرفتند.

الف ۱.۳: ورکشاپ ها با مسوولین ملی و محلی

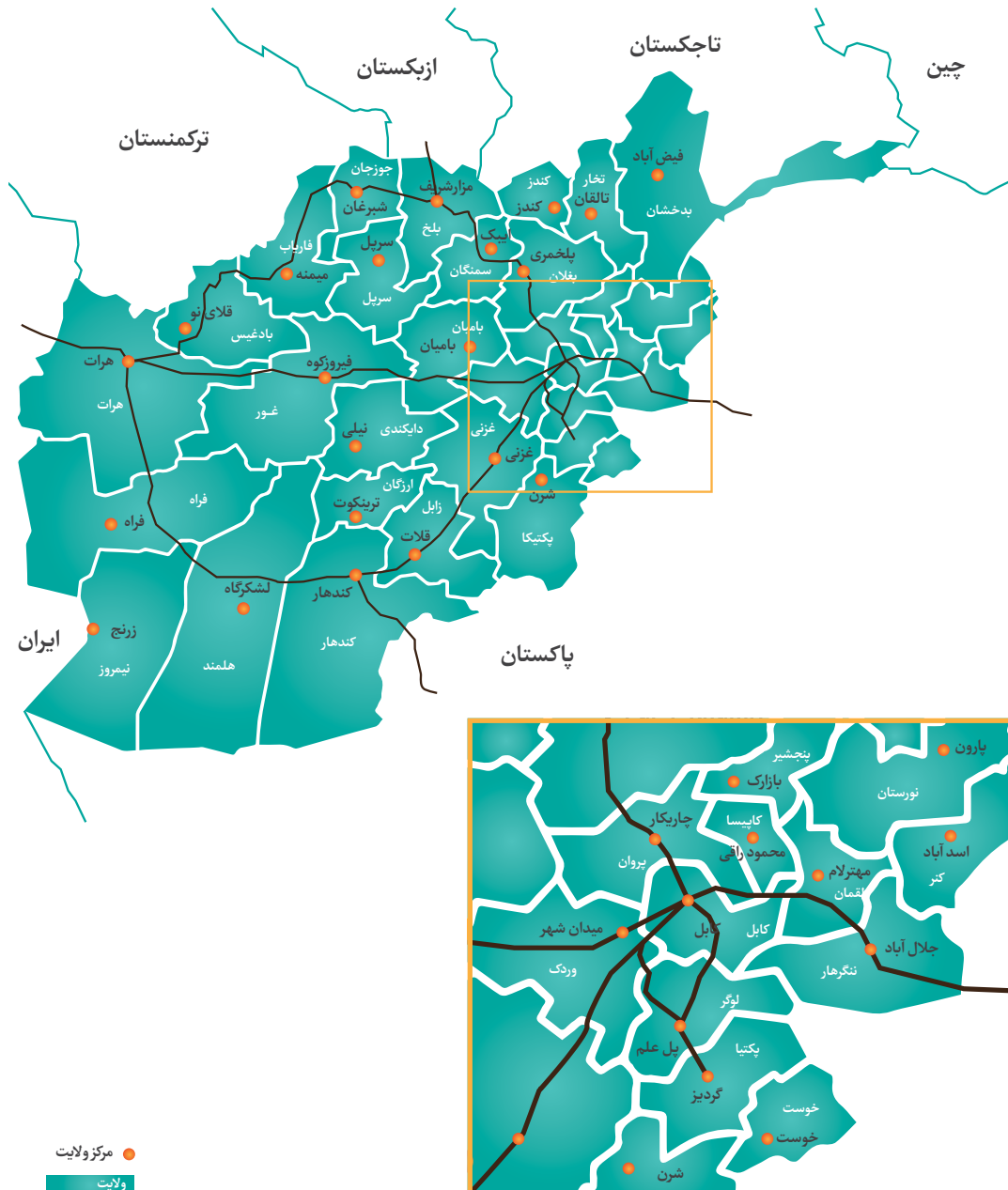
ورکشاپهای شهری در ۲۵ شهر برگزار شده است. ورکشاپهای مذکور این حقیقت را انعکاس میدهد که ساکنین محلی و کارمندان محلی محیط شان را خوب میشناسند، بنابراین معلومات عمده در مورد وضعیت شهر به عهده ساکنین شهر و نهاد های ثانوی ملی میباشد، اما لازم است تا این معلومات به شکل سیستماتیک جمع آوری، تحلیل، تجزیه، ذخیره و شریک ساخته شود.

ورکشاپهای شهری مربوط برنامه وضعیت شهرهای افغانستان عموماً یک روزه بوده که تحت رهبری اداره مستقل ارگان های محلی/IDLG و GDMA و شاروالی های محترم مربوطه برگزار گردیده که در این ورکشاپها بین ۳۰ تا ۱۰۰ سهامدار محلی به شمول والی ها، اعضای شورای ولایتی، شاروال، اعضای هیئت مشاوریت شاروالی، کارمندان ریاست شاروالی، مدیران شعبات نواحی مربوطه، وکلای گذر، رهبران شوراهای محلی انکشافی و جامعه مدنی، اشتراک ورزیده بودند. مسوده نقشه های بخش (استفاده زمین) بشکل ناحیه وار ارایه گردیده و اشتراک کنندگان به شکل سیستماتیک آن درگروپ های کاری نقشه های مذکور را بازنگری کرده و درصورت لزوم آن را تجدید کرده و یا تغییراتی در آن وارد نموده اند.

اشتراک کنندگان در ورکشاپ شهر چاریکار بررسی پیش نویس نقشه استفاده از زمین



ضمیمه ۲: ضمیمه آماری



اسد آباد	ایبک	بامیان	بازرگ	چاریکار	فراه	فیض آباد	فیروزکوه	گردیز	همه اراضی به هکتار (ha) تعداد ساخت در واحد
۹۲۴۵،۱	۳۱۷۴،۸	۳۵۳۹،۴	۹۱۲۱،۷	۳۰۲۵،۱	۲۹۴۹،۰	۱۵۹۳۲،۶	۲۶۱۴،۱	۶۱۷۳،۸	مجموع مساحت زمین
۴،۵	۱۹۹،۲	۲۶،۰	۰،۰	۳۰۶،۱	۳۴۴،۵	۲۲۲،۴	۱۷۰،۷	۲۴۱،۸	خانه های منظم
۳۵۲،۴	۲۳۴،۰	۱۶۷،۳	۸۸،۱	۱۷۲،۲	۰،۸	۴۰۴،۲	۱۳۸،۶	۵۵۷،۰	خانه های نامنظم
۶۷،۲	۰،۰	۷۳،۶	۴،۴	۰،۰	۱۰،۸	۹۱،۹	۰،۰	۰،۰	خانه های دامنه تپه
۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	اپارتمان ها
۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	اپارتمان های مختلط
۰،۰	۰،۰	۱،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۲	۰،۰	۲،۳	۱۱۱،۶	کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر
۴۲۴،۱	۴۳۳،۲	۲۶۷،۹	۹۲،۵	۴۷۸،۳	۳۵۶،۳	۷۱۸،۵	۳۱۱،۵	۹۱۰،۴	مجموع رهائشی
۲۹،۴	۲۰،۸	۲۴،۱	۲،۰	۳۹،۲	۳۸،۳	۱۷،۷	۱۸،۴	۸۱،۸	تجاری
۹۰،۸	۱۲۷،۹	۹۹،۱	۴۷،۰	۱۱۶،۸	۱۹۷،۲	۱۵۹،۰	۹۴،۸	۱۹۴،۸	دولتی
۰،۰	۷،۶	۶،۶	۱،۳	۹،۶	۵۳،۰	۱۷،۱	۴،۴	۲۰،۲	صنعتی
۰،۰	۰،۵	۲۳،۶	۲،۳	۱،۴	۷۹،۳	۱۰۵،۱	۴۹،۶	۶۶،۹	ترانسپورت (حمل و نقل)
۵۳،۳	۹۶،۰	۷۲،۲	۲۰،۷	۲۴۴،۴	۳۸۵،۲	۲۱۳،۲	۱۰۸،۰	۲۰۴،۲	سړک/راه
۹۷،۴	۱۰۱،۴	۱۴۱،۳	۲،۲	۴۱۴،۲	۷۲۱،۱	۲۵۴،۷	۸۲،۰	۲۰۲،۴	ساحات خالی
۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۴	۰،۰	۰،۴	۰،۰	۰،۰	۱۴،۹	تعمیرات تحت کار
۶۹۴،۹	۷۸۷،۳	۶۳۴،۸	۱۶۸،۳	۱۳۰۳،۹	۱۸۳۰،۸	۱۴۸۵،۳	۶۶۸،۸	۱۷۹۵،۵	مجموع اعمار شده
۲۱۹۳،۲	۱۲۶۱،۵	۱۹۰۶،۱	۸۳۲،۶	۶۱۰،۵	۶۳،۳	۲۲۰۲،۴	۵۰۰،۶	۲۳۸۳،۹	کشاورزی
۶۱،۵	۰،۵	۴،۲	۲۲،۲	۱۱۷،۹	۰،۰	۲۵،۲	۲،۲	۱۹،۰	ساحات سبز
۹۲۲،۸	۰،۰	۰،۰	۹۶،۵	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	۰،۰	جنگل
۷۱۲،۵	۱۲،۲	۳۹،۲	۳۷۳،۱	۳۶،۰	۱۹،۶	۴۴۲،۷	۱۱۲،۶	۱۰۴،۰	آب
۴۶۶۰،۲	۱۱۱۳،۳	۹۵۵،۱	۷۶۲۹،۱	۹۵۶،۸	۱۰۳۵،۳	۱۱۷۷۷،۱	۱۳۲۹،۹	۱۸۷۱،۳	دشت
۸۵۵۰،۲	۲۳۸۷،۵	۲۹۰۴،۶	۸۹۵۳،۴	۱۷۲۱،۲	۱۱۱۸،۲	۱۴۴۴۷،۳	۱۹۴۵،۳	۴۳۷۸،۳	مجموع غیر اعمار شده
۶،۳۵۰	۶،۹۸۳	۴،۴۳۵	۲،۷۴۷	۱۰،۶۷۱	۵،۲۹۹	۱۰،۶۰۵	۳،۴۷۴	۷،۸۴۹	مجموع خانه ها
۴۹	۳،۴۰۸	۵۰۷	۰،۰	۷،۱۳۱	۵،۱۶۴	۳،۱۹۸	۱،۸۰۴	۲،۸۶۴	خانه های منظم
۵،۰۰۴	۳،۵۷۵	۲،۴۲۰	۲،۶۵۰	۳،۵۴۰	۱۰	۵،۴۴۶	۱،۶۷۰	۴،۴۱۷	خانه های نامنظم
۱،۲۹۷	۰،۰	۱،۴۸۰	۹۷	۰،۰	۱۰۷	۱،۹۶۱	۰،۰	۰،۰	خانه های دامنه کوه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اپارتمان ها
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اپارتمان های مختلط
۰	۰	۲۸	۰	۰	۱۸	۰	۰	۵۶۸	کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر

ساحات آباد

ساحات ناآباد

تعداد خانه ها

محمود راقی	لشکرگاه	کندز	خوست	کندھار	کابل	جلال آباد	هرات	غزنی	همه اراضی به هکتار (ha) تعداد ساخت در واحد
۳۹۶۹,۹	۳۸۴۴۴,۰	۱۱۲,۰۵,۹	۷۱۳۸,۹	۲۷۳۳۷,۴	۱۰۳۰۴۹,۲	۱۲۷۹۶,۲	۱۸۲۷۷,۵	۵۶۶۲,۰	مجموع مساحت زمین
۰,۰	۸۴۶,۶	۲۲۸,۷	۱۲۵,۷	۱۶۷۵,۸	۴۵۷۹,۵	۸۷۳,۹	۱۲۲۱,۲	۱۲۴,۵	خانه های منظم
۳۷۰,۹	۱۶۴۱,۱	۱۲۴۹,۶	۸۳۵,۶	۲۰۱۷,۷	۹۰۸۸,۱	۱۳۴۸,۴	۱۹۱۵,۵	۹۱۵,۰	خانه های نامنظم
۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۳۱۳۸,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	خانه های دامنه تپه
۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۴	۸۱,۶	۲۷۵,۹	۰,۱	۴۰,۵	۰,۴	اپارتمان ها
۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۸,۱	۷۹,۷	۱,۸	۶,۷	۱,۷	اپارتمان های مختلط
۰,۰	۱۰,۳	۰,۷	۸۱,۶	۸۱,۹	۱۷۳,۸	۲۰,۸	۷۷,۰	۶,۴	کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر
۳۷۰,۸	۲۴۹۷,۹	۱۴۷۸,۹	۱۰۴۳,۳	۳۸۶۴,۹	۱۷۳۳۵,۰	۲۲۴۴,۹	۳۲۶۰,۸	۱۰۴۸,۰	مجموع رهائشی
۲۲,۴	۹۰,۰	۶۶,۰	۱۲۵,۸	۶۶۳,۰	۱۰۰۵,۸	۱۴۷,۷	۲۲۶,۸	۲۰۲,۶	تجاری
۵۷,۹	۴۶۳,۷	۵۴۸,۳	۲۴۴,۸	۱۲۰۰,۶	۶۴۷۹,۶	۵۳۱,۴	۶۴۴,۰	۴۰۹,۸	دولتی
۰,۲	۹۹,۲	۶۲,۵	۵۸,۲	۱۸۷,۷	۱۸۹۳,۳	۱۱۳,۹	۴۴,۹	۴۳,۴	صنعتی
۰,۰	۲۱۲,۵	۱۷۱,۲	۱۰۸,۸	۲۴,۸	۸۶۷,۸	۲۰۴,۴	۴۲۹,۷	۳۲,۴	ترانسپورت (حمل و نقل)
۴۹,۳	۶۱۲,۱	۲۶۴,۵	۱۶۵,۲	۱۳۰۵,۵	۲۹۵۶,۸	۷۱۸,۹	۱۰۷۵,۲	۵۱۱,۱	سرک/راه
۱۳,۴	۲۱۱۷,۱	۴۶۷,۶	۱۲۳,۴	۴۰۲۳,۰	۹۳۹۰,۵	۱۵۱۲,۳	۳۷۹۲,۶	۱۰۸۶,۴	ساحات خالی
۰,۰	۲۹,۱	۰,۰	۰,۰	۲۱,۶	۲۱۳,۷	۷,۴	۲,۵	۰,۸	تعمیرات تحت کار
۵۱۴,۱	۶۱۲۱,۸	۳۰۵۹,۱	۱۸۶۹,۵	۱۱۲۹۱,۲	۴۰۱۴۲,۶	۵۴۸۱,۰	۹۴۷۶,۵	۳۳۳۴,۵	مجموع اعمار شده
۲۸۷۶,۹	۲۳۳۴۴,۱	۷۳۶۹,۹	۲۹۷۰,۶	۷۰۱۵,۴	۱۹۹۷۰,۴	۵۵۷۰,۸	۶۵۵۶,۵	۱۵۸۶,۴	کشاورزی
۲۹,۸	۳۱۳,۸	۴,۷	۴۱,۳	۱۱,۶	۱۲۲,۹	۴۱,۶	۴۷,۲	۰,۰	ساحات سبز
۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۰,۰	جنگل
۷۷,۲	۴۹۳۹,۷	۲۰۵,۳	۳۵۸,۹	۱۸۸,۰	۹۱۳,۰	۳۴۷,۹	۶۰,۱	۱۰۷,۶	آب
۴۷۱,۹	۳۷۲۴,۵	۵۶۶,۹	۱۸۹۸,۶	۸۸۳۱,۲	۴۱۹۰۱,۳	۱۳۵۴,۹	۲۱۳۷,۱	۶۳۳,۴	دشت
۳۴۵۵,۸	۳۲۳۲۲,۱	۸۱۴۶,۸	۵۲۶۹,۴	۱۶۰۴۶,۲	۶۲۹۰۶,۶	۷۳۱۵,۲	۸۸۰۱,۰	۲۳۲۷,۵	مجموع غیر اعمار شده
۵,۶۱۰	۳۰,۷۰۹	۲۹,۸۷۷	۱۱,۷۸۷	۶۱,۹۰۲	۳۹۶,۰۹۵	۳۹,۵۸۶	۸۹,۷۹۰	۱۵,۹۳۱	مجموع خانه ها
۰	۱۱,۸۹۰	۵,۷۱۹	۲,۰۷۳	۲۵,۲۲۴	۱۰۱,۷۲۹	۱۸,۲۳۸	۳۶,۲۰۹	۲,۱۳۴	خانه های منظم
۵,۶۱۰	۱۸,۷۸۴	۲۴,۱۲۸	۹,۳۰۴	۳۲,۸۱۱	۱۹۰,۲۱۸	۲۰,۷۴۳	۵۱,۳۱۷	۱۳,۶۶۵	خانه های نامنظم
۰	۰	۰	۰	۰	۶۴,۶۲۲	۰	۰	۰	خانه های دامنه کوه
۰	۰	۰	۰	۲,۶۰۵	۲۲,۸۱۸	۳۲	۵۱۹	۱۸	اپارتمان ها
۰	۰	۰	۰	۴۶۲	۸,۰۳۱	۵۱	۱۱۳	۵۱	اپارتمان های مختلط
۰	۳۵	۳۰	۴۱۰	۸۰۰	۸,۶۷۷	۵۲۲	۱,۶۳۲	۶۳	کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر

ساحات آباد

ساحات ناآباد

تعداد خانه ها

میدان شهر	میمنه	مزارشریف	مهترلام	نیلی	پروان	پل علم	پنجشیر	قلعه نو	همه اراضی به هکتار (ha) تعداد ساخت در واحد	
۳۳۴۶.۸	۳۴۶۱.۰	۸۳۰۴.۰	۱۳۹۷.۴	۹۴۰۴.۸	۳۵۰.۱	۳۷۵۲.۰	۱۸۰۹۶.۴	۲۷۷۷.۳	مجموع مساحت زمین	
۹۱.۳	۳۸۱.۰	۱۸۹۵.۷	۱۲۲.۵	۰.۰	۰.۰	۹۸.۰	۴۳۵.۶	۴۷.۷	خانه های منظم	
									خانه های نامنظم	
									خانه های دامنه تپه	
									اپارتمان ها	
									اپارتمان های مختلط	
									کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر	
									مجموع رهائشی	
۱۰.۲	۵۸۸.۲	۱۰۴۸.۶	۱۲۴.۰	۸۳.۱	۹.۶	۹۲.۴	۱۳۷۳.۶	۴۰۷.۷	تجاری	
									دولتی	
									صنعتی	
									ترانسپورت (حمل و نقل)	
									سرک/راه	
									ساحات خالی	
									تعمیرات تحت کار	
									مجموع اعمار شده	
									کشاورزی	
									ساحات سبز	
									جنگل	
									آب	
									دشت	
مجموع غیر اعمار شده										
۳.۰	۰.۰	۱۱.۲	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	مجموع خانه ها	
									خانه های منظم	
									خانه های نامنظم	
									خانه های دامنه کوه	
									اپارتمان ها	
									اپارتمان های مختلط	
									کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر	

مجموع	زنج	تربکوت	تالفان	شون	شیرخان	سزبل	قلات	همه اراضی به هکتار (ha) تعداد ساخت در واحد	
								ساخت	تعداد
۳۷۵۲۱۵٫۹	۴۸۲۳٫۰	۴۰۶۵٫۶	۱۰۷۴۳٫۸	۵۸۹۲٫۷	۷۳۳۵٫۰	۲۹۸۹٫۸	۴۸۱۹٫۸	مجموع مساحت زمین	
۱۵۷۶۶٫۶	۲۲۶٫۵	۳۳۷٫۵	۳۵۶٫۰	۲٫۴	۴۰۴٫۸	۲۶٫۸	۱۴۹٫۹	ساخت	خانه های منظم
۳۰۱۴۶٫۶	۷۰۹٫۴	۲۴۲٫۱	۱۶۷۹٫۰	۳۰۱٫۸	۱۳۱۶٫۹	۴۶۸٫۴	۱۹۴٫۲		خانه های نامنظم
۳۵۰۳٫۷	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰		خانه های دامنه تپه
۴۴۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۴٫۴	۰٫۰	۰٫۰		اپارتمان ها
۱۰۱٫۹	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰		اپارتمان های مختلط
۵۸۷٫۹	۰٫۰	۱٫۴	۰٫۰	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۶		کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر
۵۰۵۴۶٫۷	۹۳۵٫۹	۵۸۱٫۱	۲۰۳۵٫۰	۳۰۴٫۳	۱۷۲۶٫۰	۴۹۵٫۲	۳۴۴٫۷		مجموع رهائشی
۳۴۶۸٫۸	۷۱٫۱	۳۶٫۵	۴۱٫۸	۴۴٫۶	۳۹٫۰	۱۷٫۴	۳۵٫۱	تجاری	
۱۴۸۶۰٫۲	۴۹٫۲	۷۸٫۸	۲۰۵٫۷	۸۱۰٫۵	۲۴۸٫۴	۴۳٫۰	۳۰۶٫۶	دولتی	
۳۰۴۹٫۴	۱۲٫۴	۳۲٫۶	۲۷٫۴	۴۹٫۳	۵۷٫۷	۰٫۷	۳۳٫۰	صنعتی	
۲۹۶۶٫۲	۱۴۳٫۵	۳۰۴٫۱	۳٫۹	۶٫۳	۱٫۰	۰٫۰	۲٫۹	ترانسپورت (حمل و نقل)	
۱۲۴۸۲٫۸	۲۸۶٫۸	۹۱٫۵	۲۳۲٫۵	۱۰۹٫۴	۳۳۳٫۱	۸۷٫۷	۱۰۸٫۰	سرک/راه	
۳۲۴۱۰٫۶	۶۵۹٫۰	۱۳۰٫۲	۲۳۴٫۲	۱۴۶٫۶	۸۳۱٫۳	۶۷٫۳	۱۰۶٫۵	ساحات خالی	
۲۹۵٫۹	۰٫۱	۰٫۰	۰٫۰	۱٫۲	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	تعمیرات تحت کار	
۱۲۰۰۸۰٫۵	۲۱۵۸٫۰	۱۲۵۴٫۹	۲۷۸۰٫۵	۱۴۷۲٫۲	۳۲۳۶٫۵	۷۱۱٫۴	۹۳۷٫۰	مجموع اعمار شده	
۱۲۶۰۵۹٫۶	۱۷۵۹٫۳	۱۸۶۹٫۶	۵۸۵۳٫۴	۲۱۷۷٫۰	۳۶۸۴٫۲	۲۱۴۳٫۹	۸۳۲٫۲	کشاورزی	
۸۸۷٫۶	۰٫۰	۱۰٫۶	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	ساحات سبز	
۱۲۰۸٫۳	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	جنگل	
۱۱۷۵۷٫۹	۱۳۴٫۱	۱۹۹٫۴	۷۵۱٫۵	۱۱۶٫۴	۴۳٫۸	۵۳٫۶	۱۹۵٫۱	آب	
۱۱۵۲۲۲٫۱	۷۷۱٫۵	۷۳۱٫۲	۱۳۵۸٫۵	۲۱۲۷٫۱	۳۷۰٫۵	۸۰٫۹	۲۸۵۵٫۵	دشت	
۲۵۵۱۳۵٫۴	۲۶۶۴٫۹	۲۸۱۰٫۷	۷۹۶۳٫۳	۴۴۲۰٫۵	۴۰۹۸٫۴	۲۲۷۸٫۴	۳۸۸۲٫۸	مجموع غیر اعمار شده	
۹۶۲٫۴۶۷	۱۷٫۸۷۸	۷٫۹۵۶	۲۸٫۶۹۱	۱٫۷۳۹	۱۹٫۵۱۱	۵٫۶۷۵	۵٫۴۶۲	مجموع خانه ها	
۳۱۵٫۵۵۶	۳٫۴۳۵	۴٫۷۲۶	۵٫۵۹۳	۲۶	۶۰٫۱۷	۳۱۰	۱٫۷۷۷	خانه های منظم	
۵۲۴٫۰۷۴	۱۴٫۴۴۳	۳٫۱۸۴	۲۳٫۰۹۸	۱٫۷۰۷	۱۳٫۱۸۸	۵٫۳۶۵	۳٫۶۸۵	خانه های نامنظم	
۷۱٫۷۸۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	خانه های دامنه کوه	
۲۸٫۹۴۹	۰	۰	۰	۰	۳۰۶	۰	۰	اپارتمان ها	
۹٫۲۲۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اپارتمان های مختلط	
۱۲٫۸۷۴	۰	۴۶	۰	۶	۰	۰	۰	کمپ مهاجرین/کوچی/دیگر	

- Afghanistan National Development Strategy. (2012). A strategy for security, governance, rules of law, human rights, social and economic growth and poverty reduction. Vol.3, p-376.
- Afghanistan Research and Evaluation Unit. (2014). The A to Z guide to assistance in Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- Ahmadian, A. B. (2013). Afghanistan and Iran cooperation on border issues, Afghan Institute for Strategic Studies: Kabul, Afghanistan.
- Aljazeera. (2014). 'Violent crimes against Afghan women hit record high, says rights chief'. Accessed on: 22/10/2014. <http://america.aljazeera.com/articles/2014/1/5/violent-crime-againstafghanwomenhitsrecordlevels.html>
- Angel, S. et. al. (2010). Atlas of Urban Expansion, Cambridge, MA: Lincoln Institute of Land Policy: Cambridge, USA. <http://www.lincolnst.edu/subcenters/atlas-urban-expansion>
- ARAZI. (2014). Strategic plan. Government of Afghanistan. Available at: <http://www.humanitarianresponse.info/system/files/documents/files/English%20version%20of%20%20Strategy%20for%20ARAZI%20-%2010%20March%202014.pdf>
- AREU. (2006). Urban Livelihoods in Afghanistan, synthesis paper series: Kabul, Afghanistan. <http://www.areu.org.af/Uploads/EditionPdfs/626E-Urban%20Livelihoods%20in%20Afghanistan-SP-web.pdf>
- AREU. (2014). A to Z guide to assistance in Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- AREU. (2014). Governance in Afghanistan: An Introduction: Kabul, Afghanistan.
- AREU. (2014). Working Paper: The social life of the onion: the informal regulation of the onion market in Nangarhar: Afghanistan.
- Asia Foundation. (2013). Afghanistan in 2013: A Survey of the Afghan People, Asia Foundation: Kabul, Afghanistan.
- AUWSSC official website. (2015). Government of Islamic Republic of Afghanistan. <http://www.auwssc.gov.af/index.php/en/component/content/article?id=10>
- Balland, D. (2014). 'Census ii. In Afghanistan', Encyclopaedia Iranica, Vol. v, Fasc. 2, pp. 152-159, <http://www.iranicaonline.org/articles/census-ii>, Accessed on 16 September 2014.
- Baruah, N. and Wickramasekara, P. (2013). Labour migration for decent work in Afghanistan: issues and challenges: ILO Regional Office for Asia and the Pacific.
- Central Statistics Organization. (2009). Integrated Business Enterprise Survey 2009, Government of Islamic Republic of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- Central Statistics Organization. (2014). Afghanistan Living Conditions Survey (ALCS): Kabul Afghanistan.
- Central Statistics Organization. (2014). Afghanistan Statistical Yearbook 2011-12 and 2012-2013: Kabul Afghanistan.
- Central Statistics Organization. (2014). Estimated Settled Population by Civil Division, Urban, Rural and Sex-2014-15: Kabul, Afghanistan.
- Central Statistics Organization. (2014). National Risk and Vulnerability Assessment 2011-12, Afghanistan Living Condition Survey: Kabul, Afghanistan.
- CIA World Factbook. (2014). Accessed at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/af.html>
- Cordesman, A. H. and Chair, A. A. (2012). The U.S. cost of the Afghan war: FY 2002-FY2013 cost in military operating expenditures and aid and prospects for "transition", Center for strategic and international studies: Washington DC, USA.
- Creskoff, S. and Walkenhorst, P. (2009). "Implications of WTO disciplines for special economic zones in developing countries", Poverty Reduction and Economic Management Network, International Trade Department, World Bank, Policy Research Working Paper no. 4892
- Delawari, N. (2013). Housing Finance Program in Afghanistan. Da Afghanistan Bank: Kabul, Afghanistan.
- Demographia. (2015). World Urban Areas, built-up urban area or urban agglomeration, 11th Annual edition 2015:01
- Department for Disaster Preparedness. (2010). National Disaster Management Plan, Afghanistan.
- Eurostat. (2013). Comext ,Statistical regime 4, Directorate general for trade: European Commission

- Republic of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- Rabbani, S.M. (2014). Study of Kabul housing market, Afghanistan Investment Support Agency: Kabul, Afghanistan.
- Razaq, H. (2013). Review of Wakil-e-Gozars' Duties and Their Relationship with Administrative Corruption, Integrity Watch Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- Samuel Hall. (2011). Commercial Law needs assessment, Survey Commissioned by the Deutsche Gesellschaft fur Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH
- Samuel Hall. (2011). Jogi, and Chori Frosh communities: a story of marginalisation. For UNICEF.
- Samuel Hall. (2011). Research Study to determine the priorities for the implementation of standards in Afghanistan and evaluate the demand for services of the Afghan National Standards Authority in the private sector, Commissioned by UNIDO
- Samuel Hall. (2012). Challenges of IDP protection: Research study on the protection of internally displaced persons in Afghanistan, for NRC.
- Samuel Hall. (2012). Time to Move to Sustainable Jobs: A Study of the State of Employment in Afghanistan, Commissioned by the ILO.
- Samuel Hall. (2014). A community perception survey of mining in Afghanistan, Commissioned by the World Bank.
- Samuel Hall. (2014). A Study of Poverty, Food Security and Resilience in Afghan Cities. For DRC and PIN
- Samuel Hall. (2015). Special Economic Zones in Afghanistan, Commissioned by Harakat.
- Smith, K. R. (2006). Health impacts of household fuelwood use in developing countries. UNASYLVA-FAO- 57.2: 41.
- State of the World's Minorities and Indigenous People. (2014). Minorities Rights Group International.
- Statistics agency under the president of Tajikistan (2010).
- Sub-National Governance Policy draft. (2010). Independent directorate of local governance (IDLG), Government of Islamic Republic of Afghanistan.
- Suwal, R. and Pant, B. (2009). Measuring Informal Sector Economic Activities in Nepal, Paper Prepared for the Special IARIW-SAIM Conference on "Measuring the Informal Economy in Developing Countries": Kathmandu, Nepal.
- Transparency International. (2014). The 2014 corruption perceptions index. Accessed at: <http://www.transparency.org/cpi2014>
- Umarov, K. (2013). Trade and Economic Relations between the Republic of Tajikistan and the Islamic Republic of Afghanistan, working paper no. 13, University of Central Asia.
- UN data country profile. (2014). Afghanistan. Accessed at: <https://data.un.org/CountryProfile.aspx>
- UNAMA. (2014) The Stolen Lands of Afghanistan and its People, the legal framework, Rule of Law Unit: Kabul, Afghanistan.
- UNDP. (2013). Afghanistan's Sub National Governance Programme, Annual Progress Report: Kabul, Afghanistan.
- UNEP. (2008). Afghanistan's Environment, Islamic Republic of Afghanistan.
- UNEP. (2015). Afghanistan Climate Data Analysis.
- UN-Habitat and UNESCAP. (2008). Housing the poor in Asian Cities: Bangkok, Thailand
- UN-Habitat and UNESCAP. (2014). Pro-Poor Urban Climate Resilience in Asia and the Pacific: Nairobi, Kenya.
- UN-Habitat. (2009). Solid Waste Management in the World's Cities; Water and Sanitation in the world's cities: Earthscan-Routledge, London.
- UN-Habitat. (2010). The State of Asian Cities: Asia and Pacific 2010/2011: Fukuoka, Japan.
- UN-Habitat. (2012). State of the World's Cities Report 2012-2013: The Prosperity of Cities; Earthscan-Routledge, London.
- UN-Habitat. (2012). The State of Urban Youth 2012/13: Youth and the Prosperity of Cities. UN-Habitat: Nairobi, Kenya.
- UN-Habitat. (2014). Afghanistan's Urban Future. Discussion Paper #1. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/afghanistans-urban-future/>
- UN-Habitat. (2014). The Evolution of National Urban Policies, A global overview: Nairobi, Kenya.
- UN-Habitat. (2014). Urban Solidarity. Discussion Paper #2. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/urban-solidarity-community-led-neighbourhood-upgrading-by-people-for-people>
- UN-Habitat. (2015). A Home for All Afghans. Discussion Paper #5. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/a-home-for-all-afghans/>
- UN-Habitat. (2015). Afghan Cities for Life. Discussion Paper #6. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/afghan-cities-for-life-respecting-and-protecting-the-environment-for-healthy-and-livable-cities/>
- UN-Habitat. (2015). Guiding Urban Growth. Discussion Paper #4. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/guiding-urban-growth/>
- UN-Habitat. (2015). Knowing Kabul. Discussion Paper #10. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan.
- UN-Habitat. (2015). Managing Land, Mobilising Revenue. Discussion Paper #3: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/managing-land-mobilizing-revenue-strengthening-municipal-finance-and-land-administration-through-property-registration-and-taxation/>
- UN-Habitat. (2015). Municipal Governance. Discussion Paper #7. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/municipal-governance-a-vital-piece-of-the-sub-national-governance-puzzle/>
- UN-Habitat. (2015). Inclusive Cities. Discussion paper #8. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/inclusive-cities-toward-gender-equality-youth-empowerment-and-non-discrimination-discussion-paper-8/>
- UN-Habitat. (2015). Understanding Urbanisation. Discussion paper #9. UN-Habitat: Kabul, Afghanistan. <http://unhabitat.org/>

- Farole, T. (2010). "Second best? Investment Climate and Performance in Africa's Special Economic Zones", International Trade Department, World Bank, Policy Research Working Paper no. 54
- Fitrat, A.Q. (2010). Building a vibrant Afghanistan affordable housing market, *Asia-Pacific Housing Journal*, vol.4, No. 11.
- Foschini, F. (2013). The social wandering of the Afghan Kuchis. *Afghanistan Analysts' Network*.
- GDMA official website. (2015). Government of Islamic Republic of Afghanistan. Accessed at: <http://gdma.gov.af/en/page/gdma-introduction/gdma-at-a-glance>
- Giovaacchini, T. (2013). Land Reform in Afghanistan (The LARA Project), Jalalabad City Profile, Tetrattech ARD: USA
- Giuliano, G., et.al. (2008). Metropolitan Spatial Trends in Employment and Housing: Literature Review, Special Report 298: University of California, Los Angeles.
- GoIRA, Ministry of Education. (2015). School Student by Area [Data file]. Accessed at: <http://moe.gov.af/en/page/1831/3031>
- GoIRA. (2004). Afghanistan Constitution. Accessed at: <http://moj.gov.af/en/page/1684>.
- GoIRA. (2004). Afghanistan Constitution. Accessed at: <http://moj.gov.af/en/page/1684>.
- GoIRA. (2007). National Action Plan for Women of Afghanistan 2008 - 2018; <http://mowa.gov.af/en/page/6686>
- GoIRA. (2007). National Land Policy.
- GoIRA. (2010). National Priority Program, Local Governance: Kabul, Afghanistan.
- GoIRA. (2013). National Policy on Internally Displaced Persons IDPs, Ministry of Refugees and Repatriation.
- GoIRA. (2014). Realizing Self-Reliance. Commitments to Reforms and new Partnership. London Conference on Afghanistan.
- Harakat, (n.d.). Labour Market Intelligence for a Demand Driven Labour Force in Afghanistan, http://www.harakat.af/site_files/14000670341.pdf.
- Harakat. (2014). Mortgage market assessment in 5 major cities of Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- Heintz, J. and Vanek, J. (2007). Employment, the Informal Sector, and Poverty: Data and Analytical Challenges, For the China-India Labour Market Research Design Conference Cambridge, Massachusetts.
- Husmanns, R. (2004). Measuring the informal economy: From employment in the informal sector to informal employment, Policy Integration Department Bureau of Statistics, International Labour Office, working paper no. 53, Geneva.
- IDLG/GDMA. (2014). Assessment of Municipalities, GDMA Database: Kabul, Afghanistan.
- Integrity Watch Afghanistan. (2014). National Corruption Survey. Afghan Perceptions and Experiences Of Corruption: Kabul, Afghanistan.
- International Bureau of Education. (2011). World Data on Education, VII Ed. 2010/2011, Islamic Republic of Afghanistan.
- International Labour Office. (2013). Measuring informality: a statistical manual on the informal sector and informal employment, Geneva.
- International Labour Organization. (2012). Afghanistan: Time to move to sustainable jobs, Study on the state of employment in Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- JICA. (2011). Draft Kabul City Master Plan.
- Joya, O. and Khan, F. (2014). Afghanistan Economic Update, Washington DC, World Bank Group.
- Kabul Municipality Official website (2015). Government of Islamic Republic of Afghanistan. Accessed at: <http://km.gov.af/en>
- Laboratorio Di Geografia Sociale, Università Degli Studi Di Firenze. (2013). Herat Strategic Masterplan : A vision for the future, Islamic Republic of Afghanistan.
- McCallum, J.K. (2011). Export Processing Zones: Comparative data from China, Honduras, Nicaragua and South Africa, Industrial and Employment Relations Department, ILO, Working paper no. 21
- Ministry of Commerce and Industry. (2014). Ministry of Commerce and Industry Business Plan, Government of Islamic Republic of Afghanistan: Kabul, Afghanistan
- Ministry of Finance (2014). Development Cooperation Report 2011, 2012, 2013: Kabul, Afghanistan.
- Ministry of Finance. (2014). Regional Economic Outlook Update; Middle East and Central Asia Department: Washington, USA.
- Ministry of Interior official website. (2015). Accessed at: <http://moi.gov.af/en/page/5718/5729> <http://ipcb.files.wordpress.com/2013/06/13-04-02-ten-year-vision-english-final-version.pdf>
- Ministry of Public Health and UNICEF. (2013). National Nutrition Survey 2013. Government of Islamic republic of Afghanistan.
- Ministry of Urban Development Affairs official website. Accessed at: <http://muda.gov.af/en/page/3555>
- Ministry of Urban Development Affairs. (2012). Urban issues analysis as a base for Urban future of Afghanistan, World urban forum 6: Afghanistan.
- NATO and GoIRA. (2012). Chicago Summit Declaration on Afghanistan. http://www.nato.int/cps/en/natolive/official_texts_87595.htm
- NRC. (2015). Listening to women and girls displaced to urban Afghanistan. NRC and TLO, Jan 2015.
- Oxfam. (2013). Women and the Afghan police, 173 Oxfam working paper.
- Pakistan Afghanistan Joint Chamber of Commerce. (2013). Pak-Afghan trade: Trends and Issues, perceptions of business community. [http://www.pajcci.com/Downloads/2nd%20Trade%20Survey%20Final\(I\).pdf](http://www.pajcci.com/Downloads/2nd%20Trade%20Survey%20Final(I).pdf)
- Popal, A. B. (2014). Municipalities in Afghanistan, Independent Directorate of Local Governance (IDLG), Government of Islamic

- understanding-urbanisation-monitoring-urban-dynamics-in-a-fragile-and-resource-constrained-context-discussion-paper-9/
- UNHCR and AREU. (2014). Why do Children Undertake the Unaccompanied Journey: Kabul, Afghanistan.
- UNHCR. (2013). Global Report – Afghanistan. Accessed at: <http://www.unhcr.org/539809fa6.html>
- UNHCR. (2014) Statistical Yearbooks (2005 - 2012). Accessed at: <http://www.unhcr.org/pages/49e486eb6.html>
- UNHCR. (2014). Global Reports 2001 – 2013; Available at: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/search?page=49e486eb6&coi=AFG&scid=49aea93a73&keywords=operations>
- UNHCR. (2014). Volrep and Border Monitoring IDP Monthly Update. December 2014.
- UNHCR. (2014-15). Global Appeal, Afghanistan. Accessed at: <http://www.unhcr.org/ga14/index.xml>
- UNICEF. (2011). Afghanistan Country Office, WASH Factsheet.
- United Nations Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2014). World Urbanization Prospects: The 2014 Revision, CD-ROM Edition.
- United Nations. (2000). Security Council Resolution 1325.
- United Nations. (2014). Urbanisation and Sustainable Development: Towards a New United Nations Urban Agenda. CEB high-level panel on Programmes.
- United Nations. (2015). Afghanistan Quarterly; Volume 5, Issue 1; Spring 2015.
- USAID. (2011). Kabul Urbanization and development Challenges: A synthesis report, Agha Khan trust for Culture: Kabul, Afghanistan.
- USAID. (2014). Kabul City Initiative (KCI). Final report, Islamic Republic of Afghanistan.
- Wadsan News. (2013). AISA calls on donor countries to finance Afghanistan's industrial parks. Wadsan Newspaper. Accessed at: <http://wadsam.com/afghan-business-news/aisa-calls-on-donor-countries-to-finance-afghanistans-industrial-parks-876/>
- Waldman, M. (2008). Falling Short: Aid effectiveness in Afghanistan, Acbar advocacy series, Oxfam International: Afghanistan.
- Welt Hunger Hilfe. (2015) Post Distribution Monitoring Winter Assistance 2014-2015 Kabul Informal Settlements: Afghanistan.
- White, D. P., et.al. (2013). Would You Be Happier Living in a Greener Urban Area? A Fixed-Effects Analysis of Panel Data, Psychological Science.
- World Bank. (2004). Rural Finance in Afghanistan: The Challenge of the Opium Economy. Workshop Paper 1.
- World Bank. (2004). Trade and Regional Cooperation between Afghanistan and its Neighbors, Report No. 26769, Poverty Reduction and Economic Management Sector Unit: South Asia Region.
- World Bank. (2010). Special Economic Zones: Progress, Emerging Challenges and Future Directions, edited by Thomas Farole and Gokhan Akinci, The World Bank
- World Bank. (2011). Chinese investments in Special Economic zones in Africa: Progress, Challenges and Lessons Learned.
- World Bank. (2011). Research study on IDPs in urban setting- Afghanistan: Kabul, Afghanistan.
- World Bank. (2012). Urban Risk Assessment: Understanding Disaster and Climate risk in cities.
- World Bank. (2012). What a Waste: a Review of Solid Waste Management. Washington, DC: World Bank Group
- World Bank. (2014). "Doing Business 2015: Going Beyond Efficiency". Washington, DC: World Bank Group.
- World Bank. (2014). Afghanistan Economic Update, Macroeconomics and Fiscal Management Global Practice: Kabul, Afghanistan.
- World Bank. (2014). World Development Indicators.
- World Bank-FIAS. (2008). Special Economic Zones: Performance, lessons learned and implications for zone development.
- World Economic Outlook. (2014). Recovery Strengthens, Remains uneven, World Economic and Financial Surveys, International Monetary Fund.
- Yusuf, F. (1990). Size and socio demographic characteristics of the Afghan refugee population in Pakistan, Journal of Biosocial Sciences, vol. 23 (3), pp. 269-279

وضعیت شهرهای افغانستان ۲۰۱۵

آینده افغانستان شهری است. انتظار میرود که جمعیت افغانستان در ۱۵ سال آینده دو برابر گردیده و تا سال ۲۰۶۰، از هر دو افغان یکی آن در شهرها زندگی خواهند کرد. و برای اینکه یک همچون انتقال درست مدیریت شود و از آن برای انکشاف اقتصادی و اجتماعی استفاده گردد، اطلاعات و معلومات دقیق حیاتی و ضروری میباشد.

گزارش وضعیت شهرهای افغانستان برای اولین بار ارزیابی وضعیت و حالات مراکز ولایتی ۳۴ ولایت افغانستان را فراهم میسازد که این مراکز ولایات خانه بیشتر از ۸ میلیون تن را تشکیل میدهد. این موضوع آشکار میسازد که شهرهای افغانستان نیروی محرک انکشاف اقتصادی و اجتماعی، دولت سازی و اعمار صلح میباشد، با این حال پتانسیل کلی اینها را بدلیل عدم وجود یک پالیسی شهری مؤثر و چارچوب قانونی مؤثر، سرمایه گذاری ضعیف و نا مؤثر، و همچنان اداره ضعیف شاروالی و مدیریت ضعیف اراضی، محدود گردانیده است. این راپور و اطلاعات مرتبط آن، اولین قدم مهم برای پلانگذاری ستراتیژیک و تصمیم گیری مبتنی بر شواهد در راستای ترویج رشد شهری فراگیر و مناسب در افغانستان میباشد.

راپور فعلی در دو جلد تهیه گردیده است. جلد اول راپور، شرحی از موضوعات کلیدی شامل حکومتداری شاروالی، اقتصاد شهری، دسترسی به زمین و مسکن و محیط شهری میباشد. در جلد دوم این راپور، اطلاعات و نقشه های مراکز ۳۴ ولایت افغانستان گنجانده شده است.

این گزارش یک گام نو برای تجزیه و تحلیل تغییرات شهری و چالش های نوظهور در افغانستان است. سرمایه گذاری مستمر و دائمی در شهری شدن و شهرنشینی به عنوان یک گرداننده رشد و انکشاف اقتصادی-اجتماعی برای بهبود اقتصادی و پالیسی های شهری ضروری میباشد. پالیسی ملی شهری، مدیریت اراضی و حکومتداری شاروالی، و بعضی از چالش های کلیدی کشور در سالهای اخیر، باید در اجرای اهداف انکشافی پایدار و آجندای نو شهری که در اسکان بشر ملل متحد-هیئات III در سال ۲۰۱۶ تعریف میگردد، اولویت گذاری شود.

جان کلاس، رئیس اجراییه اسکان بشر ملل متحد-هیئات